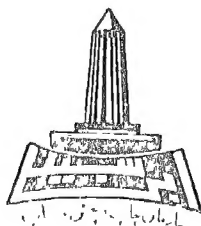
دکتر زهرای خانلری (کیا)

دانشیار دانشکدهٔ ادبیات

راهنمای ادبیّات فارسی

(فرهنگ اعلام و اصطلاحات)



از این کتاب دوهزار و دویست و پنجاه نسخه در اردی‌بهشت ۱۳۴۱
در چاپخانهٔ دانشگاه طبع شد

از همین مؤلف

پروین و پرویز (رمان)

ژاله (رمان)

داستانهای دل‌انگیز ادبیات فارسی — برندهٔ جایزهٔ یونسکو

ترجمه

رنجهای جوانی ورتر	اثر	آندره‌موروا نویسندهٔ فرانسوی
شبهای روشن	«	داستایوسکی نویسندهٔ روسی
بیست داستان	«	پیراندلو نویسندهٔ ایتالیائی

ناشر: کتابخانهٔ ابن سینا

چاپ اول

به یاد

« آرمان »

پسرک عزیز ناکامم که در هشت سالگی درگذشت و من، پس از دو سال، هنوز مرگ او را باور ندارم.

شوق او به کتاب خواندن و آموختن نکته‌های ادبی مرا به این کار برانگیخت.

افسوس که کتاب را با امیدی فراوان آغاز کردم و با غم و دردی بی پایان به انجام رسانیدم.

زهرای خانلری (کیا)

بهمن ماه ١٣٤٠

مقدمه

این کتاب به منظور آن فراهم شده است تا همهٔ کسانی را که با ادبیات فارسی سروکار دارند، راهنمائی باشد و هر کس بتواند برای رفع مشکلی یا شبهه‌ای در هرمورد به آن مراجعه کند وازآن به‌عنوان مددی برای حافظه بهره‌ور گردد.

در ادبیات فارسی خاصه در شعر غالباً به نکته‌هائی برمی‌خوریم که اشاره به واقعه‌ای تاریخی یا داستانی است وشاعر ازآن واقعه یا اشارهٔ به شخص یا داستان به مثل واستعاره یاد کرده است. دریافتن لطف شعر وغرض شاعر جز بادانستن آن داستان و شناختن آن اشخاص میسر نیست. گذشته ازاین در شعر فارسی همیشه به علوم مختلف از نجوم و منطق والهیات و عرفان و اصطلاحات ادبی اشاره شده است و درک مفهوم شعر محتاج آشنائی بااین اصطلاحات واشارات است.

موضوع کتابهای مهم علمی وادبی فارسی از تاریخ وفلسفه وشعر وعرفان وهیئت ونجوم وریاضی وهندسه ورشته‌های مختلف ادبیات نیز غالباً مورد اشکال است ونام مؤلف وتاریخ تألیف ومطالبی که آن کتابها متضمن است در خاطرها نمی‌ماند و همه برای رفع شبهه محتاج‌اند که به مأخذی رجوع کنند.

این کتاب برای رفع این‌گونه نیازمندیها تألیف شده است تا هر خواننده‌ای به‌آسانی بتواند موضوع اشکال یاابهام را در آن بیابد و به

مختصرترین عبارتی از نکتهٔ مقصود مطلع شود .

مطالبی که دراین کتاب جمع‌آوری شده از قرار ذیل است :

۱ــ ترجمهٔ حال بزرگان علم و ادب ایران که به زبان فارسی یاعربی آثار برجسته‌ای دارند .

۲ــ نام بزرگان تاریخی که به طریقی درنظم‌ونثر ادبیات‌فارسی به آنها وسوانح زندگیشان اشارت شده است .

۳ــ نام و احوال اشخاص بزرگ داستانی که در ادبیات فارسی مورد تمثیل واستعاره واشاره واقع شده اند .

۴ــ نام واحوال پیغمبران وبزرگان دین و داستانهای مربوط به ایشان که درادبیات فارسی به آنان اشاره شده است .

۵ــ نام‌وعنوان وموضوع کتابهای‌مهمی که‌دانشمندان و ادیبان ایرانی به‌زبان‌فارسی‌یاعربی تألیف کرده‌اند باذکرآخرین ومتداول‌ترین چاپ آنها .

۶ــ اصطلاحات مهم‌علم هیئت‌ونجوم که‌درشعرفارسی‌آمده‌است .

۷ــ اصطلاحات معروف منطق و الهیات که در شعر فارسی به آنها برمی‌خوریم .

۸ــ نکته‌های اصلی ومهم علم عروض .

۹ــ اصطلاحات وتعریفات علم قافیه .

۱۰ــ اصطلاحات وتعریفات مهم علم بیان وصنایع بدیع

شک نیست که در این زمینه کتابی چندین برابر کتاب فعلی می‌توان تألیف کرد که شامل چندین جلدباشد ونگارنده خودزمینهٔ‌چنین تألیفی‌را فراهم آورده است وامیدواراست که توفیق بیابد وآن‌رابزودی

به پایان برساند، اما آن تألیف هدف وغرض دیگری دارد ومؤلف دراین کتاب بیشتر جنبهٔ تربیتی را درنظر گرفته است تا جنبهٔ تحقیقی. یعنی نخواسته است کتابی بسازد که مورد مراجعهٔ محققان باشد، بلکه بیشتر قصد آن بوده است که از اطلاعات و معلومات مربوط به ادبیات فارسی آنچه مورد احتیاج واستفادهٔ علاقه‌مندان به شعروادب وتاریخ ادبیات ایران است وخاصه دانش‌آموزان ودبیران ودانشجویان را به کار می‌آید، در اینجا فراهم بیاورد و این نکات را به شیوه‌ای مرتب کند که در هر مورد یافتن آنها با مراجعه به این کتاب هرچه آسانتر انجام بگیرد وبه این سبب چه در مواد مندرج در کتاب وچه درتوضیح وبیان هرماده تاتوانست به اختصار کوشید و گمان می‌کند که برای منظوری که درپیش داشته است ازاین مقدار تجاوز بسیار جایز نیست.

در این کتاب ممکن است نقصها وخطاهائی راه یافته باشد که مؤلف امیدواراست بایادآوری خوانندگان دانشمند ومطالعاتی که خود به عمل خواهدآورد درچاپهای آینده برطرف شود. همچنین غلطهائی درچاپخانه بوجود آمده است مانند شکستگی حروف یا جابجا شدن عنوانها که بیشتر آنها درغلطنامه یادآوری شده است.

حروف راهنما دربالای صفحه‌ها برحسب حروف اول‌آخرین ماده درصفحه تنظیم شده است وبرای هرنوع مطالب و هریک از رشته‌های علمی وادبی دربرابرهرماده علامتی اختصاری قرار گرفته که خوانندگان فهرست آنها را درصفحهٔ جداگانه ملاحظه خواهند کرد.

زهرای خانلری (ک.ا)

بهمن‌ماه ۱۳۴۰

نشانه‌های اختصاری

ب	بزرگان علم وادب
ك	کتاب
ش- ت	اشخاص تاریخی شاهنامه
ش-د	اشخاص داستانی شاهنامه
د	اشخاص داستانی
تن	تاریخ انبیاء
ب	علم بدیع وبیان
ع	علم عروض
ق	علم قافیه
ط	منطق والهیات
نج	هیئت و نجوم

غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	درست
۷	۱۰	رجوع به	رجوع شود به
۸	بالای صفحه	ا ب ن	ا ب ل
۱۲	۲۱	سر الملوك باسره ملوك الفرس	(سر الملوك باسره ملوك الفرس)
۲۰	بالای صفحه	ا و ب	ا ب و
۲۳	۱۳	لباب الالباب	لباب الالباب
۲۷	۳	بوده است	بوده اند
۲۷	۱۵	فاصلای	فاصلان
۲۹	۷	داداسته	داسته
۳۸	۱۵	است	اند
٤۱	بالای صفحه	ا س م	ا س ك
٤۲	»	ا س ت	ا س ب
٥٦	۳	ازار	از
٦۰	۱	بمی رود	به جاوس می رود
٦۱	۱۹	دورا	دور را
٦٥	۱۲	اعل	ذعل
٦۸	۱۹	اطعمه	اطعما
٦۹	۱٦	قسمس	قسمی
۷۰	بالای صفحه	ب و ر	ب و ز
۱۰۲	۸	بحر الرمان	بحر الرمانی
۱۰٥	۷	اماو	اما
۱۱۳	بالای صفحه	ب ی ه	ت و س
۱۱٤	»	ب ج ا	ت ی ه
۱۱٦	۸	دوازد	دوازده
۱٦۳	٤	[illegible]	[illegible]
۱۷۰	۱	دلال	حلال

صفحه	سطر	غلط	درست
۱۷۲	۷	شعر بت	بیت
۱۷۲	۹	فر نظام	فرو نظام
۱۷۶	۹	رشید	رسیدی
۱۷۶	آخر	دیگر	دیگر از آن از او
۱۷۸	۱۰	رما	رمل
۱۸۹	آخر	ریاضی	ریاض
۱۹٤	۱۲	یاری	بازی
۲۰٤	۱۱	بزغله	بزغاله
۲۰٦	۱۰	سر	سفر
۲۰۸	بالای صفحه	س ا م	س ل م
۲۰۸	ماقبل آخر	سام	سلم
۲۲۹	۱۰	نویسندگان	نویسندگان بر
۲۳۵	۳	رضوان	رضوی
۲٦۲	۸	مگوی و	مگوی
۲۹۳	۱	فصا	فصل
۳۰۲	۱۷	قس	ویس
۳۱۰	۵	وس او رمین	ویس و رامین
۳۱٤	آخر	ووعدة الابرار	وعدة الابرار
۳٤۵	۲۰	مجمع النواریح	مجمل التواریخ
۳٤۸	۱۷	محمد بن غاز	محمد بن غازی
۳۵۲	۱۰	جله	حلد
۳۵۲	۱۸	فکمه	تکمه
۳۷۹	۱۹	به حسام الدین حلبی	به حسام الدین چلبی ارادت می‌ورزند
۳۸۲	۱	دألبقاب	تألیفات
٤۲٤	۷	چارم	چهارم

آ

آباء علوی (نج) کنایه از هفت کوکب که به عقیدهٔ قدما در سرنوشت انسان تأثیر دارند.

به من نامشفقند آباء علوی

چو عیسی زان ابا کردم ز آبا

«خاقانی»

آب حیات (نس) آبی که خضر در طلب آن به ظلمات رفت و از آن نوشید و عمر جاودان یافت.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

«حافظ»

آب حیوان رجوع شود به آب حیات.

آب حیوان تیره گون شد خضر فرخ پی کجاست

گل بگشت از رنگ خود باد بهاران راست شد

«حافظ»

آب خضر (نن) رجوع شود به آب حیات.

آبی که خضر حیات از او یافت

در میکده جو که جام دارد

«حافظ»

آب زندگی (تن) رجوع شود به‌آب حیات

معنّی آب زندگی و روضهٔ ارم

جز طرف جویبار وسی خوشگوار چیست

«حافظ»

آتش خلیل (تن) آتشی که به‌فرمان نمرود برای سوزاندن ابراهیم خلیل‌الله افروخته شد، ولی به امر خدا آتش برابراهیم گلستان شد.

یارب این آتش که برجان من است

سرد کن زانسان که کردی برخلیل

«حافظ»

آتش طور (تن) آتشی که در کوه‌طور برموسی ظاهر شد و آن تجلی نورالهی بود و کوه ازآن پاره‌پاره گشت.

مددی گر به‌چراغی نکند آتش طور

چارهٔ تیره شب وادی ایمن چه کنم

«حافظ»

آتشکدهٔ آذر (ك) از تذکره های معروف. تألیف لطفعلی بیک آذر بیکدلی متخلص به«آذر» که درسال ۱۱۷٤ تألیف یافته است. دراین تذکره، شرح حال شاعران هند و ایران تا آخر قرن دوازدهم هجری ونمونه‌ای ازاشعارشان ضبط شده است. چنانکه خود مؤلف می‌گوید شاعران را برحسب بلادشان تقسیم کرده است، بدون رعایت سبقت‌زمان و تقدیم‌مرتبه. این ترتیب برحسب حرف اول نام‌شهر و حرف اول تخلص شاعراست. آتشکده شامل دو مجمره است: مجمرهٔ اول درذکراحوال و اشعار شاعران مقدم است؛ مشتمل بریک شعله درذکراحوال واشعار شاهزادگان وشاهان وامیران هردیار ازترك وتاجیك؛ وبه‌اخگردرذکر

شاعران ایران وتوران وهند؛ وهر اختر شامل چند شرار است؛ شامل اسم ولایتها؛ ویک فروغ دراحوال زنان عرولادت.

مجمرهٔ دوم دربیان حالات شاعران معاصر مؤلف، مشتمل بردو پرتو: پرتو اول درذکر افکار شاعران معاصر، وپرتو دوم درذکر اشعار واحوال مؤلف کتاب. (چاپ تهران)

آتشکدهٔ برزین یا آذر برزین مهر یکی از سه آتشکدهٔ بزرگ زردشتیان در دورهٔ ساسانی که درخراسان واقع بود وآتشکدهٔ خاص کشاورزان وبرزیگران بوده است.

کرد بستان زفروغ لاله گوئی آتشکدهٔ برزین است

ابوالفرج رونی

آتش وادی ایمن (ن) نوری که در وادی ایمن بر موسی ظاهر شد وخطاب آمد: انی انا الله.

زآتش وادی ایمن نه منم خرم وبس

موسی اینجا به امید قبسی می‌آید

حافظ

آثار الباقیه عن القرون الخالیه ([illegible]) کتاب مشهور دانشمند بزرگ ایرانی ابوریحان بیرونی، که آن را در سال ۳۹۱ هجری به نام قابوس بن وشمگیر نگاشته است. کتاب بزبان عربی است وموضوع آن تواریخ مختلف ملل واعیاد آنهاست. مؤلف ابتدا تواریخ ملل واختلافات آنها را شرح می‌دهد، واز اصطلاحات نجوم، ابجد، شب وروز، ایام کبیسه، درباره ملل مختلف گفتگو می‌کند، واز یهودیان تا زمان بنی‌اسرائیل وملوک آشور وبابل جدولهائی بدست داده است. تاریخ ایران را از کیان تا یزدگرد بن شهریار وزوال آل ساسان [illegible] می‌کند. اسواران [illegible]

بعد از اسلام می‌پردازد .

ابوریحان در شرح مباحث مختلف از منابع استفاده‌اش نام می‌برد همه‌جا از حمزهٔ اصفهانی ، طبری ، ابن‌خرداد به،واز منجمان بزرگ مانند ابومعشر بلخی مطالبی نقل می‌کند . ابوریحان در ضبط اخبار حقیقی دقت بسیار مبذول می‌دارد و در جائی که به چند قول مختلف برمی‌خورد ، آنها را باهم مقایسه کرده موثق‌ترین آنها را انتخاب می‌کند .

درهیچ تاریخی نمی‌توان اعیاد وروزها وعقاید ملل را بمبسوط‌تر ازاین کتاب یافت . (چاپ اروپا)

آدم(ابوالبشر) (پ) انسان نخستین، که‌خداوند او را از خاک آفرید و برطبق آیات قرآن ، پس از چهل روز ، روح به کالبد او دمیده شد . همهٔ ملائک بفرمان خدا آدم را سجده کردند جز ابلیس . خدای تعالی آدم را در بهشت جای داد وحوا را از پهلوی چپ او آفرید؛ وایشان را از خوردن گندم،وبه روایت تورات ازخوردن سیب منع کرد . ابلیس به کمک مار به بهشت رفت، و آدم و حوا را فریفت، تا گندم خوردند . حق تعالی برایشان خشم گرفت ودرخت طوبی را فرمود تا شاخه‌های خود را به هم آورد وآدم وحوا را برگرفت واز بهشت بیرون انداخت . آدم به هندوستان برکوه سراندیب فرود آمد و صد سال در آنجا طاعت کرد وگریست تا توبهٔ او قبول شد .

من ملک بودم وفردوس برین جایم بود
آدم آورد در این دیر خراب آبادم

«حافظ»

آذربیگدلی (ت) لطفعلی بیک .متوفی ۱۱۹۰ - از شاعران قرن

دوازدهم هجری. در اصفهان متولد شد و در زمان فتنهٔ افغان با خانوادهٔ خود به قم هجرت کرد و چهارده سال در آنجا اقامت جست. پس از پایان تحصیلات به شیراز و مکه سفر کرد و در بازگشت به خراسان رفت و هنگامی که سپاه نادر از هند برگشت، آذر به کمک سپاه او به مازندران رفت و سپس به اصفهان بازگشت. پس از قتل نادر در خدمت علیشاه و ابراهیم شاه و شاه سلیمان دوم و شاه اسمعیل سوم بسر برده سپس از آن کناره گرفت و به سرودن شعر پرداخت و فنون شعر را نزد استاد مشتاق اصفهانی آموخت و در قصیده و غزل از قدما پیروی کرد. از آثار او مثنوی «یوسف و زلیخا» ست. دیگر تذکرهٔ آتشکده که از تذکره‌های معروف فارسی است.

آذرگشسب (ت) آتشکده‌ای بوده است در شهر شیز آذربایجان که در دورهٔ ساسانیان عبادتگاه خاص شاهان و سپهبدان بوده است

همچون که هر چه داری ز اسب

در سوی آذر گشسب

[illegible]

آرش کمانگیر (اس. خ) نام پهلوان ایرانی که بنابر روایات باستانی در لشکر منوچهر بود و برای تعیین مرز ایران و توران تیری از آمل باساری انداخت که در کنار «جیحون» فرود آمد.

اگر خوانند آرش را کمانگیر

که از ساری به مرو انداخت یک تیر

تو اندازی به جان من ز گوراب

همی هر ساعتی صد تیر پرتاب

«[illegible]»

آزر (نن) پدر ابراهیم پیغمبر، که پیشهٔ بت‌تراشی داشت .

بود با نو هدر وسواس سیطان
چنان چون با پسر تعلیم آزر
«انوری»

آزری (بن) منسوب به آزر بت‌تراش پدر ابراهیم خلیل .

دگر به‌روی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه بتهای آزری بشکست
«سعدی»

آفتاب (نج) دراصطلاح نجومی گاهی خورشیدرا «آفتاب» می‌خوانند .
آفتاب درفلک چهارم قرار گرفته است .

آغاجی (ت) «ابوالحسن علی بن الباس آغاجی بخارائی» از امیران معروف دربار سامانی ومعاصر نوح بن منصور پادشاه سامانی (۳۶٦-۳۸۷) ودقیقی شاعراست . آغاجی درشعر فارسی و عربی دست داشته است . ازآثارش تنها بعضی ابیات وقطعات پراکنده باقی است .

آملی (ت) علامه شمس الدین محمدبن محمود آملی -وفات ۷۵۳- ازعالمان قرن هشتم هجری که در زمان الجایتو، سلطان محمد خدابنده، مدرس سلطانیه بوده و با قاضی عضدالدین ایجی مناظره داشته‌است . علامه آملی شیعی مذهب بود وسفری به بیت‌الحرام کرد و گویا پس ازمرگ سلطان ابوسعید درهرج ومرجی که رخ داد ازسلطانیه به شیراز مهاجرت کرد ودرهمانجا وفات یافت .

ازآثار معروف او کتاب «نفایس الفنون» است که گویا در اواخر عمر تألیف کرده وبه نام ابواسحق اینجو ساخته است . دیگر ازآثار او «شرح کلیات قانون ابوعلی سینا» و «شرح کلیات کتاب طب سید شرف الدین»

ایلاقی و«شرح مختصر الاصول ابن حاجب» و«تهذیب الاصول علامهٔ حلی» علامهٔ آملی درفنون وعلوم مختلف استاد بود .

آیین اکبری (ك) تألیف شیخ ابوالفضل دکنی وزیر و پیشکار اکبرشاه (رجوع شود به اکبرنامه) .

آینهٔ اسکندر (س- د) یا آینهٔ سکندر آینه‌ای بود که بربالای منار اسکندریه، که ازبناهای اسکندر در کنار دریای روم بود، نصب شده اوضاع فرنگ و کشتیها را ازصدمیل نشان می‌داد . شبی برابر غفلت پاسبانان فرنگان آن را درآب انداختند و اسکندریه را برهم زدند .

درشعر فارسی گاهی «آینهٔ سکندر» مرادف با «جام جم» آمده است . (رجوع به این کلمه)

آینهٔ سکندر جام می است بنگر
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

«حافظ»

آینهٔ اسکندری (ل-) ازجملهٔ پنج مثنوی امیرخسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۹ به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی ساخته است .

ابجد - رجوع شود به حساب ابجد .

ابراهیم (دن) ابراهیم خلیل‌الله: از پیغمبران و پسر آزر بت‌تراش بود . ابراهیم نمرود ومردم را ازبت‌پرستی باز می‌داشت وبه پرستش خدای یگانه دعوت می‌کرد ، ولی نمرود دعوت او را نپذیرفت وسرانجام به راهنمائی ابلیس دستور داد که ابراهیم را گرفتند ودرآتش انداختند . به فرمان خدای تعالی آتش سرد شد و گلستان گشت وابراهیم نجات یافت . ابراهیم خانهٔ کعبه را بنا نهاد و حجرالاسود به فرمان خدا در آن [illegible] [illegible] وازآن جمله [illegible] ابراهیم ازهاجر [illegible]

یافت به‌نام اسمعیل ، وچون نذر کرده‌بود که‌اگر پسری یابد قربان کند، به هنگام چهارسالگی اسمعیل ، ازخداوندفرمان رسید که باید به‌عهدش وفا کند. ابراهیم واسمعیل از این کار کراهت نشان ندادند، اما به‌فرمان خدا به موقع گوسفندی رسید تا بجای اسمعیل قربان شود . از آن پس قربانی کردن در کعبه فرض شد .

یمان زآتش غوغای حادثات مصون

چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم

«انوری»

کلکس ازبهر شرف تسلیم تیغ آمد بلی

سرنبت بفزود اسماعیل را تسلیم او

(خاقانی)

ابراهیم موصلی (ب)ابواسحق ابراهیم بن ماهان معروف به ندیم موصلی (که بعدها خود او نام پدرش را به میمون بدل کرده است) از خاندانهای محترم ارجان فارس بود . پدرابراهیم به کوفه مهاجرت کرد . ابراهیم در کوفه متولد شد وپس ازآن به موصل رفت و درآنجا اقامت گزید ویه موصلی شهرت یافت . علم وفن موسیقی را در موصل وسپس درری نزد جوانویه نام زردشتی آموخت ودختر او شاهک را به ازدواج خود درآورد . وی در دربار هارون الرشید، خلیفهٔ عباسی، مقامی عالی داشت و از پیشوایان و واضعان موسیقی اسلامی به شمار می‌رود .وفات ۱۸۸ -

ابلیس (س) از ملائک مقرب که چون از امرخداسرپیچید وآدم را مانند دیگران سجده نکرد ، ازدرگاه خدا رانده شد و پس ازآن آدم وحوا را فریب داد ویه خوردن گندم واداشت و موجب بیرون افتادن

ایشان از بهشت گردید .

گفتهٔ بدسگال چون ابلیس دور کردم ازآن چو خلد جناب

«مسعود سعد»

ابن اثیر (ب) ابوالحسن عزالدین علی بن محمد وفات ۶۳۰ - از مورخان بزرگ که دوران جوانی را در موصل و بغداد و شام به تحصیل فنون وادب گذراند و پس از آن در موصل انزوا اختیار کرد . ابن اثیر معاصر با استیلای مغول بود ووقایع زمان فرمانروائیان و خوارزمشاهیان را تا اواخر ایام سلطان جلال الدین مینکربنی ضبط کرده است ، از آثار معروف او کتاب « کامل التواریخ » است

ابن اسفندیار کاتب (ب) بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب . از کاتبان مشهور ایرانی در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم . روزگار جوانی را در خدمت ملوک آل باوند گذرانده است . مدتی در بغداد بود ، پس ازآن به ری آمد ، درمدت توقف درری به کتاب امام ابوالحسن یزدادی دانشمند مشهور برخورد وآن را ازعربی به پارسی ترجمه کرد ومقدمهٔ تاریخ طبرستان قرارداد . پس از آن به آمل وازآنجا به خوارزم رفت وچندسال درآنجا بسر برد و یکی از ترجمه های ابن مقفع را دید که ازبادامهٔ بهمن به کتب مشهور نامه بود وآن را نیز به فارسی ترجمه کرد . ابن اسفندیار کتاب تاریخ طبرستان را درسال ۶۱۳ تألیف کرد و ازاین سال ببعد اطلاعی از او دردست نیست .

ابن بابویه (ب) شیخ ابوجعفر محمد بن علی قمی معروف به شیخ صدوق . وفات ۳۸۱ - از فقیهان بزرگ شیعه ومحدثان معروف که دارای تألیفات بسیار می باشد . وی به خوبی حافظه معروف و در نقل احادیث مورد اعتماد بوده است . از تألیفات مشهور او کتاب «من لا یحضره الفقیه»

است که مرجع علمای شیعه است. مقبرهٔ ابن بابویه درشهرری واقع است.

ابن البلخی (ت) صاحب کتاب فارسنامه. درزمان سلطنت محمدبن ملکشاه سلجوقی درخدمت رکن الدوله خمارتکین، والی پارس، به شغل استیفا مشغول شد وبه کسب اطلاع از تواریخ شاهان همت گماشت، کتابهای بسیار مطالعه کرد ومدارك قابل اعتماد فراهم آورد و کتاب فارسنامه رادرتاریخ وجغرافیای فارس تألیف کردوبه نام سلطان محمدساخت.

ابن حسام (ت) مولانامحمدبن حسام الدین خوسفی قهستانی. وفات ۸۷۵–از شاعران قرن نهم. قصایدی درمنقبت خاندان پیغمبردارد اثر معروف اوحماسهٔ دینی «خاورنامه» یا «خاوران نامه» است که موضوع آن داستانی است درشرح احوال وسفرها وحمله های حضرت علی بن ابیطالب به سرزمین خاوران به همراهی مالك اشتروجنگ با قبادشاه خاورزمین. شاعراین منظومه را درسال ۸۳۰ به پایان رسانیده است.

ابن خرداذبه (ت) ابوالقاسم محمد. از جغرافی نویسان مشهور اسلامی وکتاب مشهورش «المسالك والممالك» است که درحدودسال ۲۳۲ هجری تألیف یافته است.

ابن سینا (ب) رجوع شود به ابوعلی سینا.

ابن طیب (ت) ابوالفرج عبداله بن الطیب الجاثلیق. وفات ۴۳۵ - ازحکیمان مشهورقرن پنجم. برکتابهای ارسطو و جالینوس شروحی نوشته است. از کتب او «تفسیرمقولات ارسطاطالیس» وچندرساله درمباحث کلام مسیحیان است. آثار اوهمه به زبان عربی است.

ابن عربشاه (ت) ابوالعباس احمدبن محمدبن عبداله بن عربشاه. وفات ۸۵۴-ابن عربشاه باخانوادهٔ خودبه امرامیرتیموردرسال ۸۰۳ ازدمشق به سمرقند کوچ کرد. درسمرقندنزد میرسید شریف جرجانی به کسب علم

پرداخت و کتاب مرزبان‌نامهٔ سعدالدین وراوینی را از فارسی به عربی ترجمه کرد. پس از آن به مملکت خوارزم و استرخان و ادرنه سفر کرد. مدتی منشی سلطان محمد اول پادشاه عثمانی گردید، بعد به دمشق بازگشت و از آنجا به زیارت مکه رفت و آخر در شهر قاهره ساکن شد.

از آثار او کتابی است به نام «عجائب المقدور فی نوائب تیمور» در تاریخ امیر تیمور. دیگر از تألیفات او «فاکهة الخلفا» ست به زبان عربی در حکم و آداب و پند و اندرز به سبک کلیله و دمنه و شامل ده باب است. (چاپ مصر ۱۳۰۲ قمری)

ابن العمید (ت) ابن العمید ابوالفضل محمد بن حسین قمی. وفات ۳۶۰ — از وزیران و ادیبان معروف آل بویه. پدرش دبیرماکان کاکی بود که پس از کشته شدن ماکان به اسارت افتاد و بعد صاحب دیوان رسائل نوح بن نصر شد. ابن العمید بعد از پدر به وزارت رکن الدوله دیلمی رسید و تا پایان زندگی در وزارت آل بویه باقی ماند.

ابن العمید در بلاغت شهرت داشته و در نوشته‌هایش معانی دقیق و صنایع لفظی را باهم جمع کرده است.

ابن فارس (ت) ابوالحسین احمد بن فارس الرازی. وفات ۳۹۰ - از فاضلان و عالمان بزرگ لغت و استاد بدیع الزمان همدانی. از آثار او کتاب «المجمل» در لغت و کتاب «الصاحبی» که آن را به نام صاحب بن عباد تألیف کرده است. این کتاب شامل بحثهائی در زبان عربی و اختلاف لهجه‌های عربی است.

ابن فقیه همدانی (ت) ابوبکر احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهیم همدانی، از محدثان و جغرافی‌دانان مشهور قرن سوم. از معروفترین آثار او «کتاب البلدان» است در جغرافی که آن را به سال ۲۹۰ به زبان عربی

تألیف کرده و علی‌بن حسن شیرازی در حدود سال ۴۰۳ آن را خلاصه کرده است .

ابن فندق (ت) رجوع شود به بیهقی «ابوالحسن»

ابن قتیبه (ت) ابوعبداله محمدبن مسلم الکوفی المروزی الدینوری . وفات ۲۷۶ — ازدانشمندان بزرگ قرن‌سوم که خوداودرکوفه متولد شده وپدرش‌درمرو . علت انتساب اوبه دینور اقامت اودراین شهر وداشتن سمت قضا درآنجاست . ابن قتیبه درعلوم ادبی و تاریخی شهرت بسیار داشته است و ازمهمترین آثارش کتاب «ادب الکاتب» و«کتاب‌المعارف» و «عیون‌الاخبار» است . ابن قتیبه درعلوم حدیث وقرآن وکلام هم آثاری دارد .

ابن مسکویه (ت) رجوع شود به ابوعلی مسکویه

ابن مقفع (ت) روزبه پسر دادویه معروف به عبداله بن مقفع . وفات ۱۴۲ — روزبه‌معروف به عبداله‌بن‌مقفع ازدانشمندان مشهورایرانی که دربصره تربیت شد . چندی کاتب داوودبن‌یوسف ازحکام بنی امیه بود وپس‌ازانقراض دولت‌اموی به‌خدمت عیسی‌بن علی رسید وبه دست او اسلام‌آورد وبه‌عبدالله موسوم شد و درسال ۱۴۲ به دست‌سفیان بن معاویه،عامل بنی‌عباس، دربصره کشته شد .

ابن مقفع از بزرگان ادب است که به زبان پهلوی وعربی‌آشنائی کامل‌داشته و بسیاری از کتابهای ادبی را از زبان پهلوی به عربی ترجمه کرده‌است . ازکتابهای مشهوری که‌اوبه عربی‌ترجمه کرده است: کلیله‌ودمنه ، خداینامه ، سیرالملوك یا سیرة ملوك‌الفرس، آئین‌نامه ، گاهنامه ، کتاب مزدك ، کتاب التاج است .

ازآثارمهم ابن‌مقفع کتاب «ادب‌الکبیر» و«ادب الصغیر» را نیز نام باید برد.

ابن‌الندیم (ت) ابوالفرج محمدبن اسحق الندیم. وفات ۳۸۵ ه — ازدانشمندان معروف زبان عربی وستاره‌شناس العزیزبالله خلیفهٔ فاطمی. ابن‌الندیم احاطهٔ کاملی بر کتابهای مختلف داشته است. از آثاراو «کتاب الفهرست» است که دربارهٔ جمیع علوم اسلامی وعلماء و کتب مشهور نوشته شده است.

ابن‌هندو (ت) ابوالفرج علی‌بن حسین بن هندو. وفات ۴۲۰— از حکیمان معروف قرن چهارم واوایل قرن پنجم. بعضی او را اهل ری و بعضی اهل طبرستان می‌دانند. ابن هندو مدتی را دربغداد گذراند وبعد به گرگان رفت و چندی درخدمت شمس‌المعالی قابوس و شمگیر وپسرش فلک‌المعالی سربرد و پس ازآن به نیشابور رفت.

از آثاراو درحکمت «الکلم‌الروحانیه» «الرسالةالمشوقه‌فی‌المدخل الی‌علم‌الفلسفه» و«کتاب النفس» است.

ابن یامین (نن) برادر یوسف که پس از او نزد یعقوب از همهٔ برادران عزیزتر بود وبرطبق روایات، هنگامی که یوسف عزیزمصرشد وبرادران یوسف برای‌خرید غله به‌مصرآمدند، یوسف دستورداد که‌رطل طلارا درانبان ابن یامین بگذارند تا بدین بهانه اورا نزد خود نگهدارد ودرنتیجه یعقوب را به مصربکشاند.

چویوسف نیست گزقحطم رهاند

مرا چه ابن یامین چه یهودا

"خاقانی"

ابن یمین فریومدی (ت) امیرمحمودبن امیریمین‌الدوله‌طغرائی:

وفات ۷۶۹ــ از شاعران قرن هشتم هجری . پدرش شاعر بود و در خدمت خواجه علاءالدین محمد که از طرف سلطان ابوسعید بهادر در خراسان مستوفی بود ، شغل دیوانی داشت . ابن یمین هم مدتی به این شغل مشغول بود . وی در اوایل ، خواجه علاءالدین وبعد برادرش خواجه غیاث‌الدین هندو را مدح کرد؛ وبا علاءالدین محمد به گرگان رفت وطغا تیمور حکمران گرگان را مدح گفت وبه خراسان و هرات رفت و به مدح امرای سربداران وآل کرت پرداخت .

از حوادث زندگی شاعر آن است که در جنگ زاوه که میان وجیه‌الدین مسعود سربداری و ملک معزالدین حسین کرت واقع شد ، به اسارت افتاد .

ابن یمین مذهب شیعه وذوق عرفانی داشته وبرابر تجربه‌های گوناگون قطعه‌های سودمند اخلاقی واجتماعی ساخته است . مجموع اشعارش به پانزده هزار بیت می‌رسد . بیشترشهرت اودر قطعات اخلاقی است . (دیوان ابن یمین ـ چاپ تهران ـ ۱۳۱۸ شمسی)

الابنیه عن حقایق الادویه (ك) کتابی به‌زبان فارسی درخاصیت دواها . تألیف ابومنصور موفق بن علی هروی که درآن نام ۵۸۰ دارو به ترتیب حروف تهجی ذکر شده است . نسخهٔ منحصر این کتاب در کتابخانهٔ وین به خط اسدی طوسی شاعر است که آن را درسال ۴۴۷ به اتمام رسانده است و این نسخه قدیمترین نمونهٔ خط فارسی است .

ابواب‌الجنان (ك) کتابی اخلاقی و دینی به فارسی تألیف رفیع‌الدین محمد واعظ قزوینی. متوفی ۱۰۸۹ هـ ـ که در دورهٔ صفویان تألیف یافته است . (چاپ تهران)

ابواسحق اطعمه (ت) شیخ ابواسحق شیرازی معروف به بسحق از شاعران قرن نهم هجری . قسمت عمدهٔ عمر خودرا در شیراز گذراند وسورد لطف اسکندربن عمرشیخ میرزا نوادهٔ امیرتیمور قرار گرفت . حرفهٔ ابواسحق حلاجی و از مریدان شاه نعمةالله ولی بوده است . ابواسحق شاعراطعمه واغذیه است . دیوانش شامل مقدمه‌ای است به نثروقصاید وغزلیات و رباعیات ومثنوی و ترجیعات که همه را به تقلید و استقبال شاعرانی مانند ظهیر، خواجو ، حافظ ،عراقی ، عبید ، سعدی ودیگران سروده است . همچنین رساله‌ای ازنظم‌ونثرآمیخته‌به نام «ماجرای برنج وبغرا»و«داستان مزعفروبغرا»دارد .

اشعار ابواسحق که شامل اصطلاحات کهنه وسلوك طباخی است ازنظر لغت مهم است . دیگررسالهٔ منظومی دارد به‌اسم «کنزالاشتها» که شامل ۱۰۸ بیت است . (دیوان بسحق اطعمه — چاپ‌اسلامبول و تهران) .

ابوالبشر (نن) رجوع شود به آدم

ابوجعفرمحمدبن‌جریر طبری (ب) رجوع شود به طبری

ابوحفص سغدی (ت) ابوحفص حکیم بن احوص سغدی سمرقندی . ابوحفص را برخی اولین شاعر فارسی گوی دانسته‌اند . وی از موسیقی دانهای اوائل قرن چهارم است و شهرود از اختراعات اوست . شعری که به وی نسبت می‌دهند این است :

آهوی کوهی دردشت چگونه دودا

چوندارد یاربی بار چگونه رودا

ابوحنیفهٔ اسکافی (ت) ازشاعران قرن پنجم . بیهقی دراواخرسلطنت فرخزاد غزنوی با او دوستی یافته و اورا جوانی فاضل وفقیهی دانشمند

خوانده است . ابوحنیفهٔ اسکافی در در بارسلطان ابراهیم غزنوی می‌زیست. بعضی از اشعار او در تاریخ بیهقی و لباب الالباب عوفی نقل شده است .

ابوحنیفهٔ دینوری (ت) ابوحنیفه احمدبن داد وند دینوری . وفات ۲۸۱—از دانشمندان بزرگ قرن سوم هجری. تحصیلات خود را درمدارس بصره و کوفه انجام داد وزبان عربی را بخوبی آموخت. پس ازآن دراصفهان به تحصیل علم نجوم پرداخت ودرادب وهندسه وحساب ونجوم استاد گشت. ابوحنیفه درمسائل مختلف تألیفاتی به زبان عربی دارد که مهمترین آنها کتاب «اخبارالطوال» درتاریخ و کتاب «النبات» درعلم طبیعی و کتاب «الشعر والشعراء» و «کتاب الوصایا» ست.

ابوحیان توحیدی (ت) علی بن محمدبن العباس . وفات ۴۰۰— از معتزله و فیلسوف و نویسندهٔ مشهور ایران در قرن چهارم . ابوحیان مدتی درخدمت ابن العمید و صاحب بن عباد بسربرده وبا ابوعلی مسکویه نویسندهٔ بزرگ رابطه داشته است . ابوحیان از دانشمندان بزرگ بود و در نثر روان عربی استادی داشت . چنانکه اورا «جاحظ ثانی» لقب داده‌اند . ازآثار معروف او کتاب «المقابسات» است که آراء فلاسفهٔ بزرگ آن عهدرا درباب مسائل مختلف وبحث های فلسفی ذکر کرده است.

دیگر کتاب «الامتاع والموآنسه» و کتاب «الهوامل والشوامل» است .

ابوریحان بیرونی (ت) رجوع شود به بیرونی

ابوزیدالبلخی (ت) ابوزید احمدبن سهل البلخی. وفات ۳۲۲— ازنویسندگان وفیلسوفان بزرگ ایرانی که درفلسفه و کلام وتفسیر استاد بوده است. وی درتفسیر به ظواهرآیات اکتفا می کرد. کتابهای معروف

او «حدودالفلسفه» وکتاب «اخلاق الامم» وکتاب «صورالاقالیم» است درجغرافیا . اخیراً ترجمهٔ قسمتی ازاین کتاب به‌فارسی به‌دست‌آمده‌است که چند نقشه جغرافیائی نیز دارد .

ابوسعیدابی‌الخیر (ت) فضل‌الدین ابی الخیر محمد بن احمد میهنی-وفات ۴۴۰ ه - از عارفان بزرگ و محدثان معروف قرن پنجم . در قریهٔ میهنه از قراء خاوران خراسان متولد شد . پس از تحصیلات مقدماتی در علوم دینیه و ادبیات به سرخس رفت و به خدمت شیخ ابوالفضل محمدبن حسن سرخسی رسید و بعد در نیشابور به خدمت ابوعبدالرحمن سلمی نائل شد . ابوسعید در عرفان به مقام ارشاد رسید ومیان مردم نفوذ بسیاری بدست آورد . در مجالس وعظی که ترتیب می‌داد،اشعارفارسی‌می‌خواند؛ومی‌توان گفت که‌وی اولین‌سخنگوئی‌است که افکار عارفانه را باشعر بیان کرده است . در تفسیر و حدیث وفقه وادبیات‌نیز اطلاع کامل داشت .دوتن‌ازنوادگان‌شیخ درباره‌او کتابهائی نوشته‌اند . یکی محمدبن منور که کتاب «اسرارالتوحید فی‌مقامات‌شیخ ابی‌سعید»رادرشرح حال‌اوتألیف کرده‌ودیگر کمال‌الدین‌محمد که‌در کتاب «حالات و سخنان شیخ ابوسعید ابوالخیر» شرح حال و گفتار او را بیان کرده است .

ابوسلیک گرگانی (ب) ازشاعران قرن سوم ومعاصر عمرولیث صفاری .منوچهری او را در شمار استادان بزرگ خوانده است . ابیاتی از او در تذکره‌ها ضبط است .

ابوالشرف ناصح گلپایگانی (ب) ابوالشرف ناصح بن ظفر بن المنشی الجرفادقانی . ازشاعران و دبیران فاضل در بار الغ بیگ که به وصایت ابوالقاسم علی‌بن حسن وزیر الغ بیگ به ترجمهٔ تاریخ یمینی

پرداخت واین کتاب را درسال ۶۰۳ به پایان رسانید .

ابوشکور بلخی (ت) از شاعران معروف قرن چهارم هجری که دردربار نوح بن نصرسامانی می‌زیسته‌است. اولین شاعری است که مثنوی ساخت ، منظومه‌ای به ابوشکورنسبت داده‌اند به نام «آفرین نامه» که درحدودسال۳۳۶ سروده شده وابیات متفرقی ازآن باقی است .

ابوطاهر خاتونی (ب) وفات ۵۲۳ ــ علت‌شهرت او به‌خاتونی‌آن است که وی‌متصدی امور ومستوفی گوهر خاتون زوجهٔ محمدبن‌ملکشاه بوده است. ابوطاهراز فاضلان واعیان دولت سلجوقیان بوده ودرشاعری ونویسندگی فصاحت وظرافت داشته‌است. ازآثار او «مناقب‌الشعرا» بوده است که اکنون دردست نیست ولی دولتشاه ازآن نام برده است .

دیگر «تاریخ آل سلجوق» که آنهم موجود نیست .

ابوطیب مصعبی (ت) ابوطیب‌محمدبن‌حاتم‌المصعبی. ازکاتبان نصربن احمد که گویا بعد از عزل ابوالفضل بلعمی چندی منصب وزارت یافت ومطابق نقل ثعالبی در«یتیمةالدهر» به فرمان آن پادشاه کشته شد . ابوطیب ازشاعران زبردست درزبان فارسی وعربی بود .

ابو العتاهیه (ت) اسمعیل بن قاسم. وفات ۲۱۱ــ از ایرانیانی که به‌عربی‌شعرسروده‌اند. ابن‌شاعر درادبیات عرب مقام مهمی‌داردودرمدح وغزل استاد بوده است .

ابوالعلاء شوشتری (ت) از شاعران و ادیبان قرن چهارم. وی کتابی درعروض به پارسی نوشته که ازقدیمترین کتابها درعلوم ادبی پارسی‌است. اشعاری از او درترجمان البلاغة وحدائق السحر به‌عنوان شاهد آورده شده است .

ابوعلی بلخی (ت) ابوعلی‌محمدبن‌احمدالبلخی. از نویسندگان

نیمهٔ دوم قرن چهارم وازقدیمترین کسانی است که به نوشتن شاهنامهٔ منثور پرداختند و بنا به گفتهٔ ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، شاهنامه‌اش بسیار معتبر و مورد اطمینان و مشتمل است به روایات کتبی بوده است یا شفاهی .

ابوعلی بلعمی (ب) رجوع شود به بلعمی

ابوعلی سینا (ت) شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبداله سینا . وفات ۴۲۸ـ ابوعلی سینا پزشک و فیلسوف و نویسندهٔ ایرانی که مقام وزارت داشت وازبزرگترین حکیمان وعالمان جهان بشمار می‌آید. پدرش اهل بلخ بود . ابوعلی ابتدا دربخارا پرورش یافت ودرده‌سالگی قرآن وبسیاری ازعلوم ادب را آموخت ومنطق و اقلیدس والمجسطی را نزد ابوعبداله‌الناتلی که ازرجال مشهورقرن چهارم بود ، آموخت. پس ازآن به مطالعهٔ علم الهی وطبیعی وطب‌وریاضی پرداخت ودر۱۸ سالگی از تحصیل علوم فارغ شد وبراثر معالجهٔ نوح‌بن‌منصورشاه سامانی، بدربار سامانیان راه یافت وچون کارسامانیان براثرغلبهٔ آل افراسیاب آشفته شد، به گرگانج پایتخت امراء مأمونیهٔ خوارزم رفت و به خدمت خوارزمشاه علی‌بن‌مأمون محمدرسید ونزد اوتقرب یافت. پس از گرگان بری وهمدان رفت و در حدود نه سال در همدان ماند و براثر معالجهٔ مرض قولنج شمس‌الدولهٔ دیلمی، پسر فخرالدولهٔ دیلمی، به دربار اوراه یافت وپس از چندی به مقام وزارت رسید . بعد ازشمس‌الدوله در زمان پسرش به اتهام مکاتبه با علاءالدولهٔ کاکویه به زندان افتاد . پس از رهائی از زندان به‌اصفهان رفت وبه خدمت علاءالدوله کاکویه درآمد. وهمه جا درسفر وحضر وحتی درسفرهای جنگی با او بود، تا درسال ۴۲۸ که باعلاءالدوله به همدان رفت، درآنجا در گذشت و همانجا مدفون گردید.

ابوعلی‌سینا مردی نیرومند بود و به سبب همین نیروی جسمانی می‌توانست باشغل وزارت و کارهای سیاسی ورنج سفر، پیوسته به مطالعه وتحقیق وتألیف و تصنیف بپردازد . ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه وطب وریاضی استادی داشت ودرهمهٔ رشته‌ها تألیفات فراوان از او در دست است .

آثار ابوعلی‌سینا بسیار متعدد است ودرحدود ۲٤۰ کتاب ورساله ازاو نام می‌برند که بسیاری‌ازآنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

ازمعروفترین‌آثار ابوعلی‌سینا کتاب شفا ، قانون ، اشارات، نجات، دانشنامهٔ علائی است .

شیخ علاوه برمقام شامخی که در علوم مختلف داشت ، دارای مقام ادبی قابل توجهی بوده است .

از جملهٔ رسالات ادبی‌او کتاب «اسباب‌حدوث‌الحروف»، یا «مخارج الحروف» است که به وسیلهٔ دکتر پرویزخانلری استاد دانشگاه به‌فارسی ترجمه شده ودرچاپخانه دانشگاه به چاپ رسیده است .

اشعار فارسی که به‌ابن‌سینامنسوب است بیست ودوقطعه می‌باشد که درتذکره‌ها ضبط است . اشعارعربی اوبیش از فارسی‌است وقصاید معروفی دارد ازقبیل قصیدهٔ عینیه وقصیدهٔ شکوائیه وجزاینها

ابوعلی‌مروزی (ب) ابوعلی بن الحسین المروزی از شاعران اواخرقرن ششم‌وآغاز قرن‌هفتم. ابوعلی مروزی‌مداح علاءالدین اسکندر ثانی محمدبن‌علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۹۷—۶۱۷) بوده است . عوفی دو قصیده از او درلباب الالباب آورده . رباعیاتی هم به نام او نبت است .

ابوعلی‌مسکویه (ت) ابوعلی الخازن احمدبن محمدبن یعقوب

معروف به ابن‌مسکویه. وفات ۱ ۴۲ ه‍ - ابوعلی‌مسکویه ازنویسندگان بزرگ واز مورخان مشهور اسلامی است . وی در خدمت عضدالدوله دیلمی می‌زیست وچندی خازن کتابخانه ابن‌العمید بود؛ به همین جهت خازن لقب گرفت .

ابوعلی به طب وفلسفه وکیمیا بسیار علاقه داشت وآثارفراوانی دراین علوم ازاو باقی است . ازجمله: الطهارة فی‌علم الاخلاق، کتاب فی‌جواب المسائل الثلث ، آداب العرب و الفرس ، جاویدان‌خرد،و از مهمترین آثارش «تجارب‌الامم» درتاریخ است .

ابوالفتح بستی (ت) نظام الدین عمیدابوالفتح علی بن محمد . وفات میان ۴۰۱ و۴۰۳ ـ ابوالفتح ازشاعران عهد غزنوی و اواخر قرن چهارم،مدتی دربست سمت دبیری بایتوز،امیر بست، را داشت . چون ناصرالدین سبکتکین بربایتوز غلبه کرد ، ابوالفتح را به دبیری خود خواند وابوالفتح تا پایان عمر سبکتکین صاحب دیوان رسائل او بود ودرابتدای سلطنت محمود نیز درشغل خود باقی ماند ، سپس مغضوب سلطان قرار گرفت و از دربار او رفت . ابوالفتح درنظم و نثر عربی استاد بود ودو دیوان پارسی وتازی به او نسبت داده‌اند که در دست نیست . بعضی‌ازاشعارفارسی اودرلباب‌الالباب‌ومجمع‌الفصحاءنقل‌شده‌است

ابوالفتوح‌رازی (ب) جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمدالخزاعی . وفات درحدود ۵۵۲ـ از عالمان بزرگ شیعه واز مفسران مشهور. وی از اولاد بدیل بن ورقاء خزاعی است که از بزرگان صحابه حضرت رسول ص بوده است . اجداد ابوالفتوح درایران سکونت‌اختیار کردند و ایرانی‌شدند وعده‌ای ازآنان درنیشابور و عده‌ای‌در ری اقامت کردند. ابوالفتوح درری به وعظ اشتغال داشت وهمانجا وفات کرد .

از آثار معروف او «روح الجنان» است که تفسیر معتبری از قرآن کریم است . دیگر « شرح الشهاب » . و « رسالهٔ حسینیه » است در مسئله امامت .

ابوالفرج اصفهانی (ت) ابوالفرج علی‌بن الحسین الاصفهانی . وفات ۳۰۶ـ از ادیبان بزرگ عرب در قرن چهارم ومعاصر آل بویه . از آثار معروفش کتاب «الاغانی» است که مورد توجه صاحب بن عباد وعضدالدوله دیلمی قرار گرفت . این کتاب اطلاعات دقیق وسودمندی دربارهٔ شاعران عربی زبان وموسیقی دانان واشعاری که به الحان موسیقی خوانده می‌شده وهمچنین داستانها وروایاتی دربارهٔ رجال وامیران آن روزگار دربردارد

ابوالفرج رونی (ب) ابوالفرج بن مسعود رونی . از شاعران دورهٔ دوم غزنوی که دردربارسلطان ابراهیم بن مسعود (۴۵۱—۴۹۲) وپسرش مسعود بن ابراهیم (۴۹۲—۵۰۸) بسر می‌برده وایشان را مدح کرده است . بامسعودسعد دوستی داشته ویکدیگررا درشعرستوده‌اند .

ابوالفرج درشعر شیوهٔ نوی پدیدآورد وسبک دورهٔ اول غزنوی را کنار گذاشت . قصایدش باتغزل شروع نمی‌شود وجز در چند مورد از ابتدا به مدح ممدوح می‌پردازد . دراشعارش لغات عربی و افکار علمی واستعارات وتشبیهات فراوان دیده می‌شود وبه اوزان دشوار وردیفهای دشوار می‌پردازد . سبک ابوالفرج مورد توجه شعرای بعد ، خاصه انوری قرار گرفته است . (دیوان ابوالفرج رونی چاپ تهران)

ابوالفضل بیهقی (ت) رجوع شود به بیهقی

ابوالفضل دکنی (ت) ابوالفضل بن مبارك . وفات ۱۰۱۳ ـ شیخ ابوالفضل پسر شیخ مبارك وبرادرشیخ فیضی دکنی . پدرش اهل یمن بود وخود درسال ۹۵۸ دردکن متولد شد و سمت وزارت و پیشکاری

اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱٤) را یافت .

شیخ ابوالفضل با آنکه دراصل عرب بودو درهندزاده شده بود، به اصلاح زبان فارسی علاقهٔ بسیاری داشت وبسیار کوشید که نثرفارسی را ازلغات عربی منزه کند ولغات دری بجای آنها بگذارد ، ازینرو سبک نثررا تغییرداد ، نامه‌هائی را که از دربار دهلی به اطراف می‌فرستاد به سبک تازه‌ای نوشت . بعنی درآنهالغات عربی‌بسیار کم و گاهی سراسر، لغات فارسی خالص بکار می‌برد .

ازآثار شیخ ابوالفضل «اکبرنامه» است درتاریخ شاهی اکبرشاه وخانوادهٔ او و«آیین اکبری» در روش حکومت اکبرشاه . دیگرتلخیص وتهذیبی ازکلیله ودمنه است به نام «بهاردانش» . ابوالفضل در سال ۱۰۱۳ کشته شد .

ابوالهیث طبری (ت) ازشاعران ابتدای عهد غزنوی . ازحال اواطلاعی دردست نیست . ابیاتی ازاودرلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء و ترجمان البلاغه ضبط است .

ابوالمعالی رازی (ب) وفات ٥٤٠-ازشاعران معروف‌قرن‌ششم ودورهٔ سلجوقی .قصائدی درمدح ابوالفتح مظفر دارد که وزارت برکیارق وسنجر را داشت و بدست باطنیان به قتل‌رسید . درلباب‌الالباب ومونس الاحراراشعاری از او باقی است . وی مذهب‌شیعه داشت وحضرت‌علی وآل اورا مدح کرده است .

ابوالمعالی نصرالله بن‌محمدبن‌عبدالحمید منشی (ت) وفات درنیمهٔ دوم‌قرن‌ششم-ازمنشیان‌دربارغزنوی.ابوالمعالی‌موردلطف‌بهرامشاه غزنوی(۵۱۲-۵٤۷)بوده وسمت دبیری‌اوراداشته‌است‌وپس ازاودردربار خسروملک سمت وزارت یافته است ولی سرانجام بر اثر سعایت دشمنان

مغضوب گشته وبه حبس افتاده است .

ازآنار او ترجمهٔ کلیله ودمنه به زبان فارسی است که انشاء استادانه اش مورد توجه مترسلان قرن ششم به بعد قرار گرفته است .

ابومعشر بلخی (ت) جعفربن محمد عمرمعروف به ابومعشر وفات ۲۷۲-ازریاضی دانان ومنجمان قرن سوم واز شاگردان یعقوب بن اسحق کندی،فیلسوف مشهور عرب،ابومعشر ابتدا فلسفه آموخت وبعد به علم نجوم پرداخت . منجمان معروف به اقوال وآراء وی متمسک می شدند .

ابومعشر صاحب تألیفات بسیار است . ازآن جمله کتابی از او باقی است به نام «رساله دراتصال کواکب وقرانات» . دیگر کتاب «المواليد والادوار والالوف»

ابومنصور محمد بن عبدالرزاق (ت) وفات ۳۵۰ — از بزرگزادگان طوس که در حدود سال ۳۳۰ از جانب ابوعلی احمدبن محمد بن مظفربن محتاج چغانی ، سپهسالار خراسان، حاکم طوس شد . هنگامی که بوعلی برپادشاه سامانیان طغیان کرد ، ابومنصورجزوسورشیان درآمد ، پس ازآن بجای بوعلی سپهسالار خراسان شد . چندی بعد ، از عمال سامانی شکست خوردوبه ری وآذربایجان گریخت سرانجام با پادشاه سامانی صلح کرد وبه طوس بازگشت وباز به سپهسالاری خراسان رسید سپس وقتی به خیال اتحاد باركن الدوله دیلمی افتاد وبه گرگان خوانده شد . وشمگیربن زیار از این حال آگاه شدو او را بوسیلهٔ یوحناء طبیب مسموم کرد .

ابومنصوربراثرعلاقهٔ مفرط به ایران وتاریخ ایران ابومنصورالمعمری را مأمور تدوین شاهنامه کرد وهمین کتاب که به نثرفراهم آمده بود ،مأخذ مهم شاهنامهٔ فردوسی ودقیقی گشت .

ابومنصور موفق بن علی هروی (ب) ازنویسندگان قرن پنجم . ازآثار معروف او کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» است که آن را درسال ۴۴۷ به زبان فارسی تألیف کرده ونام ۵۸۰ دارو را در آن ذکر کرده است . نثر کتاب بسیار روان وساده است .

ابوالمؤید بلخی (ت) ازشاعران دورهٔ سامانی و نیمهٔ اول قرن چهارم . مولدش بلخ است و از کسانی است که پیش از فردوسی به تصنیف شاهنامه پرداختند . ابوالمؤید بلخی اولین کسی است که قصهٔ یوسف وزلیخا را به پارسی منظوم ساخته ، ولی ازآن خبری دردست نیست . کتاب دیگری نیز به او منسوب است که صاحب تاریخ سیستان بدان اشاره کرده است وآن «عجایب البلدان» در عجایب دنیاست .

شاهنامهٔ ابوالمؤید کتاب بزرگی به نثر بوده است ، شامل بسیاری ازروایات وداستانهای ایرانی که اغلب آنها درشاهنامهٔ فردوسی وسایر منظومه های حماسی ذکر شده است . این کتاب بزرگ ومفصل ازمیان رفته وتنها قسمتی که از آن در دست مانده قطعه‌ای از کتاب گرشاسب است که صاحب تاریخ سیستان در کتاب خودآن را نقل کرده است . این قسمت ازقدیمترین قطعه های منثور زبان فارسی است که ازقرن چهارم مانده است .

ابوالهیثم (ت) خواجه ابوالهیثم احمد بن حسن جرجانی . از شاعران وفاضلان اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم . وی ازمعتقدان مذهب اسمعیلی بوده و ناصرخسرو در «جامع الحکمتین» از او یاد کرده است . ازاشعار ابوالهیثم تنها قصیده‌ای باقی است که حاوی پرسشهائی دربارهٔ مسائل فلسفی بدون جواب است که بعدها ناصرخسرو و شاعر و نویسندهٔ اسمعیلی آن را شرح کرده است . همچنین ابوسعید محمدبن سرخ نیشابوری ، شاگرد ابوالهیثم ، کتابی مفصل در شرح عده‌ای از

ابیات آن نوشته است .

این شرح که درنیمهٔ اول قرن پنجم تألیف یافته وجواب پرسشهای فلسفی ابوالهیثم است، ازنظر فلسفه و کلام وازحیث انشاء پارسی درشمار کتابهای خوب قرن پنجم است .

ابوالفداء (ت) اسمعیل بن علی بن محمود ملقب به الملک المؤید والملک الصالح صاحب حماة . وفات ۷۷٤- ازامیران فاضل که در دمشق متولد شد وپس ازکسب دانش در جنگهای صلیبی شرکت کرد و به خدمت الملک الناصر پیوست وازجانب او به امارت حماة رسید وبه لقب الملک الصالح والملک المؤید ملقب گشت .

ابوالفداء درفقه وطب وحکمت وهیئت خاصه درتاریخ وجغرافی استادی داشت . ازآثار معروفش درجغرافی کتاب «تقویم البلدان» ودر تاریخ «المختصرفی اخبار البشر» ودرفقه «کتاب الحاوی» است . دیگر کتاب «الکناش» و«الموازین» را نام برده‌اند .

اتصال (نج) رجوع شود به اجتماع .

اتصال نجوم خاطر او قبض طبع مرا نوید گراست

«خاقانی»

اثیر (نج) طبقه‌ای ازآسمان بالای کرهٔ هوا که آن را کرهٔ آتش نیز گویند

برشوند ازیل آتش که اثیرش خوانند

پس سر مائدهٔ جنت ماوی بنند

«خاقانی»

اثیر اخسیکتی (ت) اثیرالدین . وفات ۶۰۸- ازشاعران مدیحه سرای قرن ششم که از ریاضی وفلسفه هم بااطلاع بوده است . وی معاصر ومداح رکن‌الدین ارسلان بن طغرل (۵۵۵—۵۷۱) بوده است . دیگر

از ممدوحان او شمس‌الدین اتابک‌اعظم ایلدگزواتابک جهان پهلوان نصرةالدین محمدبن‌ایلدگز ومظفرالدین اتابک قزل ارسلان بن‌ایلدگز فرمانروای‌آذربایجان‌بوده‌است. اثیر درشیوهٔ سخن‌سرائی ازانوری وسنائی پیروی کرده وچند قصیده به سبک خاقانی سروده است و بامجیر بیلقانی رقابت داشته‌ویکدیگر را به‌تعریض یاتصریح هجا گفته‌اند. اثیربه‌آوردن ردیفهای دشوارومعانی صعب علاقه داشته‌است.

(دیوان اثیر -- چاپ تهران)

اجتماع (نج) حالت‌ماه‌است هنگام «محاق» که درآن حال کرهٔ ماه از همه وقت به خورشید نزدیکترمی‌شود و درست درمقابل او قرار می‌گیرد. این حال را «اتصال» نیز گویند.

ماه را نیکوئی همی گفتیم	که دریغی به‌اجتماع ومحاق

«انوری»

احتراق (نج) اجتماع سیارات‌رابا‌آفتاب‌احتراق‌گویندمگراجتماع ماه را که «محاق» خوانند

بیرون شد از احتراق بهرام	واورد به شاه ماه پیغام

احسن‌التواریخ (ک) تألیف حسن بیک روملو از فاضلای زمان شاه طهماسب. این کتاب در اواخر قرن دهم هجری تألیف یافته و در آن، وقایع سالهای ۹۰۰ تا ۹۸٤ و سلطنت شاه‌طهماسب شرح داده شده است. (چاپ کلکته)

احیاءالعلوم (ک) از آثار معروف امام محمد غزالی به زبان عربی. موضوع کتاب مسائل اخلاقی و دینی است وغزالی خلاصهٔ آن را به زبان فارسی نیز نوشته و آن را «کیمیای سعادت» نامیده است.

اخبارالطوال (ك) کتابی در تاریخ عمومی به زبان عربی، تألیف ابوحنیفه احمدبن داودبن دینوری. در این کتاب تاریخ از زمان آدم شروع می‌شود و به قتل افشین و مرگ معتصم درسال ۲۲۷ پایان می‌پذیرد.

ابوحنیفه وقایع را ازهم‌جدا نمی کند ورشتۀ مطلب‌را نمی گسلد، بلکه تاریخ را مانند حکایت و داستان شروع می کند و بدون انقطاع ختم می کند. وقایع را بدون تصریح نام راوی ذکر می کند وحوادث تاریخی را به اختصار می گوید وبیشتر به وضع اجتماعی وشرح امارات و حکمرانیها و ارتباط خلفا و ممالک دست نشانده و فرستادن امیران و حکمرانان می‌پردازد. مخصوصاً نهضتهای سیاسی و مذهبی و انقراضها و پیشرفتها را بسیار دقیق شرح می‌دهد.

سبک نوشتۀ کتاب اخبارالطوال بسیار ساده است.

اخلاق‌الاشراف (ك) رساله‌ای به نثرآمیخته به نظم. از آثار عبید زاکانی که آن را به‌سال ۷۴۰ هجری‌تألیف کرده است. موضوع کتاب «اخلاق الاشراف» انتقاد اخلاق بزرگان و اشراف عهد مؤلف است که نویسنده‌با بیانی شیرین آن را برای نمودن فساد جامعه نگاشته وسراسر آن را باحکمت وپند آمیخته است. این کتاب شامل هفت‌باب درفضایل اخلاقی یعنی حکمت، شجاعت، عفت، عدالت، سخاوت، حلم، حیا و وفا، است.

اخلاق جلالی (ك) تألیف جلال‌الدین‌محمدبن اسعدالدوانی که به خواهش سلطان خلیل سلطان پسراوزون‌حسن آق قویُنلو درنیمۀدوم قرن نهم تألیف یافته است. بیشتر مطالب این کتاب که عنوان آن «لوامع الاشراق فی‌مکارم الاخلاق» است به گفتۀ خود مؤلف ازاخلاق

ناصری تألیف خواجه‌نصیرالدین طوسی اقتباس شده وحاوی مطالبی در تدبیر منزل و سیاست مدن می‌باشد . انشاء کتاب متکلفانه ومصنوع است . (چاپ لاهورولکهنو)

اخلاق‌محسنی (ك) کتابی درصفات پسندیده ومبانی اخلاقی درچهل باب ، تألیف حسین واعظ کاشفی که آن را به‌نام ابوالغازی‌سلطان حسین بایقرا در سال ۹۰۰ هجری تألیف کرده است . اخلاق محسنی در هندوستان رواج بسیار داداسته‌است .

اخلاق‌ناصری (ك) کتابی درحکمت‌عملی‌واصول اخلاق . تألیف دانشمند بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی که آن رادرحدود سال ۶۳۳ به زبان فارسی وبنا به خواهش ناصرالدین عبدالرحیم ابن ابی منصور حاکم اسمعلیه درقهستان تألیف کرده است . مؤلف قسمت اول کتاب را از کتاب‌اخلاق‌ابن‌مسکویه به‌نام «الطهارة» اقتباس کرده ودرقسمت دوم به تدابیر المنازل ابن‌سینا و درقسمت سوم به کتاب فارابی نظر داشته است .

درمقاله اول ازحکمت وشجاعت و عفت و عدالت بحث می‌کند وحکمت را به هفت نوع تقسیم می‌کند:ذکاء ، سرعت فهم ، صفای ذهن ، سهولت تعلم ، حسن تعقل ، تحفظ ، تذکر .

مقالهٔ دوم درتدبیر منزل ومقالهٔ سوم درسیاست مدن است .

اخوان‌الصفا (ت)دسته‌ای‌ازحکمای‌ایرانی‌درقرن‌چهارم هجری . این دسته‌خواسته‌اند که عقایدفلاسفهٔ‌یونان رابامبانی دین‌اسلام سازش دهند و به فرقهٔ خاصی بستگی‌نداشته‌اند، بلکه بسیاری از مسائل دینی را باعقاید فلاسفه منطبق می کردند وچنانکه اظهار کرده‌اند با هیچ‌یک ازادیان وعلوم دشمنی‌نداشته و کتابهای مختلف نامی‌را مورد استفاده

قرارداده وبه همهٔ کتابهای آسمانی اعتقاد داشته‌اند .

ادب الصغیر (ك) تألیف عبداله بن المقفع که نویسنده در تألیف آن از متن کتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب میان نویسندگان عرب معروف بوده وابن قتیبه در کتاب «عیون الاخبار» ازآن نام برده‌است .

ادب الکبیر (ک) معروف به درة الیتیمه تألیف عبدالله بن المقفع . مؤلف درتألیف این کتاب ازکتابهای پهلوی استفاده کرده‌است . این کتاب بین مؤلفان کتابهای ادب مشهور بوده و مورد استفادهٔ آنان قرار گرفته است . اثر تمدن و فرهنگ ایرانی در این کتاب به خوبی نمایان است ونویسنده درچند مورد به گفته‌های حکیمان ایران استشهاد کرده‌است .

ادریس (ن) از پیغمبران . گویند که علم نجوم معجزهٔ اوست و ازطوفان نوح خبرداد وچون عمرش به هشتصد وشصت‌وپنج سال رسید ، از ملك الموت خواست تا روحش را به امر خدا قبض کرد و بهشت و دوزخ را به او نشان داد . ادریس چون از بهشت بیرون آمد به بهانهٔ آنکه نعلین را آنجا فراموش کرده‌است ، بازگشت ودربهشت ماند .

بمیر ای دوست پیش ازمرگ اگر عمر ابد خواهی
که ادریس از چنین مردن بهشتی گشت پیش ازما

«سنائی»

ادیب پیشاوری (ت) سید احمدبن شهاب رضوی متوفی ۱۳٤۹ قمری — ادیب پیشاوری فرزند سید شهاب الدین اهل پیشاور . وی مقدمات علوم رادرپیشاور آموخت ودر جنگی که میان اقوام هندی بافوای دولتی درگرفت ، پدر وخویشانش به قتل رسیدند واو موفق شد که خودرا به کابل برساند . ادیب پیشاوری پس ازچندی اقامت درکابل به غزنین و هرات و تربت شیخ جام ومشهد سفرکردونزد دانشمندان

معروف به تحصیل پرداخت. درسی سالگی نزد حاج ملاهادی سبزواری به کسب دانش مشغول گست ودر سال ۱۳۰۰ هجری به تهران آمد و در همانجا اقامت کرد. ادیب به علوم قدیم و ادبیات عرب وایران احاطه داشت. دیوان او مشتمل بر ۴۲۰۰ بیت فارسی و ۳۷۰ بیت عربی است به ضمیمهٔ دو رساله یکی در بیان قضایای بدیهیات اولیه، دیگر در تصحیح دیوان ناصرخسرو

یک مثنوی دارد بنام قیصرنامه شامل وقایع جنگهای بین المللی که دارای متجاوز از ۱۴۰۰ بیت است.

(دیوان چاپ تهران)

ادیب صابر (ت) شهاب الدین صابربن اسمعیل ترمذی. مقتول درحدود ۵۴۲ — از شاعران قرن ششم واصلش از ترمذ است، ولی بعد به مرو وبلخ وخوارزم رفت ومدتی سلطان سنجر را مدح گفت واز طرف او به رسالت نزد اتسز رفت و چندی در خوارزم ماند. وقتی که اتسز دانست که ادیب صابر نهانی خبرهائی از دربار او برای سنجر می فرستد دستور داد تا او را در جیحون غرق کردند.

ادیب صابر، درسبک شاعری بیشتر پیرو عنصری وفرخی است، وبا رشید وطواط مشاعره داشته است.

دیوان ادیب صابر مشتمل است برقصاید وغزلیات.

(چاپ تهران)

ادیب الممالک فراهانی (ب) میرزا صادق حکیم. وفات ۱۳۳۶ ه. ق — از فرزندان میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی وزیر محمدشاه قاجار. ادیب الممالک از آزادیخواهان به شمار می رفت و مدتی روزنامهٔ ادب را انتشار می داد. درابتدای جوانی «پروانه» تخلص داشت و لقب امیر الشعرائی یافت وبه «امیری» مشهور گشت. ادیب الممالک در عصر

مشروطیت وانقلاب وکشمکش‌های سیاسی می‌زیست. از اینرو اشعار فراوانی درانتقاد اوضاع زمان واجتماع خود دارد. ادیب‌الممالک در علوم ادب و لغت فارسی و عربی و علم انساب و تاریخ عرب استاد بوده است. دیوان او شامل قصاید وقطعات واشعار جد و هزل ومدح وذم در انتقاد جامعه وتحریک حس میهن پرستی است.

(دیوان - چاپ تهران)

ادیب‌نیشابوری (ت) شیخ عبدالجواد وفات ۱۳۴۴ ه . ق— شیخ عبدالجواد فرزند ملاعباس نیشابوری که درچهارسالگی از مرض آبله از یک چشم نابینا گشت وبا وجود ضعف بینائی تا۱۶ سالگی در نیشابور به خواندن مقدمات علوم دینی پرداخت. سپس فنون ادبی را آموخت وبیشتر اوقات را به مطالعهٔ ادبیات فارسی وعربی صرف کرد. علاوه براین درفنون ریاضی وهیئت وطب دست یافت. دیوانش قریب شش هزار بیت دارد. رساله‌ای هم درجمع بین عروض فارسی و عربی ورساله‌ای درشرح معلقات سبع وچند جزوه درتلخیص شرح خطیب تبریزی برحماسهٔ ابی تمام نوشته است. اشعار او به نام لئالی مکنون درمشهد به چاپ رسیده است.

اذاله (زحاف)(ع) در مستفعلن افزودن الف است قبل از نون که می‌شود مستفعلان وآن را مذال خوانند.

اردشیر بابکان (ش — ت) پسر ساسان ازدختر بابک، مطابق نقل شاهنامه، ساسان پسردارا پس ازکشته شدن پدر به هندوستان گریخت وفرزندان اوتاچند پشت درهندوستان ماندند. پسرچهارم به اسم ساسان به پارس آمد و نزد بابک حاکم استخر به سرشبانی رسید. شبی بابک خواب دید که ساسان برپیل ژیان نشسته و هرکس به نزدش

می‌آید او را نماز می‌برد . بابک ساسان را خواست وچون دانست که ازنژاد شهرباران است ، دختر خود رابه وی‌داد واز او اردشیر به‌وجود آمد ، اورابزرگ کردند وفرهنگ آموختند ، اردوان چون آوازهٔ اردشیر را شنید اورا از بابک خواست و جوانی شایسته‌اش یافت ولی پس از چندی به علت درشتی که با پسراردوان کرد ، او را به نگهبانی اسبان شاهی برگماشت . اردشیر با گلنار کنیزك اردوان به پارس فرار کرد و طرفداران بابک را جمع کرد وبه جنگ اردوان رفت واورا شکست داد ودخترش را گرفت‌وبه پارس برگشت . شهر «خرهٔ اردشیر» را ساخت و برتخت شاهی نشست . دختر اردوان به خونخواهی‌پدر خواست‌اردشیر را زهردهد ، شاه‌دریافت واو را به وزیر خود سپرد تا هلاك کند . وزیر چون دانست ملکه باردارد ، فرمان را بهکارنبست و او را نگاه داشت تا شاپوربه وجود آمد . چون شاپور به هفت‌سالگی‌رسید ، اردشیرازاین راز آگاه شد واز داشتن چنان پسری خشنود گشت .

رسالهٔ پهلوی«کارنامک ای ارتخشیر ای پاپکان» درشرح وقایع زمان این پادشاه ساسانی است که با افسانه آمیخته است وفردوسی‌مفاد آن‌را در شاهنامه به نظم آورده است .

اردشیر دراز دست (ش - د) اردشیر درازدست لقب بهمن‌شاه ایران بود .

نشستم که بر پای استاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن

«منوچهری»

اردوان (ش - ت) آخرین پادشاه‌اشکانی که بابک‌نیای اردشیر ازطرف او فرمانروای استخر بود . اردوان چون آوازهٔاردشیر نوادهٔ بابک

را شنید ، اورا از پدر خواست وعزیزش داشت ، اما ناگهان براوخشم گرفت وبه نگهبانی اسبان وادارش کرد . اردشیر با کنیزك اردوان به اسم گلنار فرار کرد ولشکری جمع آورد وبه جنگ اردوان رفت و او را کشت ودخترش رابه‌زنی گرفت.

ارژنك، ارتنك (ش — د) نام کتاب منسوب‌به‌مانی نقاش که دارای تصاویر زیباودلاویز بوده است.

تنش چون نامهٔ ارژنگ زیبا
میان چون خامهٔ مانی مصور
«مسعودسعد»

ارسال‌المثل (ب) : آن است که شاعر مثل معروفی را در شعر بیاورد یا مصراعی‌بگوید که حکم‌مثل پیدا کند وقبول عامه یابد

بابط سی گفت ماهیی در تب و تاب
باشد که به جوی رفته باز آید آب
بط گفت چو من قدید گشتم تو کباب
«دنیا پس‌مرگ‌ما چه دریا چه سراب»

ارسال‌المثلین (ب) آن است که شاعر دریك بیت دومثل‌آرد ، یعنی هریك از دو مصراع شعر یك مثل باشد .

چنین کنندبزرگان چوکرد باید کار
چنین نماید شمشیر خسروان آثار
(عنصری)

ارسطا طالیس (ن)رجوع شودبه‌ارسطو

ارسطو (ت) حکیم یونانی شاگرد افلاطون و معلم اسکندر. ارسطو به معلم اول معروف است .

ارکان اربعه رجوع شود به چهار ارکان.

ارکان عروض (ع) ارکان ازاصطلاحات عروض وشامل سبب و وتد وفاصله می‌باشد. رجوع شود به این کلمات.

ارم یا ارم ذات العماد (تن) باغی که شداد ساخت و در روزگار مانند نداشت. ودرشعرفارسی کنایه از باغهای بسیار باصفاست:

در گلستان ارم دوش چو ازلطف هوا

زلف سنبل زنسیم سحری می‌آشفت...

«حافظ»

ارمن (د) نام سرزمینی است که برطبق داستان خسرووشیرین، مهین بانوعمهٔ شیرین برآن حکومت می‌کرد.

ارنی (تن) اشاره به قصهٔ موسی که به خدا گفت: «رب ارنی انظرالیک» پروردگارا، خودرا بمن بنما تا بسوی توبنگرم. جواب آمد «لن ترانی» یعنی هرگز مرا نخواهی دید.

با توآن عهد که در وادی ایمن بستیم

همچو موسی ارنی گوی به میقات بریم

«حافظ»

ازاحیف (ج زحاف) (ع) رجوع شود به زحاف.

ازرقی (ب) ابوبکر زین‌الدین بن اسمعیل وراق هروی. وفات درحدود ۴۶۵ - از شاعران زبردست قرن پنجم. پدرش اسمعیل وراق همان کسی است که فردوسی پس از فرار از غزنین به خانهٔ او رفت. ازرقی دردستگاه شمس‌الدوله ابوالفوارس طغانشاه‌بن ارسلان سلجوقی که درزمان سلطنت الب‌ارسلان حاکم خراسان بود، تقرب یافت واورا مدح گفت. ازممدوحان دیگرازرقی امیرانشاه‌بن قاورد ازسلجوقیان کرمان بود.

ازرقی جز قصیده در داستانسرائی نیز مهارت داشت . از جملهٔ آثاری که به او نسبت داده‌اند «الفیه‌وشلفیهٔ» منظوم است . دیگر قصهٔ «سندباد» است که ازرقی به نظم آورده است ، ازرقی درآوردن تشبیهات غریب ووصف وتصویردقیق اشیاء ، استادی‌داشت . ودرمدح لحن مبالغه آمیزی بکارمی‌برد . (دیوان ازرقی — چاپ تهران ـ دانشگاه)

ازهری‌هروی (ت) ابومنصورمحمدبن احمد . متوفی ۳۷۰ ـ از عالمان بزرك ادب ولغت،درعربستان به‌جمع لغت‌مشغول گشت وبسیاری از لغات و اصطلاحات اصلی زبان عرب را فرا گرفت . از آثار مشهور او درلغت کتاب «التهذیب» است .

اساس‌الاقتباس (ك) کتابی در منطق به زبان فارسی ، تألیف ابوجعفر محمدبن حسن طوسی ملقب به‌نصیرالدین که آن‌را درسال ۶۴۲ تألیف کرده‌است . خواجه‌نصیرالدین درتنظیم‌این کتاب به روش کتاب شفا مطالب را به نه بخش تقسیم کرده و هریك از بخش ها را مقاله نامیده است . این‌مقاله ها دربارهٔ مدخل منطق، مقولات عشر، عبارات ، علم‌قیاس ، برهان ، جدل ، مغالطه ، خطابه ، شعر می‌باشد .

اساس‌الاقتباس پس‌ازکتاب شفای ابوعلی‌سینا بهترین وجامعترین کتابی است درفن منطق که مؤلف درآن تمام فنون منطق را به فارسی ساده بیان کرده است . این کتاب را رکن‌الدین محمدبن علی فارسی استرابادی که از فاضلان نزدیك عصر خواجه بود ، به عربی ترجمه کرده است . (چاپ دانشگاه تهران — ۱۳۲۶)

اسباغ (زحاف) (ع) افزودن حرفی ساکن است درسببی که‌آخر جزء باشد . فاعلاتن می‌شود فاعلاتان ؛ وبجای آن فاعلیان می گذارند وآن را مسبغ می‌خوانند .

استرابادی (ت) میرزا مهدیخان استرابادی منشی نادرشاه که سرآمد منشیان آن دوره بود ودرنویسندگی قدرت و پختگی داشت ولی دربعضی آثارش تصنع وتکلف پیداست . ازآثارمعروف او «جهانگشای نادری» و«درهٔ نادره» .

استعاره (ب) نوعی از مجاز است و آن چنان است که لفظی را به‌مناسبت کمال شباهت دریکی از صفات به‌جای لفظ دیگر به کاربرند چنانکه مرد دلیر را «شیر» بخوانند از روی اشتراك و مشابهتی که میان این دو درصفت شجاعت هست . وبعضی گفته‌اند که‌استعاره عبارت است از مبالغه درتشبیه یعنی به جای آنکه بگویند چیزی مانند چیزی دیگر است گفته شود که این عین آن یک است ودراستعاره همیشه ادات‌تشبیه محذوف‌است، چنانکه دراین‌شعرنهنگ‌برای«اسب»واژدهابرای«کمند» استعاره شده است .

همی تاخت اندرمیان دوصف نهنگی بزیر اژدهائی بکف

استغنائی نیشابوری (ب) ابوالمظفر نصر بن محمد استغنائی نیشابوری . ازشاعران قرن چهارم ومعاصر آل‌بویه وآل سامان . از حال او اطلاعی دردست نیست . ازآثارش ابیات پراکنده‌ای باقی است .

استقبال (نج) حالت‌ماه‌درنسبت«بدر» که درآن حال‌ماه‌باخورشید مقابله پیدا می کند .

اجتماع ماه بود امروز و استقبال بخت

کاوفتاداین ذره‌راباچون توخورشیدالتقا

اسحق (دن) پسرابراهیم خلیل‌الله . اسحق دوپسر داشت به‌نام عیص ویعقوب. یعقوب رمهٔ گوسفندان‌را دوست داشت واسحق شکار را . روزی اسحق‌ازپسران گوشت‌بریان خواست وچون‌یعقوب برهٔ بریان کرده

رازودترفرا هم کرد ، اسحق او رادعا کرد وپیغمبری به او و اولادش رسید .

اسحق موصلی (ت) ابومحمد اسحق بن ابراهیم موصلی . وفات ۲۳۵ - اصلا ایرانی وازخاندانهای معروف فارس وپسرابراهیم بسرماهان ارجانی، اونیز به مناسبت شهرت پدرش به موصلی شهرت یافت . وی دردستگاه خلافت مأمون ومعتصم عباسی می زیست، درعلم موسیقی وریاضی استادی کامل بود ودرفن حدیث ولغت ونحومهارت داشت . شعرنیزمی سرود .

اسد (نج) ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة البروج وبه شکل شیر . برج اسد برابر ماه مرداد است .

اسد در پیش خرچنگ ایستاده
کمان کردار دم بر سر نهاده

اسدی طوسی (ت) ابونصر علی بن احمداسدی طوسی . ازشاعران بزرگ و از حماسه سرایان معروف قرن پنجم که کتاب گرشاسب نامه را درسال ۴۵۸ به نام ابودلف حکمران اران ونخجوان ساخته است . اسدی درانقلابات خراسان و غلبهٔ سلاجقه ، به آذربایجان رفت و باعده‌ای از سلاطین آنجا آشنا شد . ازممدوحان اسدی امیر ابودلف پادشاه نخجوان وشجاع الدوله ابوشجاع اند . ازآثار دیگر اسدی فرهنگ لغات فرس یا «لغت فرس» است . مؤلف این کتاب را بعد ازگرشسبنامه تألیف کرده ونام آن را ذکر کرده است . دیگر ازآثارمنظوم او قصائد مناظرات می باشد شامل مناظرهٔ آسمان وزمین ومغ ومسلمان وغیره

اسدی به تاریخ ۴۴۷ نسخهٔ کتاب الابنیهٔ ابومنصور موفق هروی را به خط خود استنساخ کرده وآن قدیمترین نسخهٔ خطی فارسی است که دردست است ودرکتابخانهٔ ملی وین موجود است .

اسرارالتوحید (ك) اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید .

ازآثار شیوای زبان‌فارسی. مؤلف این کتاب محمدبن‌منور ازنوادگان‌شیخ ابوسعیداست که این کتاب‌را دربارهٔاحوال واخبار و کرامات جدخویش نگاشته وروایات واطلاعاتی درآن جمع‌آورده وبه ابوالفتح غیاث‌الدین محمدبن سام شاه غوری (متوفی سال۵۹۹) تقدیم کرده است. تألیف این کتاب بین سالهای ۵۵۳ و ۵۹۹ انجام گرفته است. انشاء اسرار التوحید بسیار ساده‌است‌وکلمات‌وترکیبات‌مهجورعربی درآن کم است.

(چاپ تهران -۱۳۳۲)

اسرارالحکم (ك) کتابی درحکمت الهی به زبان فارسی تألیف حاج ملاهادی سبزواری ازفیلسوفان وحکیمان معاصر ناصرالدین شاه قاجار. مؤلف در این کتاب‌بیشتربه اثبات توحید و اصول عقایداسلامی پرداخته است. این کتاب مکررچاپ شده است.

اسطرلاب (نج) کلمه یونانی به معنی آئینه نجوم. آلتی است مدورکه‌دوائر وخطوط‌بسیاربرآن منقوش است وبرای تعیین‌ارتفاع آفتاب وستارگان به‌کار می‌رود.

نگاه‌کردم‌از دور من تلی دیدم
که‌جاه‌ژرف‌نماید ازآن‌بلندعقاب
که گرمنجم‌بروی‌سود،چنان بیند
بروج‌چرخ که‌بی‌غم‌سودزاسطرلاب
(مسعودسعد)

اسفزاری (ت) ابوحاتم‌المظفربن‌اسمعیل‌اسفزاری. وفات۵۱۵- ازدانشمندان بزرگ قرن پنجم ومعاصرحکیم عمرخیام. درعلم هیئت وریاضی‌استاد بود. ازآثارش سه رساله دردست است. به نام «اختصار اصول اقلیدس» به عربی ورسالهٔ «آثارعلوی یا کائنات جو» و«الشبکه»

به فارسی . کتاب «کائنات‌جو» را به نام فخرالملك‌بن نظام الملك نوشته وشهمردان‌بن ابی الخیر معاصر اسفزاری آن را در کتاب نزهت نامه علائی درفصل آثار علوی آورده است .

اسفزاری (ت) معین‌الدین محمد اسفزاری ازمورخان معاصر دورهٔ تیمور که به‌شغل انشاء وترسل‌اشتغال داشته وکتاب تاریخ هرات را به نام سلطان حسین ابوالغازی تألیف کرده است .

اسفندیار (ش — د) پسر گشتاسب وملقب به روئین تن که به فرمان پدر به جنگ ارجاسب رفت وپس ازگذشتن از هفتخوان و فتح روئین‌دژ، ارجاسب راکشت وازپدر تخت وتاج خواست . پدربرای دفع الوقت اورا نزد رستم فرستاد تا آن پهلوان نامدار را دست بسته‌به‌درگاه آورد . رستم به این ننگ‌تن درنداد وکار به جنگ انجامید. دراین جنگ ، پس ازدلاوریهای دوحریف ، رستم به دستور سیمرغ اسفندیار را باتیری که ازچوب گز ساخته بود ، کورکرد واسفندیار از آن زخم جان سپرد . داستان جنگ رستم واسفندیار از قطعه‌های بسیار زیبای شاهنامه است .

اسکندر (ش — د) بنا بر روایت شاهنامه‌پسر داراب از دختر قیصرروم که نزد پدر بزرگ تربیت یافت وبادارا پسر دیگرداراب، شاه ایران ، جنگ کرد . دراین‌جنگ ، دارامجروح‌شد وچون اسکندر آن‌خبر راشنید ، خود را به بالین دارا رساند وزارگریست وخواست که پزشك حاضر کنند ، اما سودی نکرد ودارا پس ازوصیت‌جان داد . اسکندر پس از دارا بنابروصیت او دخترش «روشنك» را به‌زنی گرفت وبه‌هند و مصر لشکر کشید . در هند پیری او را از شگفتیها خبر داد و جای تاریکی را به اونشان داد که درآن‌چشمهٔ آبی بود ، که هرکس ازآن

بخورد، هرگز نمی‌میرد . هنگامی که اسکندر بسوی تاریکی می‌شتافت، در روشنائی کوهی دید . از کوه بالا رفت . اسرافیل را دید ، صوری به دست و منتظر فرمان که درصور بدمد . اسکندر را آوازداد که برای تاج و گنج آنقدر آزار به خود راه ندهد . اسکندر باناله فرود آمد و به طرف باختر رفت . مردم از جانورانی شکایت کردند به نام یا جوج و مأجوج که گوشهایشان به اندازه‌ای است که یکی را بستر و دیگری را روی پوش سازند . اسکندر باعده‌ای از دانشمندان به گذرگاه یأجوج ومأجوج رفت وبه‌فرمان او دیوارهای بلندی ساختندازآهن‌وسنگ و گچ وقیرو باساختن این سد مردم را از شر یأجوج ومأجوج رهانید .

اسکندر نامه (ك) یکی از پنج‌مثنوی معروف‌نظامی، داستانسرای بزرك ایران درقرن‌ششم، که‌شامل دوقسمت است . قسمت اول‌شرفنامه است که نظامی آن را به نام اتابک نصرة‌الدین ابوبکربن محمد جهان پهلوان از اتابکان آذربایجان ساخته است وقسمت دوم اقبالنامه است به نام ملک عزالدین ابوالفتح مسعود پسر نورالدین ارسلان صاحب موصل . کتاب شرفنامه شامل داستان اسکندر است ، از تولد تافتح ممالك‌ومراجعت‌به‌روم ، واقبالنامه‌درحکمت‌وپیغامبری اسکندر است . در این کتاب، نظامی به‌داستان‌اسکندر درشاهنامهٔ‌فردوسی‌نیزنظرداشته‌است .

اسکندر نامه (ك) کتاب مفصلی به نثر ، مشتمل برافسانه‌های منسوب به اسکندر ذوالقرنین . این کتاب‌ظاهراً درعصر صفویه تدوین شده وار افسانه‌های عامیانهٔ ایران است که رواج بسیار دارد وچندین بار‌به‌چاپ رسیده است .

اسکندر نامه (ك) کتابی در داستان اسکندر‌به نثر، از آثار قرن ششم هجری .

(دربارهٔ این کتاب رجوع کنید به «سبک شناسی» ملک الشعراء بهار - جلد دوم)

اسمعیل بن حماد جوهری فارابی (ت) رجوع شود به جوهری

اسیر (ت) میرزا سیدجلال اسیراصفهانی . وفات۱۰۷۹- ازسادات اصفهان ومعاصرشاه عباس ثانی . اساس شعر را بر مضامین دقیق وخیال پردازی نهاده ومورد تقلید طرفداران سبک هندی قرار گرفته است . اسیر دارای غزلهای لطیف است وقصایدی درمدح خاندان پیغمبر دارد .

اشارات (ك) الاشارات والتنبیهات آخرین وبهترین کتاب درحکمت، تألیف دانشمند بزرك ابوعلی سینا که شامل دو قسمت است . قسمت اول در علم منطق وقسمت دوم درعلم طبیعی والهی . خواجه نصیرالدین طوسی بر این کتاب شرحی نوشته است بنام «حل مشکلات الاشارات»

اشارات و تنبیهات (ك) ترجمهٔ کتاب الاشارات والتنبیهات ابوعلی سینا به زبان فارسی که ظاهراً درحدود قرن ششم به فارسی درآمده است .

اشباع (ف) ازحرکات قافیه . حرکت دخیل . مانند حرکت باء در دو کلمهٔ شمایل و قبایل در این شعر سعدی

چشم بدت دور ای بدیع شمایل ماه من و شمع جمع و میر قبایل

اختلاف حرکت دخیل جایز نیست مگر وقتی که روی به حرف وصل پیوندد .

مثال ازسعدی :

ای نفس اگر به دیدهٔ تحقیق بنگری
درویشی اختیار کنی بر توانگری
مردی گمان مبر که به پنجه است وزور و کتف
با نفس اگر برآئی دانم که شاطری

اشتقاق (ب) آن است که شاعر الفاظی به کار برد که از یک اصل مشتق باشد. مانند کلمه های مداین ومدین در این شعر

سندم من که برپای ایستاده
رسیدی تا به زانو دست بهمن
رسد دست دو از مشرق به مغرب
ز اقصای مد این دا به مدین
(منوچهری)

اشعة اللمعات (ك) - کتابی به زبان فارسی در شرح کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی که مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۸۶ آن را به خواهش امیر علیشیر نوائی تالیف کرده است. این کتاب شامل یک مقدمه و ۲۸ لمعه است. جامی در مقدمهٔ کتاب می گوید که چون عده ای ازقبول عقاید مندرج در کتاب لمعات عراقی امتناع کردند، او ناچار به تفسیر وشرح آن دست واز کتابهای دیگر مشایخ صوفیه نیز استفاده کرده است. بنابراین بعد از مقدمه، نکته های مختلف عرفانی را به انقسام سؤال وجواب شرح داده وبه این طریق کتاب را تفسیر می کند وبه قطعهٔ ملمع عربی وفارسی آن را ختم می کند.

اصحاب کهف (نن) کهف به معنی غاراست واصحاب کهف شش تن بودند که درعهد دقیانوس به خداپرستی گرائیدند وازترس او شبانه گریختند. درراه شبانی با ایشان همراه شد، خواستند که سگ شبان را به شهر بازگردانند، ولی سگ به سخن درآمد و گفت «من شرآن کس را می طلبم که شما می طلبید.» دست از او بازداشتند وهمگی به غاری رفتند وخوابیدند. پس از سیصدونه سال بیدار شدند، یکی از ایشان به شهر رفت تا طعامی فراهم کند، چون سکه به نام دقیانوس بود، طباخ

او راپیش فرمانروای شهر برد. فرمانروا زبان او را نمی فهمید، دانشمندی را حاضر کرد که زبان او را دریافت و واقعه را درک کرد. همگی برای زیارت آن عده به غار رفتند تا ایشان را با تجلیل واحترام به شهر بیاورند، ولی اصحاب کهف به ادن اسر تن درندادند ودعا کردند تاخدای تعالی مرگ برایشان فرستاد.

سگ اصحاب کهف روزی چند   پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

اصطخری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی الاصطخری معروف به کرخی از دانشمندان قرن چهارم هجری که کتاب مشهوری به زبان عربی درجغرافیا دارد به نام «المسالک والممالک»

اصفهانی (ت) ابوالفتح محمود بن محمد بن قاسم الاصفهانی از مترجمان وریاضی دانان قرن چهارم که ترجمهٔ کتاب المخروطات اپولونیوس را که به توسط هلال بن ابی هلال الحمصی و ثابت بن قره انجام گرفته بود، تکمیل کرد وتفسیری برآن نوشت.

اضافه(ط) از مقولات عشر. مفهوم اضافه، وجود چیزیست که تصورش با تصور چیزدیگری توأم باشد وبدون آن دیگری به عقل درنیاید، مثل تصور پدری وپسری؛ که بدون یکدیگر ممکن نیست.

اطناب: (ب) آن است که ترتیب معانی کمتر از الفاظ باشد

من وتوایم من وتو که در جهان نبود

من و ترا به هنر جزمن و تو تاروقرین

اعتدال (نج) دونقطه از منطقة البروج است که زمین چون در گردش خود به دور آفتاب به آن نقاط برسد، شب وروز در آن یکسان می شود. اعتدال برد وگونه است اعتدال ربیعی - اعتدال خریفی

اعتدال خریفی (نج) اول پائیز که در آن شب و روز مساوی می‌شود

اعتدال ربیعی (نج) اول بهار که در آن شب و روز مساوی می‌شود

اعتماد السلطنه (ت) میرزا محمد حسن خان صنیع الدوله علی مقدم مراغه‌ای. محمد خان صنیع الدوله رئیس انطباعات دولتی دربار ناصرالدین شاه که در سال ۱۳۰۴ ه لقب اعتماد السلطنه یافت. هر سال کتابی زیر نظر صنیع الدوله در مطبعهٔ دولتی به چاپ می‌رسید و روزنامهٔ «ایران» نیز به ریاست او هفته‌ای سه شماره منتشر می‌شد. روزنامه‌های کوچک دیگر مانند «مرآت السفر و مشکوة الحضر» در سرگذشت مسافرت شاه در اردوی شاهی و «روزنامهٔ علمی» مصور و روزنامهٔ «شرف» در زمان او و به همت او انتشار یافت.

از آثار اعتماد السلطنه کتاب مرآت البلدان، مطلع الشمس، المآثر والآثار، تاریخ ایران، منتظم ناصری، خیرات حسان است.

اعنات (ب) آن است که گوینده در کلام ملزم به چیزی شود که لازم نیست و آن را الزام مالایلزم گویند مانند شمایل و قبایل در این شعر

چشم بد دور ای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع و میر قبایل

که سعدی تا آخر غزل یاء ماقبل لام را التزام کرده است

اغراق (ب) آن است که گوینده در وصف کسی یا چیزی مبالغه کند.

آه سعدی اثر کند در سنگ نکند در تو سنگدل اثری

افاعیل (اصلی) (ع) از ترکیب وتدیم و تأخیر ارکان عروض ده وزن (به عقیدهٔ شمس قیس مؤلف المعجم فی معاییر اشعار العجم) به وجود می‌آید که بنای همهٔ اشعار عرب و عجم بر آن نهاده شده است و عروضیان آنها را «افاعیل» می‌خوانند از این قرار: فعولن، فاعلن، مفاعیلن،

مستفعلن، فاعلاتن، مفاعلتن، متفاعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن .

ازترکیب این افاعیل سه صورت حاصل می‌شود . ترکیب یک سبب و یک وتد ، دوسبب و یک وتد ، یک وتد و یک فاصله .

ازترکیب یک وتد و یک سبب صورتهای ذیل حاصل می‌شود:

۱ـ اگر وتد برسبب مقدم باشد، وزن فعولن به وجود می‌آید، مانند مخور غم

۲ـ اگرسبب بر وتدمقدم باشد، وزن فاعلن به وجود می‌آید، مانند غم مخور

ازترکیب دوسبب و یک وتدسش صورت حاصل می‌سود . ازاین قرار:

ترکیب دوسبب ووتد مقرون سه صورت دارد

۱ـ اگر وتد مقرون بردوسبب مقدم باشد، مفاعیلن به وجودمی‌آید . مانند مخورغم رو

۲ـ اگر دوسبب بروتد مقرون مقدم باشد، مستفعلن به وجود می‌آید، مانند رو غم مخور

۳ـ اگر وتد مقرون درمیان دوسبب قرار گیرد، فاعلا تن به وجود می‌آید، مانند غم مخور رو

ترکیب دوسبب و وتد مفروق نیز سه صورت دارد

۱ـ اگر دو سبب بر وتد مفروق مقدم باشد، مفعولات به وجود می‌آید . مانند دل شد تازه

۲ـ اگر وتد مفروق بردوسبب مقدم باشد، فاع لاتن به وجودمی‌آید . مانند تازه شد دل

۳ـ اگر وتد مفروق میان دوسبب قرار گیرد، مس تفع لن به وجود می‌آید . دل تازه شد

ترکیب یک وتد و یک فاصله دو صورت دارد

۱ـ اگر وتد بر فاصله مقدم شود، مفاعلتن به وجود می آید. مانند بتا چکنم

۲ـ اگر فاصله بر وتد مقدم شود، متفاعلن به وجود می آید. مانند چکنم بتا

در اصول عروض پارسی بیش از هفت جزء یا فعل از افاعیل ده گانه فوق استعمال نمی شود. از این قرار: مفاعیلن، فاعلاتن، مستفعلن، مفعولات، فاع لاتن، مس تفع لن، فعولن

افاعیل (فرعی) افاعیل فرعی بیست و شش است از این قرار: مفاعیلُ، مفاعیل، فعولن، فاعلن، مفعولن، مفعولُ، مفعول، مفاعلن، فاع، فع، فاعلات، فعلات، فعلاتن، فعلات، فعلن، فع لن، فاعلان، فعلان، مفتعلن، فعولان، مفعولان، فعولُ، فعول، فعل، فع لان، مفاعیلان، فاعلیان. (فعولن) هم در اصول به شمار آمده است و هم در فروع

افسر (ت) شیخ الرئیس محمد هاشم میرزا. وفات ۱۳۰۹ ق- محمد هاشم میرزا افسر فرزند نورالله میرزا در سبزوار متولد شد و در همان شهر به تحصیل علوم قدیم مانند منطق و معانی و بیان و حساب و هندسه پرداخت. علوم معقول و منقول را نزد حاج میرزا حسن حکیم داماد حاجی سبزواری آموخت. افسر در مجلس شورای ملی از دورهٔ دوم تا دورهٔ نهم نمایندگی داشت و چندین بار عهده دار نیابت ریاست مجلس بود. افسر مؤسس انجمن ادبی ایران است. وی در اشعار خود اغلب مضامین نو و اوزان غیر مبتذل اختیار کرده و در نقد شعر نیز دست داشته است.

(دیوان افسر - چاپ تهران)

افضل الدین کاشی (ت) افضل الدین محمد بن حسن مرقی کاشانی وفات ۷۰۷ ـ افضل الدین معروف به بابا افضل از حکیمان و ادیبان قرن

هفتم واهل مرق از توابع کاشان . بابا افضل تألیفات بسیار به زبان فارسی دارد. مانند جاودان‌نامه ، و«ترجمه رسالهٔ نفس ، ارسطو«المفید للمستفید»، ره‌انجام‌نامه، انشاءنامه، رسالهٔ عرض، رسالهٔ درمنطق و غیره.

بابا افضل ازکسانی است که مطالب علمی وفلسفی را به‌فارسی محکم وموجز نوشته‌است وبا آنکه لغات فراوان پارسی بجای اصطلاحات عربی به کاربرده است، بهیچوجه از فصاحت وروانی ترجمه نکاسته‌است. عبارات درنثر او بسیارکوتاه و فهم آن برای کسانی که به اصطلاحات علمی آشنا باشند، بسیار آسان است .

افضل کرمانی (ت) افضل‌الدین ابوحامداحمدبن حامد کرمانی . وفات ۶۳۲ ه - از نویسندگان آخر قرن ششم که در تسلط غزان بر کرمان درآن‌شهر می‌زیست . وی معاصر ملک دینار بود که‌درسال ۵۸۳ به کرمان استیلا یافت و شاهد کشاکشهای عمال اتابک‌فارس ، سعدبن زندگی ، وقطب‌الدین مبارز وسلطان محمد خوارزمشاه بود . چنانکه ازفصل‌آخر کتابش برمی‌آید ، بعد از شروع انقلابات کرمان چندسال سمت کتابت پسران طغرلشاه را داشت . پس ازآن جلای وطن اختیارکرد و رو به سوی خراسان نهاد ودرکوبنان متوقف شد وپنج سال‌آنجا ماند . پس‌از آن به یزد رفت ودرسال ۵۸۴ به کرمان بازگشت . از آثار او کتاب «عقدالعلی‌للموقف‌الاعلی» و «بدیع‌الازمان فی‌وقایع کرمان» و«المضاف الی بدایع الازمان فی‌وقایع کرمان» است .

اقبال (ت). عباس اقبال آشتیانی. وفات ۱۳۳۴ ش- عباس اقبال درسال ۱۳۱۴ قمری‌متولد گردید وتحصیلات‌خود را درمدرسهٔ دارلفنون تهران به‌پایان رساند ودرکتابخانهٔ‌عمومی وزارت معارف به کارمشغول شد. سپس درمدارس‌علوم سیاسی ونظام ودارالمعلمین عالی به‌تدریس

پرداخت ، پس ازآن سفری به پاریس کرد وازدانشگاه سوربن به اخذ لیسانس دررشتهٔ ادبیات نائل آمد . پس از بازگست،دردانشگاه تهران به تدریس پرداخت ودرسالهای آخر عمر به سمت مستشار فرهنگی در ترکیه وایتالیا اجرای وظیفه می کرد،تادرسال ۱۳۳۴ دررم فوت کرد . ازجملهٔ کارهای پرارزش اقبال انتشار مجلهٔ «یادگار» در سال ۱۳۲۳ است . اقبال به زبان فرانسه تسلط کامل داشت وچندین کتاب ازاین زبان به فارسی ترجمه کرده است . همچنین درتصحیح و تحشیهٔ بسیاری ازکتابهای ادبی وتاریخی ایران کوشش کرد . از جملهٔ تألیفات او « خاندان نوبختی »و« تاریخ مفصل ایران »و«قابوس وشمگیر زیاری» و«ابن المقفع»و«بحرین وجزایر خلیج فارس» وچند دوره جغرافیا و تاریخ عمومی وتاریخ ایران برای مدارس است .

اقبال (س) علامه محمد اقبال لاهوری- وفات ۱۳۵۷ هجری قمری—از شاعران بزرگ پاکستان که به زبان فارسی شعر گفته واشعارش دارای ذوق عرفان و اندیشه‌های عمیق است . اقبال در کشورهای انگلستان وآلمان تحصیل کرده‌است ، افکاروافکارتمدن مغرب زمین را بااندیشه‌های دینی شرقی درشعرآمیخته است . آثار او درمجموعه هائی به نام «جاویدنامه»، «پیام شرق» ، «اسرار ورموز »، «ارمغان حجاز»چاپ شده است .

افتران (بج)رجوع شود بهقران

اقوا (ق) ازعیوب قافیه .اختلاف حذو وتوجیه است

مثال اختلاف حذو :

هر وزیر و مفتی و شاعر که او طوسی بود

چون نظام الملک وغزالی و فردوسی بود

مثال اختلاف توجیه :

از غصهٔ هجران تو دل پردارم

پیوسته ازآن دیده به خون تردارم

اکبر نامه یاتاریخ اکبری(ك) تاریخ مفصلی تألیف شیخ ابوالفضل دکنی، وزیراکبرشاه، که آن را درآخر قرن دهم هجری درهندوستان و دربارهٔ تاریخ پادشاهی اکبرشاه وتیموریان هند تألیف کرده است. این کتاب درسه جلد است وجلد چهارم آن به نام «آئین اکبری» است دربارهٔ روش حکومت وسیاست کشورداری اکبرشاه.

البرز (ش - ت) نام سلسلهٔ کوهی که درشمال تهران واقع است وبرطبق داستان شاهنامه، رستم کیقباد را ازآنجا همراه آورد وبرتخت شاهی نشاند وسیمرغ زال را برفرازآن پرورش داد.

اگر کیقبادم زالبرز کوه — به زاری فتاده میان گروه

نیاوردمی من به ایران زمین — نبستی کمربند و شمشیر کین

ترا این بزرگی نبودی و کام — که گوئی سخنها به دستان سام

«ازشاهنامهٔ فردوسی»

التفات (ب) آن است که نویسنده در اثنای بیان مطلب، از غیبت به خطاب توجه کند یا به عکس

از غیبت به خطاب :

قرین ومثل ندارد وگرنه می گفتم

بود مقدم اقران و قدوهٔ امثال

خدایگانا درمدحت تو روزدیگر

کنم حدیث که تفصیل داردین اجمال

از خطاب به غیبت :

ما را جگر به تیر فراق تو خسته شد

ای صبر در فراق بتان نیک جوشنی

الست (ن) یعنی «آیا نیستم» اشاره به آیهٔ قرآن است که در آن خداوند به آدمیان خطاب کرد که «الست بربکم» یعنی «آیا من پرورد گار شما نیستم» «قالوا بلی!» یعنی گفتند که «آری» و در شعر فارسی به معنای روز ازل آمده است

بروای زاهد و بر دردکشان خرده مگیر

که ندادند جز این تحفه به ما روز الست

«حافظ»

امام فخر رازی (ت) رجوع شود به فخر رازی

امامی هروی (ت) ابوعبدالله محمد بن ابوبکر بن عثمان. وفات ۶۶۷- از شاعران قرن هفتم و معاصران سعدی. امامی با مجد همگر و شاعران دیگر سؤال و جواب منظوم داشته و اشعاری در مدح امیران و وزیران زمان دارد.

از مجدالدین همگر شعری منقول است که در برتری امامی گفته است

ما گرچه به نطق طوطی خوش نفسیم

بر شکر گفته های سعدی مگسیم

در شیوهٔ شاعری به اجماع امم

هرگز من و سعدی به امامی نرسیم

قطعاتی از اشعار امامی در تذکرهٔ دولتشاه و آتشکدهٔ آذر و مجمع الفصحا ضبط است. ونسخهٔ خطی دیوان او هنوز به چاپ نرسیده است.

امهات سفلی یا امهات اربعه (نج) کنایه از چهار عنصر (آب و باد وخاك وآتش)

امیدی تهرانی (ت) ارجاسب مقتول ۹۲۵ از شاعران عهد شاه اسمعیل صفوی و از شاگردان حکیم جلال الدین دوانی. بیشتر اشعار وی

قصیده است وقسمتی از آنها که شامل ۱۷ ورق می باشد، درموزهٔ بریتانیا وجود دارد . درمجمع الفصحاء وآتشکده اشعاری از او آمده است .

امیرخسرودهلوی (ت) امیر خسروبن امیرسیف الدین محمود دهلوی . وفات ۷۲۵ —ازشاعران بزرك ایران که درهندوستان (شهردهلی) اقامت داشته وشاهان هندرا مدح کرده است . امیرخسرودرحلقهٔ ارادت یکی از مرشدان صوفیهٔ هند به نام شیخ نظام الدین اولیاء درآمد .

امیرخسرو درشعر ازسنائی وخاقانی ونظامی وسعدی پیروی کرده، خاصه درغزل پیرو سبک سعدی بوده است، ولی خود او باوجود پیروی ازشاعران دیگر می گوید: «جلد سخنم دارد شیرازهٔ شیرازی» درشعرلحن خاصی دارد که به تدریج صورت تازه‌ای یافته و به سبک هندی معروف شده است. دیوان اشعار امیرخسرو برپنج قسمت است .

۱ـ تحفة الصغر که دردوران جوانی سروده ومرکب است ازقصاید غزلیات ، ترجیع بند ودرآن سلطان غیاث الدین بلبان (٦٦٤ — ٦٨٦) وپسرش وشیخ نظام الدین اولیاء را مدح کرده است .

۲ـ واسطة الحیوة که درآن قصایدی درمدح شیخ نظام الدین اولیاء ونصرة الدین سلطان محمد، پسر بزرك (بلبان مقتول ٦٧٣) ، وسلطان معزالدین کیقباد (٦٧٦-٦٨٩) دارد.

۳ـ غرة الکمال که درمقدمهٔ آن ازشعر فارسی ومحسنات آن سخن گفته وازشاعران بزرك ایران ، مانند سنائی وخاقانی وسعدی و نظامی نام برده وشیخ نظام الدین اولیاء وسلطان معزالدین کیقباد وجلال فیروزشاه (٦٨٩—٦٩٥) وجانشین های اورکن الدین وعلاءالدین را مدح کرده است .

٤ـ بقیة النقیه که قسمتی از آن درمدح علاءالدین محمد شاه

(۶۹۵—۷۱۵) وبسرش واسدران دیگراست‌ود، زمان پیری شاعر سروده شده است .

۵- نهایةالکمال که شامل قصاید در مدح سلطان غیاث‌الدین تغلق (۷۲۰—۷۲۵) ودرمرثیهٔ سلطان قطب‌الدین مبارك شاه (متوفی ۷۲۰) است و اشعار دورهٔ آخر زندگی شاعرست .

قصاید امیر خسرو بسیار طولانی است ودربسیاری از آنها قصاید خاقانی‌را در نظر داشته‌است وبه‌نظامی هم‌عقیده خاصی داشته وبه‌تقلید ازاو خمسه‌ای ساخته است ، مشتمل برمنظومه‌های زیر :

۱- مطلع‌الانوار

۲- شیرین وخسرو

۳- مجنون ولیلی

۴- آئینهٔ اسکندری

۵- هشت بهشت

امیرخسرو منظومه‌های دیگر نیز مانند قران‌السعدین و نه سپهر و مفتاح الفتوح دارد که درشرح حال و اوصاف شاهان هند است. از کتابهای منثور او « خزائن الفتوح » است، دیگر « رسائل الاعجاز » درفن انشاء .

امیرخسرو را می‌توان بزرگترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید

کلیات امیرخسرودهلوی چاپ هند

امین احمدرازی (ن) ازتذکره نویسان قرن یازدهم و معاصر شاه‌طهماسب. وی پسر خواجه‌میرزا احمد است که درسال ۹۳۰ ازجانب شاه طهماسب، کلانتری ری‌را داشته است، کتابی درجغرافیا وشرح حال

بزرگان ورجال ادب دارد، به‌نام «هفت اقلیم»

امینی نجار (ت)ابوسرافه عبدالرحمن بن احمد البلخی الامینی النجار.ازشاعران عصر محمود غزنوی . از زندگیش اطلاعی دردست نیست . قصیده‌ای ازاو درلباب‌الالباب عوفی ضبط است .

انفعال (ط) (ازمقولات‌عشر) انفعال عبارت است از قبول کردن تأثیر از غیر.مثل گرم شدن آب ازآتش

انقلاب (نج) دونقطه از منطقة البروج است که زمین چون در گردش خود به دورآفتاب به آن نقاطمی‌رسد ، شب وروز به حداعلای تفاوت‌باهم می‌رسند. انقلاب بردوگونه است : انقلاب صیفی، انقلاب شتوی .

انقلاب شتوی (نج) یا انقلاب‌زمستانی در روز اول زمستان‌است که روز به منتهای کوتاهی وشب به منتهای بلندی می‌رسد .

انقلاب‌صیفی (نج) یاانقلاب‌تابستانی در روزاول تابستان‌است که روز به منتهای بلندی وشب به منتهای کوتاهی می‌رسد .

انگشترسلیمان(تن)انگشتری که‌سلیمان‌دردست‌داشت وبه‌وسیلهٔ آن برانسان و جانوران پادشاهی‌می‌کرد ودیوی آن راربود وچهل‌روز بجای سلیمان برتخت نشست .

از ملک تو گربابم انگشتری زنهار

صد ملک سلیمانم درزیر نگین باشد

«حافظ»

انوار (ت) سید علی بن هرون بن ابوالقاسم الحسینی‌التبریزی . وفات۸۳۷—سیدقاسم‌الانوارشاگردشیخ صدرالدین اردبیلی ازاجدادصفویه بوده‌است. وی‌مدتی‌در گیلان اقامت کرد ، بعد به خراسان رفت و در

هرات ساکن شد . درزمان سلطنت تیمور وفرزندش شاهرخ در هرات می‌زیسته‌است،ولی به‌سبب سوءظنی که میرزابایسنقرپسرشاهرخ به اوپیدا کرده بود، ازهرات به‌سمرقندرفت وتحت حمایت‌میرزاالغ بیگ قرار گرفت، بعد به خراسان بازگشت ودر خرجرد ازولایت‌جام اقامت کرد وهمانجا وفات یافت .

از آثارقاسم‌الانوار دیوان‌غزلیات او ودومثنوی «انیس العارفین» و«انیس العاشقین»است. (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی‌سپهسالار)

انوارالتنزیل و اسرارالتأویل (ك) یا تفسیر بیضاوی. تفسیر بسیار معتبری‌ازقرآن به زبان عربی‌تألیف ناصرالدین البیضاوی ازعالمان ومفسران مشهور عصرمغول . تفسیر بیضاوی درمیان عالمان وفاضلان بسیارمعتبر وموردِاستفاده بوده‌است، وبه سبب همین تفسیر معروف‌است که بیضاوی به‌مقام قاضی‌القضاتی رسیده‌است . شیخ بهائی‌براین تفسیر حواشی وتعلیقات مفصل نوشته است .

انوارسهیلی (ك) یکی از مهمترین آثارادبی زبان‌فارسی، تألیف ملاکمال‌الدین حسین واعظ کاشفی که آن را به نام امیر شیخ احمد سهیلی از امیران دربار سلطان حسین بایقرا نگاشته است . این کتاب ازروی کتاب کلیله‌ودمنهٔ ابوالمعالی منشی اسماء گرد بده‌وهانند آن پرازاشعار و امثال عربی است ، مؤلف انوار سهیلی خواسته است که کتابش را به شیوهٔ ساده بنویسد وبه جای امثال واشعارعربی و عبارات مصنوع، اصطلاحات ساده‌تر و امثال فارسی به کار برد تافهم آن آسانتر گردد . بااینحال شیوهٔ نگارش کتاب تابع‌سبک متکلف قرن نهم هجری است وار لفاظی و عبارت پردازی خالی نیست .

انوشیروان (ش — ت) خسرو اول از شاهان‌ساسانی، پسرقباد .

نام او درعربی به صورت «کسری» آمده ودرادبیات فارسی نیزغالباً به همین صورت به کار رفته است . درزمان پدرش،قباد، مزدك آئین نوی آورد وقباد دین اورا پذیرفت ولی پس ازچندی از او رو برگرداند و کسری به فرمان پدر مزدك و مزدکیان را کشت وچون به تخت نشست به کشورداری وآبادی پرداخت ، دختر خاقان چین را گرفت و دوستی ایران وچین را استوار ساخت. درزمان انوشروان شطرنج ازهندبه ایران آمد، همچنین به دستورانوشیروان ، کتاب کلیله ودمنه بوسیله برزویهٔ طبیب به ایران آورده شد وبه زبان پهلوی ترجمه گردید. همین ترجمه است که درقرن دوم هجری ابن مقفع آن را به عربی برگرداند. انوشروان باقیصر روم جنگید وبراو پیروز شد وقیصر را باج گزارایران کرد .

درادبیات فارسی،انوشروان نمونهٔ دادگری ورعیت پروری است.

انوری (ت) اوحدالدین محمدبن محمد وفات ۵۸۳ — انوری ملقب به حجةالحق دروریهٔ بدنه از ولایت ابیورد متولدشد . درجوانی درطوس به تحصیل همت گماشت وعلاوه بر ادبیات، درریاضی وفلسفه وحکمت نیز مهارت یافت . به آثار ابوعلی سینا علاقهٔ بسیار داشت وبعضی ازآنها رابه خط خود نوشت . انوری به نجوم هم علاقهٔ خاص داشت وبی گویند که در اقتران کواکب سال ۵۸۳ پیشگوئی باد سختی راکرد که حقیقت نیافت .

انوری غیراز سنجر بسیاری از رجال معروف از قبیل ابوالحسن عمرانی وقاضی حمیدالدین صاحب «مقامات حمیدی» را مدح گفته است.

انوری از قصیده سرایان معروف قرن ششم است. وی ابتدا درشعر خاوری تخلص می کرده ودرقصیده سرائی ازحیث فصاحت لفظ و دقت معنی از پیشینیان سبقت گرفته است. غزلیاتش بسیار لطیف ودل انگیز

است ودر هجو نیز ماهر بوده است .

انوری درتغییر سبک سخن فارسی بسیار مؤثر بوده و طریقهٔ تازهٔ او استفاده از زبان محاوره است درشعر . اشعارش گاه سادگی و روانی خاصی دارد و گاه دارای معانی دقیق‌ومشکل میشود . شاعران پس‌از انوری همه اورا به استادی ستوده‌اند .

دیوان انوری چندین بار چاپ شده است .

انیس‌العارفین (ك) منظومه‌ای عرفانی ازآثار سید قاسم‌الانوار (متوفی ۸۳۷) این منظومه دارای مقدمه‌ای به نثر درحمد خدا و۰۷ ۵ بیت‌است . موضوع کتاب پاسخ به‌پنج سؤال‌است .این سؤالهاعبارت‌است از نفس ، روح ، قلب ، عمل ، عشق ، که شاعر در توضیح هر یک داستانی‌آورده است . ازجمله داستان ملاقات‌شیخ صفی‌الدین جدصفویه باشیخ سعدی شیرازی است. این‌مثنوی ازحیث سبک بیان‌وادای‌معانی ، تقلیدی است از مثنوی مولانا جلال‌الدین وبوستان سعدی .

اوحدالدین کرمانی (ب) —شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی وفات ۶۳۵—اوحدالدین ازعارفان معروف ایران واز پیروان و شاگردان شیخ محی‌الدین بن العربی . از اوحدالدین آثار فراوانی دردست‌نیست . مثنوی «مصباح الارواح» ازاو باقی است وقطعات پراکنده‌ای درمجمع الفصحا ازاو نقل شده است .

اوحدی مراغه‌ای (ب) رکن الدین اوحدی اصفهانی وفات ۷۳۸-ازشاعران متصوف آذربایجان که قسمت مهمی ازعمرخود را در اصفهان بسربرده‌است .در عرفان به یک واسطه مریدعارف معروف شیخ ابوحامد اوحدالدین کرمانی (متوفی ۶۳۵) بوده وتخلص خود را از او گرفته است .

اوحدی دردورهٔ سلطنت آخرین ایلخان مغول، ابوسعید، می زیسته، و او وغیاث الدین محمد را مدح گفته است . دیوان اوحدی مرکب است از قصاید وغزلیات وقطعات وترجیع بند ورباعیات . درغزل عرفانی نیز دست داشت . از آثار دیگر او مثنوی «منطق العشاق» است که آن را درسال ۷۰۶ به نام « وجیه‌الدین شاه » نبیرهٔ خواجه نصیر الدین طوسی ساخته است . دیگرمثنوی معروف«جام جم»است .

اوستا (ك) کتاب دینی زردشت پیغمبر ایرانی که شامل پنج جزء است:

۱ - یسنا که گاتا (سرود زرتشت) جزو آن است ۲ — ویسپرد ۳— وندیداد ۴ - یشت ۵ - خرده اوستا

آقای پورداود استاد دنشگاه تهران اوستارا به فارسی امروز بر گردانده وتفسیر کرده‌اند(ازسلسلهٔ انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبی) .

اوصاف الاشراف (ك) کتابی درعرفان وسلوك به زبان فارسی ، تألیف خواجه نصیرالدین طوسی که آن را بنابه خواهش وزیردانشمند، خواجه بهاءالدین محمدجوینی، تألیف کرده است .

(چاپ تهران)

اهریمن (من) نزد ایرانیان قدیم مظهر ناپاکی و تیرگی که پیوسته با اهورمزدا، خدای پاکی و صفا ونور، درجنگ است . اهریمن گاهی اشاره به دیوی است که انگشتر سلیمان را به دست آورد وچهل روز بجای او بر تخت نشست .شیطان هم گاهی درفارسی اهریمن خوانده می شود .

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

اهلی ترشیزی (ت) . متوفی ۹۳٤ ـ ازجملهٔ شاعران دربار سلطان حسین واسیرعلیشیرنوائی . اشعاروی درهندوستان بیشترمورد توجه قرار گرفته است .

اهلی شیرازی (ت) . وفات ۹٤۲ ـ از شاعران قرن دهم و از معاصران شاه اسمعیل صفوی . اشعارش شامل قصاید وغزلیات است . قصاید متعددی درمنقبت پیغمبر اسلام دارد . ازآثار اهلی مثنوی «سحر حلال» است که آن را درجواب تجنیسات ومجمع البحرین کاتبی به دو بحر ودو قافیه سروده است . دیگر «شمع و پروانه» و مجموعهٔ رباعیاتی به نام «ساقی نامه» است .

ایاز (ت) نام غلام ترک سلطان محمود که محبوب او بود وبه زیرکی وملاحت معروف، ودرادبیات فارسی به عنوان محبوب ومعشوق محمود ذکر شده است .

دست دل مجنون وخم طرهٔ لیلی

پیشانی محمود وکف پای ایاز است

«حافظ»

ایجاز (ب) آن است که ترتیب معانی بیش از الفاظ باشد .

عشق دیدم که در مقابل صبر

آتش وپنبه بود وسنگ وسبوی

«سعدی»

ایجی (ت) مولانا عضدالدین عبدالرحمن احمد ایجی وفات ۷۵٦ ه — از عالمان معروف فارس و از قصبهٔ ایج . معاصر شیخ ابواسحق اینجو و سلسلهٔ آل مظفر است . قاضی عضدالدین فقیهی شافعی است که به منصب قضا اشتغال داشته است . آثاربسیاردرفلسفه و کلام ومذهب واخلاق به زبان عربی دارد که ازمعروفترین آنها کتاب

«المواقف فی علم الکلام» است وازمتون معتبرعلم کلام به‌سی‌رود .

ایرانشاه بن ابی الخیر (ت) ازشاعران اواخرقرن پنجم‌ومعاصر سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی که داستان بهمن پسر اسفندیار را در حدود سال پانصد هجری به نظم آورده است .

ایرج (ش — د) پسرفریدون ، از شاهان سلسلهٔ پیشدادی . چون فریدون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد وایران وعربستان را به‌ایرج داد، برادران که ازسهم خود ناراضی‌بودند، بروی‌حسد بردند واورا کشتند وسرش را نزدپدر فرستادند .

ایرج (ت) ایرج میرزا ملقب به جلال الممالک وفات ۱۳۰۴ شمسی-ایرج‌میرزا ملقب به جلال‌الممالک فرزند غلامحسین میرزا پسر برادر فتحعلیشاه، ازشاعران معروف معاصر . تحصیلات فارسی وعربی را در تبریزانجام داد وزبان فرانسه‌آموخت وسورد تشویق مرحوم حسنعلی خان امیرنظام گروسی قرارگرفت. در نوزده سالگی وارد خدمت‌دولتی شد ، ابتدا درگمرک مشغول شد سپس به‌ریاست کابینهٔ وزارت معارف وریاست‌دفتر ایالتی آذربایجان ومعاونت‌حکومت اصفهان‌منصوب گشت، وسرانجام به معاونت مالیهٔ خراسان نائل آمد . ایرج‌سفری هم به‌اروپا کرد و پس از بازگشت درتهران به مرض سکتهٔ قلبی درگذشت. ایرج درده سال آخر عمر خود درشعر سبک خاصی اختیار کرد ، افکار تازه و مضامین نو رادرشعر وارد کرد . وی‌اشعار هزل‌آمیز بسیار دارد و روانی وسادگی اشعارش سبب‌شده‌است که بعضی‌ازآنها زبانزد خاص و عام گردد . دیوان ایرج‌چندین بار به چاپ رسیده است .

ایطاء (ق) ازعیوب قافیه . ایطاء بر دو قسم‌است : ایطاء جلی ایطاء خفی. ایطاء جلی آن است که قافیه تکرار شود : مانند :

دراین زمانه بسی نیست از تو نیکوتر نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق تر

ابطاء خفی آن است که بعضی از حروف زواید را تکرار کنند.

آن شنیدم که وقت زادن تو همه خندان بدند و تو گریان

تو چنان زی که وقت مردن تو همه گریان شوند و تو خندان

ایلاقی (ت) ترکی کنی ایلاقی. از حال او اطلاعی در دست نیست. وی از ناحیهٔ ایلاق نزدیک چاج در ماوراءالنهر است. در ترجمان البلاغة و در حدائق السحر و مجمع الفصحاء اشعاری از حسین ایلاقی نقل شده که در قرن چهارم می زیسته است و گویا همین شخص باشد.

این (ط) از مقولات عشر مفهوم « این » نسبت جسم است به مکان ؛ یعنی «کجا بودن» .

ایوب (تن) از پیغمبران که در صبر و تحمل رنج مشهور است. در روایت است که خدای تعالی اورا به بلاها مبتلا کرد و صبرش را آزمود ابتدا مال اورا گرفت و فقیرش گردانید سپس فرزندانش مردند و خود او بیمار شد و در بدنش کرم افتاد. اما او ننالید و صبر کرد، پس خدای تعالی اورا بخشود و چشمهٔ آب زیر پایش روان کرد. ایوب خود را با آب شست وصحت یافت و آن چشمه بعدها ایوب معروف شد که هر بیماری خود را در آن می شست شفا می یافت. صبر ایوب در ادبیات فارسی مثل است

ایهام (ب) آن است که گوینده در استعمال یک کلمه دو معنای نزدیک و دور را در نظر گیرد

زگریه مردم چشمم نشسته در خون است

ببین که در طلب حال مردمان چون است

شاهد بر سر کلمهٔ «مردم» است که یک معنی آن سیاهی چشم و معنی دیگر آن انسان است.

ب

باباافضل کاشی (ت) رجوع شود به افضل الدین کاشی

باباطاهر (ت). وفات در حدود ۴۱۰—ازشاعران عارف قرن پنجم.
اصلش ازهمدان است و اززندگیش اطلاعات فراوانی دردست نیست. ازآثار او مجموعهٔ کلمات قصاری است به عربی، شامل عقاید متصوفان دیگرمجموعهٔ دوبیتی های عارفانه ولطیف اوست که به لهجهٔ لری سروده شده وازنوع «فهلویات» است. باباطاهر دراین دوبیتی ها ازوحدت عالم وجودوتنهائی وناچیزی وپریشانی واشتیاق معنوی خود گفتگو کرده است. ترانه های باباطاهر درکمال سادگی وبی پیرایگی دارای لطف خاص و نفوذ بسیار است.

دیوان باباطاهر چند بار درتهران به چاپ رسیده است.

بابافغانی (ت) وفات ۹۲۵—ازشاعران قرن نهم واوایل قرن دهم ومعاصر صفویه. تولداو درشیرازاست وپس ازچندی به هرات عزیمت کرد ودرآنجا به خدمت مولانا جامی رسید وازهرات آذربایجان رفت ومدتی در تبریز اقامت کردودردربارسلطان یعقوب آق قوینلو تقرب یافت ودرسلک شاعران دربار او قرار گرفت. پس از فوت سلطان یعقوب وآشفتگی اوضاع به شیراز وپس ازآن به خراسان رفت ودرآنجا عزیمت گزید. غزلهای بابافغانی بسیار پرسوز وحاکی از دردمندی است که پیروان بسیاریافت

خاصه درهندوستان. دیوان بابافغانی— چاپ تهران

باباکوهی (ت) ابوعبدالله‌علی. وفات ۴۴۲— ازعارفان ومرشدان قرن چهارم هجری . باباکوهی پس ازطی مراحل اولیه سلوک درشیراز، به سفر پرداخت و در نیشابور به خدمت امام قشیری و شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رسید، سپس به بغداد رفت وبامنصور حلاج ملاقات کرد واز آنجا به‌شیراز مراجعت کرد ومنزوی‌شد ودرصومعه‌ای به‌عبادت پرداخت. جامی دربارهٔ او گوید:

کوه نشین گشت سه سال تمام

شد لقبش کوهی و باباش نام

(دیوان باباکوهی-چاپ شیراز)

باخرزی (ت) ابوالقاسم‌علی‌بن‌ابوالحسین‌بن‌ابی‌الطیب‌باخرزی. مقتول در۴۶۸—ازشاعران‌ونویسندگان قرن پنجم. پس از آموختن علم دین به علوم ادبی روی آورد ودرشعر ونثر عربی وفارسی مشهور شد. عوفی اورا کاتب سلطان رکن‌الدین طغرل سلجوقی می‌داند. دیوان عربی باخرزی مشهور است وعوفی مجموعه‌ای از رباعیات فارسی او را به‌نام «طرب‌نامه» ذکر کرده است. اثر معروف او کتاب «دمیة القصر وعصرة اهل‌العصر» است.

باخرزی (ت) سیف‌الدین ابوالمعالی سعیدبن مطفر باخرزی. وفات ۶۲۹ ازشاعران اواخرقرن ششم واز مشایخ صوفیه. مدت درازی ازعمر را در بخارا گذراند و از طرف نجم‌الدین کبری مأمور نشر طریقهٔ کبرویه گردید. سیف‌الدین باخرزی‌معاصر شیخ فریدالدین عطاروشیخ مجدالدین بغدادی بوده است. رساله‌ای به فارسی در معنی عشق دارد ودرنظم‌ونثر آثاری از او باقی است.

باد (تن) در داستان سلیمان. بادفرمانبردار او بودواوراازشهری به‌شهری می‌برد.

اندر آن موکب که برپشت صبا بندند زین
باسلیمان چون برانم من که مورم مرکب است
«حافظ»

باربد (ت) رامشگر معروف دربار خسروپرویز
...خاصه که به هرطرف نشسته است صد بارید از هزار دستان
«خاقانی»

بایقرا (ب) رجوع شود به‌سلطان‌حسین بایقرا

بت‌آزری (تن) اشاره به‌بتهائی که آزر بت‌تراش، پدر ابراهیم پیغمبر، می‌تراشید ودرشعر فارسی کنایه ازخوبرو است.

دگر بروی کسم دیده برنمی‌باشد
خلیل من همه بتهای آزری بشکست
«سعدی»

بتر (زحاف) (ع) درمفاعیلن مجموع جب وخرم است که حذف میم وعی‌ولن باشد. می‌ماند فا، بجای آن فع می گذارندوآن‌را ابتر گویند درفعولن حذف فعو است که می‌ماند لن، بجای آن فع می گذارند وآن را ابتر خوانند

بحر (بحور) (ع) اصطلاحی است که برانواع اوزان اطلاق می‌شود، خلیل بن احمد که واضع علم عروض‌است، درشعر عربی پانزده جنس وزن یعنی پانزده «بحر» یافته است که عبارتند از:

طویل، مدید، بسیط، وافر، کامل، هزج، رجز، رمل، سریع، منسرح، خفیف، مضارع، مقتضب، مجتث، متقارب.

(به هریک از این کلمات رجوع شود)

بدایع الازمان فی وقایع کرمان (ك) معروف به تاریخ افضل تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی. این کتاب شامل اطلاعاتی‌است درباره جغرافیای کرمان و بنای بلاد و تاریخ مختصر کرمان ازدورهٔ قبل از اسلام وفتح آن بدست مسلمین واستیلای صفاریان وغزنویان وآل بویه وسلاجقهٔ قاوردی وانقلاب پس ازآنها وتسلط ملك دینار وپسرانش وتسلط ملوك شبانکاره واتابکان فارس وخوارزمشاهیان. بدایع الازمان مورد استفادهٔ حافظ ابرو واغلب مورخان واقع شده‌است.

چاپ تهران

بدر (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به‌جانب زمین است کاملا روشن است واین حال درشب چهاردهم ماه ظاهر می‌شود.

قرص مه چون هلال و بدر شود لعل یکران وقرص خوان نوباد

«ابوالفرج رونی»

بدر چاچی (ت) ازشاعران دورهٔ مغول که شهرتش در هندوستان بیش از ایران است. اهل چاچ (ازشهرهای ترکستان) است. از شعرهای اووقطعاتی درتاریخ هندوستان به قلم Sir H. Elliot نقل شده است.

بدیع بلخی (ت) ابومحمد بدیع بن محمد بن محمود بلخی ازشاعران قرن چهارم. هدایت اورا معاصر سلطان محمود غزنوی می‌داند ومنظومه‌ای به نام «پندنامهٔ انوشیروان» به او نسبت داده که قسمتی ازآن رادرتذکرهٔ مجمع الفصحا آورده است.

بدیع الزمان (ب) ابوالفضل احمدبن حسین. وفات ۳۹۸-ازادیبان ونویسندگان قرن چهارم هجری. اولین کسی است که نثرمسجع عربی ساخت وسبك مقامه نویسی را به وجود آورد. بدیع‌الزمان علوم ادبی

را در همدان نزد ابن‌فارس رازی فرا گرفت وبعد به خدمت صاحب بن عباد رسید . بدیع‌الزمان ازلحاظ حافظه واحاطهٔ برلغت و شعروادب در عصر خودممتازبود ودرنظم‌ونثرعربی استاد . مقامات‌بدیع‌الزمان‌مرکب از پنجاه ویک مقامه است

براق (تن) اسبی که حضرت‌محمدص درشب معراج برآن‌نشست

براق همتش معراج پیمای   عقاب‌دولتش نهمت‌شکاراست

«ابوالفرج‌رونی»

برج (نج) یکی ازقسمتهای دوازده گانهٔ منطقةالبروج

برج‌ثوراست مگرشاخ سمن   که گلش را شبه‌پروین است

«ابوالفرج‌رونی»

برجیس (نج) ستارهٔ مشتری

دارد ازلطف تو برجیس وزقهر تو زحل

این سعادت مستفاد و آن نحوست مستعار

«انوری»

برزونامه (ك) بزرگترین منظومهٔ حماسی به زبان فارسی که به‌تقلید شاهنامهٔ فردوسی ساخته شده است . این منظومه شامل روایاتی است دربارهٔ خاندان رستم وبرزو پسرسهراب . داستان برزونامه کم‌وبیش شبیه‌داستان رستم وسهراب است، جزآنکه پایان غم انگیز سهراب را ندارد . مأخذ منثورکتاب ذکرنشده اما روایات آن‌در بعضی از منظومه‌های حماسی دیگر با مختصر تفاوت دیده شده‌است. تاریخ نظم برزونامه کاملاً صریح نیست وآن را به شاعری موسوم به خواجه عمید عطائی ابن یعقوب‌معروف به عطائی‌رازی نسبت می‌دهند، که ازشاعران قرن پنجم ودربار غزنویان است ومسعود سعد درسرگذاو

(۴۷۱) مرثیه‌ای ساخته است . نظم برزونامه بسیار محکم و سلیس است و گوینده دروصف میدانهای جنگ و پهلوانان قدرت بسیار بکار برده ودر تقلید فردوسی درنظم شاهنامه ازدیگر حماسه‌سرایان پیش افتاده است .

برهان (ب) محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان. وی مؤلف کتاب «برهان قاطع» وازمعاصران سلطان عبدالله قطب الدین شاه پادشاه سبعی مذهب هند است و کتاب خود را درسال ۱۰۶۲ به‌نام او تألیف کرده است.

برهان قاطع (ك) کتابی است درلغت فارسی تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان» که کتاب را درسال ۱۰۶۲ درحیدر-آباد دکن به‌نام عبدالله قطب‌شاه از شاهان هند تألیف کرده است .

مؤلف درکتاب ازچهار فرهنگ که مورد مراجعه واستفادهٔ اوبوده است، نام می‌برد .

۱- فرهنگ جهانگیری ۲-مجمع الفرس سروری

۳- سرمهٔ سلیمانی ۴- صحاح الادویهٔ حسین انصاری

برهان قاطع به این سبب که مؤلف از کتابهای لغتی که پیش ازاو تألیف شده ، استفاده بسیار کرده‌است، جامع لغات بیشتری می‌باشد .

مجموع لغات برهان درحدود بیست‌هزار و دویست کلمه است .

(برهان قاطع — چاپ تهران)

برهانی (ن) امیرالشعراعبدالملک برهانی . وفات درحدود ۴۶۵- ازشاعران عهد سلجوقی ، دردربار الب ارسلان می‌زیست ومورد اعتماد اوبود . برهانی پدر امیر معزی شاعر معروف است که در زمان فوت، پسر خود را به سلطان ملکشاه سپرده است .

بزرجمهر (ش - ب) یا بزرگمهر نام وزیر دانشمند انوشیروان .

در ادبیات فارسی بارها به‌عنوان نمونهٔ دانش ولیافت وتقوی از او نام برده شده است .

بزم نوشیروان سپهری بود کزجهانش بزرگمهری بود

«نظامی»

بزرجمهر قائنی (ت) امیر ابومنصور بزرجمهر قسیم‌بن ابراهیم قاینی از شاعران وادیبان عصر غزنوی. در شعر عربی و فارسی استاد بوده است · ابیاتی از اشعار عربی او درلباب‌الالباب عوفی ضبط‌است .

بسام‌کورد (ت) بسام‌کورد به روایت تاریخ سیستان ازخوارج بود که به نزد یعقوب آمد وقصهٔ کشته شدن عمار خارجی را به دست یعقوب ، به شعر فارسی سرود. بسام‌کورد را از جملهٔ نخستین شاعران زبان فارسی ذکر کرده‌اند .

بستان‌السیاحة (ك) تألیف حاجی زین‌العابدین شیروانی . این کتاب در سال ۱۲۴۷ ه تألیف یافته و در حکم سفرنامه است . مؤلف سفرهای طولانی کرده و از جمله شهرهای عراق و گیلان وقفقاز وآذربایجان‌وخراسان وافغانستان وهند وکشمیر وبدخشان و ترکستان وماوراءالنهر وخلیج فارس ویمن وحجاز ومصر وشهرهای مختلف ایران را دیده و وقایع سفر خود را درکتاب شرح می‌دهد ، حاجی شیروانی شیعه ودرویش نعمة‌اللهی بوده‌است.

بسحق اطعمه (ت) رجوع شود به ابواسحق اطعمه

بسیط (ع) از بحور شعر عرب و مرکب است از چهار بار مستفعلن فاعلن. این بحر درشعرفارسی متداول نیست وگاهی مثال آن‌را عروضیان به تکلف‌ساخته‌اند . مثال بحر بسیط‌مخبون : «مستفعلن‌فعلن ۲بار درهر مصراع»

روزم سیاه چرا گر تو سیاه خطی　　اسکم عقیق چرا گر تو عقیق لبی

بشار بن برد (ت) از بزرگترین شاعران ایرانی قرن دوم هجری وازشاهزادگان تخارستان که به زبان عربی شعر می‌سروده است. وی درمباهات به نژاد خود وتحقیر عرب وهجو وحکم و امثال مشهور ودر تغییر سبک شعرعربی بسیار مؤثر بوده است. بشار بن برد نابینا بود وسرانجام به جرم ارتداد درسال ۱۶۷ کشته شد.

بشار مرغزی (ت) ازشاعران قرن چهارم هجری که قصیدهٔ خمریه معروفی دارد که دردست است.

بقراط (ت) طبیب وحکیم یونانی، شاگرد فیثاغورث

بلعمی (ت) ابوعلی محمد بن ابوالفضل البلعمی. وفات ۳۶۳ – وزیر معروف منصور بن نوح بن نصر سامانی که به امر این پادشاه مأمور ترجمهٔ کتاب «الرسل والملوك» معروف به تاریخ طبری شد. پدرش ابوالفضل بلعمی وزیر مشهور اسمعیل بن احمد سامانی واحمد ونصر بوده است. ابوعلی محمد نیز مانند پدر علاوه برمقام بزرگ سیاسی، دردانش و ادب نیز مقامی عالی داشت. ترجمهٔ بلعمی معروف به «تاریخ بلعمی» است. قسمتی که در بارهٔ ایران است، در تهران به چاپ رسیده است.

بلقیس (تن) ملکهٔ سبا که سلیمان خبر قدرت اورا شنید واو را دعوت بشهراو کرد. بلقیس چون دانست او پیغمبر است به درگاهش روانه شد، ولی سلیمان از خدا خواست که تخت بلقیس، پیش ازرسیدن خود او به درگاه حاضر شود. به فرمان خدای تعالی تخت بلقیس در مجلس سلیمان حاضر شد و بلقیس به سلیمان ایمان آورد وبه ازدواج وی درآمد.

حضرت بلقیس بانوی سبا　　برسر تخت [illegible]

[illegible]

بنات النعش (نج) از صور فلکی هفت ستاره؛ که نعش آن چهار ستاره است به شکل تخت درچهارگوشه وبنات آن سه ستاره است که به طول واقع شده است . بنات النعش را «هفت برادران» و «دب اکبر» نیز می‌خوانند .

بنات‌النعش گرداو همی گشت   چواندردست مرد چپ فلاخن

«منوچهری»

بناکتی (ت) ابوسلیمان داوود بناکتی یا فناکتی منسوب به بناکت از شهرهای ماوراءالنهر . وی از مورخان دورهٔ مغول و ملک‌الشعرای دربار غازان‌خان بوده‌است وچون ازنزدیک باخارجیانی که ازشهرهای دور به دربار غازان خان می‌آمدند ، سروکار داشت اطلاعات‌جامعی‌دربارهٔ مذاهب وملل گوناگون کسب کرد که به تألیف تاریخ او به نام تاریخ بناکتی منجر شد .

بوالبشر یا ابوالبشر (تن) رجوع شود به آدم

به صفای صفی حق آدم   که سرانبیا وبوالبشراست

«انوری»

بوزجانی (ت) ابوالوفامحمدبن‌محمد . وفات۳۸۷- اهل بوزجان نیشابورکه در همین شهر به تحصیل ریاضی پرداخت وازآنجا به عراق رفت وبه‌تألیف کتاب مشغول گشت . ابوالوفاء ازمترجمان وریاضی‌دانان مشهورقرن چهارم است . وی بسیاری ازکتابهای ریاضی را از یونانی به عربی نقل کرده‌وخود نیزدرریاضیات ونجوم تالیفاتی دارد وازواضعان علم مثلثات است . ازآثار اوکتاب‌المجسطی است که شامل هفت‌جزء می‌باشد . دیگر« کتاب‌الکامل» . « کتاب‌الهندسه» و« کتاب‌فی مایحتاج الیه الکتاب والعمال من علم‌الحساب» .

بوستان (ك) منظومهٔ معروفی از آثار شاعر بزرگ ایران سعدی، که آن را درسال ٦٥٥ به نام ابوبکربن سعدبن زنگی ساخته است.

بوستان شامل چندین باب است در عدل وانصاف، احسان وبخشش، عشق ومستی، تواضع وفروتنی، تسلیم ورضا، آداب تربیت، شکر بر عافیت، توبه وانابه، مناجات وختم کتاب.

سعدی مطالب این منظومه را باحکایتها و تمثیل های شیرین می آمیزد واز وقایع سفر دراز خود شواهدی ذکر می کند.

بهار (ت) محمدتقی ملک الشعرا وفات ۱۳۳۰ ه شمسی — محمد تقی ملک الشعرا متخلص به بهار فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعرای آستان قدس رضوی. بهار درسال ۱۳۰٤ ق درمشهد متولد شد ودرهمان شهر به تحصیل پرداخت. درسال ۱۳۲۸ روزنامهٔ (نوبهار) را منتشر کرد ودرسال ۱۳۳۳ ازمشهد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد وبه تهران آمد وروزنامهٔ نوبهار را در تهران منتشر ساخت ودر ۱۳۳٥ انجمن ادبی دانشکده و مجله دانشکده را تأسیس کرد و چندی مدیریت روزنامهٔ ایران را به عهده داشت. بهار در هجده سالگی پس ازفوت پدر لقب ملک الشعرائی را به فرمان مظفرالدین شاه دریافت کرد. بهار درعالم سیاست مبارزاتی کرد. تبعیدها وزندانها ومحرومیتها دید ودربارهٔ همهٔ این حوادث اشعاری سرود. بهار درسال ۱۳۰۷ شمسی در دارالمعلمین عالی به سمت معلمی تاریخ وادبیات اشتغال ورزید. پس ازآن به سمت استادی تاریخ ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات تهران منصوب شد است. کم کم اززندگی سیاسی کناره گیری کرده به توسعهٔ آثارادبی پرداخت. کتابهای «مجمل التواریخ والقصص» و«تاریخ سیستان» و«جوامع الحکایات عوفی» راتصحیح کرده باحواشی وتعلیقات به چاپ رسانده است. بهار علاوه

براحاطهٔ برادبیات‌فارسی وعربی به‌خط وزبان پهلوی نیز مسلط بودوچند کتاب از زبان پهلوی به فارسی نقل کرده است مانند یادگار زردران ورسالهٔ ماديكان شترنگ

از مهمترین‌آثار بهار دیوان‌اوست دردوجلد،شامل قصاید وقطعات وغزلیات .بهار در قصیده پیروسبک خراسانی‌است . ازآثارمهم‌دیگراوسه جلد کتاب سبک شناسی یاتاریخ تطور نثر فارسی است که بوسیلهٔوزارت فرهنگ به چاپ رسیده است .

آثار پراکنده مانندمقالات سیاسی وادبی وتحقیقی فراوان‌دارد که در روزنامه‌ها ومجله‌ها منتشرشده است .

دیوان- چاپ‌تهران

بهارستان (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۹۲ به نام ابوالغازی سلطان حسین بایقرا ساخته است . این کتاب به‌سبک گلستان سعدی‌می‌باشد وبه تقلید ازآن به‌هشت روضه تقسیم شده‌است. منظور نویسنده دراین کتاب تذکر نکته‌های تربیتی و اخلاقی است ونثرش به صنایع لفظی آراسته است . چاپ تهران

بهاء ولد (ت) سلطان العلماء بهاءالدین محمدبن‌حسین‌خطیبی بلخی. وفات ۶۳۱—از بزرگان‌مشایخ صوفیه دراواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم ٠ مادرش به خوارزمشاهیان انتساب داشت وچون سخنوری او موجب‌توجه مردم گردیده‌بود،سلطان خوارزمشاه اورا به ترك خراسان واداشت. گویا وجود اختلاف‌نظر بین‌امام‌فخررازی‌وبهاء ولد دراین کار بی‌اثر نبوده‌است ، زیراکه‌خوارزمشاه به‌امام فخر رازی ارادت‌می‌ورزیده است . بهاءالدین درحدود سال ۶۱۰ ازخراسان مهاجرت کرد ودر نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد . شیخ کتاب«اسرارنامه»رابه‌پسر او

جلال‌الدین هدیه کرد . بهاء ولد سپس به‌بغداد وازآنجا به مکه‌رفت وچند سال در ملطیه ماند وبه‌دعوت علاءالدین کیقباد سلجوقی به‌قونیه رفت ودرآنجا به وعظ وارشاد پرداخت ومریدان بسیار یافت و تا زمان مرگ همانجا ماند . ازآثار معروف او «المعارف» است .

بهرام (نج) کرهٔ مریخ

بهرام تافت از فلک پنجمین همی
چونانکه دیده سرخ کند شرزهٔ ژیان
"انوری"

بهرام‌گور (ش - ت) بهرام‌پنجم پسر یزدگرد ساسانی . پدرش اورا نزدمنذربن‌نعمان فرمانروای حیره‌فرستاد تاتربیت شود . چون‌بهرام هنروفرهنگ آموخت وازمرگ پدر خبر یافت ودانست که بزرگان یکی ازشاهزادگان را به نام خسرو برتخت نشانده‌اند ، باسی‌هزار سوار به ایران آمد . ایرانیان تاج شاهی را میان دو شیر گذاشتند تا هریک از دوشاهزاده که آن را برداشت برتخت بنشیند . بهرام شیران را کشت وتاج را برگرفت وبرسرنهاد . بهرام‌گور دردوران‌شاهی پیروزیها یافت وداد بسیار کرد .

درادبیات فارسی بهرام به رعیت پروری و تجمل وخوشگذرانی شهرت دارد ومثل‌است . درشاهنامهٔ فردوسی‌داستانهای متعددی ازشکار ومجالس‌بزم بهرام‌وسرکشی ورسیدگی به وضع مردمان وطبقات مختلف ملت ودادگری او آمده است .

منظومهٔ «هفت گنبد» یا «بهرام‌نامهٔ» نظامی نیز دربارهٔ اوست .

سرانجام بهرام هنگامی که درپی گورخری می‌تاخت، به‌باتلاقی فرورفت وناپدیدشد . رباعی‌ذیل ازخیام‌اشاره‌برسرگذشت وعاقبت‌اوست :

آن قصر که بهرام در او جام گرفت
آهو بچه کرد و گرگ آرام گرفت
بهرام که گوری گرفتی همه عمر
دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«خیام»

بهرامی (ت) استادابوالحسن علی بهرامی‌سرخسی وفات اوائل قرن پنجم ـ ازشاعران مشهور اوایل عصر غزنوی که درعلوم ادبی استاد بود. نظامی عروضی کتابهای «غایةالعروضین و«کنزالقافیه» و «خجسته نامه» را در علم عروض به او نسبت داده است. اشعاری از او در تذکره‌ها وکتابهای ادب ضبط است.

بهمن (ش ــ د) یا اردشیر درازدست پسر اسفندیار، که چون پدرش به دست رستم کشته شد، رستم پرورش اورا به عهده گرفت وبه او هنر آموخت‌وچون‌پسر عزیزش داشت. اما چون بزرگ شد، نامه‌ای به گشتاسب فرستادواوراازکار بهمن آگاه کرد. گشتاسب‌بهمن راخواند وبهمن پس ازگشتاسب به شاهی رسید. وی به خونخواهی پدر به زابلستان لشکر کشید، رستم دراین زمان به حیله برادرش شغاد کشته شده بود. درگنج خاندان رستم راگشاد وگنجها را غارت وزال را اسیر کرد. فرامرز پسر رستم که شنید زال اسیر گشته است، به جنگ بهمن آمد ولی شکست‌خورد وبه دست‌او کشته شد. بهمن ازکارخودپشیمان گشت وزال را آزاد کرد.

شنیدم‌من که برپای‌ایستاده   رسیدی تا به‌زانودست‌بهمن

«منوچهری»

بهمنجنه بهمن روز یعنی روز دوم از ماه بهمن که پارسیان این

روز را جشن می گرفتند. این جشن تا چندقرن پس از اسلام نیز معمول بوده است.

رسم بهمن گیر و از نو تازه کن بهمنجنه
ای درخت ملک بارت عزو بیداری تنه

"منوچهری"

بیان الادیان (ك) تألیف امیر ابوالمعالی محمد بن عبیدالله از سادات علوی و معاصر ناصرخسرو که این کتاب را به زبان فارسی در سال ۴۸۹ تألیف کرده است. بیان الادیان از جملهٔ قدیمترین و مهمترین کتابهای زبان فارسی در ملل ونحل است چاپ تهران

بیان و تفسیر (ب) آن است که شاعر یا نویسنده کلام مجملی بیاورد وپس از آن به تفسیر پردازد

دو کس رنج بیهوده برد وسعی بفایده کرد، یکی آنکه مال گرد کرد ونخورد ودیگر آنکه علم آموخت وعمل نکرد.

بیت (ب) در زبان عرب به معنی خانه ودر اصطلاح شعر عبارت است از حداقل شعر که از دو پاره ساخته شده ودارای وزن وقافیه واحدی باشد. هر پارهٔ یک بیت را مصراع گویند.

بیت الاحزان (نن) یا بیت الحزن
(رجوع شود به کلبهٔ احزان)

ای زوصلت خانه ها دارالشفا وی زهجرت بیتها بیت الحزن

"سعدی"

بیدل (ت) ابوالمعالی میرزا عبدالقادر بیدل. وفات ۱۱۳۳ — از شاعران فارسی زبان هند واز ترکان جغتائی که در هند متولد شده ودر آن کشور تربیت یافته است. بیدل آثار فراوانی به نظم ونثر دارد ودر شعر صاحب شیوهٔ خاصی است. درغزل عرفانی استادی دارد واستعارت

با استعاره و کنایه و مضامین پیچیده آمیخته است . از آثار معروف او مثنوبهای عرفات ، طلسم حیرت،طور معرفت است . دیوان اشعارش شامل غزل وقصاید وترجیعات ومستزاد وهزلیات است .

بیرونی (ت) ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی وفات ۴۴۰ — از بزرگترین دانشمندان علم ریاضی. ابوریحان درسال ۳۶۲ در بیرون، حوالی خوارزم، متولد شد وتحصیلات خودرا درخوارزم انجام داد سپس به دربارشمس المعالی قابوس بن وشمگیر رفت ومورد توجه اوقرار گرفت و کتاب «آثار الباقیه» رادرسال ۳۹۱ به نام اوتألیف کرد . ابوریحان به خوارزم بازگشت وبه دربار خوارزمشاهیان آل مأمون پیوست ومورد احترام قرار گرفت و هنگامی که سلطان محمود غزنوی به گرگانج دست یافت ، ابوریحان را به غزنین برد . ابوریحان درسفرهای سلطان محمود به هند بااوهمراه بود وبادانشمندان هندی مصاحبت ومعاشرت کردواز عقاید وعلم آنها استفاده بسیار کرد وزبان سانسکریت راآموخت . بعد ازسلطان محمد در دربار مسعود باقی ماند وکتابهائی به نام اوتألیف کرد .

ابوریحان فهرست کتابهای خود را تا سال ۴۲۷ یکصد وسیزده عدد شمرده است درمسائل هیئت ، نجوم ، تاریخ وجغرافیا ، فیزیک، اسمار واحادیث ، داروشناسی .

ازجملهٔ آثار معروف او کتاب «تحقیق ماللهند من مقولة مقبوله فی العقل اومرذوله» درذکر عقاید هندوان ، «قانون مسعودی» درهیئت ونجوم به نام سلطان مسعود ، غزنوی «الدستور» به نام شهاب الدوله ابوالفتح مودود بن مسعود، «الجماهر فی معرفة الجواهر» درتحقیق فیزیکی بنام مودود بن مسعود، «التفهیم لاوائل صناعة التنجیم» به نام ریحانه دختر حسین خوارزمی «آثار الباقیه عن القرون الخالیه»

ابوریحان در دوزبان پارسی وعربی استاد بود وازمفاخر عصرخود به شمار می‌رفت .

بیژن (ش — د) پهلوان ایرانی ، پسر گیو که مطابق روایت شاهنامه، خواستار جنگ با گرازها گشت و به فرمان کیخسرو همراه گرگین عزیمت کرد ، ولی گرگین اورا فریب داد وبه دشمنی راهنمائیش کرد که دختر افراسیاب درآن خیمه گاه افراشته وجشن برپا کرده بود . بیژن عاشق منیژه شدومنیژه‌نیز شیفتهٔ وی گشت‌واورا به‌جادر خودخواند وپس ازآن به کاخ خود برد .چون‌افراسیاب‌ازوجود بیژن در قصر دختر آگاه شد ، بیژن را اسیر ودرچاهی زندانی کرد ومنیژه را سروپابرهنه از کاخ بیرون افکند . منیژه هرروز برسرچاه می‌رفت ونانی را که ازگدائی به دست آورده بود به بیژن می‌رسانید . سرانجام رستم درجامهٔ بازرگانان به جستجوی بیژن به شهر توران آمد وبه راهنمائی منیژه برسرچاه رفت وبیژن را نجات داد وبه ایران آورد .

ثریا چون منیژه بر سر چاه دوچشم من بدوچون‌چشم بیژن

«منوچهری»

بیستون نام کوهی‌نزدیک کرمانشاه که درداستان خسرووشیرین فرهاد به فرمان خسرو به کندن آن‌مشغول شد .

آواز تیشه امشب از بیستون نیامد

گویا به خواب‌شیرین‌فرهاد رفته باشد «وحشی»

بیهقی (ت) ابوالحسن‌علی بن ابی‌القاسم زیدبن‌محمدبن الحسین البیهقی‌معروف به‌ابن فندق‌وفات ۵۶۵ ازدانشمندان‌قرن‌ششم‌واهل بیهق (سبزوارحالیه) . بیهقی معاصر شهرستانی صاحب‌ملل ونحل بوده‌ودرصغر سن زمان‌عمرخیام رادریافته‌است.

یاقوت درمعجم الادباء هفتاد وچهار کتاب ازتألیفات او را ذکر می‌کند که متأسفانه از همهٔ آنها جز چند کتاب در دست نیست. ازآثار بیهقی «تاریخ بیهق»، «کتاب نحو»، «جوامع الاحکام»، «شرح نهج البلاغه» «تتمه صوان الحکمة»، «ذیلی برتاریخ بمبنی» است موسوم به «مشارب التجارب وعوارب الغرایب» که مشتمل بروقایع تاریخی ایران است درصدوپنجاه سال، یعنی از همانجا که تاریخ یمینی ختم می‌شود.

دیگر ازتألیفات او کتابی است درامثال عرب موسوم به «غررالامثال و درر الاقوال».

بیهقی (ت) ابوالفضل محمدبن حسین وفات ۴۷۰ - ازنویسندگان بزرگ قرن پنجم ومعاصر غزنویان. بیهقی در قریهٔ حارث آباد از قراء بیهق متولد شد وتحصیلات خود را درنیشابور انجام داد. پس از آن به سمت دبیری، به دیوان رسالت محمود بن سبکتکین وارد شد ودر خدمت خواجه بونصرمشکان به کار پرداخت ونوزده سال منشی رسائل غزنویان بود ودرزمان سلطان عبدالرشید صاحب دیوان رسالت گشت. بیهقی مدتی به علت سعایت مخالفان در زندان بسربرد وپس ازآزادی انزوا اختیار کردوبه تصنیف کتاب پرداخت. ازآثار او یکی «زینة الکتّاب» است که گویا درفن کتابت بوده واکنون دردست نیست. دیگر تاریخ مهم اوست به نام «تاریخ آل سبکتکین» که قسمتی ازآن به نام «تاریخ مسعودی» دردست است.



پازند (ک) چون خواندن خط پهلوی ساسانی دشوار بود وموجب خطا واشتباهاتی می‌شد ، برای آنکه رسالات و کتابهای مذهبی درست خوانده شود، غالباً آنها را به خط دقیق اوستائی نقل می کردند . این گونه نقل متن پهلوی به‌خط اوستائی پازند خوانده می‌شود .

ای خوانده کتاب زند و پازند — زین خواندن زند تا کی و چند
از فعل منافقی و بی باک — از قول حکیمی و خردمند

«ناصرخسرو»

پدر (تن) اشاره به حضرت آدم

نه من ازخلوت تقوی به در افتادم و بس
پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت

«حافظ»

پروین (نج) رجوع شود به ثریا

آسمان گو مفروش این عظمت کاندر عشق
خرمن مه به جوی خوشهٔ پروین به دو جو

«حافظ»

پروین اعتصامی (ت) وفات ۱۳۲۰ شمسی-دختر یوسف اعتصامی (اعتصام الملک آشتیانی) از زنان هنرمند و شاعر معاصر. پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسهٔ امریکائی

تهران به پایان رساند و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت. پروین درسال ۱۳۲۰ درسن سی‌وپنجسالگی فوت کرد. اشعار او ابتدا درمجلهٔ بهار منتشر شد و نخستین مجموعه اشعارش در سال ۱۳۱٤ به طبع رسید. دیوانش شامل قصاید ومثنویات وقطعات است. پروین در قصیده ازسبک شاعران خراسان پیروی کرده ومضامین اجتماعی وواقعی زندگی را درشعر وارد کرده است و در پند و اندرز و تسلیت خاطر بیچارگان نکته‌های لطیف وحکیمانه بکاربرده است که اغلب آنهارا از زبان بیچارگان یا گاهی از زبان طیوربیان می‌کند.

دیوان پروین چندین بار در تهران به چاپ رسیده است

پریشان (ك) کتابی به نثر تألیف قاآنی شاعر بزرك قرن‌سیزدهم هجری. این کتاب به‌سبک گلستان سعدی نوشته شده وشامل پند واندرز وقصه وهمچنین حاوی‌مطالبی‌است دربارهٔ احوال مؤلف. چاپ تهران

پسر نوح (تن) فرزند نوح پیغمبر که بامخالفان پدر همراه شد ودر طوفان غرق گشت.

پسرنوح بابدان بنشست		خاندان نبوتش گم‌شد

«سعدی»

پور بهای جامی (ت) ازشاعران‌دورهٔ مغول که وجیه‌الدین زنگی وطاهرفریومدی‌رامدح کرده‌وبه خدمت‌صاحبدیوان‌جوینی‌هم رسیده است دولتشاه‌قصیده‌ای‌شامل ۸۲ بیت‌ازاونقل کرده که‌حاوی‌لغات‌مغولی‌وترکی است. همچنین ازپوربها قطعاتی مربوط به واقعهٔ انهدام نیشابور براثر زلزلهٔ سال ٦٦٦ وتجدید بنای آن درسال ٦٦٩ به حکم آبا قاخان باقی است که پر ازصنایع لفظی می‌باشد

پیر کسی است که درخانقاه تربیت سالکان رابرعهده دارد.

این شخص باید اجازهٔ ارشاد از مشایخ صوفیه داشته و از علم طریقت وشریعت اطلاع کامل داشته باشد.

دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیرما
چیست یاران طریقت بعد از این تدبیرما
«حافظ»

پیراهن یوسف (تن) چون برادران یوسف براو حسد بردند، از پدر اجازه خواستند تا او را به صحرا برند، همینکه ازچشم پدر غایب شدند، یوسف رادرچاهی انداختند و کبوتری را کشتندوپیراهن یوسف رااز خون او رنگین کردند ونزد پدر بردند و گفتند که گرگ یوسف را دریده وگواه پیراهن خونین اوست. یعقوب پس از آن آنقدر درفراق یوسف گریست که کورشد، اما یوسف بوسیله کاروانی از چاه بیرون آمد و به مصر رفت وبراثر تعبیر خواب پادشاه، عزیز مصر گشت. درسالهای فراوانی گندم اندوخت ودرسالهای قحطی از ذخیره به کاربرد وفروخت. برادران یوسف برای خریدغله به مصر رفتند وپس از چند نوبت خرید، یوسف خودرا به آنها معرفی کرد وپیراهن خودرا برای یعقوب فرستاد. وقتی که برادران از مصر خارج شدند وسوی کنعان رفتند، یعقوب بوی پیراهن او را شنید وچون پیراهن را به او دادند، به چشم خود مالید وبینا گشت.

بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم
باد گوئی که بر در غم دیوان آرد
«سید حسن غزنوی»

بوی پیراهن یوسف ز صبا می‌شنوم
شادی آورد گل و بادصبا شاد آمد
«حافظ»

پیر کنعان (تن) اشاره به یعقوب

شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

«حافظ»

پیر مغان کنایه از پیشوای طریقت و مرشد عارفان

مشکل خویش بر پیرمغان بردم دوش
کو به تأیید نظر حل معما می‌کرد . . .

«حافظ»

ت

تاتار ولایتی که در شعر فارسی به داشتن مشک خوب معروف است .

در آن چمن که نسیمی و زد ز طرهٔ دوست
چه جای دم زدن نافه‌های تاتاری است

«حافظ»

تاج التراجم (ك) تاج التراجم یا تفسیر اسفراینی از تفسیرهای مهم به زبان فارسی است که امام عمادالدین ابوالمظفر شاهپور آن را در قرن پنجم تألیف کرده است .

این کتاب دارای چند مجلس است که در هر مجلس سوره‌ای تفسیر شده است .

تاریخ ابوالفداء یا کتاب المختصر فی اخبار البشر (ك) تاریخی به زبان عربی در چهار جلد تألیف ابوالفداء . این کتاب شامل دو قسمت است : تواریخ قدیمه و تواریخ اسلامیه .

قسمت اول دارای یک مقدمه و پنج فصل است در تاریخ انبیا و ملوک ، شامل چهار طبقه : فراعنهٔ مصر ، ملوک یونان و روم ، ملوک عرب قبل از اسلام ، امم مختلف .

قسمت دوم تواریخ اسلامیه از زمان حضرت محمد شروع می‌نمود و به وقایع سال ۷٤۹ پایان می‌پذیرد .

ابوالفداء در قسمت اول به اختصار می‌گوید ولی تاریخ حضرت

محمد را با تفصیل بسیار شرح می‌دهد. وی مطالبی از تواریخ دیگران نقل می‌کند وازایران همه جا بااحترام نام‌می‌بردوعظمتش رامی‌ستاید. نثر کتاب ساده وخالی از اغراق‌است.

تاریخ اکبری (ك) رجوع شود به اکبرنامه

تاریخ بخارا (ك) اصل تاریخ بخارا به زبان عربی و تألیف ابوبکرمحمدبن جعفرالنرشخی است که آن را به‌نام امیر حمید ابومحمد نوح بن نصر سامانی ساخته است. این کتاب ظاهراً پس از دوقرن یعنی دراوایل قرن‌ششم به‌وسیلهٔ ابونصربن احمدبن‌محمد نصرالقباوی به‌فارسی ترجمه شده است.

مترجم قسمتی از مطالب کتاب را که لازم نمی‌دانسته، حذف کرده ومطالب واخبار سودمندی به‌آن افزوده است. ترجمهٔ این کتاب به سال ۵۲۲ انجام گرفته است وپس از آن محمدبن زفربن عمر ترجمهٔ قباوی را در تاریخ ۵۷٤ تلخیص کرده وبه‌نام صدرالصدور صدر جهان برهان‌الدین عبدالعزیزبن مازه حاکم بخارا گردانده است. همین کتاب است که اکنون دردست می‌باشد. گویا پس از آن باز در این کتاب دستی برده شده‌وحوادث تاغلبهٔ‌مغول وتسخیر بخارا به دست چنگیز برآن افزوده شده است.

این کتاب شامل اطلاعاتی است دربارهٔ بخارا وفتح آن به‌دست مسلمین و اوضاع آن قبل از تسلط سامانیان. مؤلف علاوه بر تاریخ و جغرافی از فلاحت وصنعت واوضاع مذهبی و عقاید اهالی بخارا پیش از اسلام واز عادات قدیم محلی‌نیز گفتگو کرده است. نثر تاریخ بخارا بسیار ساده وبی‌پیرایه است. (چاپ تهران)

تاریخ بداونی (ك) کتابی‌درتاریخ عمومی هندتألیف‌عبدالقادر

بداونی که وقایع را تا سال ۱۰۰۳ یعنی چهلمین سال سلطنت اکبرشاه شرح داده است . تاریخ بداونی ازمعتبرترین تواریخی است که درهند نوشته شده است .

تاریخ برامکه (ك) تاریخ برامکهٔ حاضر ترجمه‌ای است از متن عربی ومترجم آن محمدبن‌حسین‌بن عمر هروی می‌باشد ، زمان ترجمهٔ کتاب معلوم نیست و مترجم همهٔ حکایتها را بانقل‌از «ابوالقاسم‌غسان گرد آورندهٔ اخبار آل‌برمک» شروع می‌کند .موضوع اصلی کتاب شرح سجایا وسیر و جود وسخای خاندان برامکه است که به صورت حکایت آمده است وبیشتر حکایتها مربوط‌به‌سه تن ازمهمترین افراد این‌خاندان یعنی‌یحیی ودوپسرش‌فضل وجعفر می‌باشد . نثرفارسی کتاب بسیار ساده و روان است و شاید بتوان گفت ازنوع انشاء قرن پنجم است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ بلعمی (ك) تألیف ابوعلی محمدبن ابوالفضل بلعمی‌وزیر منصور بن نوح بن نصر . این کتاب ترجمه‌ای است از « تاریخ‌الرسل والملوك» تألیف محمد جریر طبری (متوفی ۳۱۰) که به سال ۳۵۲ انجام گرفته است . بلعمی درترجمهٔ کتاب طبری تغییراتی داده است . سلسله روات واسناد پیاپی را که‌برای‌خوانندهٔ‌فارسی زبان ملال‌اوراست حذف کرده وبجای آن ازمنابع ومآخذ جدیدی که غالباً بدرواداتِ‌پهلوی متکی بوده ، استفاده کرده است . بلعمی سبک سالنامه نویسی را مانند طبری به کار نبرده ، بلکه وقایع را برحسب‌ترتیب اقوام مختلف تنظیم کرده است .

تاریخ بلعمی از نمونه های بسیار قدیم نثر فارسی است و ساده وطبیعی ودور از صنایع لفظی می‌باشد. (چاپ تهران)

تاریخ بناکتی (ك) «روضة اولی الالباب فی تواریخ الاکابر والانساب» تألیف ابوسلیمان داوود بناکتی که درسال ۷۱۷ هجری به زبان فارسی تألیف یافته است. مؤلف در تألیف این کتاب بیشتر ازهمه از جامع التواریخ رشیدی استفاده کرده است. این تاریخ شامل نه قسمت است.

۱- انبیاء واولیاء. ۲- پادشاهان قدیم ایران. ۳- پیغمبر اسلام وخلفا. ٤- سلاطین ایران و معاصران خلفاء بنی عباس. ٥- یهودیان. ٦- مسیحیان و فرنگیان. ۷- هندیان. ۸- چینیان. ۹- مغولان.

گرچه مؤلف درقسمتی که به ملل خارجی اختصاص دارد، به اختصار برداخته است ولی اطلاعات ذیقیمت وحقیقی بدست می‌دهد و درکمتر تاریخی دربارهٔ اماکن ونفوس وحوادث تاریخی بیرون از دایرهٔ اسلامی تااین حد بحث شده است. شرح مذاهب مختلف در این کتاب منصفانه وخالی از تعصب است.

تاریخ بیهق (ك) تألیف ابوالحسن بیهقی. موضوع تاریخ بیهق عبارت است از تاریخ این شهر (سبزوار حالیه) و شرح حال مشاهیر ورجالی که به آن منسوب‌اند، از هر دسته مانند عالمان، شاعران، ادیبان، وزیران، حکیمان، بزشکان، سادات. انساب خانواده‌های مشهور که از قدیم درآنجا اقامت داشته‌اند وهمچنین اطلاعات جغرافیائی و فضائل شهر ووجه تسمیهٔ آن وتقسیمات دوازده گانهٔ شهر درزمان عبدالله طاهر.

مؤلف درضمن تاریخ بنای هرشهری داستانها واتفاقاتی را که درآنجا افتاده است، نقل می‌کند، مانند سفرهای اشخاص بزرگ چون هارون الرشید و مامون و ساختن مسجد جامع. مؤلف درضمن وقایع همه جا حدیثهای نبوی وآیات قرآن واشعار عربی می‌آورد وعنوان تاریخ را به عربی ذکرمی‌کند. عبارات فارسی در تاریخ بیهق اغلب باجمله های

مطول عربی آمیخته و فرمانها ومثالها به عربی نقل شده است .

(چاپ تهران)

تاریخ بیهقی(تاریخ مسعودی) (ك) تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی ؛ از تواریخ معتبر دورهٔ غزنویان. اصل این کتاب تاریخ آل‌سبکتکین نام داشته وسی‌مجلدبوده‌است. تنها قسمتی که اکنون‌از این تاریخ بزرگ در دست است ، قسمتی است به نام « تاریخ مسعودی » حاوی سلطنت مسعودبن محمود سبکتکین‌وتاریخ خوارزم از زوال‌دولت آل مأمون‌وتصرف ولایت‌ایشان به‌دست سلطان محمود غزنوی‌وحکومت آلتون تاش تاغلبهٔ سلاجقه . تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای ادبی فارسی است که مؤلف درآن تنها به حوادث‌سیاسی دورهٔ غزنویان‌اکتفا نکرده،بلکه کوشیده است که‌وقایع را بااستدلال شرح دهد وعلت‌فتحها وجنگها رابنویسد. بیهقی احکام وفرامین ونسخه‌ها را عیناً نقل‌می‌کند و برای آنکه کتاب جالبتر شود ، وقایع را باحکایات تاریخی می‌آمیزد. اغلب به‌ذکرشاعران واشعاری می‌پردازد که درکتابهای دیگرذکری از آنها نشده است . مؤلف آنچه را که شرح می‌دهد ، یا خود شاهدآن بوده یا ازراوی معتمدی نقل می‌کند و همه جا درستی اخبار را تأیید می‌کند. تاریخ بیهقی مستندبه مدارك صحیح است و ازمهمترین‌مدارك تاریخی دورهٔ غزنوی به شمار می‌رود. سبك انشاء تاریخ بیهقی بسیار لطیف‌ونمونهٔ عالی از روش انشاء دربارغزنوی است .

(چاپ‌تهران)

تاریخ‌جلالی - رجوع‌شود به تقویم جلالی .

تاریخ جهانگشا(ك) ازتواریخ دورهٔ مغول به‌زبان فارسی، تألیف علاءالدین عطاملك جوینی . این‌تاریخ درسال ۶۵۸ تألیف شده و

شامل سه جلد است در وقایع دورهٔ مغول تا سال ٦٥٥
جلد اول در عادات و رسوم قدیم مغول و قوانین موضوع جنگیز معروف به یاسا و فتوحات جنگیز و سلطنت اوگتای قاآن و دورهٔ نیابت توراکیناخاتون و سلطنت گیوك خان و جغتای .
جلد دوم در تاریخ خوارزمشاهیه و وقایع و احوال آنها و سلوك قراختای و گورخانیه .
جلد سوم در وقایع تاجگذاری وجلوس منکوقاآن ووقایع سلطنت وتفصیل حرکت هلاکو به بغداد وقلع وقمع اسمعیلیه .
در پایان بعضی از نسخه های جهانگشا فصلی در واقعهٔ فتح بغداد بدست هلاکو تألیف خواجه نصیرالدین طوسی به طریق ذیلی به جهانگشا منضم است ولی در غالب نسخه هانیست.
مؤلف به سراسر قلمرو مغول سفر کرده وبسیاری از وقایع را که به چشم دیده یا ازمعتبران شنیده ، درتاریخ خود شرح داده است . جوینی به ذکر حوادث اکتفا نمی کند ، بلکه سبب ایجاد فتنه ها وشکستها را می گوید وفتح نامه ها را عیناً ضبط می کند و دربارهٔ مذاهب وادیان نیز گفتگو می کند .
تاریخ جهانگشا تاریخ بسیار معتبری است که مؤلف در تنظیم روایات آن دقت بسیار بکار برده وبرای جالب ساختن تاریخ ، حکایات شیرینی به‌آن آمیخته وشواهد بسیاری به نظم یا نثر به زبان فارسی یا عربی آورده است .
سبك انشاء جهانگشا به‌سادگی بیهقی وبلعمی‌نیست ، تااندازه‌ای متکلفانه است ولی هرگز حقیقت تاریخی درآن فدای لفظ نشده است .
(چاپ تهران)

تاریخ الرسل و الملوک (ک) تألیف ابوجعفر محمد بن جریر طبری مورخ بزرگ قرن سوم و چهارم اسلامی . این کتاب به زبان عربی است در تاریخ عمومی عالم ، در دوازده جلد ، شامل وقایع عالم از ابتدای خلقت تا سال ۳۰۲ هجری . طبری در این تاریخ سبک سالنامه نویسی بکاربرده است ووقایع را برحسب سنوات تقسیم کرده نه برحسب اقوام . وی درباره وقایع وحوادث چندین روایت اعم از موافق ومخالف را نقل می کند وسلسلهٔ رواة را به شخص مورد اعتمادی می رساند .

طبری دراین کتاب بیشتر جنبهٔ وقایع نگاری را در نظر داشته است وبه تمدن و مظاهر اجتماعی وعادات ورسوم وعلل وقایع توجهی ندارد .

تاریخ طبری مأخذ مورد اطمینانی است که بسیاری از مورخان آن را از صحیح ترین مدارک شمرده و به آن استناد کرده اند . تاریخ طبری درزمان سامانیان به وسیلهٔ ابوعلی محمدبن محمدبن عبدالله بلعمی وبه فرمان امیر منصوربن نوح سامانی درسال ۳۵۲ هجری به فارسی ترجمه شده واین ترجمه به تاریخ بلعمی معروف گردیده است .

تاریخ رشیدی (ک) رجوع شود به جامع التواریخ

تاریخ سیستان (ک) تاریخی به زبان فارسی که مؤلف آن معلوم نیست ولی دو یا سه نفر به نوبت این تاریخ را به پایان رسانده اند ، زیرا که سبک نوشتهٔ ابتدای کتاب با انتهای آن یکای متفاوت است . تحریر اصل کتاب در اوائل عهد سلاجقه صورت گرفته است . بنظر مرحوم ملک الشعراء بهار تألیف کتاب یکبار درعصر یعقوب لیث وعمرولیث وعصر خلف بن احمد وغلبهٔ سلطان محمود غزنوی انجام گرفته وتکرار دوم درعصر طغرل سلجوقی وباردیگر درحدود ۷۲۵ که پایان کتاب است .

درتاریخ سیستان ازبنای شهر وآبادانی، نامها ، حدود وتوابع ، رستاقها گفتگو می‌شود، همچنین تاریخ زندگی بزرگان وپیغمبران ودرضمن داستانهای مذهبی شرح داده‌شده‌است. مؤلف تاریخ سیستان در جنگها به‌حیله‌های جنگی‌وقراردادها وعلت‌زدوخوردمی‌پردازد وصحنه‌هاومناظر جنگ را وصف می‌کند . تاریخ سیستان تاآمدن امیر بیغو به سیستان‌به یک نحو وبه قلم یک نویسنده است ولی‌دراینجا مطلب بریده وناتمام می‌ماند ودرصفحهٔ بعد به‌طریق دیگر وباتاریخ دیگر شروع می‌شود . تاریخ وقایع قسمت اول تا سال ۴۴۸ است وتاریخ قسمت بعد از ۴۶۵ آغاز می‌شود . از اینجا سبک نوشتن تاریخ بکلی عوض می‌شود . سنه‌ها که تا اینجا به‌عربی نوشته شده بود، ازاین پس به‌فارسی است . وقایع که تا این تاریخ به تفصیل شرح داده شده است ، ازاین ببعد فهرست وارمی‌شود . باز ازسال ۶۹۵ فهرست‌نویسی تمام می‌شود ومطالب‌باعنوان شروع می گردد .

صاحب تاریخ سیستان از تواریخ ومؤلفان آنها نام می‌برد ودر نقل روایات وشرح داستانهاجنبهٔ اختصاررا رعایت‌می‌کند . سبک‌نوشتهٔ تاریخ سیستان بسیار ساده ودر قسمت‌اول کتاب‌عاری از لغات نامستعمل عربی است . (چاپ تهران)

تاریخ طبرستان (ك) تاریخی به زبان‌فارسی تألیف بهاءالدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب آملی‌معروف به ابن اسفندیار ، از کاتبان مشهورایرانی . این کتاب درسال ۶۱۳ ه تألیف‌یافته‌است . مؤلف‌چنانکه خود گوید در تألیف‌تاریخ طبرستان‌از کتابهای‌مختلف مانند کتاب‌امام ابوالحسن یزدادی به زبان عربی و رساله‌ای از ابن‌المقفع وکتابهای دیگر استفاده کرده است . تاریخ طبرستان شامل چهار قسم وهر قسم

شامل چندین باب است دربنیاد طبرستان و خصایص وعجایب آن وذکر ملوک وعلماء وحکماء آل وشمگیروآل باوند. درتاریخ طبرستان جزحوادث تاریخی، حکم ومواعظ واشعار وامثال نیز ازکتابهای مختلف نقل شده است. انشاء این کتاب ساده وروان است. (چاپ تهران)

تاریخ طبری (ك) رجوع شود به «تاریخ الرسل والملوك»

تاریخ قم (ك) تألیف حسن بن محمدبن حسن قمی. اصل این کتاب به زبان عربی است ودرسال ۳۷۸ درزمان صاحب بن عباد وبه تشویق او تألیف یافته است و ترجمهٔ آن به‌فارسی درسال ۸۰۵ به‌توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملك قمی صورت گرفته است. مؤلف مطالب کتاب رابرحسب فهرست بسیار منظم بیان می کند و عوامل و کیفیاتی را که درمعرفی شهر کمال لزوم را دارد درنظر می گیرد. مؤلف خود می گوید که بیشتر اخبار را درمدت حکومت برادرش در قم بدست آورده وقسمتی را ازمردم قم شنیده است ودرضمن نام کتابهائی را که از آنها استفاده کرده، ذکر می کند. نویسنده درتألیف تاریخ قم به کتاب اصفهان تألیف حمزهٔ اصفهانی نظر داشته است و از آن روایاتی نقل می کند. همچنین ازکتاب سیرالملوك العجم وتاریخ خلفا روایاتی دارد. مؤلف پس از مطالعه ومقایسهٔ روایات متعدد، آنها را باهم سنجیده و قول درست‌تر را انتخاب کرده‌است. دقت و تنظیم مطالبی که در تاریخ قم به کار رفته‌است، کمتردرتواریخ دیگرشهرها دیده می‌شود. انشاء ترجمه تاریخ قم بسیارساده وروان‌است. ترجمه دارای لغات واشعار عربی است ولی مطالب تاریخ بسیار صریح وروشن‌است. (چاپ تهران)

تاریخ کرمان (ك) «عقدالعلی للموقف الاعلی» تألیف افضل الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی معاصر سلاجقهٔ کرمان که کتاب را در سال

۵۸٤ به پایان رسانده‌است . این کتاب شامل پنج قسمت است : در ذکر آخر دولت آل سلجوق وایام فترت ملک کرمان، ورود آیات ملک دینار به کرمان و گرفتن ملک وظفر یافتن، شرح اخلاق ملوک وذکر ممالک کرمان، ثنای صاحب قوام‌الدین، ذکر محاسن و شرح خاندان او، شرح حال مؤلف .

مؤلف در این کتاب بیشتر به‌شرح اوضاع سیاسی کرمان وزمامداران آن می پردازد و تاریخ را باپند و اندرز می‌آمیزد و سفرها و زندگی خودرا درغربت وناراحتیها وسپس آسودگی خیال و اشتغال به شغل دبیری را شرح می‌دهد . سبک‌نوشتهٔ تاریخ کرمان ساده نیست ، بلکه شامل صنایع وتکلفات ادبی است و درآن‌نثربا اشعار مفصل آمیخته‌است (چاپ تهران)

تاریخ گزیده (ك) تألیف‌حمدالله‌مستوفی‌قزوینی که آن را درسال ۷۳۰ به زبان فارسی به نام خواجه غیاث‌الدین محمود ، فرزند خواجه رشیدالدین فضل‌الله ، تألیف کرده است . تاریخ گزیده تقلید و تلخیصی است ازجامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله به‌انضمام تلخیصی ازتواریخ دیگر . این کتاب مشتمل است بریک مقدمه وشش باب که هربابی‌به فصول مختلف تقسیم شده است . مؤلف پس از ذکر منابع خود به مبدأ تاریخ درنزد طبقات مختلف می‌پردازد وازابتدای‌آفرینش وعقل کل ونفس وهیولی‌وصوروعناصر بحث می کند، سپس تاریخ پیغمبران وقبایل عرب وخلفا و پادشاهان ایران را تا زمان خود شرح می‌دهد . تاریخ گزیده دارای‌وسعت مندرجات‌است، اما مؤلف دربارهٔ هیچیک ازمطالب به شرح وبسط نپرداخته وبه علت حوادث توجه ندارد و در نقل‌وقایع، جز تاریخ زمان خود، به اختصار می کوشد. سبک تاریخ گزیده بسیار ساده وروان است . (چاپ تهران)

تاریخ مسعودی (ك) رجوع شود به تاریخ بیهقی

تاریخ معجم (ك) «المعجم فی آثار ملوك العجم» این کتاب به زبان فارسی و تألیف شرف‌الدین فضل‌اله حسینی قزوینی می‌باشد که در سال ۶۸۴ به‌نام اتابک نصرة‌الدین احمد شاه‌لرستان تألیف یافته‌است.

کتاب دربارهٔ تاریخ مختصر ایران است از عهد کیومرث تا آخر عهد ساسانیان. مؤلف در ضمن تاریخ ایران از پیغمبران و فلاسفه و حکمای یونان که معاصر شاهان ایران بودند، نام می‌برد. در تاریخ معجم مانند تاریخ وصاف جنبهٔ ادبی برجنبهٔ تاریخی غلبه دارد. عبارات مصنوع و متکلفانه است. همه‌جا خطبه‌ها و مناجاتهائی به‌شاهان باستانی ایران نسبت می‌دهد، آمیخته به جمله‌های عربی و شعر فارسی. در شرح وقایع به‌اختصار می‌کوشد و دربارهٔ بعضی از شاهان به ذکر نام قناعت می‌کند. از مورخینی مانند ابن‌المقفع، ابن قتیبه، جریر طبری روایت دارد (چاپ تهران)

تاریخ وصاف (ك) «تجزیه‌الامصار وتزجیه‌الاعصار» تاریخی به زبان فارسی تألیف ادیب شهاب‌الدین عبدالله شیرازی ملقب به وصاف الحضرة که آن‌را ذیلی بر تاریخ جهانگشای جوینی می‌داند. این تاریخ در پنج جلد و شامل تاریخ ایلخانان مغول وامیران اطراف است تا اواسط عهد ابوسعید بهادرخان. تاریخ از همانجا که جهانگشا قطع می‌شود، یعنی از سال ۶۵۶ شروع می‌شود و به سلطنت سلطان علاءالدین وقطب الدین ختم می‌کردد.

مؤلف در روش تاریخ نویسی از تاریخ جهانگشا پیروی کرده است ولی سبک انشاء کتاب بسیار مصنوع است و در این راه از اندازه بیرون رفته است، تا جائی که تاریخ ملال آور می‌شود. نویسنده چندبار وقایع

از شاعران وشعرهای آنان گفتگوسی کند و مراسلات شاهان را عیناً ضبط سی کند. در میان سرح وقایع به شکایت از روزگار سی پردازد و پند و اندرزسی دهد و اغلب وارد بحثهای فلسفی و مذهبی سی شود و گاه مجبورسی گردد که نکات استعاری و تشبیهی مبهم را تفسیر کند و خود این روش را بی سابقه سی شمارد. باوجود روش اغراق آمیز مولف، تاریخ وصاف تاریخ پرارزشی است که واجد اسناد قابل اعتمادی از تاریخ مغول است.

تاریخ هرات (ك) «روضات الجنات فی تاریخ مدینة الهرات» تألیف معین الدین محمد اسفزاری مورخ دورهٔ تیموری که این کتاب را به نام سلطان حسین بایقرا تألیف کرده است. تاریخ هرات شامل وقایع تاسال ۸۷۵ هجری است که نویسنده درآن شهر هرات ونواحی اطراف آن را از لحاظ جغرافیائی و از نظر فرمانروایان قدیم و همچنین سلسلهٔ ملوك کرت وانقراض آن رابدست تیمورو تاریخ تیموریان را تاسلطنت سلطان حسین ابوالغازی به تفصیل شرح داده است. (چاپ تهران)

تاریخ یمینی (ك) تاریخ یمینی به زبان عربی تألیف ابونصر عتبی از سلازمان دربار سلطان محمود غزنوی است. این کتاب درشرح حال سلطان محمود یمین الدوله وپدرش سبکتکین است وبه همین جهت به تاریخ یمینی معروف است. تاریخ تألیف کتاب اوایل قرن پنجم است ولی درقرن هفتم وبسال ۶۰۳ ابوالشرف ناصح بن ظفربن سعدالمنشی الجرفادقانی که درزمان اتابکان آذربایجان سی زیسته، آن را به فارسی ترجمه کرده است. و درآغاز قرن یازدهم هجری منینی شرحی به زبان عربی برآن نوشته وبه «الفتح الوهبی» موسوم ساخته است.

تاریخ یمینی کتابی است مشتمل برشرح سلطنت سلطان محمود بن سبکتکین و کمی از احوال آل سامان واندکی ازتاریخ آل بویه. وقایع

باعبارتهای سلیس بدون اختلاط با داستان بیان می‌شود . شرح وقایع جزئی ، روابط شاهان با دول وامیران معاصر ، وعزل ونصب حکام و منشیان و فرمانهاو جزئیات زندگی شاهان به تفصیل ذکر شده است . مترجم تاریخ یمینی درترجمه سادگی اصل کتاب را کاملا حفظ نکرده وگاهی به‌تطویل می‌پردازد و قصاید عربی را ازاصل کتاب نقل می کند تاریخ یمینی ازمهمترین مأخذهای تاریخ غزنوی‌است ونثرش نمونه‌ای ازنثر مصنوع فارسی درآغازقرن هفتم است .

تأسیس (ق) از حروف قافیه . الفی که با فاصلهٔ متحرکی قبل از روی قرار گیرد مثل قاصر . بیشتر شاعران آوردن الف تأسیس را لازم نمی‌دانند واگر رعایت شود ، آن را لزوم مالایلزم می‌خوانند . مثال‌از شعرانوری

گرچه در بستم درمدح و غزل یکبارگی
ظن مبرکز نظم الفاظ و معانی قاصرم
بلکه در هر نوع کز اقران من داند کسی
خواه جزوی گیر آن را خواه کلی ماهرم

مثال عدم التزام درشعر خاقانی

نشاید بردن انده جز به انده نشاید کوفت آهن جزبه‌آهن
دلم آبستن خرسندی آمد اگر سد مادر روزی سترون

تبت شهری درحدود چین که مشک آن معروف بوده است .

نو بهار آمد و آورد گل و یاسمنا
باغ همچون تبت و راغ بسان ختنا
(منوچهری)

تبصرة‌العوام (ك) فی معرفه مقالات الانام تألیف سید مرتضی رازی

الداعی‌الحسینی رازی که آن را در اوائل قرن هفتم و شروع حملهٔ مغول نوشته است . تبصرة‌العوام به زبان‌فارسی ودارای بیست وشش باب‌است درذکر مقالات مربوط به‌فرقه‌های‌مختلف‌مذهبی که درضمن آن ازصوفیه ومشایخ صوفیان اطلاعاتی به دست می‌دهد . (چاپ تهران)

تثلیث (نج) آن است که میان دوبرج یک‌سوم دورهٔ فلک یعنی چهاربرج فاصله باشدوبه‌اصطلاح دیگر آنکه هربرجی به‌برج پنجمش نظر کند. تثلیث بعضی از سیارات سعد است مانند تثلیث ماه ومشتری.

به‌تثلیث بروج و ماه وانجم	به تربیع وبه‌تسدیس ثلاثا
به‌تثلیثی کجاسعدفلک‌راست	به تربیع صلیب باد بروا
که بهر دیدن بیت‌المقدس	مرا فرمان بخواه ازشاه دنیا

«خاقانی»

تجارب‌الامم (ك) کتابی درتاریخ عمومی عالم به زبان عربی که ابوعلی مسکویه آن را درشش‌جلد تألیف کرده است ولی فقط جلد اول وپنجم وششم آن دردست است . جلد اول از پادشاهی هوشنگ شروع می‌شود وباجنگ جمل پایان می‌یابد

جلد پنجم از وقایع سنه ۳۴۲ شروع می‌شودوپس از ذکر اخبار ایران وعرب و کشورهای دیگربه‌وقایع سال ۳۲۶ ختم می‌شود .

جلد ششم دنبالهٔ مطالب جلدپنجم است تا سنهٔ ۳۷۰ وپادشاهی عضدالدوله دیلمی .

منظور ابن‌مسکویه‌درجمع‌آوری‌اخبار فقط‌ذکراحادیث‌نیست، بلکه منظورش شرح وقایعی است که درزندگی بشر مؤثر بوده وتجربه‌ای از آن بدست می‌آید . ابن‌مسکویه به‌تاریخ ،تنهامانند مورخ نظر نمی‌اندازد بلکه مانندفیلسوف وروانشناس وقایع وپیشرفتها وشکستها رامورد تجزیه

وتحلیل قرار می‌دهد ومطالبی ازبین آنها برمی گزیند که جامع‌تر ومفیدتر است . می‌توان گفت به فلسفهٔ تاریخ توجه بیشتر دارد وهمه جا علل شکست یا پیروزی را شرح می‌دهد .

سبک ادبی کتاب کاملا بی‌تکلف وازعبارت پردازی خالی است .

تجارب السلف (ك) تألیف محمدبن فخرالدین هندوشاه نخجوانی که آن را به سال ۷۲٤ به نام اتابک نصرةالدین تألیف کرده است . تجارب السلف ترجمه‌ای است از کتاب «منیةالفضلاء فی التاریخ الخلفاء والوزراء» معروف به «تاریخ فخری» تألیف ابن الطقطقی (که درسال ۷۰۱ تألیف یافته است) . هندوشاه دراین کتاب نظر ترجمهٔ ساده وتحت اللفظ نداشته بلکه ازاصل کتاب اقتباس کرده است، زیرا که قسمتهائی را حذف کرده و چیزهائی بر آن افزوده است و حکایتها و داستانهائی آورده که دراصل کتاب نبوده‌است . ولی نقشهٔ کتاب مانند کتاب الفخری است . هندوشاه دراین کتاب ازترجمهٔ تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر ونفثةالمصدور وجوامع الحکایات عوفی و کتابهای دیگر که مورداستفاده‌اش بوده است نام می‌برد .

تجارب السلف نثری ساده وسلیس وانشائی بلیغ وشیرین دارد .

تجاهل العارف (ب) آن است که شاعر عمدا خودرا در مطلبی جاهل نشان بدهد .

گلی یا سوسنی یا سرو یا ماهی نمی‌دانم

ازاین آشفتهٔ بیدل چه می‌خواهی نمی‌دانم

تجلّی (تن) درلغت به معنی آشکار وروشن شدن و جلوه کردن است ودرادبیات فارسی گاه کنایه از تجلّی خداست دردل سالکان طریقت پس از طی منازل سلوک ورسیدن به مقام فناء فی‌الله؛ و گاه کنایه ازظهور

نور الهی است بر کوه طور که موسی ازآن بیهوش گشت .

آن سهیل است برق هیبت او

که تجلیش سکنهٔ طور است

«ابوالفرج رونی»

تجنیس (ب) تجنیس یا جناس آن است که دو کلمه از جهتی بایکدیگرمشابهت ومجانست داشته باشد . تجنیس برهفت قسم است: تجنیس تام ، تجنیس ناقص ، تجنیس زائد ، تجنیس مرکب ، تجنیس مکرر ، تجنیس مطرف ، تجنیس خطی .

۱ــ تجنیس تام آن است که دو کلمه درصورت یکسان باشد ودرمعنی متفاوت . مانند کلمه های گور دراین شعر

بهرام که گورمی گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

۲ــ تجنیس ناقص آن‌است که دو کلمه درنوشتن مانند هم‌باشد ولی درحرکت اختلاف داشته باشد . مانند خَلق ، خُلق

بُرد بیاورکه بَردآمد وهنگامه کرد

آب چمن چون‌برفت آتش سوزان‌بیار

۳ــ تجنیس زائد آن است که در آخر یکی از دو کلمهٔ مجانس حرفی اضافه بردیگری باشد . مانند باد وباده دراین شعر

بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است

بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

٤ــ تجنیس مرکب آن است که دو کلمهٔ مجانس یکی بسیط ویکی مرکب باشد . مانند

امروزشمع انجمن دلبران یکی است　　　دلبرا گرهزاربوددل برآن یکی است

۵ــ تجنیس مکرر یا مزدوج آن است که یکی از دو کلمهٔ مجانس یک یا دوحرف از دیگری بیشتر داشته باشد. مانند زار ونزار، گفتار وتار،

ای بت شیرین لبان تاچند ازین گفتار تلخ

روز من چون شب مدار از تلخی گفتار تار

۶ــ تجنیس مطرف آن است که دو کلمه در همهٔ حروف جز در حرف آخر یکسان باشد. مثل الخائن خائف، جام وجان

۷ــ تجنیس خطی یا مصحف آن است که دو کلمه، قطع نظر از نقطه، به یک شکل وصورت نوشته شود. مانند تیمار وبیمار، نوشیدن ونوشیدن

در دولت تو اسب معالی بتاختیم

وز نعمت تو نرد امانی بباختیم

تجنیسات (ك) ازمثنویهای کاتبی نیشابوری که در کلمات آخر مصراعها صنعت جناس را رعایت کرده است. این مثنوی دارای ده باب است در اخلاق، وشامل پند واندرز است ودرپایان این ده باب فصلی درنصیحت به فرزند دارد و در خاتمه از شاعرانی مانند عطار و مولوی و فردوسی ونظامی وشاعران دیگر مثنویهائی ذکر می کند. مثنوی تجنیسات متکلف وخالی از سوز است و کاتبی درآن بیشتر به لفظ وصنعت پرداخته است.

تحفة الاحرار (ك) یکی از منظومه های هفت اورنگ از مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۶ ساخته است. این کتاب به سبک مخزن الاسرار نظامی وبر همان وزن است ودارای دیباچه ای است درمناجات خدا ونعت پیغمبر ومدح خواجه بهاء الدین مؤسس سلسلهٔ نقشبندیه و بیست مقاله درآفرینش جهان ومسائل دینی وشرح حال علماء و سلاطین و صنف دیوانی ودبیری که هریک ازاین مطالب با حکایتها ومثلها آمیخته ومشتمل بر نکته های اخلاقی است.

تحفهٔ سامی (ك) کتابی در شرح حال قریب به هفتصدتن از شاعرانی که اغلب معاصر مؤلف بوده‌اند . این کتاب تألیف سام میرزا پسرشاه اسمعیل اول صفوی است و در حدود سال ۹۵۷ تألیف یافته است.
(چاپ تهران)

تحفة العراقین (ك) ازآثارمنظوم خاقانی‌شاعر بزرگ قرن‌ششم. این مثنوی درحدودسه هزاربیت دارد ودرشرح سفر شاعر است به‌عراق عجم وعراق عرب ومکهٔ معظمه. خاقانی دراین منظومه اغلب بزرگان ودانشمندانی راکه هنگام سفر ملاقات کرده است ستوده وآداب‌ورسوم بعضی از کشورها را شرح داده است . مثنوی تحفهٔ‌العراقین به نام جمال‌الدین محمد موصلی سروده شده است . (چاپ‌تهران)

تخت بلقیس یا عرش بلقیس (تن) تخت بلقیس، ملکهٔ‌سبا ، که دیوان آن‌را برداشته نزد سلیمان بردند

نشستم از برش چون تخت بلقیس
بجست اوچون یکی عفریت هائل
«منوچهری»

تخت‌طاقدیس تخت خسروپرویز.

به گردا گرد تخت طاقدیسش دهان تاجداران خاك‌لبسش
«نظامی»

همچنین نام نوائی است از نواهای باربد.

چوتخت طاقدیسی سازکردی بهشت از طاقها آواز کردی
«نظامی»

تخلیع : (ب) آن است که‌شعر بروزنهای ناخوش و بحور ثقیل گفته شود

ای بت‌من‌چرا همی‌سوزی مرا		پس هردمی می‌زنیم بی گنه

تخنیق (زحاف) (ع) در مفاعیلن مانند خرب است که می‌شود فاعیلُ ؛ وبجای آن مفعولُ می گذارند ، درزبان عربی فقط در اول بیت می‌آید ؛ ودرفارسی درسایر اجزاء بیت هم جایز شمرده می‌شود . این مفعولُ را مخنق گویند .

تدارك (ب) آن‌است که شاعریک‌معنی را به نفی‌یا به‌اثبات‌آورد سپس آن را به وجهی تدارك کند ، یعنی شرطی‌درمیان‌آرد که آن‌صفت متبدل شود .

کجا توانم مالید کعب‌بن عدو

بلی‌اگرتودهی مرمرابه‌حق‌باری

تذکرة الاولیاء (ك) از آثار منثور شیخ فریدالدین عطار که در اواخر قرن ششم تألیف یافته است . این کتاب در بیان مقامات عرفان است ومؤلف‌درآن سرگذشت نودوشش‌تن از اولیاء مشایخ صوفیه را باذکر مکارم اخلاقی وسخنان حکمت‌آمیزشان آورده است . این کتاب از حیث بیان مکارم واخلاق مشایخ طریقت وحالها وچگونگی اوضاع ایشان ورنجهاومجاهدات وسخنان‌حکمت‌آمیزوپندهایشان کتابی بسیار مهم وسودمند است . نوشتهٔ کتاب نیز نمونهٔ‌نثربسیار روان‌وشیرین زبان فارسی‌است .		(چاپ لیدن)

تذکرهٔ‌بزم‌آراء (ك) تألیف سیدعلی‌بن محمود حسینی که آن‌را درسال ... به پایان رسانده است . این تذکره شامل شرح حال شاعران‌فارسی زبان است اززمانهای قدیم تاعصرمؤلف . مؤلف‌درتألیف این تذکره،مطالب لباب الالباب عوفی را حتی دیباچه و مقدمهٔ آن را اقتباس کرده ولی هیچ نامی ازآن نبرده‌است .

تذكرة الشعراء (ك) (تذكرهٔ دولتشاه) کتابی معروف به زبان فارسی، درشرح حال عدهٔ بسیاری از شاعران ومنتخباتی از اشعار ایشان تألیف دولتشاه سمرقندی که آن را درسال ۸۹۲ تألیف کرده است. در این کتاب علاوه برشرح حال شاعران، مؤلف از امیران وبزرگانی که ممدوح شاعران قرار گرفته‌اند، نیز ذکر کرده و در خاتمهٔ کتاب شرح حال هفت تن شاعر معاصر خودرا آورده است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ میخانه (ك) کتابی در شرح حال شاعرانی که ساقی‌نامه ساخته‌اند، تألیف ملاعبدالنبی فخرالزمان قزوینی که آن را درسال ۱۰۲۸ درهندوستان به نام سردارخان خواجه یادگار تألیف کرده است.

دراین کتاب شرح احوال هفتاد ویک شاعر ذکر شده است که قبل از اکبرشاه فوت کرده یا معاصر مؤلف بوده و به دربار اکبرشاه یا جهانگیر یا امیران دکن منتسب بوده‌اند، یا اصلاً به هندوستان نرفته‌اند یا اهل قزوین وهموطن مؤلف بوده‌اند. مؤلف این هفتادویک شاعررا برسه مرتبه تقسیم می‌کند وشرح حال ایشان را با نام ونسب و تاریخ وفات و دیوان شعر وتعداد ابیات آن و نمونهٔ ساقی‌نامه یا کلام منظوم دیگر آنها را به تفصیل ذکر می‌کند. مؤلف در همهٔ این اطلاعات به مآخذ کتاب اشاره می‌کند و از خود نیز ساقی‌نامه‌ای با تخلص «نبی» می‌آورد. سبک نوشتهٔ کتاب ساده واز تکلفات منشیانه دور است.
(چاپ تهران)

تذکرهٔ نصرآبادی (ك) تذکره‌ای تألیف میرزامحمد طاهر نصرآبادی اصفهانی که آن را درسال ۱۰۸۳ وبه نام صفی‌میرزا معروف به شاه‌سلیمان فرزند شاه‌عباس ثانی تألیف کرده است. تذکرهٔ نصرآبادی شامل شرح حال وآثارقریب هزارشاعرعهدصفوی است. این تذکره مورد

استفادهٔ تذکره نویسان دیگر مانند آذر بیکدلی صاحب آتشکده قرار گرفته است. (چاپ تهران)

تذکرهٔ هفت اقلیم (ک) تذکره‌ای مشتمل برجغرافیا و ترجمهٔ احوال رجال ادب تألیف امین احمد رازی که آن را درزمان شاه طهماسب صفوی در مدت شش سال نوشته و به‌سال ۱۰۰۲ هجری به پایان رسانده است. در تذکرهٔ هفت اقلیم شرح احوال رجال برجغرافیا غلبه دارد و مورد استفادهٔ محققان قرار گرفته است.

ترازوی انجم (نج) رجوع شود به اسطرلاب

به سر سپهر انجمن ساختند ترازوی انجم برافراختند

«نظامی»

تربیع (نج) حالتی از ماه که از جانبی که روبه زمین است یک چهارم آن روشن است. این حالت یک بار در شب هفتم ماه ظاهر می‌شود که به «تربیع اول» موسوم است و بار دیگر در شب بیست و دوم ماه که «تربیع دوم» خوانده می‌شود.

همچنین در اصطلاح نجوم تربیع آن است که میان دو برج یک چهارم دورهٔ فلک یعنی سه برج فاصله باشد و به اصطلاح دیگر هر برجی به برج چهارمین نظر کند.

به تثلیث بروج و ماه و انجم به تربیع و به تسدیس ثلاثا
به تثلیثی کجا سعد فلک راست به تربیع صلیب یاد پروا
که بهر دیدن بیت‌المقدس مرا فرمان بخواه از شاه دنیا

«خاقانی»

ترجمان البلاغة (ک) از کتابهای مهم علم بلاغت، در مباحث معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی. این کتاب را به فرخی سیستانی

نسبت داده‌اند ولی این نسبت درست نیست . مؤلف دراین کتاب، پس از ذکر هریک از صنایع لفظی ومعنوی، شواهد معدودی از شاعران قرن چهارم واوائل قرن پنجم می‌آورد . کتاب ترجمان البلاغه مورداستفادهٔ رشیدالدین وطواط درحدائق السحر قرارگرفته است . درنسخهٔ معتبری که درکتابخانهٔ اسلامبول پیدا شده است، کاتب درپشت نسخه این کتاب را تصنیف محمدبن‌عمرالرادویانی دانسته‌است که یکی ازادیبان قرن پنجم وابتدای ششم است .

ترجمهٔ تاریخ طبری (ك) رجوع شود به تاریخ بلعمی

ترجیع بند (ب) مجموع چندرشته شعر است که هررشته‌دارای یک وزن ویک قافیه باشد ودرآخر هررشته بیتی باقافیهٔ جداگانه مکرر می‌شود واین‌بیت‌ترجیع بابرگردان‌است. مانند ترجیع بندفرخی:

زباغ ای باغبان مارا همی بوی بهار آید
کلید باغ ما را ده که فردامان بکار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید
تولختی‌صبرکن چندانکه‌قمری برچنارآید...
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی
ملک را درجهان هرروز جشنی باد و نوروزی

ترصیع (ب) آن است که در دوقطعه کلام،الفاظی در برابر هم آورده شود که به وزن و حروف آخر مساوی باشد. مانند منور و مقرر ونجوم ورسوم دراین‌شعر:

ای‌منور به‌تو نجوم جلال　　وی‌مقرر به تو رسوم کمال

ترك در ادبیات فارسی کنایه از زیبا و خوبرو است

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را

به خال هندویش بخشم سمرقندوبخارارا

«حافظ»

ترکیب بند (ب) شعری است مانند ترجیع بند یعنی دارای چند رشته شعر باوزن‌وقافیهٔ واحد که درآخر هررشته بیتی باقافیهٔ جدا گانه‌آورده می‌شود . این بیت در ترکیب بندتکرار نمی شود وهربار بیتی دیگر با قافیهٔ دیگرمی‌آورند اما و در ترجیع بندهمان یک بیت مکرر می شود .

ترنج (تن) اشاره به ترنجی که زنان مصر هنگام دیدن یوسف درخانهٔ زلیخادردست داشتندوچنان مفتون زیبائی یوسف‌شدند که دستهای خود را بجای ترنج یا کارد بریدند و ازآن پس دیگر زلیخا را از اینکه به یوسف دل‌داده بود ، سرزنش نکردند .

گرش ببینی ودست ازترنج بشناسی

روا بود که ملامت کنی زلیخا را

«سعدی»

تسدیس (نج) آن است که میان دوستاره یک ششم دورهٔ فلک یعنی دو برج فاصله باشد و به اصطلاح نجوم برجی بسوی برج سوم نظر کند .

مه به تسدیس زحل کرده‌نظربا آفتاب

وصلتی کردی به رسم بخردان باستان

«انوری»

تشبیب (ب) درقصیده قبل از شروع به بیان مقصود اشعاری که در مغازله باوصف طبیعت و بهار و خزان می‌آورندو بعد بمقصود اصلی‌می‌رسند . این‌مقدمهٔ‌قصیده‌را تشبیب گویند .

تشبیه (ب) از محسنات بدیع ودراصطلاح مانند کردن چیزی به چیزی‌است. درتشبیه چهار جزء وجوددارد: مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه، وجه شبه. مانند این جمله: «دندان اوچون مروارید است به‌سفیدی» دراین جمله دندان مشبه‌است، مروارید مشبه‌به، چون اداتِ‌تشبیه، سفیدی وجه‌شبه. تشبیه برچند قسم‌است. تشبیه مطلق، تشبیه تفضیل تشبیه تسویه، تشبیه عکس، تشبیه مشروط، تشبیه بکنایه.

تشبیه مطلق تشبیهی‌است که بدون قید وشرط باشد مانند.

شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک

تشبیه تفضیل آن‌است که گوینده‌مشبه را برمشبه به برتری‌دهد:

خواستم گفتن که‌دست وطبع اوابراست و کان
عقل گفت این‌مدح باشد نیز باسن هم‌پلاس
دست او را ابر چون خوانی و آنجا صاعقه
طبع او را کان چرا گوئی و آنجا احتباس

تشبیه تسویه آن است که گوینده یک صفت از خود ویک صفت ازطرف‌را به‌چیز واحدی تشبیه کند.

برخیز که شد بار دگر ابر بهار
از بهر صفای بوستان و گلزار
چون چشم‌من‌ودهان نولؤلؤخیز
مانند کف راد ملک گوهر بار

تشبیه عکس آن است که گوینده دو چیز را به هم تشبیه کند، این را به‌آن وآن را به این.

دل من چون دهن تنگ‌بتان دهن تنگ بتان چون دل‌من

تشبیه مشروط آن است که درآن شرطی وجود داشته باشد.

گردل ودست بحرو کان باشد دل و دست خدایگان باشد

تشبیه اضمار آن است که به ظاهر قصد تشبیه درآن رعایت نشده است ، ولی درحقیقت تشبیه باشد .

گرنور مه و روشنی شمع تراست
این کاهش وسوزش من ازبهرچراست
گرشمع توئی مرا چرا باید سوخت
ورماه توئی مرا چرا باید کاست

تشبیه کنایه : آن است که ازارکان تشبیه درآن به ذکر مشبه به اکتفا شود . مثال :

بیا که لعل و گهر در نثار مقدم تو
زگنج خانهٔ دل می کشم به مخزن چشم
«حافظ»

دراینجا قطره های اشک به «لعل و گهر» تشبیه شده است .

تشعیث (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را مفعولن کنند وآن را مشعث خوانند .

تصوف (رجوع شود به عرفان)

تضمین (ب) از صنایع شعروآن است که بیتی یا مصراعی از شعر دیگران در شعرخویش آورند؛ چنانکه رشیدوطواط شعر عنصری را تضمین کرده است . و اگر بجا افتد مستحسن است .

نمود تیغ تو آثار فتح و گفت فلک
«چنین نماید شمشیر خسروان آثار»

تضمین مزدوج (ب) آن است که کلام دارای دو لفظ باشد که

کاملاً بهم شبیه باشد ودرحقیقت سجع باشد.

سود بازار جهان بنگر و آزار جهان
گرشمارانه بس این سودوزیان مارابس

حافظ

تعریض (ب) آن است که شاعر کلامی بیاورد ومقصودش گوشه زدن به مطلب دیگری باشد.

دلدارمرا گفت چراغمگینی غمگین کدام دلبر شیرینی
برجستم وآئینه به دستش دادم گفتم که درآینه که رامی بینی

تفتازانی (ت) مولانا سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله التفتازانی. وفات در حدود ۷۹۱ - از دانشمندان و حکیمان دورهٔ تیموری. در قریهٔ تفتازان نزدیک نسا درخراسان به‌سال ۷۲۲ متولد گردید ودرخوارزم که مرکزعلم وادب بود اقامت کرد. امیرتیمور چون به شهرت ومقام علمی تفتازانی پی برد، دستور داد تا ملک محمد سرخسی، تفتازانی را باخود به سرخس برد ومنصب تدریس را به او واگذارکرد. پس ازآن اورا به سمرقند پایتخت خود احضارکرد و مورد توجه خاص قرار داد. تفتازانی بقیهٔ عمر را درهمانجا بسر برد.

از آثار او شرحی است به تصریف زنجانی «المطول» که آن را درسال ۷۴۸ درهرات به‌نام ملک معزالدین حسین کرت تألیف کرد، دیگر «المختصر» که آن را به‌جانی بیک‌خان مغول هدیه کرد. آثارتفتازانی به زبان عربی است وبیشتر درمنطق وصرف ونحو عربی وفلسفه وکلام وتفسیر وفقه می‌باشد. منظومه‌ای از اوباقی است که ترجمهٔ ترکی از بوستان سعدی است.

تفسیر تربت جام (ک) تفسیر قرآن مجید. خلاصه واقتباسی است از

نفسیر بزرك ابوبکر عتیق سورآبادی که درقرن پنجم هجری نوشته‌شده
ویک نسخه ازآن در شهر تربت شیخ جام باقی مانده بود و اکنون در
موزهٔ تهران است. (چاپ تهران)

تفسیر سورآبادی (ك) مؤلف این تفسیر «ابوبکر عتیق بن محمد الهروی السورآبادی» است که از معاصران الب ارسلان سلجوقی بود ، این تفسیر از نمونه های خوب نثر فارسی درقرن پنجم است .

تفسیر طبری (ك) جامع البیان فی تفسیرالقرآن. معروف به تفسیر کبیر. ازتفسیرهای معروف قرآن تألیف مورخ وادیب وفقیه بزرگ اسلامی محمدبن جریرطبری (متوفی ۳۱۰ ه). تفسیرطبری ناعهد مؤلف بزرگترین کتابی بوده که دراین علم نوشته‌شده وبزودی کسب شهرت کرده‌است. تفسیر طبری درعهد سامانیان به فرمان ابوصالح منصوربن نوح وبه همت عده‌ای از دانشمندان به فارسی ترجمه شده است .

اهمیت این کتاب آن است که مقدار فراوانی لغات و مفردات فارسی‌دارد که در برابر مفردات و ترکیبات قرآن آورده شده است .

تفسیر کبیر (ك) رجوع شود به تفسیرطبری

التفهیم لاوائل صناعة التنجیم (ك) تألیف دانشمند بزرك ایرانی ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی که آن را درسال ۴۲۰ درغزنین به خواهش ریحانه بنت الحسین خوارزمی نگاشته است .

ابوریحان دراین کتاب اطلاعاتی دربارهٔ نجوم وریاضی داده‌است وباموجزترین عبارات درهندسه، حساب، هیئت، احکام نجوم، اسطرلاب بحث کرده است . می‌توان گفت که این کتاب جامعترین کتابی دراین پنج فن است .

کتاب التفهیم به دوزبان فارسی وعربی نوشته شده وابوریحان در

تألیف این دوکتاب استادی بسیار به‌کاربرده است ، چنانکه تشخیص اصل ازترجمه دشوار است وپیدا نیست کدام‌یک را اول نوشته‌است.

کتاب التفهیم معتبرترین سند و صحیحترین مأخذ قدیم علمی و ادبی فارسی بعد از اسلام است . در بارهٔ تاریخ و ادب ورسوم‌وطرز گاه شماری مطالبی دارد که بسیار مورد استفاده‌است. ابوریحان در این کتاب کوشیده است که بجای اصطلاحات‌عربی کلمات‌فارسی بکار برد، بنحوی که هم عبارت مفهوم باشد وهم‌بلیغ. رویهمرفته ایجازوفصاحت ویختگی درمعانی ولفظ، این کتاب‌را بی نظیر ساخته است .

(چاپ تهران)

تقسیم (ب) آن است که شاعر معنائی را درنظر گیرد وبعد آن را تفسیر کند .

بد نامی حیات دو روزی نبود بیش

آنهم کلیم باتوبگویم چنان گذشت

یک‌روزصرف‌بستن دل‌شد به‌این‌وآن

روزد گربه کندن دل زین‌وآن گذشت

تقطیع (ع) عبارت‌است‌ازتقسیم‌شعر به‌اجزاء ونهادن هرجزء در برابر جزوی ازافاعیل که در وزن باآن برابرباشد. در تقطیع‌ملفوظ شعر معتبراست نه مکتوب یعنی حروفی که درلفظ‌آید، اگرچه‌نوشته نباشد ، درتقطیع‌حرفی محسوب می‌شود وحرفی که‌درلفظ نیست اگرچه درنوشته باشد ، اعتبار ندارد .

تقویم‌جلالی (نج) تقویمی که درزمان سلطان ملکشاه سلجوقی وبه امروی وضع شده است وبه مناسبت‌لقب اوکه جلالالدین بوده‌است آن را تاریخ جلالی یاتقویم جلالی خوانده‌اند .

چون درتقویم شمسی، یعنی تقسیم سال به دوازده برج برحسب حرکت انتقالی زمین که گردش یک دور تمام به دور خورشید است، جزئیات را به‌حساب نمی‌آوردند، روزاول فروردین به‌تدریج تغییرمی‌کرد واز اول تحویل شمس به‌برج حمل می‌گذشت وتقریباً هرچهارسال یک روزجلوتر می‌افتاد. چنانکه درزمان ملکشاه سلجوقی (سال ۴۷۱ هجری) اول اعتدال ربیعی درنوزدهم فروردین واقع بود.

برفرمان ملکشاه چندتن ازدانشمندان بزرگ زمانه که ازآن‌جمله عمر خیام نیشابوری بود، تقویم را اصلاح کردند به طریقی که دیگر روزهای بروج دوازده‌گانه برحسب گردش زمان و آغاز اعتدال ربیعی تغییر نپذیرد ونوروزکه آغاز سال است همیشه ثابت بماند.

به موجب این تقویم سال به دوازده برج سی روزه که نامهای آنهاهمان نامهای‌ایرانی باستان (فروردین، اردیبهشت ... الخ)بود، تقسیم می‌شد. پنج روزباقی مانده را به‌آخر اسفندماه می‌افزودند و آن را خمسهٔ مسترقه (یاپنجه دزدیده) می‌خواندند وهرچهار سال یک بار روزششمی به‌آن اضافه می‌کردند.

ماههای این تقویم را همیشه باقید صفت جلالی می‌آوردند تا با ماههای ایرانی قدیم که باروزگاری بعد ازآن متداول بود واکنون هم دربعضی از روستاهای ایران معمول است، اشتباه نشود.

اول اردیبهشت ماه‌جلالی بلبل گوینده برمنابرقضبان

«سعدی»

تقی‌الدین محمد کاشی (ت) تقی‌الدین محمد بن‌شرف‌الدین علی حسینی کاشانی. ازتذکره نویسان دورهٔ صفوی و معاصر شاه عباس اول. اثر معروف او تذکرهٔ «خلاصة‌الاشعار وزبدة‌الافکار» است دربارهٔ

شاعران معاصر مؤلف .

تکرار (ب) آن است که شاعر لفظی را مکرر بیاورد مانند این شعر عسجدی:

باران قطره قطره همی بارم ابروار

هرروز خیره خیره ازاین چشم سیل بار

زان قطره قطره قطرهٔ باران شده خجل

زآن خیره خیره ، خیره دل من زهجر بار

تکملهٔ روضة الصفا (ك) اصل روضة الصفا تألیف میرخواند در شش جلد تا پایان سلسلهٔ تیموری است . رضاقلیخان هدایت مطالب این تاریخ را ادامه داده وتاریخ شاهان قره قوینلو وآق قوینلو وتاریخ صفویه ونادرشاه وقاجاریه را تااوایل عهد ناصرالدین شاه به تفصیل نوشته وبرآن افزوده است . این تاریخ به تکملهٔ روضة الصفا معروف است .

تمثیل (ب) نوعی استعاره است به طریق مثال :

کرا خرما نسازد، خارسازد کرا منبر نسازد، دارسازد

تنبیه الغافلین و تذکرة العارفین (ك) در واقع ترجمه‌ای است از نهج البلاغهٔ حضرت علی . مترجم این کتاب ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی (متوفی ۹۸۸ هجری) است .

تنسیق الصفات (ب) آن است که شاعر صفات کسی را به توالی ذکر کند .

شاه گیتی خسرو دشمن کش لشکر شکن

سایهٔ یزدان شه کشور ده ملکت ستان

تنین (نج) به تشدید نون- ازصورتهای شمالی منطقة البروج شبیه به مار .

نموداندر شمال خویش تنین به گرد قطب دنبالش چو پرچین

توجیه (ق) ازحرکات قافیه. حرکت ماقبل روی ساکن که در این صورت روی را مفید خوانند. مانند حرکت خ درکلمهٔ مفخر:

زهی بقای تو دوران ملک را مفخر.

اختلاف توجیه جایز نیست مگر آنکه روی به حرف وصل بپیوندد.

تور (ش – د) طبق روایات باستانی ایران پسر میانهٔ فریدون که هنگام تقسیم کشور فریدون، سرزمین ترک وچین نصیب او شد، ولی ازسهم خود ناراضی بود وبهمین جهت به همدستی برادر بزرگ خود، سام، به ایران لشکر کشید وبرادر کهتررا کشت.

دگر تورراداد توران زمین وراکرد سالار ترکان چین

«ازشاهنامهٔ فردوسی»

التوسل الی الترسل (ك) مجموعه‌ای ازمنشآت بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه که درقرن ششم می زیسته است. مؤلف خود منشآت خویش را جمع آوری کرده وبه نام بهاءالدین وزیر ساخته است.

این کتاب مشتمل است بر دیباچه ودوفصل مقدمه و سه قسم، در حمد خدا و پیغمبر و اصحاب او و ستایش سلطان و سبب تألیف کتاب ومدح بهاءالدین وزیر ومختصری درسبکهای مختلف نویسندگان ونمونهٔ فرمانها وعهدنامه هائی که ازجانب سلطان به امیران وشاهان اطراف نوشته شده ونامه های دوستانه حاوی حوادث تاریخی و عادات واخلاق مردم ودربار ورجال نیمهٔ دوم قرن ششم.

کتاب التوسل الی الترسل کتاب مهمی است که روشهای مختلف انشاء ونثر فارسی را دراعصار مختلف نشان می دهد و خود از بهترین نمونه های منشآت است که به صنایع لفظی آراسته وبسیار پخته ویکدست

است .		(چاپ تهران)

توشیح (ب) آن است که شاعر قطعهٔ شعری بگوید و در اول هر مصراع حرفی بیاورد که از مجموع آنها نامی بیرون شود . مانند کلمهٔ محمد در این شعر

معشوقه دام به تیر اندوه بخست
حیران شدم و کسم نمی گیرد دست
مسکین تن من ز بار محنت شد پست
دست غم دوست پشت صبرم بشکست

تهمتن (ش - د) لقب رستم بهلوان نامدار شاهنامه

تهمورس (ش — د) پسر هوشنگ و ملقب به دیوبند که با دیوان جنگها کرد و بر ایشان غالب شد . بنا بر روایت شاهنامه ، پشم رشتن وفرش بافتن را او آموخت ومرغان وجانوران را اهلی کرد .

تهمینه (ش - د) از زنان داستان شاهنامه ، دخترشاه سمنگان که عاشق رستم شد وبه همسری او در آمد وبعدها پسری از اوآورد به نام سهراب که برای یافتن پدر به ایران آمد و مادر بازوبندی را که رستم به او داده بود بربازوی پسربست تا بتواند خود را به پدر بشناساند . اما سهراب ناشناخته به دست پدر کشته شد .

تیر (نج) کرهٔ عطارد است

تیر زشست سپهر پیر مقوس		هم بشود زود و در کمان بنماند

تیه (نن) بیابانی که موسی وبنی اسرائیل در آن راه گم کردند وسرگردان شدند وچهل سال درآن ماندند وخدای تعالی برایشان من وسلوی فرستاد و از سنگی که موسی عصای خود را برآن زد ، آب روان شد .

ببین که کوکبهٔ عمر خضر وار گذشت
توباز مانده چوموسی به تیه خوف ورجا «خاقانی»

ث

ثرم (زحاف) (ع) درفعولن مجموع قبض و ثلم است . عول می‌ماند بجای آن فعل می گذارند وآن را اثرم می‌خوانند .

ثریا (نج) از منازل قمر که به فارسی پروین نام دارد وشش ستاره است مانند خوشهٔ انگور وبه این سبب درشعر فارسی آنرا «خوشهٔ پروین» می‌خوانند :

ثریا چون منیژه بر سر چاه   دوچشم من بدو چون چشم بیژن

«منوچهری»

وبه تازی آن را «نجم» نیز گویند

ثعالبی (ب) ابومنصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری . وفات ۴۲۹ — ازنویسندگان ومورخان معروف ایرانی درقرن چهارم که آثار مهمی به زبان عربی دارد . مانند «یتیمة‌الدهر» و «تتمة‌الیتیمه» درشرح حال شاعران بزرگ معاصر مؤلف . اثر معروف و مهم او « غرر اخبار ملوك الفرس وسیرهم» می‌باشد درتاریخ ایران قدیم . همچنین کتاب «الاعجاز والایجاز» وکتاب «التمثیل والمحاضره»

ثلم (زحاف) (ع) درفعولن حذف فاءاست که می‌ماند عولن ؛ بجای آن فع لن می گذارند ؛ وآن‌را اثلم خوانند

ثمود (نن) نام قبیله‌ای ازفرزندان سام بن نوح که بت می‌پرستیدند و خداوند صالح را برایشان بپغمبر کرد . قوم ثمود از صالح معجزه خواستند که از میان کوه شتری ماده با بچه بیرون بیاورد ، صالح به

فرمان خدا چنان کرد ، اما قوم ثمود گفتند که صالح سحر کرده است وبه او نگرویدند ، پس شتر بسرچشمهٔ ایشان رفت وهمهٔ آبها را خورد، ایشان شتر را کشتند. دراین هنگام صدای مهیبی ازآسمان برآمد وقوم ثمود از وحشت آن مردند .

این همان چشمهٔ خورشید جهان‌افروزاست
که همی تافت بر آرامگه عاد و ثمود

«سعدی»

ثور (ثَ) ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه‌شکل گاو . برج ثور برابر ماه اردیبهشت می‌باشد .

به شاخ ثور بر شکل ثریا   چو مرواریدگون بار صنوبر

«انوری»

ج

جام جم (ش ـ د) بنا برداستانهای ایرانی، جامی بود که جمشید همهٔ جهان را درآن می دید. بنا برروایت شاهنامه، کیکاوس برای آگاهی یافتن ازکار بیژن هنگام نوروز درآن نگریست و بیژن را درچاهی در توران زمین دید و رستم را به رهانیدن او فرستاد.

سالها دل طلب جام جم ازما می کرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد

«حافظ»

گفتم این جام جهان بین به تو کی داد حکیم

گفت آن روز که این گنبد مینا می کرد

«حافظ»

جام جم (ك) مثنوی «جام جم» یا «جام جهان نما» اثر منظوم اوحدی مراغه‌ای، شاعرقرن هشتم که آن را به تقلید حدیقهٔ سنائی سروده و به‌نام سلطان ابوسعید بهادر ایلخانی و وزیر او خواجه غیاث‌الدین محمد ساخته است. (چاپ تهران)

جامع البیان فی تفسیر القرآن (ك) رجوع شود به تفسیر طبری

جامع التواریخ (ك) تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیر و محقق و مورخ بزرگ دربار مغول که آن را درسال ۷۱۰ به دستور غازان‌خان و پسرش الجایتو تألیف کرده است. این کتاب شامل سه جلد است. جلد اول درتاریخ مغول شامل دوفصل. جلد دوم درتاریخ عمومی عالم

شامل دو قسمت ، جلد سوم در بیان صور اقالیم ومسالک الممالک (این قسمت کتاب ازبین رفته است)

رشیدالدین فضل‌الله درتاریخ خود دقت بسیار بکاربرده است . تنها به ذکر وقایع اکتفا نکرده بلکه مقدمات جنگ و پیغامها وعلت شکستها را شرح می دهد . چون مؤلف خود در دربار مقام مهمی داشته و از اوضاع و حوادث مطلع بوده است . مشاهدات و تجربیات و گفتگوها را بادقت مورد توجه قرار می‌دهد . مخصوصاً ازخانوادهٔ مغول اطلاعات گرانبهائی بدست می‌دهد که اسنادومدارك آن بوسیله غازان خان دراختیاراو گذاشته‌شده‌است وازینروجامع‌التواریخ رامی‌توان کتاب مهم ومعتبری دانست سرشار ازمدارك حقیقی ودرست . (چاپ تهران)

جامع الحکمتین (ك) تألیف ناصرخسرو قبادیانی نویسنده‌وشاعر بزرك اسمعیلی قرن‌پنجم . این کتاب‌شرحی‌است برقصیدهٔ خواجه‌ابوالهیثم جرجانی از معتقدان مذهب اسمعیلی . قصیده شامل هشتادوهشت بیت ومتضمن سؤالهائی‌است دربارهٔ مسائل دشوار دینی وحقایق علمی‌واصول عقاید اسمعیلیه . ناصرخسرو بنابر خواهش‌عین‌الدوله ابوالمعالی علی‌بن الاسدالحارث امیر بدخشان‌این قصیده را درسال ٤٦٢ شرح کرده‌است . به این ترتیب که یکا یک بیتها را آورده وبه تفصیل به شرح‌وتفسیر آن پرداخته و کتابی مفصل ازآن ساخته است .

ناصرخسرو خود در مقدمهٔ کتاب می گوید که‌چون بنیاد کتاب بر گشایش‌مشکلات دینی‌ومعضلات‌فلسفی‌بوده‌نام‌آن‌را «جامع الحکمتین» گذارده‌است . (چاپ تهران)

جامع‌عباسی (ك) کتابی دراحکام فقه تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان و فقیهان مشهور دورهٔ

صفویه و از مقربان دربار شاه عباس که این کتاب را به زبان فارسی و به نام این پادشاه تألیف کرده است. شیخ بهائی خود کتاب را به بیست باب تقسیم کرده ولی پس از باب پنجم یعنی باب حج فوت کرده و کتاب ناتمام مانده است و نظام‌الدین ساوجی از شاگردان او پانزده باب دیگر را به همان روش ساخته و بر کتاب افزوده است. این کتاب بارها در ایران به چاپ رسیده است.

جامی (ت) نورالدین عبدالرحمن جامی. وفات ۸۹۸ — از شاعران معروف قرن نهم، پدروی نظام‌الدین دشتی منسوب به محلهٔ دشت اصفهان بوده که بعد به ولایت جام مهاجرت کرده است. عبدالرحمن از دو نظر جامی تخلص کرده است. یکی به مناسبت تولدش در ولایت جام و دیگر به مناسبت ارادتی که به شیخ‌الاسلام جامی داشته است. جامی از خردسالی با پدر به هرات و سمرقند رفت و در آن شهرها به کسب علم و ادب پرداخت. پس به عالم عرفان وارد شد و پس از کسب فیض از استادانی مانند سعدالدین محمد کاشغری و قاضی زادهٔ رومی به مرتبهٔ ارشاد رسید و در سلک رؤسای طریقهٔ نقشبندی که مؤسس آن بهاءالدین نقشبند بود، درآمد.

جامی به مکه سفر کرد و پس از زیارت حج از راه دمشق به تبریز رفت و در سال ۸۷۸ به هرات وارد شد.

جامی را می‌توان از آخرین شاعران متصوف ایران دانست. در فنون مختلف و علوم دین و ادب و تاریخ استاد بود و در شعر به سعدی و حافظ توجه داشت، از نظامی نیز پیروی کرده و به تقلید او خمسه‌ای ساخته است. جامی در اشعار خود ابوالغازی سلطان حسین بایقرا و وزیر او امیر علیشیر نوائی و سلطان ابوسعید تیموری و جهانشاه قراقوینلو و سلطان

محمد فاتح پادشاه عثمانی را مدح کرده است .

جامی به بسیاری آثار نظم ونثر معروف است . از آثار منظومش یکی دیوان اشعار اوست که شامل قصاید وغزلیات ومراثی وترجیع بند ومثنویات ورباعیات است . جامی دیوان خود را برسه قسمت تقسیم کرده وآنها رافاتحة‌الشباب،واسطة‌العقد، خاتمه‌الحیات‌نام گذارده‌است .

دیگراز آثار او«هفت اورنگ» به‌تقلید خمسهٔ‌نظامی است شامل: سلسلة الذهب ، سلامان و ابسال، تحفة‌الاحرار ، سبحة‌الابرار ، یوسف و زلیخا ، لیلی ومجنون، خردنامهٔ اسکندری .

ازآثار منثورجامی : نقدالنصوص، نفحات الانس، لوایح ، لوامع، شواهدالنبوة ، اشعة‌اللمعات . بهارستان می‌باشد . گذشته ازاینها،جامی رسالاتی در مسائل مختلف دارد مانند «مناسک‌حج» و«رساله‌ تهلیلیه‌در علم دین ورساله در اخلاق صوفیان به‌نام « تحقیق مذهب صوفیان »و «رساله‌درعلم قوافی»و«رساله‌موسیقی» وتجنیس الخط» ومنشآت‌ومعمیات ودرصرف ونحو «فوایدالضیائیه» معروف به «شرح ملاجامی» ودرتاریخ «تاریخ صوفیان» .اشعار وافکار جامی‌درخارج از ایران مانند هندوستان وعثمانی تأثیر بسیار داشته است .

جب (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف‌دوسبب یعنی عی ولن‌است که می‌ماند مفا ؛ وبجای آن فعل می گذارند وآن را مجبوب گویند .

جبلی (ت) بدیع‌الزمان عبدالواسع‌بن‌عبدالجامع غرجستانی‌جبلی وفات ۵۵۵--از شاعران قرن ششم که درناحیهٔ‌غرجستان تولد یافت و دردربار بهرامشاه غزنوی وسلطان‌سنجر بسرمی‌برده وپیوسته موردِاحترام آنها بوده‌است. عبدالواسع اشعاری درمدح این شاهان وهمچنین شاهان غوری وخوارزمی سروده است . چنانکه از اشعار او پیداست ، در علوم

زمان خاصه ادب وشعر مهارت داشته وکلامش به صنایع لفظی آراسته است. به عربی نیز شعر می‌سروده. عوفی او را «ذوالبلاغتین» نامیده و ملمعاتی ازاو نقل کرده است. اشعارش شامل قصیده وغزل وترجیع بند است. (دیوان عبدالواسع - چاپ تهران)

جبهه (نج) منزل دهم از منازل قمر که به معنی پیشانی شیر است ودارای چهار ستارهٔ روشن می‌باشد.

جحف (زحاف) (ع) فاعلاتن را خبن‌می کنند می‌ماند فعلاتن؛ پس ازآن فعلا را می‌اندازند، می‌شود: تن؛ بجای آن فع‌می گذارندوآن را مجحوف خوانند.

جدع (زحاف)(ع)در مفعولاتُ حذف‌سبب‌وقف‌وتد کردن است که می‌شود لات؛ و بجای آن فاع‌می گذارند؛ وآن را مجدوع‌خوانند

جدی (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی دور منطقةالبروج وبه شکل بزغاله. برج جدی برابر ماه دی است.

چشم بزغاله برآن خوشه که خرمن کرده بست
داس گز دندان ز راه کهکشان انگیخته

«خاقانی»

جُدَّی (نج) ستاره‌ای روشن بردب اصغرونزدیکترین ستارگان به قطب شمال که چون به‌چشم بیحرکت وثابت می‌نماید، برای یافتن قبله ازآن استفاده می‌کنند.

همی‌برگشت گردقطب جدی چوگرد با برن مرغ مسمن

«منوچهری»

جرجانی (ت) ابوبکر عبدالقاهربن عبدالرحمن جرجانی وفات ۴۷۱ تا ۴۷۴ــعبدالقاهر جرجانی ازادیبان بزرگ واز استادان‌علم نحو

ومعانی وبیان . تألیفات مهمی دارد. از آنجمله کتاب «الجمل» معروف به «جرجانیه» درفقه وکتاب «المغنی» درشرح ایضاح ابوعلی فارسی «والمقتصد والعماده» درصرف وکتاب «دلائل الاعجاز» «واسرارالبلاغة» درمعانی وبیان.

جرجانی (ت) زین الدین اسمعیل بن حسن الجرجانی . وفات ۵۳۱ — جرجانی از پزشکان معروف قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان مدتی در خراسان وچندی درخوارزم درخدمت ابوالفتح قطب الدین محمدوپسرش آتسز بود . جرجانی بزرگترین پزشک قرن ششم وآثار او در ردیف آثار ابوعلی سیناست . همهٔ مباحث طب را مورد مطالعه قرار داده ومهمترین آثار طبی خود را به زبان فارسی نوشته است . از آثار مهم فارسی او «ذخیرهٔ خوارزمشاهی» وکتاب «خفی علائی» و«یادگار» و«اغراض» است . کتاب «خفی علائی» تلخیصی است از ذخیره که به فرمان علاءالدوله آتسز خوارزمشاه نوشته شده . کتاب «یادگار» دریک جلد درطب است که جرجانی برای خوارزمشاه تصنیف کرده و«اغراض» نیز تلخیصی از کتاب ذخیره است که به خواهش مجدالدین ابومحمد آتسز تألیف شده است .

جرجانی (ت) میرسید شریف علی بن محمدالجرجانی وفات ۸۱۶ از عالمان مشهور قرن هشتم که درسال ۷۴۰ در شیراز متولد شد وبه خدمت شاه شجاع معرفی گردید وبه تدریس درمدرسهٔ دارالشفاء پرداخت تیمور هنگام فتح شیراز او را باخود به ماوراءالنهر برد واو مدتها در مجلس تیمور باسعدالدین تفتازانی به مباحثه می‌پرداخت . جرجانی پس ازمرگ تیمور به شیراز بازگشت وهمانجا وفات یافت .

بیشترتألیفات میرسید شریف به زبان عربی است ازجمله حاشیه‌ای بر «مطول» کتاب درسی تألیف تفتازانی نوشته است ودیگر کتاب «التعریفات»

در ذکر اصطلاحات صوفیه . از آثار فارسی میرسید شریف یکی رسالهٔ معروفی است درصرف ونحوعربی موسوم به «صرف میر» دیگررساله‌ای در منطق به نام «الکبری فی المنطق» سوم رساله ای است به نام «رسالة الوجود»
(رسالةالوجود - چاپ تهران)

جریرطبری (ت) رجوع شود به طبری

جسم (ط) جوهری که دراوسه بعدباشد یعنی‌دارای درازاوپهنا وستبری (یاطول وعرض وضخامت) باشد .

جم (ش - د) رجوع شود به‌جمشید .

گفتم ای مسندجم جام جهان‌بینت کو
گفت افسوس که‌آن دولت بیدارېخفت
«حافظ»

جمال‌الدین اصفهانی (ت) جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی وفات ۵۸۸ ه‍-از شاعران قرن ششم .مولدش اصفهان بوده‌وبیشتر عمر خودرا درآنجا گذرانده است وبه‌آذربایجان‌نیز رفته‌وبانظامی گنجوی ملاقات کرده است .جمال‌الدین بیشترشاهان سلجوقی‌را مانند ارسلان‌بن طغرل وطغرل‌بن ارسلان ونصرةالدین‌جهان پهلوان و بعضی از ملوک‌ال باوندراکه‌درمازندران حکومت داشتند ودوخانوادهٔ آل‌خجند وآل‌صاعد راکه ازخانواده‌های بزرگ اصفهان بوده‌اند ، مدح کرده‌است . دیوان جمال‌الدین شامل قصیده وغزل ومدح وحکمت ووعظ است . ازپیروان انوری وسیدحسن غزنوی ورشید وطواط می‌باشد وبا خاقانی ومجیرو ظهیر مشاعره داشته است . بیشترقصائدش بی تغزل بامدح شروع می‌شود ، کمتربه وصف طبیعت می‌پردازد،ولی غزلیاتش در ردیف اول غزلیات عصراوست .
(دیوان‌جمال‌الدین - چاپ تهران)

جمشید (ش — د) یا جم از شاهان بزرگ پیشدادی. لباس دوختن و کشتی رانی و پزشکی را به مردم آموخت، گوهر را استخراج کرد و تختی گوهرنشان ساخت، جشن نوروز را او برپا کرد و پس از این کارها خود بینی براو چیره شد تا ضحاک براو دست یافت و میانش را با اره به دونیم کرد

صدر دو یه بابه دخت جمشید　　　خنک توبه سایه رخش رستم

«انوری»

جنس (ط) از کلیات خمس. آن است که درجواب ما هو (چیست) واقع شود مانند حیوان وقتی که بپرسیم . انسان با گاو یا گوسفند با اسب چیست ؟ درجواب گفته میشود: حیوان. پس جنس آن است که تمام حقیقت مشترکه را شامل است یعنی حیوان که شامل گاو و گوسفند و اسب و انسان است .

جنیدی (ت) ابوعبدالله محمدبن عبدالله الجنیدی از شاعران و فاضلان مشهور قرن چهارم. اورا درشمار شاعران دستگاه صاحب بن عباد ذکر کرده‌اند. ثعالبی دوبیت عربی و یک قطعه پارسی از اونقل کرده است.

جوامع الحکایات و لوامع الروایات (ك) از معتبرترین کتابهایی که به زبان فارسی تألیف یافته و مؤلف آن محمد عوفی صاحب تذکرهٔ لباب الالباب است که آن را درحدود سال ۶۳۰ و به نام نظام الملک قوام الدین محمدبن جنیدی وزیر شمس الدین التتمش تألیف کرده است. جوامع الحکایات مشتمل برحکایتهای ادبی واشعار وامثله است درچهار مجلد و هرمجلد دارای بیست و پنج باب. این کتاب ازلحاظ منابع تاریخی بسیار مهم است ، زیرا که عوفی منابع استفادهٔ خود را ذکر می کند و اسنادی را نقل می کند که درکتابهای دیگر نیست وبهمین جهت مورد استفادهٔ بسیاری از مؤلفان مانند حمدالله مستوفی درتاریخ گزیده و امین

احمد رازی درهفت‌اقلیم ومنهاج سراج درطبقات ناصری‌قرار گرفته‌است.

سبک انشاء کتاب جزدیباچه که دارای نثر مصنوع است، به‌نثر ساده وروان می‌باشد ولی دارای ترکیبات عربی است.

جواهرالاسرار وظواهرالانوار (ك) کتابی‌درشرح مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی به قلم کمال‌الدین حسین بن‌حسین خوارزمی. قسمت عمدهٔ این کتاب‌مقدمه‌ای‌است شامل تاریخ واصطلاحات‌ومبادی‌صوفیه.

جودی (نن) کوهی که کشتی نوح پس از فرونشستن طوفان برآن‌قرار گرفت. (قرآن)

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد

برسدهٔ اوباش که جودی نجانست

«انوری»

جوزا (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقة‌البروج وبه شکل دو پیکر ایستاده. برج جوزابرابر ماه خرداد می‌باشد.

جوزا صفت دوگانه هزارآفتاب زاد

هرگه که رفت‌همت او دربرستخاتن

«خاقانی»

دوپیکرباز چون‌دویارد رخواب به یکدیگر بپیچیده‌چودولاب

«فخرالدین‌اسعد گرگانی»

جوزا (نج) نام دیگر صورت فلکی جباراست که از صورتهای جنوبی منطقة‌البروج است وآن صورت‌مردی‌است کمربسته وشمشیربردست گرفته وکمراورا «نطاق» گویند.

خورده‌ام تیرفلک باده‌بده‌تاسرمست

عقده دربند کمرترکش جوزا فکنم

«حافظ»

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم
یعنی غلام شاهم و سوگند می‌خورم
«حافظ»

جوهر (ط) از مقولات عشر. موجودی که به‌خودی خود وجود داشته باشد . مانند سنگ ، درخت

جوهری (ت) اسمعیل بن حماد جوهری فارابی. وفات ۳۹۸-- از عالمان لغت است و برای جمع‌آوری لغات ، مدتی درمیان قبایل عرب بسربرد . پس از آن به نیشابور رفت ودرآنجا به تدریس پرداخت . از آثار مشهور او «الصحاح فی اللغة» است که از کتابهای مهم لغت به شمار می‌رود .

جویا (ت) میرزاداراب بیگ جویای تبریزی وفات ۱۱۱۸- از شاعران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم. مولدش درکشمیر و از معاصران اورنگ زیب است . جویا رابعد از غنی از استادان مسلم شعر فارسی درهند می‌دانند . وی درغزل پیروصائب است . کلیاتش شامل قصیده ومثنوی وقطعه وغزل است .

کلیات جویا به اهتمام دکتر محمد باقر استاد دانشگاه پنجاب چاپ شده است .

جویباری (ت) ابواسحق ابراهیم بن محمد البخاری الجویباری از شاعران دورهٔ سامانی که عوفی غزل لطیفی از او نقل کرده است .

جوینی (ت) علاءالدین عطاملک بن بهاءالدین جوینی وفات ۶۸۱- از تاریخ نویسان معروف ایرانی دردورهٔ مغول پسر بهاءالدین و برادر شمس‌الدین محمد صاحبدیوان جوینی که از خاندانهای معروف ومتنفذ زمان مغول بوده است. علاءالدین مدت بیست وچهار سال دربغداد

حکومت کرد ولی او وبرادرش شمس‌الدین گرفتار سعایت مجدالملك یزدی وزیر آباقاخان شدندوبنابه‌دستور آباقاخان،علاءالدین دربغداد توقیف وگرفتار شکنجه گشت وسرانجام درسال ۶۸۱ وفات یافت ۰ اثر مهم او تاریخ جهانگشاست .

جهانگشای جوینی (ك) رجوع شود به تاریخ جهانگشا

جهانگشای نادری (ك) تاریخ معروف دورهٔ سلطنت نادرشاه تألیف مهدیخان بن محمدنصیراسترآبادی منشی نادرشاه‌است که درسفرها با او همراه بوده است و وقایع سلطنت اورا تا زمان مرگ یعنی تا سال ۱۱۶۰ شرح داده است.

(چاپ تهران)

چاه بیژن (ش - د) چاهی که بیژن پهلوان ایرانی به فرمان افراسیاب درآن افکنده شد منیژه دختر افراسیاب ومعشوق بیژن هر روز نانی ازگدائی به‌دست می‌آورد و ازبالای چاه‌برای‌اوسی‌انداخت.

شبی چون چاه بیژن تنگ وتاریک
چو بیژن در میان چاه او من
ثریا چون منیژه بر سر چاه
دو چشم من بدون چون چشم بیژن

«فردوسی»

چاه یوسف (تن) چاهی‌که برادران یوسف او را درآن افکندند
ببین که سیب زنخدان توچه می‌گوید
هزار یوسف مصری فتاده درچه ماست

«حافظ»

چرخ اثیر (نج) رجوع شود به اثیر
شهاب کلک توباد و دولت تو به سیر
همان کند که به‌دیوان‌شهاب چرخ اثیر

«انوری»

چشمهٔ حیوان (تن) رجوع شود به آب حیات
زهرسفرنوش کن اول چوخضر   پس برو وچشمهٔ حیوان‌طلب

«خاقانی»

چشمهٔ خضر (تن) رجوع شود به آب حیات

زبان درآن دهن پاك گوئیا که مگر
میان چشمهٔ خضر است ماهئی گویا
«خاقانی»

چگل نام شهری است در ترکستان که درشعرفارسی مردم آن به زیبائی مثل شده‌اند

صفای خلوت خاطر ازآن شمع چگل جویم
فروغ چشم ونوردل ازآن ماه ختن دارم
«حافظ»

چهارارکان (نج) با چار ارکان عبارت است ازآب وخاك وباد وآتش

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چار ارکان
«انوری»

چهارامهات (نج) کنایه ازچهارعنصر (آب وخاك وباد وآتش)

به‌صد قران بنزاید یکی نتیجه چودو
ز امتزاج چهار امهات و هفت آبا
«خاقانی»

چهارمقالهٔعروضی (ك) یامجمع‌النوادر، کتابی به زبان فارسی، تألیف احمدبن علی‌النظامی العروضی سمرقندی که آن را درسال ۵۰۱ به‌نام ابوالحسن حسام‌الدین علی شاهزادهٔ غوری تألیف کرده است.

کتاب چهار مقاله پس از مقدمه‌ای درحکمت وطبیعیات به‌چهار مقاله تقسیم می‌شود: درماهیت علم دبیری و کیفیت دبیر کامل، ماهیت

علم شعر وصلاحیت شاعر ، ماهیت علم نجوم وغزارت منجم ، ماهیت علم طب .

نظامی عروضی کتابش را به کیفیات وعواملی مخصوص کرده است که به درباریستگی دارد ودراین کتاب تأثیر علوم و فنون را در ادارهٔ کشور ولیاقت درباریان ونفوذ ایشان را درشاهان شرح می‌دهد وطبقهٔ خواص را به چهار طبقهٔ دبیر ، شاعر ، منجم ، طبیب ، تقسیم می‌کند. مؤلف مطالب کتاب راباشواهد تاریخی می‌آمیزد ودرضمن توضیح مقالات نام بسیاری ازکتابها را می‌برد واشعار ونوشتهٔ شاعران ونویسندگان را ذکرمی‌کند.

نظامی‌عروضی درحکایات گاهی‌خود شاهد واقعه بوده وسرگذشت اشخاص را چنانکه از خود آنها شنیده است‌نقل می‌کند وگاهی هم‌از اشخاصی که‌خود ناظر وقایع بوده‌اند. کتاب چهار مقاله اهمیت تاریخی وجغرافیائی دارد . سبک انشاء آن بسیار موجز وسلیس است ویکی از آثار برگزیدهٔ نثر فارسی به شمار می‌رود .

(چاپ‌تهران)

ح

حاج ملاهادی سبزواری (ت) رجوع شود به سبزواری

حافظ ابرو (ت) شهاب‌الدین عبدالله‌بن لطف‌الله‌بن عبدالرشید الخوافی. وفات ۸۳۴ - از مورخان بزرگ دورهٔ تیمور که به‌قولی در هرات وبه‌قولی در خواف متولد شده ولی در همدان تربیت یافته است. حافظ ابرو معاصر امیرتیمور ودرجنگها ملتزم رکاب او بوده است وبعدازمرگ تیموربه خدمت خود در دربار شاهرخ وبعد بایسنغر ادامه داد. آثاری درتاریخ وجغرافیا دارد که معروفترین آنها را به نام «زبدة‌التواریخ» به امر بایسنغردرسال ۸۲۹ تألیف کرده است ولی مجموع چهار جلد تاریخ اورا«مجمع التواریخ سلطانی» خوانده‌اند. حافظ ابرو به زبانهای ترکی جغتائی (زبان درباری) وعربی‌آشنابوده وشعرهم‌می‌سروده‌است‌وکتابهای تاریخ وجغرافیای او، چون بیشتر مربوط به‌وقایعی بوده است که خود شاهد آن بوده یامربوط به سفرها وسیاحتهای شخصی او بوده است، سند اصلی تاریخ نویسانی چون میرخواند وخواندمیر قرارگرفته‌است.

حافظ‌شیرازی (ت) شمس‌الدین محمدبن بهاءالدین معروف به لسان‌الغیب. وفات ۷۹۱ - شمس‌الدین محمدحافظ بزرگترین غزلسرای ایران که در اوایل قرن هشتم درشیراز متولد شد وهمانجا به تحصیل علوم وکمالات پرداخت ودرمجالس درس عالمانی مانند قوام‌الدین عبدالله حضورمی یافت‌وبه‌مطالعهٔ قوانین ادب‌ودیوانهای شاعران عرب‌می‌پرداخت

وچون قرآن را از برداشت ، حافظ تخلص کرد . پدر حافظ بهاءالدین درعصر اتابکان فارس از اصفهان به شیراز مهاجرت کرد وحافظ درزمان جوانی به خدمت دیوانی در دربار شاهان اینجو و آل مظفر درآمد . مخصوصاً حافظ درنزد ابو اسحق اینجو که حکومت فارس را داشت ، تقرب بسیار یافت واو را مدح کرد تا دولت ابواسحاق به دست محمد مبارزالدین مؤسس مظفریان منقرض شد . حافظ از شاهان آل مظفر ، امیر مبارزالدین وشاه شجاع و شاه یحیی وشاه منصور را درغزلهای خود یاد کرده است. حافظ همهٔ عمر را درشیراز گذرانده و سفرهای کوتاهی به اصفهان و یزد کرده است. یکبار نیز ازطرف محمودشاه بهمنی دکنی به هندوستان دعوت شد ، ولی به علت طوفانی بودن دریا از سفر منصرف گشت . وفات حافظ درسال ۷۹۱ درشیراز اتفاق افتاد .

دیوان اشعار حافظ شامل غزلیات ومثنوی ساقی نامه وچند قصیده است . این سخنور بزرگ با آنکه درزمانی پرفتنه وآشوب زندگی می کرد در اشعارش متانت وبردباری آشکار است وهرگز درمدح غلو نکرده است . حافظ از روح عرفان بهرهٔ کامل داشته و مضامین عاشقانه را بامعانی عرفانی آمیخته واین شیوه را به درجهٔ کمال رسانده است .

دیوان حافظ بیش ازهمهٔ آثار غزلسرایان دیگر نزد فارسی زبانان شهرت ورواج دارد وازاین جهت خواجه حافظ شیرازی محبوبترین شاعر ایران شمرده می شود .

دیوان حافظ چندین بار درایران به چاپ رسیده است

حالنامه (ك) رجوع شود به گوی وچوگان

الحاوی (ك) تألیف دانشمند وطبیب عالیقدر ایرانی ابوبکر محمد زکریای رازی . این کتاب از مهمترین کتابهای طبی به شمار می رفته

ودرعلم طب حکم دائرة المعارفی را داشته است . درسی جزو نوشته شده ونسخهٔ ترجمه شده به لاتین به ۲۵ جزو می‌رسد ولی از متن عربی آن درحدود نصف باقی است . شاگردان رازی پس از او این کتاب راازروی یادداشتهای استادخود مرتب کرده‌اند. کتاب شامل انواع شعب وفنون مختلف علم طب است وهمچنین حاوی یادداشتهائی می‌باشد که مؤلف درمدت معالجه وعمل از تجارب شخصی درد کرده است .

حبش ولایت زنگ یا زنگبار که مردم آن سیاه چهره‌اند ودرشعر فارسی لشکر حبش یا خادم حبش کنایه ازشب و لشکر روم یا خادم روم کنایه از روز است .

ناروزوشب دو خادم رومی وزنگی‌اند
هر یک به‌صدق عنبرجان درمیان اوست
خورشید روم پرور و ماه حبش نگار
سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست
"خاقانی"

حبیب‌السیر (ك) تاریخ عمومی عالم که دران وقایع از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسمعیل صفوی یعنی سال ۹۳۰ شرح داده‌شده است . این کتاب درسه جلد است ومؤلف آن غیاث‌الدین بن همام‌الدین معروف به خواندمیر است که آن رادرسال ۹۲۹ تالیف کرده است.
(چاپ طهران)

حجرالاسود (تن) سنگ کعبه
خال سیاه اوحجرالاسود است از آنک
ماند به خال وزلف به خم حلقهٔ درش
"خاقانی"

حدائق السحر فی دقایق الشعر (ك) کتابی درمباحث معانی وبیان وصنایع شعر از آثار رشیدالدین وطواط دانشمند بزرگ قرن ششم که آن را به اشارهٔ اتسز خوارزمشاه درسال ۵۵۱ سروع کرد ودرزمان سلطنت ایل ارسلان به پایان رساند. رشیدالدین وطواط پس ازمطالعهٔ کتاب «ترجمان البلاغة» خواسته است کتابی بهتر وجامعتر درمحاسن نظم ونثر تألیف کند.

رشید در این کتاب ابتدا به ذکر محاسن شعر می‌پردازد و بعد شواهدی از فارسی وعربی ذکر می‌کند وازشاعرانی مانند معزی وعمعق وابوالفرج رونی ومسعود سعدسلمان وناصرخسرواشعاری من باب مثال می‌آورد (چاپ تهران)

حدودالعالم من المشرق الی المغرب (ك) از کتابهای معتبر جغرافیا که درسال ۳۷۲ تألیف یافته است. مؤلف آن معلوم نیست ولی به «ابوالحرث محمدبن احمد فریغون» تقدیم شده است که از آل فریغون است که در گوزگانان اقامت داشتند وبه دست سلطان محمود غزنوی از میان رفتند. این کتاب در تقسیم شهرهاوبلاد ونواحی واقوام مختلف واحوال آنهاست وبسیار سودمند می‌باشد.

حدودقوافی (ق) حدودقوافی پنج است: متکاوس، مترا کب، متدارك، متواتر، مترادف

۱ــ متکاوس. قافیه‌ای است که دارای چهار حرف متحرك ویك ساکن باشد. ودرشعر خوش آیند نیست.

گربار من غم دلم بخوردی		زین بهترك به حال من نگردی

۲ــ مترا کب: قافیه ایست که دارای سه حرف متحرك ویك ساکن باشد

توهمچو صبحی ومن شمع خلوت سحرم
تبسمی کن وجان بین که چون همی سپرم
«حافظ»

۳— متدارك : قافیه‌ای است که دارای دوحرف متحرك و یک ساکن باشد .

به‌نام خداوند جان وخرد   کزین برتر اندیشه برنگذرد

٤— متواتر : قافیه‌ای است که دارای یک متحرك ویک ساکن باشد .

من آن روز را قدرنشناختم   ندانستم اکنون که درماندم

٥— مترادف: قافیه‌ای است که دارای دو حرف ساکن باشد مانند

زسم ستوران در آن پهن دشت

زمین شدشش وآسمان گشت هشت

حديقة الحقيقة و شريعة الطريقه (ك) از مهمترین آثار حکیم سنائی شاعر معروف قرن ششم،شامل ده‌هزاربیت، که درسال ٥٢٥ به نام بهرامشاه غزنوی ساخته شده است . حدیقه شامل ده باب است . درتوحید ذکر کلام باری، نعت نبی، صفت عقل ، فضیلت علم ، ذکر نفس ، صفت افلاك ، مدح بهرامشاه غزنوی ، حکمت وامثال ، علت تصنیف کتاب . کتاب حدیقه سراسر شامل پندواندرز و مطالب عرفانی وبیان تمام دانش وعمل است ودرحقیقت سرمشق وراهنمای بزرگی است برای افراد و اجتماع . این کتاب ازنظر اهمیت موضوع در زمان حیات شاعر شهرت یافت وادیبان ومشایخ صوفیه به‌آن توجه کردند ، چنانکه نصرالله منشی معاصرحکیم سنائی در کلیله‌ودمنه ازاشعار حدیقه بعنوان شاهد نقل کرده است . همچنین مورد توجه شاعران بعد از سنائی قرار گرفته است، بطوریکه خاقانی مثنوی تحفة‌العراقین ونظامی مخزن‌الاسرار را به سبک آن ساخته‌اند .

حديقة‌الحقيقة چندین بار به چاپ رسیده است .

حذذ (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف‌علن است که می‌ماندمستف بجای آن فع‌لن می‌گذارند ؛ وآن را احذ خوانند .

حذف (ب) آن است که شاعر ملزم شود که یک یا دو حرف را درشعر بکارنبرد مانند این شعر قاآنی که بدون الف است .

برد ز گیتی برون ربیع حولشکر
لشکر دی ملک وی‌نمود مسخر

دهرزدم‌سرد بس به‌خویش‌مشوش
مهر زبیمهریش به میغ مستتر

ودرآخر قصیده گوید :

گفته به مدحت قصیده‌ای والف‌نی
جز به همین فرد ملتزم شده دیگر

حذف (زحاف) (ع) حذف در مفاعیلن حذف لام ونون است که می‌ماند مفاعی وبجای آن فعولن می‌گذارند وآن را محذوف‌خوانند .

درفاعلاتن حذف نون وتاء است که می‌ماند فاعلا و بجای آن فاعلن می‌گذارند وآن‌را محذوف‌خوانند . درفاع لاتن مانندفاعلاتن‌است

درفعولن حذف نون و لام است که می‌ماند فعو بجای آن فَعَل می‌گذارند وآن‌را محذوف خوانند .

حذو (ق) از حرکات قافیه . حرکت ما قبل ردف و قید مانند حرکت میم ودال‌در کلمه‌های مست ودست . اختلاف حذو جایزنیست مگر آنکه روی به حرف وصل پیوندد .

حرکات‌قافیه (ق) حرکات‌حروف قافیه‌شش‌است : رس،اشباع ، حذو ، توجیه ، مجری، نفاذ . حرفهای‌اول این شش کلمه را برای‌آنکه به یاد سپرده شود درکلمات «راحت من» جمع کرده‌اند .

(به این کلمات رجوع شود)

حروف قافیه (ق) حروف ماقبل و مابعد حرف روی هر یک بنامی خوانده می‌شود و تابع احکامی است که به تفصیل در کتابهای علم قافیه آمده است. این حروف جز حرف روی هشت حرف است. به این ترتیب: ردف، قید، تأسیس، دخیل، وصل، خروج، مزید، نائره. که چهار حرف: ردف و قید و تأسیس و دخیل پیش از روی قرار می‌گیرد و چهار حرف وصل و خروج و مزید و نائره بعد از روی. (به هر یک از این کلمات رجوع شود)

حزین (ب) شیخ محمدعلی محمد بن ابیطالب حزین لاهیجی. وفات ۱۱۸۰ — اجداد شیخ علی حزین در لاهیجان اقامت داشتند ولی او درسال ۱۱۰۳ در اصفهان متولد شد و در دوران انحطاط و هجوم افغانها بر اصفهان، خانوادهٔ خود را از دست داد و خود پس از تحمل روزگاران سختی درسال ۱۱۳۵ از اصفهان گریخت و پس از مدتها سرگردانی سفری به مکه کرد و از شهرهای یمن، بغداد، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان، تهران دیدن کرد و به اصفهان بازگشت و درسال ۱۱۴۶ به هندوستان عزیمت نمود و بقیهٔ عمر را در آنجا گذراند.

از آثار معروف او تذکرهٔ حزین است مشتمل بر شرح حال صد نفر از شاعران معاصر او و «تاریخ حزین» که مربوط به سوانح عمر مؤلف است قبل از عزیمت به هندوستان و «مدة العمر» که حوادث زمان نویسنده و انقلاب اصفهان را نشان می‌دهد و مجموعهٔ اشعار وی.

حساب ابجد یکی از ترتیب‌های حروف الفبا است که دارای حرفهای کلمات زیر باشد:

ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضظغ

هریک از این حروف به ترتیب به ازای یکی از اعداد آحاد و عشرات ومات است . حروف

ا ب ج د ه و ز ح ط ی		(۱ تا ۱۰)

ک ل م ن س ع ف ص		(۱۰ تا ۹۰)

ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ		(۱۰۰ تا ۱۰۰۰)

نوشتن اعداد به حروف ابجد به وسیله ترکیب این حروف حاصل می‌شود . مثلاً تاریخ سال ۱۳٤۰ را می‌توان چنین نوشت : «غشم» گاهی نیز عدد منظور از حاصل جمع حروف مصدد به دست می‌آید: مانند عبارت «الخیر فی ماوقع» که ۱۱٦۰ یعنی تاریخ قتل نادر از آن حاصل می‌شود .

حسن تخلص (ب) آن است که شاعر در گریز از تغزل به مدح ، کلمات خوش آیند ومطبوع استعمال کند .

حلق گویند برودل به هوای دگری نه

نکنم خاصه در ایام اتابک دو هوائی

«سعدی»

حسن تعلیل (ب) از صنایع شعری که شاعر برای مطلبی که آورده ، دلیلی دلپذیر بیاورد نه مطابق با واقع

چوب را آب فرو می‌نبرد حکمت چیست

شرمش آید زفرو بردن پروردهٔ خویش

حسن طلب (ب) آن است که گوینده خواهش را به نوعی اظهار کند که مورد پسند خواننده واقع شود ، مانند این شعر امیر معزی :

شاها ادبی کن فلک بد خو را		کاسیب رسانیده رخ نیکو را

گر گوی خطا کرد به چوگانش زن		ور اسب غلط کرد به من بخش او را

حسن دهلوی (ت) رجوع شود به دهلوی

حسن‌غزنوی (ت) اشرف‌الدین ابومحمد حسن بن محمد حسینی غزنوی . وفات ۵۵۷ ملقب به اشرف از واعظان و فصیحان معروف قرن ششم هجری که معاصر ومداح بهرامشاه غزنوی بوده ودرسفر هندوستان با اوهمراهی کرده است ولی پس از مدتی مغضوب واقع شده وازغزنین به بغداد ومکه سفر کرده و در بغداد مورد لطف غیاث‌الدین مسعود سلجوقی واقع گردیده است . سیدحسن غزنوی از بغداد به همدان رفت و چندتن از ارکان مملکت سلاجقه را مدح کرد وسپس به خراسان رفت ودربازگشت درقصبهٔ «آزادوار» ازولایت جوین وفات یافت .

دیوان اشعار سید حسن غزنوی چهار بیت دارد وشامل قصائد وغزل وترجیعات در انواع موضوعها مانندمدح ورثاء ووعظ وتغزل است . کلامش ساده ومنسجم وخالی از ابهام است . (چاپ تهران)

حسن مطلع (ب) آن است که شاعر درابتدای شعر مطلب را طوری بپروراند که مقصود از مدح و اندرز و اغراض دیگر معلوم شود والفاظ به گوش خوش آید .

دولت جوان و بخت جوان و ملک جوان
ملک جهان گرفتن و دادن کنون توان

حسن‌ودل یادستورعشاق (ک) منظومه‌ای بالغ بر پنجهزار بیت که مولانا یحیی سیبک نیشابوری معروف به فتاحی درسال ۸٤۰ آن‌راساخته است . خود شاعر نام این منظومه را «دستور عشاق» گذارده ولی چون موضوع آن داستان عشق حسن ودل است به مثنوی«حسن‌ودل» معروف شده است . موضوع داستان سرگذشت عشق شاهزاده‌ای است به نام «دل» باشاهزاده‌ای به‌نام «حسن» . شاعر دراین داستان همه‌نوع مضامین عاشقانه را در نظر داشته ودرپایان آن خضر با «دل» سخن می گوید .

سبک شعر در این منظومه متکلفانه ودارای صنایع بدیع واطناب واغراق است و شاعر نیک بارهم آن را در رسالهٔ منثور کوچکی بنام «حسن ودل» ملخص کرده که برخلاف مثنوی آن بسیار موجز نوشته شده است .

حشو (ب) کلامی است زائد در میان جمله که از حیث معنی به آن احتیاج نباشد وبرسه قسم است : حشو قبیح ، متوسط ، ملیح .

حشو قبیح زشت است ودوری ازآن لازم می‌باشد . مانند رمدچشم وصداع سر دراین شعر

در می‌نرسم به خدمت معذورم
زیرا رمدچشم وصداع سرم است

حشو متوسط برای موزون شدن کلام است

مانند کلمات «ای ماهرو» دراین شعر

تو رود کی را ای ماهرو کنون بینی
بدان زمانه ندیدی که این چنینان بود

حشو ملیح پسندیده است مانند جملهٔ « ذکرش به خیرباد » دراین شعر

دی پیر می‌فروش که ذکرش به خیرباد
گفتا شراب خورکه غم دل برد زیاد

حمدالله مستوفی (ت) ابی بکربن احمدبن نصرمستوفی قزوینی . وفات ۷۵۰ - از خانواده‌های قدیمی که سالیان دراز در قزوین اقامت داشته‌اند وجداعلای آنها امین‌الدین نصر مستوفی بوده است . حمدالله مستوفی در خدمت رشیدالدین فضل‌الله به کار مشغول گشت وبرحسب امر او پیشکار مالیاتی قزوین وزنجان وابهر گردید . حمداله مستوفی غالباً درمجالس رشیدالدین حضور می‌یافت ودر مباحث علمی وتاریخی

شرکت می کرد . از آثار معروفش «ظفرنامه» به نظم و «نزهةالقلوب» و «تاریخ گزیده» است .

حمزهٔ اصفهانی (ت) ابوعبدالله حمزه بن حسن اصفهانی . وفات در حدود ۳۵۰ - از مورخان بزرگ و ادیبان قرن چهارم که در اصفهان متولد شده و بارها به بغداد سفر کرده و باز به اصفهان بر گشته است . حمزه در علم نحو وفقه نیز استاد بوده است . از آثار او کتاب معروف «تاریخ سنی ملوك الارض والانبیاء» کتاب «کبارالبشر» و« کتاب الامثال» و« کتاب التنبیه علی حدوث التصحیف» است .

حمل (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقةالبروج ؛ به شکل بره است نیم خفته ، برج حمل برابر باماه فروردین است .

در بره مریخ گرز گاوافریدون به دست
وز مجره شب درفش کاویان انگیخته
«خاقانی»

زآتش غیرت جوان نو شدم در فلك نور و حمل برهان است
«انوری»

حنظلهٔ بادغیسی (ت) وفات درحدود ۲۲۰-از معروفترین شاعران دورهٔ طاهری است که در نیشابور در دورهٔ حکومت عبدالله بن طاهر می زیست . اشعاری از او در تذکره ها باقی است .

حوا (تن) دومین بشر مخلوق خدا و همسر آدم که دربهشت می زیست وبه اغوای ابلیس گندم خورد واز بهشت رانده شد وبه زمین فرو افتاد .

حدیث عشق اگر گوئی گناه است
گناه اول ز حوا بود و آدم
«سعدی»

حور (تن) حور جمع حوراء بمعنی زنان سیاه چشم بهشت . این کلمه که به‌صیغهٔ جمع در قرآن آمده است در ادبیات فارسی بمعنی مفرد می‌آید و از آن زن زیبای بهشتی اراده می‌شود .

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور
با خیال تو اگر با دگری پردازم

«حافظ»

حور العین (تن) رجوع شود به حور

باغ پیراسته گلزار بهشت　　　　گلبن آراسته حور العین است

«ابوالفرج رونی»

حوت (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقه‌البروج و به شکل ماهی . برج حوت برابر ماه اسفند است .

بمانده ماهی از رفتن به ناکام　　　　تو گفتی ماهی است افتاده در دام

«ویس و رامین»

حیة الحوا (نج) از صورتهای فلکی که در شمال منطقة‌البروج است. به صورت ماری است که مار افسای او را به هردو دست گرفته و سار سرودم بلند کرده است .

الا که تا بود برین فلک روان　　　　شجاع او و حیة الحوای او...

«منوچهری»

خ

خاتم سلیمان (نن) رجوع شود به انگشتر سلیمان.

گرچه شیرین دهنان پادشهانند ولی

او سلیمان زمان است که خاتم با اوست

«حافظ»

خاقانی (ت) افضل الدین ابوبدیل بن علی خاقانی. وفات ۵۹۵ ه. از سخن سرایان بزرگ ایران. نخست حقایقی لقب داشته ولی بعد به مناسبت انتساب به خاقان اکبر منوچهر بن فریدون شروانشاه، خاقانی تخلص یافت. پدرش علی نجار و مادرش کنیزک رومی بود که بعد به اسلام درآمد. اولین بار تقرب خاقانی نزد شروانشاه به وسیلهٔ ابوالعلاء گنجوی انجام گرفت. وی پس از خاقان اکبر به خدمت پسرش خاقان کبیر اخستان درآمد. خاقانی پس از مدتی که در دربار شروانشاه زیست ملول گشت و آرزوی سفر عراق کرد، ولی شروانشاه به او اجازه نداد و این امر موجب دلتنگی خاقانی گشت. عاقبت به سفر مکه رفت و در مراجعت هنگام ورود به اصفهان قصیده‌ای در وصف اصفهان ساخت خاقانی به دربار شروانشاه بازگشت ولی به علت سعایت حسودان به امر شاه به حبس افتاد. پس از آن در حدود سال ۵۶۹ باز به حج رفت. در بازگشت به سبب مرگ فرزند و مصائب دیگر به عزلت روی آورد و در تبریز اقامت کرد و در همانجا درگذشت.

از ممدوحان خاقانی خاقان اکبر ابوالهیجا فخرالدین منوچهربن فریدون شروانشاه وخاقان کبیر جلال‌الدین ابوالمظفر اخستان بن منوچهر وعلاءالدین اتسزبن محمد خوارزمشاه و نصرة‌الدین اسپهبد اعظم از فرمانروایان طبرستان وغیاث‌الدین محمدبن محمود بن محمدبن ملکشاه ورکن‌الدین ارسلان بن طغرل وسیف‌الدین اتابک منصور حکمران سماخی و مظفر الدین قزل ارسلان و علاء الدین تکش بن ایل ارسلان می باشند .

خاقانی را باید از سخن سرایان بلند فکروازاستادان بزرگ زمان واز قصیده سرایان درجهٔ اول ایران دانست که درشعر ابتکاراتی داشته است . از اختصاصات او یکی التزام ردیفهای مشکل در قصاید بلند وطولانی است . اشعار خاقانی به علت اطلاع وسیع وی برلغات عربی واصطلاحات فلسفه و طب ، گاهی ازساد گی بیرون می‌آید . قصایدش بیشتر به وصف طبیعت وبهار وخزان وصبح شروع می‌شود وجنبهٔ وصف در این قسمتها بسیار قوی است. تشبیهات بسیار تازه دراشعار اواغلب زادهٔ احساس وقوهٔ تخیل خود اوست . غزلیات خاقانی شامل ابیات لطیف و شورانگیز است که گاهی تحت تأثیر سبک غزلیات سنائی واقع می‌شود .

ازآثار خاقانی جزدیوان قصاید وغزلیات اومثنوی «تحفة العراقین» است . (دیوان خاقانی چاپ تهران)

خالد (ب) امیرفخرالدین تاج‌الافاضل خالدبن ربیع‌الملکی . وفات نیمهٔ قرن ششم - ازشاعران خراسان و کاتبان مشهورقرن ششم که در خدمت علاءالدین جهانسوز (۵۴۰—۵۵۶) می‌زیسته وباانوری دوستی داشته است . خالدبن ربیع ازجملهٔ امیران وبقول خود او (مردلشکری)

بوده است .

خالد در اشعارش علاءالدین جهانسوز و سلطان سنجر را مدح گفته است .

خانقاه جایگاهی که سالکان را برای رسیدن بمقام واقعی عرفان ارشاد می کنند ومتصوفه درآنجا به ریاضت وعبادت وتفکر می‌پردازند .

منم که گوشهٔ میخانه خانقاه من است
دعای پیرمغان ورد صبحگاه من است
«حافظ»

خبن (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف حرف دوم یعنی الف است که می‌ماند فعلاتن ؛ وآن را مخبون گویند .

در مستفعلن حذف سین است که می‌ماند متفعلن . بجای آن مفاعلن می گذارند . وآن را مخبون گویند . درمس تفع لن مانند خبن در مستفعلن است .

در مفعولاتُ حذف فاء است که می‌ماند معولاتُ . بجای آن مفاعیلُ می گذارند ؛ وآن را مخبون خوانند .

ختا ولایتی درترکستان چین که مشک آن معروف بوده است .

ای گمشده آهوی ختائی مم زابخور ختان جویم
«خاقانی»

ختن ولایتی درترکستان چین که آهوی مشکین ومشک آن معروف بوده است .

مردمانی بدمای خلوتی نافه گشای
که رصحرای ختن آهوی مشکین آمد
«حافظ»

خداوندنامه (ك) منظومه‌ای بروزن شاهنامه که فتحعلی‌خان صبا ملك الشعرای دربار فتحعلیشاه قاجار آن را دربارهٔ پیغمبر اسلام وعلی بن ابیطالب سروده است .

خداینامه (ك) خداینامه که به زبان پهلوی به معنی شاهنامه است کتابی است که دردورهٔ ساسانیان درایران تألیف شده است . این کتاب را ابن المقفع درقرن دوم هجری به زبان عربی ترجمه کرده وآن را «سیر الملوك» نامیده است . نسخهٔ این کتاب اکنون دردست نیست .

خرب (ع) حذف میم ونون است درمفاعیلن ؛ که می ماندفاعیلُ بجای آن مفعولُ می گذارند ؛ وآن را اخرب خوانند .

خردنامهٔ‌اسکندری (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را درحدود سال ۸۹۰ ساخته است . این کتاب به تقلید اسکندرنامهٔ نظامی ساخته‌شده و وزن آن همان وزن اسکندرنامه و شاهنامهٔ فردوسی است . جامی در این مثنوی پس از خطبه در توحید ونعت پیغمبر وبیان معراج به اصل موضوع می‌پردازدواز نصایحی گفتگو می کند که به نام ارسطو وافلاطون وسقراط وفیثاغورث و حکمای دیگر به‌اسکندرداده‌شده‌است‌وهمچنین‌مکاتبات‌ومراسلات‌حکیمانه و گفتگوهای فیلسوفانهٔ بین اسکندر وکسان دیگر را بنظم آورده و مثنوی را به داستان وفات اسکندر وندبهٔ حکیمان بروی وتعزیت‌نامهٔ ارسطو به مادر اسکندر ختم می کند .

هفت اورنگ (چاپ تهران)

خرقانی (ت) ابوالحسن خرقانی . وفات ٤٢٥ — از مشایخ بزرگ صوفیه . خانقاهش محل توجه حکیمان و دانشمندانی مانند ابو علی سینا و شیخ ابوسعید ابی الخیر و ناصرخسرو بوده است . از

آثار او کتاب «نورالعلوم» است به زبان فارسی درمبانی عرفان .

خرقه لباسی که پیران و مرشدان خانقاه بر تن سالکان طریقت می‌پوشاندند ، و این کار هنگامی صورت می گرفت که سالک پس از ریاضت ومجاهدت بسیار شایستگی دخول درصف صوفیان راپیدا می کرد . خرقه پوشاندن باآداب خاصی انجام می گرفت و به صاحب آن مقام والائی می‌بخشید .

در خرقه زن آتش که خم ابروی ساقی
بر می‌شکند گوشهٔ محراب امامت
«حافظ»

خرم (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف اول یعنی میم است که می‌ماند فاعیلن ؛ بجای آن مفعولن می گذارند ؛ وآن را اخرم خوانند.

خروج (ق) از حروف قافیه . آن است که حرف وصل به آن بپیوندد :

خرما نتوان خورد ازاین خار که کشتیم
دیبا نتوان بافت ازاین پشم که رشتیم
«سعدی»

میم درکلمه‌های کشتیم ورشتیم خروج است .

خزانهٔ عامره (ك) تذکره‌ای به زبان فارسی تألیف میرغلامعلی آزاد از فاضلان هند (۱۲۰۲) که آن را در هندوستان تألیف کرده است . چنانکه مؤلف خود گوید در تنظیم این کتاب از لباب الالباب عوفی بسیار استفاده کرده است .

خسروانی (ت) ابوطاهرطیب بن محمد خسروانی ازشاعران عصر سامانی . اشعاری از او درتذکره‌ها باقی است .

خسروپرویز (ش ـ ت) پسر هرمز ونوادهٔ انوشیروان شاه . مرسمان پدرش را کورکردند وکشتند و اورا بر تخت نشاندند . خسرو ابتدا

به‌دفع بهرام چوبینه پرداخت وبرای این کار ازقیصر روم کمک خواست. قیصر دختر خود مریم را به او داد وبه او کمک کرد تا بهرام چوبینه را دفع کرد وپس‌ازآن به کشور داری پرداخت وتخت طاقدیس راساخت وایوان مدائن را بنا کرد. داستان خسرو و شیرین در ادبیات فارسی معروف‌است ومهمترین نمونهٔ آن،داستان منظومی است که نظامی گنجوی سروده است. در این داستان خسرو عاشق شیرین برادرزادهٔ مهین بانو ملکهٔ ارمنستان می‌شود وسالها از عشق او در سوزو گداز بسر می‌برد. شیرین به‌علت نجابت وپاکدامنی جزازراه ازدواج به اوتن در نمی‌دهد و سرانجام به همسری او در می‌آید. خسرو پرویز به وسیلهٔ شیرویه پسر خود که بنابرداستان نظامی عاشق شیرین بود، کشته می‌شود. در شعر فارسی پرویزوخسرو مثال شوکت و جلال است وبه داستان عشق او با شیرین بارها اشاره می‌شود:

خسروآن است که در صحبت او شیرین است
دربهشت است که همخوابهٔ حورالعین است

«سعدی»

سپهر برشده پرویز نی‌است خون افشان
که ریزه‌اش سر کسری و تاج پرویز است

«حافظ»

خسرووشیرین (ك) یکی‌ازمثنویهای خمسهٔ نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که آن رادرسال ۵۷۶ به‌نام‌اتابک‌شمس‌الدین محمدجهان پهلوان‌بن ابلدگزساخته‌است. این مثنوی دارای‌شش‌هزار وپانصد بیت است وداستان عشقبازی خسروپرویز شاه ساسانی باشیرین شاهزادهٔ ارمنی‌می‌باشد. داستان خسرووشیرین ازداستانهای کهن‌ایرانی

است ودرشاهنامهٔفردوسی هم آمده است،اما درمنظومهٔ نظامی تفصیل وشاخ وبرگ بیشتری دارد.

خسروی سرخسی (ت) ابوبکر محمدبن علی خسروی سرخسی. وفات ۳۸۳-ازشاعران قرن چهارم ومداح شمس‌المعالی قابوس وصاحب بن‌عباد وامیر ناصرالدوله ابوالحسن محمدبن ابراهیم سیمجور.

خسروی به زبان فارسی‌وعربی شعر می گفته است وازاصطلاحات فلسفی که دراشعارش به کار برده پیداست که از علوم حکمی وفلسفی اطلاع داشته است. در لباب‌الالباب قطعه‌ای از اشعار عربی او نقل شده است.

خسوف (نج) هرگاه‌ماه‌باخورشید مقابله کند‌خسوف‌واقع‌می‌شود. مقابله آن است که خورشید بریک طرف قطر یعنی بر خطی باشد که از مرکز کره می گذرد و ماه برطرف دیگر آن قطر و زمین حایل میان ماه وخورشید گردد، دراینصورت خسوف ایجاد می‌شود:

مه نوی نوبه‌ملک‌اندرازخسوف مترس
ازآنکه راه نباشد خسوف را به هلال
(انوری)

خضر (تن) از پیغمبران ومعاصر اسکندر ذوالقرنین که با او به طلب آب حیات رفت و در ظلمات چشمهٔ حیوان را یافت وازآن خورد وعمرجاودانی یافت.

ماه دریک حال هم خضراست وهم اسکندراست
کاینه دین کرد و شد با آب حیوان آشنا
(قاآنی)

خط وخطاطان (ك) تألیف میرزاحبیب اصفهانی که آن را در

اسلامبول هنگامی که عضویت انجمن معارف عثمانی را داشت تألیف کرده است. موضوع کتاب چنانکه از اسمش پیداست تاریخ خط و خطاطان معروف است.

خطیب تبریزی (ب) ابوزکریا یحیی بن علی تبریزی. وفات ۵۰۲- از عالمان ادب و لغت عرب در قرن پنجم و شاگرد ابوالعلاء معری. خطیب تبریزی چندی در مدرسهٔ نظامیهٔ بغداد تدریس می کرده است. در عروض وقوافی واعراب قرآن و شرح دیوانهای عرب تألیفات دارد. مهمترین اثر او «شرح حماسهٔ ابی تمام» «شرح دیوان متنبی» «شرح دیوان ابی العلاء معری» شرح «معلقات سبع» است.

خفیف (ع) از بحور شعر فارسی وعربی اصلش دوبار «فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» است. درفارسی از این بحر وزن زیر بسیار رایج است خفیف مسدس مخبون محذوف (فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال:

صنما طاقت فراقم نیست		جز بوصل تواتفاقم نیست

خلاصة الاشعار وزبدة الافکار (ك) تذکره‌ای در احوال شاعران تألیف تقی الدین محمد کاشی که در زمان شاه عباس اول تألیف یافته است. مؤلف کتاب را به ۱۲ اصل و هر اصل را به دو فصل تقسیم کرده است. فصل اول درترجمهٔ شاعران معاصر مؤلف و فصل دوم شاعرانی که مؤلف آنان را ندیده است.

نثر کتاب مصنوع و پراز عبارت پردازی است اما از نظر اشتمال براشعار شاعرانی که نام بعضی از آنها درجای دیگر ذکر نشده است، قابل استفاده می باشد.

خلاصة الحساب (ك) تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان دورهٔ صفویه.

این کتاب دراصول جبر وحساب وهندسه‌است که درعین اختصار بسیار سودمند است وجزو کتابهای درسی به شمار می‌رفته‌است .

خلدبرین (ك) اثر شاعر قرن دهم وحشی بافقی که آن را به تقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است . این مثنوی شامل ۲۰۹ بیت ودارای شش روضه‌است حاوی پند واندرز وتمثیل‌های شیرین .

خلیل یاخلیل‌الله (تن) رجوع شود به ابراهیم

یارب این آتش که بر جان من است
سرد کن زانسان که کردی بر خلیل

«جاوید»

خلیل بن احمد البصری وفات درحدود ۱۷۰ - خلیل درسال ۱۰۰ هجری دربصره متولدشد ودرهمان شهر به کسب علم پرداخت درعلوم مختلف خاصه درعلوم ادبی تبحر یافت . خلیل از نحویان و لغویان بزرگ صدراسلام شمرده‌می‌شود . ایجادشکل یعنی علامتهای حرکات را به طریقی که در خط عربی و فارسی امروز معمول است به او نسبت می‌دهند . ازآثار مهم او کتاب لغت عربی‌است که آن را برحسب مخرج حروف مرتب کرده یعنی حرفهای ملفوظ را از مخرج حلق آغاز کرده وبه لب پایان داده است وچون دراین ترتیب حرف نخستین «عین» بوده ، کتاب لغت اوبه «کتاب العین» معروف شده است . دیگرازآثار مهم او علم عروض‌است که آن را خود ابداع کرده وپیش ازاودرزبان عربی چنین علمی سابقه نداشته است .

«کتاب‌الایقاع» و«کتاب‌النغم» که هردو در علم موسیقی بوده است نیز به او منسوب است .

خواجوی کرمانی (ت) کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن علی

کرمانی. وفات ۷۵۳- از شاعران بزرگ قرن هفتم که در کرمان متولدشده وهمانجا کسب فضائل کرده وپس از چندی به سفر پرداخته است. وی درضمن سفر به ملاقات شیخ رکن الدین علاءالدوله سمنانی (متوفی ۷۳۶) از بزرگان صوفیه نائل آمد وجزو مریدان او گشت.

خواجو سلطان ابوسعید بهادر ووزیر او غیاث الدین محمد را در قصاید خود مدح کرده است. مدتی درشیراز اقامت کرد وبافاضلان آن شهر از جمله با خواجه حافظ شیرازی معاشرت کرد وشیخ ابو اسحاق اینجو وشمس الدین محمود صاین وزیر او و تاج الدین احمد عراقی از بزرگان کرمان رامدح کرده است. ازآثار خواجو دیوان غزلیات وقصاید اوست. دیگر مثنویهائی به سبک نظامی مانند همای وهمایون، گل ونوروز، روضة الانوار، کمال نامه، سام نامه، گوهرنامه. خواجو درغزل پیرو شیخ سعدی است.

خواجه عبدالله انصاری (ت) رجوع شود به عبدالله انصاری

خواجه نصیر الدین طوسی (ب) رجوع شود به نصیرالدین طوسی.

خواجه نظام الملك (ت) رجوع نمود به نظام الملك.

خوان اخوان (ك) ازآثار منثور ناصرخسرو شاعر و نویسندهٔ قرن پنجم دربارهٔ مسائل دین که نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ ایاصوفیه ضبط است.

خواندمیر (ت) غیاث الدین بن همام الدین. وفات ۹٤۱- نواده وشاگرد میر خواند که درزمان امیر علیشیر نوائی می‌زیسته و در تحت حمایت او قرار گرفته است. از آثار او یکی «خلاصة الاخبار» است که تلخیص از کتاب روضه الصفاست، دیگر کتاب «حبیب السیر» که در سال ۹۲۹ تألیف یافته است.

خورنق قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام پسر یزدگرد ساسانی ساخت.

از شارهٔ ملون و پیرایهٔ بزر   آنجا یکی خورنق و اینجا یکی ارم

خون سیاووش یا خون سیاووشان (ش - د) گویند که خون به فرمان افراسیاب، سیاووش کشته شد، برزمینی که خون او ریخته شد، گیاهی روئید که به خون سیاووش یا خون سیاووشان معروف شد. این گیاه چون دارو به کار می‌رفته است.

شب چاه بیژن بسته سرمشرق گشاده زال زر
خون سیاووشان نگر برخاك و خارا ریخته

«خاقانی»

خیام (ت) حکیم ابوالفتح عمربن ابراهیم الخیام نیشابوری. وفات ۵۱۷ - از دانشمندان وریاضی‌دانان وشاعران بزرگ ایران دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم. خیام معاصرسلطان ملکشاه سلجوقی و خواجه نظام‌الملک وازجملهٔ کسانی بود که به دستور ملکشاه به اصلاح تقویم ایران پرداخت وایام‌سال رابه‌وضع ثابت درآورد. خیام علاوه برنجوم در پزشکی وحکمت استاد بوده ودرریاضی وفلسفه آثاری دارد. در زمان خیام بیشتر به حکیم معروف بود تا شاعر. آثارخیام به زبان فارسی و عربی است.

از جملهٔ رساله‌های اوبه‌زبان عربی رساله‌هائی است در طبیعیات، معراج، رسالهٔ جبرومقابله، لوازم الامکنه در اختلاف هوای اقالیم، رساله‌ای درحل یک مسئلهٔ جبری که درآن ازبیست‌ویک قسم معادلات جبری نام برده است. دربارهٔ جنبهٔ ریاضی وعلمی حکیم عمرخیام به کتاب «حکیم عمرخیام به‌عنوان عالم جبر» تألیف دکتر غلامحسین مصاحب» رجوع شود.

ازآثار فارسی خیام یکی ترجمه «رسالهٔ خطبةالغراء» ابوعلی سیناست به‌فارسی . دیگر «نوروزنامه» ورساله‌ای درعلم کلیات «یا رسالهٔ وجود به» که خیام آن را برای فخرالملک بن نظام‌الملک نوشته است . از آثار معروف خیام رباعیات اوست که گویا قصدش از ساختن آنها اشتغال به شعر وشاعری نبوده بلکه بیان بعضی از افکار فلسفی خود بوده است ، این رباعیات شهرت عالمگیر یافته و به‌اغلب زبانهای زندهٔ دنیا ترجمه شده‌است . خیام افکار فلسفی ونظرهای حکیمانه خودرا با عبارات ساده درقالب رباعی که موجزترین نوع شعراست، گنجانده است .

قالب رباعیات خیام ومضامین آنهامورد تقلید بسیاری ازشاعران بعداز او قرار گرفته‌است . دیوان خیام چندین بار به‌چاپ رسیده‌است .

خیفاء (ب) آن است که درشعر با عبارت یک کلمه منقوط ویک کلمه بی نقطه باشد .

زین عالم‌شد اوببخشش ومال تیغ او زینت ممالک شد

دارا (س — د) دارا پسر داراب پادشاه کیانی که در دوازده سالگی پس از پدر به شاهی رسید و از رومیان باج خواست. اسکندر که به روایت شاهنامه پسر دیگر داراب بود به او جواب سخت داد و بر اثر آن جنگ درگرفت. در این جنگ ایرانیان شکست خوردند و دو تن از سرداران دارا که وضع او را دگرگون دیدند، شبانه دشنه بر سینهٔ او زدند. چون خبر به اسکندر رسید، بر بالین دارا آمد و زاری کرد و بر او فاش کرد که برادر او است. دارا پس از آنکه اسکندر را به دادگری وصیت کرد جان داد. زاری اسکندر بر بالین دارا از قسمتهای بسیار مؤثر شاهنامهٔ فردوسی است، و در اسکندرنامهٔ نظامی نیز مجلس وصیت دارا هنگامی که اسکندر سر دارا را برزانو نهاده است به شیوائی تمام سروده شده است.

داراب (ش — د) پسر بهمن که مادرش برای اینکه تاج و تخت را از دست ندهد، او را با جواهر بسیار در صندوقی گذاشت و به آب انداخت. گازری صندوق را از آب گرفت و به خانه برد و نام کودک را داراب گذاشت. داراب بزرگ و نیرومند گشت و فرهنگ و سواری آموخت. ولی چون نسبت به پدر و مادر گازر نسبت مهری احساس نمی کرد، از نژاد خود پرسید و چون راز را دانست، اسبی و سلاحی خرید و به خدمت مرزبان درآمد. اتفاقاً رومیان به آن مرز آمدند و ویرانی را [illegible] آغاز کردند، هما ملکهٔ ایران شخصی را به نام رشنواد با لشکری به

جنگ روم فرستاد، داراب در آن جنگ رشادتها کرد و مورد توجه «رشنواد» قرار گرفت و چون از نژاد او آگاه شد، نامه‌ای به همانوشت و دارا را به درگاه فرستاد. هما که پسر را چنان دید، از گذشته پوزش خواست و بزرگان را جمع کرد و اورا بر دیخت شاهی نشاند. داراب دختر قیصر روم را به زنی گرفت. اما چون دهانش بوی ناخوش داشت، از او سیر شد و او را نزد پدر فرستاد، دختر بارداشت و پسری زائید به نام اسکندر که قیصر اورا پسر خود خواند.

داراب نامه (ك) از داستانهای عامیانه که دارای روایتهای مختلف است. از آنجمله روایتی است که بقلم مولانا شیخ حاجی محمد شیخ احمد مشهور به بیغمی در سال ۸۸۷ کتابت شده است. داستان داراب‌نامه داستان کهنه‌ای است مربوط به ملک داراب بن بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب و پسرش فیروزشاه، داراب‌نامه ازروی نسخه‌ای که در کتابخانهٔ «روان» ترکیه بوده است بوسیلهٔ آقای دکتر ذبیح الله صفا استاد دانشگاه تصحیح و منتشر کرده است.

دارالسلام (دن) اشاره به بهشت.

درعیش نقد کوش که چون آبخور نماند
آدم بهشت روضهٔ دارالسلام را
«حافظ»

دامادشعیب (نن) حضرت موسی که دخترشعیب را به زنی گرفت

دانشنامهٔ علائی (ك) یا دانشنامهٔ علائیه یا حکمت علائی کتابی به زبان فارسی تألیف فیلسوف بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا. این کتاب به خواهش علاءالدوله کاکویه نوشته شده و شامل منطق و الهیات و طبیعیات است

دانشنامهٔ علائی مشتمل بربسیاری ازاصطلاحات فلسفی و منطقی به‌فارسی است . (چاپ تهران)

داوود (تن) از پیغمبران وپازدهم پشت یعقوب که آوازی خوش داشت وهنگامی که کتاب آسمانی خود یعنی «زبور» را می‌خواند، مرغ از طیران باز می‌ماند .

کوه دانش را چو داوود از نفس
منطق الطیر از خوش آوائی درست
«خاقانی»

دایرهٔ متفقه (ع) ازدوایراوزان فارسی و عربی. بحرهای متقارب سالم ومتدارك سالم ازآن‌استخراج می‌شود .

دایرهٔ مجتلبه . (ع) از دوایر اوزان عربی وفارسی . شامل سه بحر است که درفارسی مثمن ودرعربی غالباً مسدس است :

هزج سالم = مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
رمل سالم = فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
رجز سالم = مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

دایرهٔ مجتلبهٔ زایدهٔ مزاحفه (ع) ازدوایراوزان فارسی . شامل چهار مفاعیلُ (بحرهزج مثمن مکفوف) یا چهاربار مفتعلن (بحررجز مثمن مطوی) یا چهار بار فعلاتن (بحررمل مثمن مخبون)

دایرهٔ مختلفه (ع) از دوایر اوزان عرب . شامل سه بحراست:

طویل = فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن
مدید = فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
بسیط = مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن

دایرهٔ مشتبهه (ع) از دوایر اوزان عرب شامل شش بحر:
منسرح = مستفعلن مفعولات مستفعلن
خفیف = فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن
مضارع = مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن
مقتضب = مفعولاتُ مستفعلن مستفعلن
سریع = مستفعلن مستفعلن مفعولات
مجتث = مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن

دایرهٔ مشتبههٔ زایده (ع) از دوایر اوزان فارسی. این نام برطبق معیارالاشعار خواجه نصیرطوسی است وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ مختلفه» خوانده است، شامل بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلات ۲ بار)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلات ۲ بار)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن ۲ بار)

دایرهٔ مشتبههٔ مزاحفه (ع) ازدوایر اوزان فارسی. این نام را خواجه نصیرطوسی در معیارالاشعار بدایں دایره داده وشمس قیس رازی آن را «دایرهٔ منتزعه» خوانده است، شامل بحرسریع مطوی (مفتعلن مفتعلن فاعلات)؛ بحرمنسرح مطوی (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن)؛ بحرقریب مکفوف (مفاعیل مفاعیل فاعلات)؛ مضارع مکفوف (مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیل)؛ خفیف مخبون (فعلاتن مفاعلن فعلاتن)؛ مجتث مخبون (مفاعلن فعلاتن فعلاتن)

دایرهٔ مؤتلفه (ع) از دوایر اوزان عرب، شامل دو بحر است:
وافر = مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن
کامل = متفاعلن متفاعلن متفاعلن

دب اصغر (نج) از صورتهای فلکی، هفت ستاره به شکل خرس

کوچک. جملهٔ ستارگان خرس کوچک را «بنات‌النعش‌خرد» گویند

دب اکبر (نج) از صورتهای فلکی که در شمال منطقة‌البروج قرار گرفته وبه شکل خرس بزرگی است برپای ایستاده.

دبران (نج) منزل چهارم از منازل قمر و ستاره‌ای است درشت وروشن وسرخ که به تازی آن را «تابع‌النجم» گویند که در پشت «ثریا» است.

گرنورچوعقرب نشدی ناقص وبی‌چشم

بر قبضهٔ شمشیر نشاندی دبران را

«انوری»

دخیل (ق) از حروف قافیه و آن متحرکی است که میان الف تأسیس وحرف‌روی‌قرار گیردمانندصاد درکلمهٔ قاصر و ه درکلمهٔ ماهر. تکرارحرف دخیل لازم‌نیست واگرمراعات شود از محسنات شعرمحسوب می‌شود. مثال ازسعدی:

چشم بدت دور ای بدیع شمایل

ماه من و شمع جمع ومیر قبایل

مثال عدم مراعات ازحافظ:

دارای جهان نصرت دین خسرکامل

یحیی‌بن مظفر ملک عالم عادل

درة‌التاج‌لغرة‌الدباج (ک) کتابی به زبان فارسی تألیف قطب الدین‌محمودبن مسعودبن المصلح الشیرازی معروف‌به علامهٔ‌شیرازی. مؤلف آن‌را بنابه خواهش امیردباج فرمانروای گیلان وبه نام او درسال ۶۹۳ تألیف کرده است. کتاب درة‌التاج‌دارای چندبخش است درمنطق وریاضی وفلسفه ودرحکمت نظری وعملی شامل دوازده رشته از علوم.

بخش اول درة‌التاج به کوشش وتصحیح آقای محمد مشکوة در سال ۱۳۲۰ به طبع رسیده وشامل یک فاتحه و ۵ جمله ویک خاتمه‌است درمنطق وفلسفه اولی‌وعلم‌الاسفل(علم‌طبیعی)وعلم‌الاوسط(علم‌ریاضی) وعلم الاعلی (علم‌الهی) . این کتاب از گنجینه های گرانبهای زبان فارسی ومشتمل برهمهٔ فنون متداول عصر است و از هرجهت به کتاب الشفاء ابن‌سینا شبیه است .

بخش دوم به کوشش‌سید حسن مشکان طبسی چاپ شده است .

درفش کاویان (تس — د) علمی که کاوهٔ‌آهنگر از چرم پاره‌ای برسرچوبی ساخت ومردم را بر ضحاك شوراند. ازآن پس این چرم‌پاره که به گوهر های گرانبها آراسته شده بود درفش شاهی ایران شد وتا پایان کارساسانیان همچنان درفش رسمی‌ایران‌رادرفش کاویان‌می‌خواندند

درهٔ نادره (ك) تألیف‌میرزا مهدی خان‌بن محمد نصیراسترآبادی منشی‌دربار نادر است . نثرآن بسیارپیچیده وناسرغوب‌است .

دستورعشاق (ك) رجوع شود به حسن ودل

دستورالکاتب‌فی‌تعیین‌المراتب (ك) کتابی به زبان‌فارسی‌تألیف شمس نخجوانی معروف به شمس منشی پسر هندوشاه نخجوانی . این کتاب شامل‌مکتوبهای‌شاهان وامیران‌وعالمان وحکیمان همچنین‌حاوی احکام دیوانی‌وتفویض‌اعمال‌به‌امیران‌مغول ووزیران‌است‌دستورالکاتب دراوایل‌سلطنت‌سلطان شیخ اویس‌بن حسن ایلکانی تألیف شده است .

دقیقی (ت) ابومنصور محمدبن احمد دقیقی بلخی وفات ۳۶۵ تا ۳۷۰–ازبزرگترین شاعران قرن چهارم ومعاصر سامانیان . بعضی او را بلخی وبعضی طوسی گفته‌اند، ابتدادردربار چغانیان که درماوراءالنهر سکونت داشتند ، می‌زیست ، وامیرابوسعید مظفر وابونصربن علی‌چغانی

وامیرفخرالدوله از آل محتاج و ابوصالح منصوربن نوح سامانی را مدح گفته است . دقیقی به نظم شاهنامه پرداخت ، ولی نتوانست آن را به پایان رساند وبه دست غلام خود کشته شد . این قسمت از شاهنامهٔ دقیقی به «گشتاسب‌نامه» معروف است ومربوط به ظهور زرتشت وجنگ بین گشتاسب وارجاسب است وفردوسی عیناآن‌را درشاهنامهٔ خودآورده است .

ازدقیقی جزگشتاسب‌نامه‌قصاید معدود وغزلهاو ابیات پرا کنده درتذکره‌ها وکتابهای تاریخی باقی است .

دلو (نج) ازصورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی در منطقةالبروج وبه شکل دلوآب‌کشی . برج دلو برابرماه‌بهمن است .

فتاده آبکش را دلو درچاه بمانده‌آبکش خیره‌چو گمراه

«ویس ورامین»

دماوند کوه معروف درشمال‌شرقی تهران، درشاهنامه آمده‌است که فریدون ضحاك را در آن کوه حبس کرد .

دم عیسی (نن) نفس عیسی‌که مرده را زنده می کرد

هرنسیمی‌که به من بوی خراسان آرد

چون دم عیسی در کالبدم جان آرد

«سیدحسن‌غزنوی»

دمیةالقصر وعصرةاهل‌العصر (ك) کتاب مشهوری در ذکر احوال نویسندگان وشاعران عربی زبان ، تألیف علی‌بن الحسن باخرزی این کتاب درواقع ذیلی است بریتیمةالدهرثعالبی

دنبلی (ت) «عبدالرزاق‌بیک‌دنبلی . وفات ۱۲۴۳ ازطایفهٔ دنبلی ساکن خوی که درسال ۱۱۷۶ درخوی متولد شده است . دنبلی بعدها از

رفت ودرمحافل علم وادب رفت‌وآمد کرد وبسبب استعدادفطری مردی ادیب ودانشمند گردید. دنبلی تافوت کریم‌خان‌زند در شیراز ماند وپس از او به اصفهان آمد وبه خدمت فتحعلی‌شاه رسید و دردربار او تقرب حاصل کرد وتاریخ قاجاریه ومآثر خاقانی را نوشت ودر ۱۲۱۰ به‌عتبات رفت ودرسال ۱۲۴۳ وفات یافت.

از آثار دیگرعبدالرزاق بیک «مآثر سلطانی» و«حدایق الجنان» است درشرح حال‌عالمان وفاضلان معاصرخود که یکبار درآن تجدید نظر کرده ونامش را «تجربةالاحراروتسلیةالابرار» گذاشته است. ودنبلی درسبک این کتاب به شیوهٔ تاریخ وصاف و گلستان سعدی نظر داشته ومانندآنها نثرفنی به کار برده است. عبدالرزاق شعرنیز می‌سروده و«مفتون» تخلص می کرده است.

دوانی (ت) وفات ۹۰۸ - جلال‌الدین محمدبن اسعدالدوانی اهل قریهٔ دوان درحوالی کازرون فارس. وی مرد ادیب و حکیم و عارف بوده وپدرش درکازرون‌شغل قضاداشته‌است. ازآثار اوبه‌فارسی کتاب اخلاق جلالی است که آن را به‌نام امیرحسن بیک ترکمان و پسرش سلطان خلیل‌بایندر درنیمهٔ دوم قرن نهم تألیف کرده است. بیشتر آثار مولانا جلال‌الدین به زبان عربی است مانند «رسالهٔ اثبات واجب قدیم» و «رسالهٔ اثبات واجب‌جدید» و« رسالهٔ‌انموذج العلوم» و«حواشی تهذیب المنطق» و«شرح هیاکل النورسهروردی» وچند کتاب دیگر

ملاجلال دوانی شاعر نیز بوده و«فانی» تخلص می کرده است

دوایراوزان عرب : (ع) خلیل‌بن احمد واضع علم عروض اوزان اصلی شعرعربی‌را درپنج دایره قرار داده است ازاین قرار: دایرهٔ مختلفه - دایرهٔ مؤتلفه - دایرهٔ مجتلبه — دایرهٔ‌مشتبهه — دایرهٔ متفقه

(به هریک ازاین دایره‌ها رجوع شود)

دوایر اوزان فارسی (ع) دوایر اوزان فارسی پنج است از این قرار: دایرهٔ متفقه - دایرهٔ مجتلبه - دایرهٔ مجتلبهٔ زائده مزاحفه - دایرهٔ مزاحفه - دایرهٔ مشبههٔ زائده.

(به هریک از این دایره‌ها رجوع شود)

دو بیتی (ب) مانند رباعی است اما به وزن معینی اختصاص ندارد. دوبیتی‌های باباطاهر که بر وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است شهرت بسیار دارد.

نسیمی کزبن آن کاکل آیو مرا خوشتر ز بوی سنبل آیو
چو شب گیرم خیالت را در آغوش سحر از بسترم بوی گل آیو

دولتشاه سمرقندی (ت) امیر دولتشاه بن علاء الدوله سمرقندی. وفات ۹۰۰ - از بزرگان ورجال دورهٔ تیموری. پدرش از مقربان دربار شاهرخ بوده است وخود دولتشاه درهرات از درباریان ابوالغازی سلطان حسین وامیرعلیشیر نوائی ومعاصر جامی است و نام این سه نفر را در تذکرهٔ خود آورده است.

دهلوی خواجه حسن سنجری نجم‌الدین بن علی سنجری دهلوی. وفات ۷۷۷ — از شاعران فارسی زبان هندوستان واز عارفان معروف قرن هشتم. خواجه حسن دهلوی معاصر ومورد توجه امیر خسرو دهلوی بود وبه‌دلالت او به‌خدمت شیخ نظام‌الدین اولیاء رسید و در سلک مریدان او درآمد. خواجه حسن دهلوی درغزل پیرو سعدی است وخود نیز به این امر اشاره می‌کند وازینرو اورا «سعدی هندوستان» می‌نامند.

دیوان امیرحسن (چاپ هند)

دهخدا (علی‌اکبر) (ت) وفات ۱۳۳۴ شمسی - از رجال ایرانیان

از ملاکین متوسط قزوین که در تهران اقامت کرد . دهخدا درحدود سال ۱۲۹۷ قمری درتهران متولد شد . علوم معمول زمان مانند زبان عربی وعلوم دینی ومعانی وبیان وحکمت را نزد یکی از فاضلان به نام شیخ غلامحسین بروجردی آموخت وازمحضر حاج شیخ هادی نجم آبادی دانشمند معروف استفاده کرد . پس از اتمام تحصیلات درمدرسهٔ علوم سیاسی به اروپا سفر کرد وزبان فرانسه آموخت . مدتی هم در وین بسربرد . دهخدا درآغاز مشروطیت به تهران بازگشت وروزنامهٔ «صوراسرافیل» را با همکاری میرزا جهانگیر خان ومیرزا قاسم خان شیرازی نشر کرد وقسمت فکاهی آن را تحت عنوان «چرندوپرند» وبا امضاء «دخو» تعهده گرفت . مدتی نمایندهٔ مجلس شوری وچند سال رئیس مدرسه حقوق وعلوم سیاسی بود . ازآن پس تا پایان عمر به مطالعه وتحقیق وتألیف پرداخت .

ازآثار دهخدا کتاب «امثال وحکم» درچهارجلداست که حاوی امثال سادرزبان فارسی است . دیگر حواشی بردیوان ناصرخسرو ودیوان منوچهری وترجمهٔ کتاب «روح القوانین» منتسکیو و«سرعظمت وانحطاط دولت روم» وفرهنگ فرانسه به فارسی وتصحیح دیوان مسعودسعد وفرخی . بزرگترین اثر و مهمترین خدمت فرهنگی دهخدا «لغت نامه» است که تاکنون چندین جلد آن به چاپ رسیده است . دهخدا شعر نیز می گفت و پیرو سبک متقدمان بود . درجیع بند معروفی در مرثیهٔ میرزاجهانگیرخان شیرازی معروف به صوراسرافیل دارد . (دیوان دهخدا — چاپ تهران ۱۳۳٤ شمسی .)

دینوری (ت) رجوع شود به ابو حنفهٔ دینوری

دینوری (ت) رجوع شود به ابن قتیبه دینوری

دیوان شمس تبریزی (ك) دیوان غزلیات مولانا جلال الدین

رومی معروف به مولوی که به دیوان شمس مشهور است. گرچه تخلص مولوی در این کتاب «خمش» یا «خاموش» بوده و غزلیاتی به نام صلاح الدین زرکوب یا حسام الدین چلبی دارد، ولی به علت ارادتی که به شمس تبریزی داشت، اغلب غزلها را به نام وی ختم کرده است. حتی نام «شمس تبریز» یا «شمس الحق تبریز» در متن غزل ذکر شده است. از اینروست که دیوانش به نام شمس تبریزی معروف گردیده است. مولوی هرگز به شعر و شاعری تفاخر نمی کرد ولی حالات روحی و جذبه و شوری را که در وجودش پدید آمده بود، به صورت شعر بیان می کرد خاصه غزلهای مولوی سراسر حاکی از این شور و جذبه است. مولوی هرگز نخواسته است از فنون شعر و صنایع لفظی استفاده کند و یا به قافیه سازی بپردازد و هنگام سرودن شعر فقط به حال درونی خود توجه داشت نه به محسنات کلام. بهمین جهت اشعاری در دیوانش یافت می شود که حتی فاقد قافیه است ولی دارای لطایف معنوی است. (ادبیات ایران)

ذ

ذخیرهٔ خوارزمشاهی (ك) کتابی درطب تألیف سید اسمعیل جرجانی پزشک معروف قرن ششم که آن را درسال ٥٠٤ هجری به‌نام قطب‌الدین محمدبن انوشتکین خوارزمشاه به فارسی نوشته است وجزء کتب مهم طبی به شمار می‌رود .

ذخیره در دوازده جلد است وهرجلد دارای چند باب وفصل است و شامل مباحث طب وادویه وتشریح است . مؤلف در مقدمهٔ کتاب شرحی دربارهٔ خوارزم و امارت قطب‌الدین محمد دارد . در این کتاب بسیاری از ترکیبات واصطلاحات طبی به‌فارسی به کار رفته است . ذخیرهٔ خوارزمشاهی بوسیلهٔ خود مولف به عربی ترجمه شده است .

ذم شبیه به‌مدح (ب) آن است که شاعر در میان اوصاف زشت ، پس از کلمات استثناء مانند اما ولیکن صفتی را ایراد کند که آن نیز ذم است .

نانشان نه گندمین وسخنشان درست لیک

گاه عطاترش رو و در وعده کاذب‌اند

ذو بحرین (ب) آن‌است که شعر به دوبحر ازبحورعروضی خوانده شود . مانند این شعر:

ای بت سنگین‌دل سیمین قفا　　ای لب نورحمت وغمزه بلا

که باد ووزن خوانده می‌شود : ١ــ مفتعلن مفتعلن فاعلن

٢ــ فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

ذوالفقار (تن) شمشیر حضرت علی

صمصام شاه جون زهنر حاشنی دهد

زخمش برابر آید با زخم ذوالفقار

«ابوالفرج رونی»

ذوقافیتین (ب) آن است که شاعر شعری شامل دوقافیه بگوید. مانند کلمه های آسمان و کمان و تخت وسخت در این شعر:

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت

سست است عدو تا تو کمان داری سخت

حمله سبک آری و گران داری رخت

پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

ذوالقرنین (تن) اسکندر که به روایتی از پیغمبران است و سد یأجوج ومأجوج را ساخت وبا خضر به طلب آب حیوان رفت ولی بدان دست نیافت. اسکندر که صورت دیگر کلمهٔ الکساندر است به روایت تاریخ نام شاه یونان پسر فیلیپوس است که سیصد سال قبل از میلاد مسیح ایران را تا هند تسخیر کرد.

کلمهٔ ذوالقرنین در قرآن مجید آمده است ومفسران آن را با اسکندر مقدونی تطبیق کرده‌اند. مولانا ابوالکلام آزاد در این باب رساله‌ای دارد که در آن با ذکر قرائن وادله‌ای اظهار نظر می کند که ذوالقرنین مذکور در قرآن کورش هخامنشی بوده است نه اسکندر مقدونی

فرمانبر خدای و نگهبان خلق باش

این هر دوقرن اگر بگرفتی سکندری

«سعدی»

رابعهٔ قزداری (ت) رابعه بنت کعب قزداری بلخی از زنان شاعر قرن چهارم و معاصر سامانیان و رودکی . رابعه دختر کعب قزداری از امیران عرب بوده است . دربارهٔ رابعه گفته شده است که عاشق بکتاش نام غلام برادرش گشت و به همین جهت به دست برادر کشته شد . عوفی اورا در نظم فارسی و تازی زبردست دانسته است . اشعار پراکنده‌ای از او باقی است . داستان عشق رابعه با بکتاش در الهی‌نامهٔ عطار آمده است .

راحة‌الصدور و آیة‌السرور (ك) از کتابهای مهم اواخر قرن ششم واوائل قرن هفتم . تألیف نجم‌الدین ابوبکر محمد راوندی که آن را در سال ۵۹۹ به‌نام کیخسرو بن قلج ارسلان از سلجوقیان روم تألیف کرد . مؤلف در این کتاب پس از ذکر مقدمه وسبب تألیف کتاب به تاریخ سلجوقیان می‌پردازد و وقایع زمان آنها را از ابتدا تا آخر سلطنت سنجر شرح می‌دهد . همچنین سلاجقهٔ عراق ووقایع سلطنت ایشان را تا استیلای خوارزمشاهیان ذکر می‌کند . درآخر کتاب فصولی درذکر آداب شطرنج و شراب و مسابقه ، تیرانداختن وشکار وامثال آن‌دارد . همچنین درضمن کتاب از شاعران قرن ششم قصایدی ذکرمی‌کند . این کتاب شامل اطلاعات فراوان تاریخی و اجتماعی است و از سودمندترین کتابهای فارسی پیش ازمغول به شمار می‌آید .

رازی (ت) ابوبکر محمدبن زکریای‌رازی . وفات۳۱۳ـ ازحکیمان

و طبیبان عالیقدر ایرانی. رازی درسال ۲۵۰ در ری متولد شد وتحصیلات خود را در همان شهر شروع کرد و به فلسفه و ریاضیات و نجوم وادب پرداخت ، پس از آن به علم کیمیا وطب توجه کرد و پس از شهرت درطب به خدمت ابوصالح منصوربن اسحق سامانی حاکم ری رسید و از طرف اوبه ریاست بیمارستانی، که در ری تأسیس شده بود، منصوب گشت. پس از آن به بغداد رفت ، درآنجاهم ریاست بیمارستان را بعهده گرفت ولی مدت درازی نماند وبه ری بازگشت . وی دراواخر عمر به کوری مبتلا شد .

رازی آثار فراوانی درفلسفه وطب دارد ودرفلسفه مخالف عقاید ارسطوئی باشد .

ازآثار فلسفی او : «القوانین الطبیعه فی الحکمه الفلسفیه» و«العلم الالهی» و «مقالة فی مابعدالطبیعه» و «القول فی القدماء الخمسه» و«القول فی الهیولی» و «القول فی الزمان والمکان» .

آثار طبی او نیز متعدد است وابوریحان تجاوز از ۵۶ کتاب طبی به رازی نسبت داده است .

مهمترین تألیفات طبی او کتاب «الحاوی» وکتاب «المنصوری» است.

ازکتابهای دیگر او کتاب «الشکوك» است که در آن بر جالینوس ایراد کرده است. دیگر کتاب «من لایحضره الطبیب» که به «طب الفقراء» مشهوراست . زیرا که دراین کتاب دستورهای ساده برای معالجه است بی‌حاجت به طبیب .

زکریای رازی درعلم کیمیانیزازبزرگترین استادان به شمار می‌رود وآثاری دراین علم دارد ودرنتیجهٔ تجربیات فراوان موفق به کشف «الکحل» وجوهر گوگرد یا «زیت الزاج» شده است . از جمله آثار کیمیائی

که در این قسمت به‌رازی نسبت داده‌اند. کتاب «ملل المعادن» و «اثبات الصناعة» و «کتاب الاکسیر» و «کتاب الحجر» و «کتاب شرف الصناعة» وآثار دیگر است .

راوندی (ب) نجم‌الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان الراوندی . از نویسندگان قرن ششم ومعاصر سلجوقیان که نزد خال خود تاج‌الدین احمد تربیت یافت وعلوم شرعی وادبی فرا گرفت وی گویند هفتاد گونه خط آموخت وبه‌استنساخ مصاحف پرداخت ودرسال ۵۷۷ به استادی خط سلطان طغرل بن ارسلان انتخاب شد واز مقربان درگاه او گشت. راوندی پس از قتل طغرل به آسیای صغیر رفت ودرخدمت غیاث‌الدین کیخسرو بن قلج ارسلان درآمد و درسال ۵۹۹ کتاب «راحة‌الصدور» را به نام این پادشاه تألیف کرد .

راه کهکشان یا راه کاهکشان . (نج) مجره

از بس که دراین راه رز انگور کشانند

این راه رز اندون چوره کاهکشان است

«منوچهری»

رباعی (ب) عبارت است ازچهار مصراع که اول ودوم وچهارم دارای قافیهٔ واحد باشد. بروزن لاحول ولاقوة‌الابالله است. معنی رباعی اغلب در مصراع آخر کامل می‌شود .

رباعیات خیام بسیار معروف است .

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من

وین حرف معما نه‌تو خوانی ونه‌من

هست از پس پرده گفتگوی من وتو

چون پرده برافتد نه توبانی ونه‌من

ربع (زحاف) (ع) درفاعلاتن آن است که آن را صلم کنند. می‌ماند فاعل، پس آن را مخبون کنند فعل می‌ماند. و آن را مربوع خوانند.

ربنجنی (ب) ابو العباس فضل بن عباس ربنجنی از شاعران عهد سامانی که عوفی قطعه‌ای از او در مرثیهٔ نصربن احمد سامانی نقل کرده و ابوالفضل بیهقی قسمتی از قصایدش را در تاریخ خود آورده است. ابیات پراکنده ای نیز از او در فرهنگها به عنوان شاهد ذکر شده است.

ربیعی بوشنجی (ت) صدرالدین خطیب متخلص به ربیعی بوشنجی، مقتول ۷۰۲ - از شاعران معاصر فخرالدین کرت پادشاه هرات که او را در اشعار خود مدح کرده و بعد بفرمان همین شاه به زندان افتاده است وی در زندان مثنوی «کارنامه» را ساخته ومثنوی دیگری هم به نام «کرت نامه» به سبک شاهنامه دارد.

رجز (بحر) ع اصل آن درعربی شش بار «مستفعلن» است. درفارسی از این بحر وزنهای زیر بیشتر متداول است.

رجز مثمن سالم (مستفعلن ۸ بار) مثال:

ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من

تا یک زمان زاری کنم برربع واطلال ودمن

رجز مثمن مطوی (مفتعلن ۸ بار)

ای که زرنگ نابس تو کوه احد پاره شود

چه عجب ارسست دلی عاشق وبیچاره شود

رخش (ش - د) نام اسب رستم. گاهی در شعر فارسی بمعنی مطلق اسب نیزآمده است.

صدر تو به پایه تخت جمشید　　خنگ توبه‌ساده رخش رستم

«انوری»

ردالصدر الی العجز (ب) آن است که شاعر کلمهٔ واحدی را در ابتدا و انتهای شعر استعمال کند.

عصا بر گرفتن نه معجز بود　　همی اژدها کرد باید عصا

ردالعجز الی الصدر (ب) آن‌است که شاعر لفظی را که در آخر شعر می‌آورد، در اول شعر بیت بعد مکرر کند.

قوام دولت و دین روزگار فضل وهنر

ز فضل وافر تو یافت زیب و فر نظام

نظام ملک و ملکی عجب نماند اگر

به رونق است در این روزگار کلک وحسام

ردف (ق) از حروف قافیه. ردف، الف، واو، یایی است که بلافاصله قبل از حرف روی قرار گرفته باشد، در این صورت قافیه را مردف خوانند، بشرط آنکه ما قبل واو مضموم وماقبل یاء مکسور وماقبل الف مفتوح باشد، مانند شجاع، روز، سیر. مثال:

شهر غزنین نه همان است که من دیدم پار

چه فتاده است که امسال دگرگون شد کار

ردف بردو قسم است: ردف اصلی — ردف زائد.

ردف اصلی آن‌است که بی فاصله قبل از روی قرار گیرد. مانند کار

ردف زائد آن است که بین آن و حرف روی ساکنی فاصله شود مانند گماشت با گوشت. حروف ساکنی که بین واو، الف، یاء، و روی واقع می‌شود شش است: ش، ر، ف، س، خ، ن (شرف سخن) التزام

ردف واجب است .

ردیف (ف) یک یا چند کلمهٔ مستقل وجدا از قافیه است که در همهٔ بیتها عیناً تکرار شود و شعر درمعنی و وزن به آن احتیاج داشته باشد . مانند «نتوان کرد» دراین شعر :

دست درحلقهٔ آن زلف دوتانتوان کرد

تکیه برعهد تو وباد صبا نتوان کرد

رس (ف) از حرکات قافیه . حرکت ماقبل الف تأسیس یعنی فتحه . مانند حرکت قاف وجیم در کلمه‌های قاصر وجاهر

رسائل اخوان الصفا رسائلی است دربیان عقاید اخوان الصفا که درقرن‌چهارم هجری‌تدوین شده است .طایفهٔ اخوان‌الصفا برای آنکه آزادانه عقاید خود را منتشر سازند وبامخالفت متعصبان دین و فلسفه روبرو نگردند رسالات خود را بی ذکر نام مؤلف منتشر می‌ساختند . این رسائل شامل علوم ریاضی ، الهی ، طبیعی ، حکمت عملی است که در آنها اغلب عقاید فلاسفه با اصول دین تطبیق شده است . وسائل چهارقسمت است :

۱- رسائل ریاضیه تعلیمیه ۲- رسائل جسمانیه طبیعیه

۳- رسائل نفسانیه عقلیه ٤- رسائل ناموسیه الهیه

و مجموع این رسالات ٥٤ است . از این رساله‌ها خلاصه‌ای به فارسی وتازی وجود دارد .

رستم (ش — د) از پهلوانان معروف شاهنامه‌وپسرزال وروداپه ونوادهٔ سام ومهراب کابلی . رستم درزمان شاهی منوچهر به دنیا آمد ، هنر و مردی آموخت ، و داستان پهلوانی او از کشتن پیل سفید آغاز شد و پس ازآن دلاوریهای بسیار کرد و پیروزیها بدست آورد . مانند

کشودن دژ کوه سپند که سام ونریمان مدتی آن را حصار کرده و برآن دست نیافته بودند؛ آوردن کیقباد از البرز کوه وبرتخت نشاندن او، داستان هفتخوان، وفتح مازندران ورهانیدن کاووس از دست دیو سپید ، جنگ باشاهاماوران ورهانیدن کاووس از زندان ، جنگ با سهراب وکشتن او بی آنکه او را بشناسد ، جنگ با افراسیاب به خونخواهی سیاوش ، جنگ با تورانیان وکشتن اشکبوس وگرفتارکردن خاقان چین ، جنگ باا کوان دیو ، رهانیدن بیژن از چاه ، جنگ با اسفندیار وکورکردن وکشتن او .

رستم پس از آنهمه دلاوری سرانجام به‌خیانت برادرش شغاد به چاه افتاد وپس از کشتن شغاد ، جان سپرد .

رشحات‌عین‌الحیاة (ك) تألیف فخرالدین علی‌بن حسین کاشفی که آن را درسال ۹۰۹ تألیف کرده است . این کتاب در ذکر اسلاف خواجه عبیدالله معروف به خواجهٔ احرار شیخ اعظم سلسلهٔ نقشبندیه وتعالیم وکرامات شاگردان اوست ومشتمل بریک مقدمه وسه مقصد ویک خاتمه است .

رشیدالدین فضل‌الله همدانی (ت) فضل‌الله‌بن عمادالدوله ابی الخیر ملقب به رشید طبیب الهمدانی . وفات ۷۱۸-از وزیران و طبیبان ومورخان بزرگ ایران در دورهٔ مغول ،که درسال ۶۴۵ در همدان متولد شد . رشیدالدین فضل‌الله دردربار اباقاخان سمت‌طبیب خاص‌ودر دربار غازان خان منصب صدارت داشته است . درسال ۷۰۳ که‌غازان به شام لشکرکشید ، رشیدالدین با سمت منشی عربی با او همراه بود و درعهد سلطان محمد خدابنده نیز مورد اعتماد خاص شاه واقع شد وخدمتهای بسیار وآبادانیها کرد .

این وزیر دانشمند در زمان سلطنت ابوسعید به علت خصومت وزیر دیگر یعنی علیشاه متهم به مسموم کردن الجایتو شد و در سال ۷۱۸، در سن هفتاد سالگی با پسر شانزده ساله‌اش به قتل رسید و ما یملک او ضبط شد.

رشیدالدین فضل‌الله علاوه بر تنظیم امور دیوان کشور وسیع مغول به تحقیقات تاریخی پرداخت و اثر معروف خود را به نام «جامع التواریخ» به وجود آورد. از آثار دیگر او «مجموعهٔ رشیدی» است به زبان عربی شامل کتاب «توضیحات» در مسائل تصوف و کلام و «مفتاح التفاسیر» در مسائل مختلف از قبیل فصاحت قرآن و مفسرین آن و کتاب «لطائف الحقائق» در مسائل کلام و «الرسالة السلطانیه» شامل مباحثه هائی در موضوع کلام در حضور سلطان الجایتو و «بیان الحقایق».

رشیدوطواط (ت) رشیدالدین سعدالملک محمد بن محمد بن عبدالجلیل عمری کاتب. وفات ۵۷۳- از شاعران و دانشمندان معروف قرن ششم. در بلخ متولد شد و تحصیلات خود را در مدرسهٔ نظامیه آن شهر به پایان رساند و در فارسی و عربی مهارت یافت. پس از آن به خوارزم رفت و در خدمت خوارزمشاهیان درآمد و صاحب دیوان رسائل دربار اتسز خوارزمشاه گردید و تا آخر عمر در دستگاه خوارزمشاهیان باقی ماند. تخلص رشید به وطواط به مناسبت کوچکی جثه و مشابهت او به وطواط است که پرندهٔ کوچکی می‌باشد.

وطواط غیر از شاهان خوارزم عده‌ای از رجال و امیران زمان خود مانند خاقان محمود بن محمد بغراخان، و امام ضیاءالدین از ادیبان بلخ، و شاه غازی نصرةالدین رستم بن علی بن شهریار بن قارن، از شاهان آل باوند را مدح گفته است. رشید با خاقانی و ادیب صابر مشاعره و مراسله داشته و خاقانی به احترام از او یاد می کند. از آثار رشید وطواط یکی

دیوان شعر است. دیگر منشآت اوست به زبان فارسی، اعم از رسائل سلطانی واخوانی. دیگر «حدائق السحر فی دقائق الشعر» در بدیع و صنایع شعری. «نثراللئالی من کلام امیرالمؤمنین علی» که کلمات آن حضرت را به نثر فارسی آورده است. دیگر منظومه ای در عروض فارسی شامل شانزده بحر از بحور عروضی و همچنین چند رساله به عربی در مسائل ادبی و کلام.

رشید وطواط ازدانشمندان بزرگ وادیبان معروف در زبان فارسی است و درنثر عربی هم از بلغاء مشهور است.

رشیدی (ت) سیدالشعرا استاد ابومحمد بن محمد رشید سمرقندی. از شاعران معروف ماوراءالنهر درقرن ششم واهل سمرقند که در دربار سلطان خضربن ابراهیم تقرب داشت ولقب سیدالشعرائی یافت. معاصر عمعق بود و میان آنها کدورتی وجود داشت. بامسعود سعد سلمان نیز معاصر بود وبا هم مکاتبه ومشاعره داشتند. از ممدوحان او خضربن ابراهیم وقدرخان ابوالمعالی وسلطان سنجر سلجوقی بوده‌اند. منظومه‌ای به نام «مهروفا» به او نسبت داده‌اند. قصیده‌ای درصنعت توشیح دارد که شمس قیس آن را به عنوان نمونهٔ این صنعت نقل کرده است.

رشیدی (ت) عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی المعانی التتوی. از فاضلان ونویسندگان دربار شاه‌جهان وعالمگیر. اصلش از سادات مدینه وازینرو حسینی ومدنی لقب یافته است. مولدش شهر تته ازمضافات سند است. رشیدی درزبان فارسی وتازی استاد بوده ودربارهٔ لغات فارسی که درزبان عرب داخل شده است تحقیق وتتبع کرده ومجموع تحقیقات خودرا دررساله‌ای به‌نام «معربات ومنتخب اللغات» آورده وآن رابه‌نام شاه جهان تألیف کرده است. دیگر «فرهنگ رشیدی» است درلغات فارسی.

رشید یاسمی (ت) غلامرضا فرزند محمد ولی‌خان کورانی. وفات ۱۳۳۰ شمسی - رشید یاسمی تحصیلات خود را در کرمانشاه و تهران انجام داد و به زبان و ادبیات فرانسه و انگلیسی و عربی و پهلوی آشنائی یافت و از سال ۱۳۱۲ در دانشگاه تهران به سمت استادی تاریخ انتخاب شد.

رشید علاوه بر مقالات متعدد ترجمه‌ها و تحقیقات بسیار دارد. از آثار او ترجمهٔ «ایران در زمان ساسانیان» اثر آرتور کریستنسن و «چنگیز خان» از هارولد لمب و رسالهٔ اردویرافنامه و اندرز آذرباد مارسپندان است، همچنین دیوان مسعود سعد و ابن یمین و سلمان ساوجی را تصحیح و چاپ کرده است. رشید دارای اشعار فراوانی است که در آن تحولات اجتماعی و فرهنگی نمودار است. دیوان رشید - (چاپ تهران)

رضاقلیخان هدایت (ب) رجوع شود به هدایت

رضوان (پ) دربان بهشت.

برده رضوان به بهشت از پی پیوندگری

از پی هر وصله که اندازه بستان ببرای

«انوری»

رضی نیشابوری (ب) رضی‌الدین نیشابوری. وفات ۵۹۸ از دانشمندان و شاعران مشهور که جلال‌الدین قلج طمغاج خان ابراهیم بن حسین و پسرش قلج ارسلان از سلاطین آل افراسیاب را مدح کرده است.

رضی‌الدین شعر عربی هم می‌گفته است و غیر از دیوان اشعار کتابی به نام «مکارم الاخلاق» به زبان فارسی به او منسوب است.

رفع (زحاف) (ع) در مستفعلن حذف سین است که تفعلن بماند فاعلن بجای آن فاعلن می گذارند و آن را مرفوع خوانند. در مفعولات حذف میم است که فعولات بماند مفعولات بجای آن مفعولن می گذارند و آن را مرفوع خوانند.

رفیع لنبانی (ت) رفیع‌الدین مسعود لنبانی اصفهانی— ازشاعران مشهور اواخرقرن ششم . مولد وی لنبان ازقراء اصفهان بوده ودرجوانی فوت کرده است . از ممدوحان او رکن‌الدین مسعودبن صاعد قاضی از افرادآل صاعد وعمیدالدین اسعدبن نصر وزیراتابک سعد زنگی می‌باشند دیوان اوبه قول هدایت دارای ده هزار بیت بوده ولی همهٔ آن دردست نیست .

رفیع مروزی (ت) عوفی درلباب‌الالباب رفیع مروزی‌را ازجملهٔ شاعران سلجوقی آورده وابیاتی ازاو نقل کرده است وگویا ازشاعران نیمهٔ دوم قرن ششم باشد .

رمل (بحر) ع از بحورشعر فارسی و عربی . اصل آن در عربی شش بار «فاعلاتن» است در زبان فارسی از این بحر وزنهای زیر رواج بسیار دارد:

رمل مثمن سالم (فاعلاتن ۸ بار)مثال :

سهمگین آبی که‌مرغابی دراوایمن نبودی

کمترین موج آسیا سنگ‌ازکنارش درربودی

رمل مثمن‌سالم محذوف(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

هرشب از بحر خیالت مردم‌چشمم به اشک

حجره را آبی زده پس بر سر راه آمده

رمل مثمن مخبون (فعلاتن۸ بار) مثال :

پیش ما رسم‌شکستن نبود عهد وفا را

الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را

رمل مثمن مخبون محذوف یامقصور (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن یا — فعلات) مثال :

خبرت هست که بی‌روی تو آرامم نیست

طاقت بار فراق این همه ایامم نیست

رمل مسدس سالم محذوف الاخر (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) مثال:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

وز جدائیها شکایت می‌کند

رمل مسدس مخبون محذوف الاخر (فعلاتن فعلاتن فعلن یا فعلان)

بتوان رستن ازعذاب خدا نتوان از زبان مردم رست

روحانی (ت) ابوبکربن محمدبن علی روحانی سمرقندی از شاعران قرن ششم که تذکره نویسان اورا سمرقندی می‌دانند، روحانی یمین الدوله بهرامشاه را مدح کرده است. ابیاتی از روحانی درتغزل باقی است.

روح الجنان(ك) یاروض الجنان کتاب معتبری به‌زبان فارسی در تفسیر قرآن، تألیف ابوالفتوح رازی که آن‌را دراوایل قرن‌ششم تألیف کرده است. این تفسیر در بیست جلداست که مؤلف درآن اطلاعاتی از آیات محکمات ومتشابهات واینکه مکی است یا مدنی و همچنین نظرهای قراء را درباره آن آیات به‌دست می‌دهد، سپس به‌نقل وتفسیرآیات می‌پردازد کتاب بانثر بسیارساده و روان نوشته شده و از تفسیرهای بی نظیرزبان فارسی است.

روح القدس (دن) مقصود روحی است که درمریم دمیده شد و موجب پیدایش عیسی گشت.

فیض روح القدس ارباز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد

روحی (ت) حکیم روحی و لوالجی از شاعران قرن ششم و از

ولوالج ماوراءالنهر. وی دراشعارخود ازمسعودسعد وفرخی وقطران نام برده وخود را با آنها سنجیده است . اشعارش هزل‌آمیز است وحتی در اشعارعادی نیز جنبهٔسوخی وبذله‌گوئی‌را ازدست نداده است . دروصف اسب تندرو خود قصیدهٔ مطبوعی دارد که دردست است .

رودابه (ش --د)اززنان داستانی‌شاهنامه ودختر مهراب کابلی که بنا برروایت شاهنامه از نژاد ضحاك بود و به سام باج می‌داد . رودابه عاشق زال پسرسام شدوزال‌نیزسفتهٔ او گشت. پنهانی‌دیدارهائی میان آنها دست داد .زال‌ازپدر خواست تا با پیوند آن دوموافقت کند. نخست منوچهرشاه ایران ازپیوند زال بارودابه که از نژاد ضحاك بود، هراسناك شد ، ولی پس از شور با اخترشناسان ، چون دانست که این پیوند سرانجام نیک دارد و پهلوانی چون رستم از آن به وجود می‌آید موافقت کرد . رودابه بازال پیمان زناسوئی بست وبه سیستان رفت .

رودکی‌سمرقندی (ب) ابوعبدالله جعفربن محمد وفات ۳۲۹— شاعر بزرك قرن چهارم ومعاصرسامانیان که درقریهٔ رودك نزدیك‌سمرقند متولدشده است . عده‌ای گویند که کورمادرزاد بوده است‌ولی‌دراشعارش اشاراتی یافت می‌شود که دال بربینائی اوست . عوفی می‌گوید که رودکی در هشت سالکی قرآن را از حفظ داشت وصدای خوش داشت وبربط خوب می‌نواخت . رودکی در دربار امیر نصر سامانی تقرب یافت وثروت ومکنت فراوان اندوخت . از ممدوحان رودکی‌امیرنصربن احمدبن اسماعیل سامانی و ابوجعفر احمدبن خلف‌بن اللیث از امیران صفاری وماکان کاکی وابوالفضل بلعمی وزیر دانشمند سامانی است.

رودکی نخستین شاعر بزرك‌ایران است که استاد شاعران نامیده شده‌است وشاعران پس ازاو بسیاری از اشعار او را تضمین کرده ومقام

اورا درشاعری ستوده‌اند . رودکی در فنون مختلف شعر استاد ماهر بود واشعار اورا درحدود صد هزار بیت تخمین زده‌اند که بجز معدودی همه از میان رفته است . در دیوان موجود رودکی نیز قطعه هائی از اشعار قطران به اشتباه وارد شده است . از آثار مهم رودکی « کلیله ودمنهٔ منظوم است که جزابیات پراکنده‌ای ازآن دردست نیست .

روزبه نکتی (ت) ابو عبدالله روز به نکتی لاهوری از شاعران نیمهٔ اول قرن پنجم معاصرسلطان مسعود غزنوی وازجملهٔ مداحان اوست . اشعاری درلباب الالباب از او آمده است .

روشنائی نامه (ك) رسالهٔ منظومی اثرحکیم ناصرخسروقبادیانی دروعظ وحکمت شامل پانصدونودودو بیت . این منظومه درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی به چاپ رسیده است .

روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات (ك) کتابی به زبان عربی تألیف محمدباقربن حاجی میرزین العابدین الموسوی الخوانساری این کتاب شامل شرح حال ۷٤۲ تن ازعارفان وفاضلان وشاعران قدیم وجز اینها خصوصاً فقیهان شیعه می‌باشد . تاریخ تألیف آن سال ۱۲۸٦ هجری است . شرح احوال برحسب حروف تهجی است ولی اسامی به نام معروف بزرگان نیست وپیدا کردن ذکر اشخاص مورد نظربه آسانی میسر نمی‌شود .

(چاپ طهران)

روضة الانوار (ك) مثنوی درتصوف وعرفان اثرخواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم ، که آن را درسال ۷٤۳ به نام شمس الدین محمود صائن وزیر شیخ ابو اسحاق اینجو ساخته است .

روضهٔ رضوان (تن) کنایه از بهشت .

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند

غلمان زروضه حور زجنت بدر کشیم

«حافظ»

روضة‌الشهدا (ك) کتابی تألیف ملاحسین واعظ کاشفی، ملمع به نثر و نظم که اهل ذکر آن را بر منبر ها می‌خواندند وگویا نخستین کتابی است که در ذکر مصایب اهل بیت نوشته شده است و خوانندگان آن‌را برمنبر «روضه خوان» می‌نامند.

روضة‌الصفا (ك) کتاب معروف وعظیمی درتاریخ عمومی عالم تألیف مورخ معروف قرن نهم میرخواند که آن را به نام امیرعلیشیر نوائی، وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا، تألیف کرده است.

این کتاب در هفت جلد است که شش جلد اول را میرخواند تألیف کرد وبه علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن‌را به پایان رساند وجلد هفتم محتملاً بوسیلهٔ خواندمیرصاحب کتاب حبیب‌السیر پایان یافته است.

شش جلد اول مشتمل است بر تاریخ انبیا وبزرگان و شاهان ایران قبل از بعثت حضرت‌محمد، تاریخ پیغمبر ص وخلفای‌راشدین، تاریخ ائمه وخلفای اموی‌وعباسی، تاریخ شاهان ایران بعد ازاسلام تا هجوم تاتار، احوال شاهان وامیران‌مغول، تاریخ تیمور وجانشینان او تا سال ۸۷۳ ه.

جلد هفتم که محتمل است به قلم خواندمیر باشد شامل سلطنت وزندگی سلطان حسین میرزا بایقرا و شرح اقالیم سبعه است. بعدها رضاقلی خان هدایت درزمان قاجاریه جلد هشتم ونهم ودهم را تألیف کرده وبه سایر جلدها افزوده است وآن را «روضة‌الصفای ناصری» نام

نهاده است . این سه جلد درتاریخ صفویه وعالمان و رجال آن دوره ، تاریخ زندیه ، شاهی آغامحمدخان قاجار ، سلطنت فتحعلیشاه ، جلوس محمدمیرزای ولیعهد درتبریز ، سلطنت محمد شاه قاجار ، ده سال اول سلطنت ناصرالدین شاه تا سال ۱۲۷٤ هجری است .

میرخواند در روضة‌الصفا از تواریخ عربی اسلامی مانند طبری و الکامل ابن اثیر استفاده کرده است . نثر روضة الصفا مانند آثار سایر نویسندگان دورهٔ مغول وتیمور از نوع نثرمسجع ومترسلانه است ودارای صنایع لفظی فراوان می‌باشد . (چاپ تهران)

روضة‌العقول (ك) ترجمه‌ای است از مرزبان‌نامه که به‌وسیلهٔ محمدبن غازی الملطیوی وبه دستور سلیمانشاه بن قلج ارسلان درسال ۵۹۸ صورت گرفته وازلهجهٔ طبری به‌فارسی درآمده است . مترجم دراین کتاب از سبک کلیله و دمنهٔ نصرالله منشی پیروی کرده است . انشاء کتاب مصنوع ودارای شواهد وامثال بسیار به‌زبان عربی وفارسی است .

روضة‌المنجمین (ك) تألیف شهمردان بن ابی‌الخیر که آن را درسال ٤٦٦ نگاشته است . مؤلف در مقدمه می گوید که در نگارش سخنهای متداول به کار برده است تا دانستن آن برهمه آسان باشد .

روم (س ـ د) سرزمینی که به‌موجب روایت شاهنامه‌جزء کشور فریدون بود وچون کشور خود را میان پسران تقسیم کرد ، روم به سلم رسید :

نخستین به سلم اندرون بنگرید
همه روم و خاور مراو را گزید

شاهنامه

رومیان در ادبیات فارسی به سفیدی چهره موصوف و مثل اند

ودرشعر برآمدن روشنی روزرابه هجوم وغلبهٔ لشکرروم تمثیل می کنند.

خورسید روم برور وماه حبس نگار
سایه نشین ساحت طوبی نشان اوست

«خاقانی»

روی (ق) آخرین حرف اصلی کلمهٔ قافیه، مانند تاء در کلمه های دست وهست. اگرحرف آخر ازاصل کلمه نباشد ولی به کثرت استعمال مانند حرف اصلی شده باشد می توان آن را روی ساخت. مانند داناوبینا، واگر مشهورالترکیب باشند مانند الف شاها وخداوند انمی توان آن را روی ساخت.

روی بردوقسم است: روی مطلق — روی مقید (به این کلمات رجوع شود)

روی مطلق (ق) هرگاه روی ساکن به حرف وصل بپیوندد و متحرك شود آن را روی مطلق گویند. روی مطلق دوازده نوع است. مطلق مجرد، مطلق به قید، مطلق به ردف، مطلق به خروج، مطلق به خروج ومزید، مطلق به خروج ومزید ونایره، مطلق به قید وخروج، مطلق به قید وخروج ومزید، مطلق به قید وخروج ومزید ونایره، مطلق به ردف و خروج، مطلق به ردف وخروج ومزید، مطلق به ردف وخروج ومزید ونایره

۱- مطلق مجرد وآن بردونوع است، مطلق به حرف اطلاق، مطلق به حرف وصل. مطلق به حرف اطلاق: مانند کلمهٔ سرمدوفرقد دراین شعرکه به الف اطلاق وصل شده است والف اطلاق در شعر فارسی عیب محسوب می سود. مثال:

ای شب چنین درازنبودی وسرمدا		از نوبدیدنیست نه شعری نه فرقدا

مطلق به حرف وصل. مانند کلمهٔ دشمن دراین مصراع که به یاء وصل سده است.

دوستا گر دوستی گردشمنی

دراین قافیه دوحرف ودوحرکت لازم است .

۲- مطلق به قید . مثال :

آخردر زهد و توبه در بستم وز بند قبول این و آن رستم

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

۳- مطلق به ردف وآن بردونوع است .

مطلق به ردف اصلی ، مطلق به ردف زائد

مطلق به ردف اصلی .

نه گفتی گزین بس کنم دوستداری

دراین قافیه سه حرف ودوحرکت لازم است .

مطلق به ردف زائد .

ای همای همتت سربرفلک افراخته

دراین قافیه چهار حرف ودوحرکت لازم است

٤ - مطلق به خروج .

صنما تا به کف سوزهٔ عشق تو دردم

دراین قافیه سه حرف ویک حرکت لازم است

٥- مطلق به خروج ومزید .

زانچه ازحق در دلستش هرچه خواهد ماحصلستش

دراین قافیه چهار حرف و دوحرکت لازم است

٦- مطلق به خروج ومزید ونائره .

تا کی به خون دیده ودل پرورمشان

تا کی ز ره روند و به ره آورمشان

دراین قافیه شش حرف و دوحرکت لازم است .

۷ـ مطلق به قید وخروج .

ناظن نبری که دل زمهرت رستست

یا از طلب تو فارغ و آهستست

دراین قافیه چهار حرف ویک حرکت لازم است

۸ـ مطلق به قید وخروج ومزید:

چهرهٔ دل بند لاله رنگستنش	غمزهٔ دلدوزچون خدنگستنش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است .

۹ - مطلق به قید وخروج ومزید ونایره.

سودای تو ازسینه فرو رفتنیست

وانکه سخن تو نیز نا گفتنیست

دراین قافیه شش حرف وچهار حرکت لازم است .

۱۰ -- مطلق به ردف وخروج وآن بردونوع است :

مطلق به ردف اصلی .

درجهان گرهیچ یاری داری

دراین قافیه چهار حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

دل داغ تو دارد ارنه بفروختمی

در دیده توئی وگرنه بردوختمی

دراین قافیه پنج حرف وچهارحرکت لازم است .

۱۱ـ مطلق به ردف وخروج و مزید و آن دونوع است. مطلق به ردف اصلی :

چون سرخ گل شکفته رخانستش

برسرخ گل زمشک نشانستش

دراین قافیه پنج حرف وسه حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

رخ چو ماه آراستش دسته زلف از نرخوانستش

دراین قافیه شش حرف وسه حرکت لازم است

۱۲ - مطلق به ردف وخروج ومزید ونائره وآن دو نوع است .

مطلق به ردف اصلی :

دل طلب حق با رستمی هر کسی او کارستمی

دراین قافیه هشت حرف وچهار حرکت لازم است

مطلق به ردف زائد :

دردل زخم تازه برداختمستمی

باز او به عهد وجود در انداختمستمی

دراین قافیه نه حرف وسه حرکت لازم است

روی مقید (ق) روی مقید آن است که بعد روی وصل نمی آید

وآن بر شش قسم است . مقید مجرد ، مقید به قید ، مقید به تأسیس ،

مقید به دخیل ، مقید به ردف اصلی ، مقید به ردف زائد .

۱ - مقید مجرد که روی ساکن بی هیچ یکی از حروف قافیه نبوده باشد

کلمه های کهن وسخن دراین شعر

سخن همچو جان زان نگردد کهن

که فرزند جان است پیران سخن

دراین قافیه یک حرف ویک حرکت لازم است

۲ - مقید به تأسیس :

سلام علی دار ام الکواعب بتان سیه چشم عنبر ذوائب

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است . باء حرف روی عین دخیل ، الف تأسیس

۳— مقید به دخیل :

چشم بدت دورای بدیع شمایل

ماه من وشمع جمع وسر قبایل

لام روی است با۲ دخیل ، الف حرف تأسیس .

دراین قافیه دو حرف ودوحرکت لازم است .

٤ـ مقید به ردف اصلی

ای به هستی داده گیتی را کمال

دراین شعر لام روی است، الف ردف اصلی وحرکت ماقبل الف، حذو

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

٤— مقید به ردف زائد .

هر که آمد عمارت نو ساخت رفت ومنزل به دیگری پرداخت

دراینجا تا۶ روی ، خ ردف زائد الف ردف اصلی وحرکت ماقبل الف حذو

دراین قافیه سه حرف ویک حرکت لازم است .

٦ـ مقید به قید .

چنین است رسم سرای سپنج

یکی زوتن آسان و دیگر به رنج

جیم حرف روی . نون قید حرکت پ وراء حذو .

دراین قافیه دوحرف ویک حرکت لازم است .

رویین تن (ش — د) لقب اسفندیار پسر گشتاسب . رجوع شود به اسفندیار

... جمشید کیان که دبن جز اورا
روبین تن هفتخوان ندیده است
"خاقانی"

روبین‌دژ (س - د) نام قلعه‌ای در ترکستان که در داستانهای شاهنامه پادشاه ارجاسب بود و خواهران گشتاسب درآن زندانی بودند. اسفندیار ازراه هفتخوان به آنجا رفت وآن را گشود وارجاسب را کشت وخواهران خود را آزاد کرد.

با مکر اسفندیارم کان عروسان را همه
از دژ روبین به سعی هفتخوان آورده‌ام
"خاقانی"

ریاض‌العارفین (اد) تذکره‌ای تألیف رضاقلیخان هدایت که آن را درسال ۱۲۶۰ به پایان رسانده است. این کتاب شامل شش گلبن ودو روضه وتکمله فردوس وپیک خلد است، دربیان حقیقت تصوف وصفت سالکان و تفصیل اهل ذکر و معرفت انسان و سلسله طریقت و ذکر اصطلاحهای عرفانی و شرح حال عارفان و فاضلان و حکیمان و شاعران معاصر مؤلف. درخاتمه مختصری از شرح حال مؤلف ذکر شده است.

ریاض‌همدانی (ت) میرزا جعفر همدانی متخلص به ریاض از شاعران ونثرنویسان عهد فتحعلیشاه ومحمدشاه. ریاض همدانی مثالی به سبک بدیع‌الزمان همدانی نوشته و کتابی بدنام «گنج شایگان» دارد که درآن ازگلستان سعدی وپریشان قاآنی تقلید کرده است. ریاض به دوزبان فارسی وعربی شعر می گفته ودرنجوم وهندسه وحساب نیز دست داشته است. (تعلیقات ریاض، حاجب شیرازی)

ز

زابل (ش ـ ت) یا زاول نام ولایت سیستان ، در شرق ایران ، که به روایت شاهنامه سرزمین دودمان رستم بوده است .

زادالمسافرین (ك) از مهمترین تألیفات ناصرخسرو قبادیانی شاعرونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم که آن را درسال ۴۵۳ تألیف کرده است . این کتاب دربیست وهفت قول نوشته شده ونویسنده درآن اصول عقاید حکیمانه وفلسفی را مانندافسام علم ونفس وهیولی ومکان وزمان واثبات صانع و حدوث عالم ورد مذهب تناسخ و اثبات ثواب و عقاب و معاد شرح داده است ودرضمن عقاید مخالفان خاصه عقاید محمدبن زکریای رازی را که مغضوب متکلمان اسمعلیه است رد کرده . زادالمسافرین از مهمترین کتابهای اسمعیلیه است .

(زادالمسافرین چاپ برلن)

زال (ش ـ د) پسرسام وپدر رستم که چون هنگام زادن مویش سپید بود، به دستور پدر بربالای کوه البرز گذاشته شد . برطبق روایات شاهنامه سیمرغ اورا نزدجوجه های خود برد وبزرگ کرد . سام پس ازسالها براثر خوابی که دید ، به جستجوی پسر رفت . سیمرغ زال را به او سپرد وپری ازخودبه زال داد که هنگام حاجت آنراآتش زندو ازسیمرغ

داری بخواهد ، زال که از سیمرغ دستان لقب گرفته بود ، نزد بزرگان به دانش آموختن پرداخت و پهلوانی دانشور و نیرومند شد . از حادثه های زندگی او عشقش به رودابه دختر مهراب کابلی است که سرانجام او را به زنی گرفت و رستم از او به وجود آمد .

زبدة التواریخ (ك) تألیف شهاب الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید ملقب به حافظ ابرو ، که آن را درسال ۸۲۶ به امر بایسنغر میرزا و به نام او تألیف کرده است . این کتاب تاریخ مفصل عمومی عالم است در چهار جلد ، حاوی دیباچه و تاریخ عمومی عالم از خلقت آدم تا زمان چنگیز و حوادث سالهای میان ۷۳۶ یعنی سال مرگ ابوسعید و ۸۳۰ زمان شاهرخ . چنانکه مؤلف گوید جلد آخر تاریخ آخر کتاب را «زبدة التواریخ بایسنغری» نام نهاده است . و تاریخ عمومی او مجموعا به نام « مجمع التواریخ السلطانیه» نامیده شده است .

اسلوب انشاء کتاب ساده و بی تکلف است

زحاف (ع) هر تغییری که به اصول افاعیل عروضی وارد آید ، زحاف خوانده می شود و اوزان فرعی را که بوسیلهٔ این زحافات از یک بحر به وجود می آید ، مزاحفات آن بحر خوانند . زحاف عبارت است از حذف حرفی یا حروفی یا اسکان متحرکی یا افزودن حرف یا حروفی به آخر فعل

از اصناف اشعار فارسی سی و پنج است که بیست و دو از آن جمله از اصناف اشعار عرب است که در اشعار پارسی مستعمل است و باقی مخصوص شعر فارسی است . نام های از احیف از این قرار است : قبض ، قصر ، حذف ، خبن ، کف ، شکل ، خرم ، خرب ، بتر ، قطع ، تشعیث ، طی ، وقص ، کسف ، صلم ، معاقبت ، صدر ، عجز ، طرفان ، مراقبت ، اسباغ ، اذاله ، جدع ، هتم ، جحف ، تخنیق ، سلخ ، طمس ،

جب ، زلل ، نحر ، رفع ، ربع ، بتر ، حذذ

زحل (نج) یا کیوان که درفلک هفتم قرار گرفته وسه حلقهٔ نورانی دورآن را گرفته است . قدما آن را نحس می‌دانستند .

هرنماز دگری برافق ازفوس وقرخ
درکهی بنی افراسته تا اوج زحل
بگیرطرهٔ مه چهره‌ای وقصه مخوان
که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل‌است

زرکوب (ت) ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی ازادیبان ونویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. کتابی درتاریخ وجغرافیای وطن خود تألیف کرده است به نام «شیرازنامه»

زکریای‌رازی (ت) رجوع شود به رازی

زکریای‌قزوینی (ت) عماد الدین زکریای محمد قزوینی وفات ۶۸۲- از بزرگان‌و عالمان ایران که به علوم جغرافیائی آشنائی کامل داشته است . از تألیفات‌او«عجایب المخلوقات وغرایب الموجودات» است . دیگر « آثار البلاد » به زبان عربی که درآن شرح حال عده‌ای ازشاعران معروف ایران ذکر شده و ازقدیمترین منابع اطلاعات است دربارهٔ شاعران وبلادی که درآنجا متولد شده یا توطن داشته‌اند .

زلالی (ت) مولانا حکیم زلالی خوانساری وفات ۱۰۲۴ — از شاعران قرن یازدهم ومعاصر شاه‌عباس کبیر که دردربار او سمت ملک الشعرائی‌داشته است. زلالی میرداماد را مدح کرده است وهفت منظومه به نام «سبعهٔ سیاره» دارد شامل مثنویهای محمود ایاز ، شعلهٔ دیدار، آذر وسمندر ، میخانه ، سلیمان‌نامه ، ذره و خورشید ، حسن گلوسوز

زلل(زحاف)(ع) درمفاعیلن مجموع خرم وخرم است که‌باقی‌می‌ماند

فاع ؛ وآن را ازل خوانند ·

زلیخا (تن) زن عزیز مصر که عاشق یوسف گشت وچون یوسف تسلیم وی نشد ، براو خشم گرفت وشوهررا واداشت که اورا به زندان افکند . سرانجام یوسف از زندان نجات یافت وعزیز مصر گشت وزلیخا که فقیر وکور وعلیل شده بود ، ابریشمه به درگاه خداوی نالید ودرسر راه یوسف می‌نشست و چون دامن او را ببگرفت . براثر معجزهٔ یوسف جوان وبینا گشت وبه همسری او درآمد .

من ازآن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم
که عشق از پردهٔ عصمت برون آرد زلیخا را

(حافظ)

زمخشری (ث) ابوالقاسم محمودبن عمربن محمدالخوارزمی وفات ۵۳۸ از عالمان بزرگ در علم نحو وحدیث وتفسیر وبه زمخشرخوارزم منسوب و به جارالله معروف می‌باشد . وی خود را ابوالقاسم معتزلی می‌نامیده است . زمخشری دارای تألیفات بسیار درلغت وعلوم بلاغی است . از آثار او «الکشاف عن الاسرارالتنزیل» است در تفسیر قرآن ، کتاب «مقدمة الادب» که آن را برای اتسز خوارزمشاه نوشت و از نظراشتمال برلغات کهنهٔ فارسی پرارزش است . دیگرازآثار او « اساس البلاغه »در تحقیق لغت عرب و کتاب « المفصل » ، در نحو و کتاب «انموذج» است که تلخیص کتاب «المفصل» می‌باشد . کتاب «المفصل» درسال ۵۱۴ تألیف یافته و جزو کتابهای معروف علم نحو بوده وعلمای نحو برآن شروح بسیار نوشته‌اند .

زمزم (تن) چاهی نزدیک خانهٔ کعبه

بسان چاه زمزم است چشم من

که کعبهٔ وحوش شد سرای او

«منوچهری»

زند (لـ) بمعنی توضیح وتفسیر است. چون زبان کتاب دینی زرتشتیان یعنی اوستا دردورهٔ ساسانیان کهنه ومنسوخ شده بود وعامه معنی آن‌را نمی‌فهمیدند، متن اوستا را به زبان متداول زمان خود یعنی پهلوی‌ساسانی ترجمه کردند. این ترجمه‌ها را که گاهی توضیح وتفصیلی نیز در بردارد، زند می‌خوانند، زندقسمتی از فصول کتاب اوستاا کنون دردست است مانند زند وهومن یسن وغیره

زنگی اهل ولایت زنگ یا رنگبار که به سیاهی چهره معروفند

زلفش بسان زنگیان در هم شده از هر کران

برعارضش یاری کنان افغان وخبران دیده‌ام

«خاقانی»

زوزنی (ت) ابوعبدالله حسین بن احمدالزوزنی. وفات۴۸۶— از عالمان علم لغت و ادب که در نحو و عربیت استاد زمان‌خودبود. از آثار معروف او شرح «معلقات سبع» و کتاب «اللغةالفارسیه» و کتاب «المصادر» است.

زهره (نج) یا ناهید (اناهیته) نسبت‌به زمین بعد از عطاردقرار گرفته‌است ودرخشانترین سیارات‌می‌باشد. قدماء آن‌را سعد می‌دانستند وبه خنیاگری نسبتش می‌دادند.

بگیر طرهٔ مه چهره‌ای وقصه مخوان

که‌سعدونحس زتأثیرزهره‌وزحل است

«حافظ»

ور زهره جز به بزم تو خنیاگری کند

جاوید دف دریده و بربط شکسته باد

انوری

زیاد الاعجم (ت) از قدیمترین شاعران ایرانی که اصلش از اصفهان است ولی در خراسان اقامت داشته است. وی به زبان عربی شعر می‌سروده. اورا اعجم می‌گفتند، زیرا که کلمات عربی را به لهجهٔ ایرانی ادا می‌کرده است.

زین‌الاخبار (ک) تاریخی بزرگ تألیف ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود گردیزی که آن‌را درسال ۴۴۴ هجری ودرزمان سلطنت عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین تألیف کرده است. زین‌الاخبار تاریخ عمومی است شامل وقایع از ابتدای خلقت تا پایان دورهٔ مودود بن مسعود غزنوی. اخبار تاریخ گردیزی به طریق ایجاز واختصار است نویسنده جدولهائی ترتیب می‌دهد ودرشرح حال یک سلسله یا یک خلافت به ذکر همان جدول اکتفا می‌کند مثلاً دربارهٔ خلافت خلفای اسلام یازده ستون درجدول ترتیب داده که شامل این مطالب است: اسمها، کنیه‌ها، نامها، مادران، وزیران، قاضیان، دبیران، حاجبان، مهر انگشتری، ابتدای خلافت، مدت خلافت. گردیزی به داستانها و رسوم و افسانه های ملل باستانی بسیار توجه کرده و در بارهٔ آنها اطلاعات سودمندی بدست می‌دهد. سبک نوشتهٔ تاریخ گردیزی بسیار ساده و روان است. تکلف و پیچیدگی در آن نیست وبه سبک ترسل ایرانیان نزدیک است. (چاپ تهران)

زینبی علوی محمودی (ت) عبدالجبار زینبی ملقب به محمودی. از شاعران دورهٔ غزنوی معاصر سلطان محمود و سلطان مسعود. بعضی نام اورا زینتی گفته‌اند. بنا بگفتهٔ ابوالفضل بیهقی زینبی در شمار شاعران

بزرگ دربار غزنوی ومورد لطف سلطان مسعود بوده است .

ابیات معدودی از این شاعر درکتابهای لغت وادب مانند حدائق السحرولباب الالباب ومجمع الفصحاء آمده است .

سالک یا مرید کسی است که به قصد طی طریق وارد خانقاه می‌شود و به اطاعت پیر در می‌آید و در همهٔ کار از او پیروی می‌کند. سالک باید واجد صفات خاصی باشد مانند رازداری و فرمانبرداری

به می سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید

که سالک بیخبر نبود زراه و رسم منزلها

حافظ

سام (پ- د) نیای رستم و پسر نریمان که به روایت گرشاسپ نامه برادرزادهٔ گرشاسب و به روایتی نبیرهٔ او بود. هنگام شاهی نوذر مردم که از ستم او به جان آمده بودند از سام خواستند که بر تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت.

سامری (تن) مردی از پیروان موسی که در غیبت او گوساله زرینی ساخت و خاک زمینی که اسب جبرئیل در آن پای نهاده بود بر او افشاند. گوساله به صدا آمد و حرکت کرد و سامری بدان وسیله بنی اسرائیل را گمراه کرد. چون موسی بازگشت مردم را از گمراهی بیرون آورد و گوسالهٔ سامری را کشت.

سحر با معجزه پهلو نزند دل خوش دار

سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

حافظ

سام میرزا (ت) وفات ۹۸۳ سام میرزا پسر شاه اسمعیل اول صفوی

مؤلف تحفهٔسامی است که به امر شاه اسمعیل ثانی کشته شد .

سبا (بن) شهری که بلقیس برآن حکومت می کرد وسلیمان به قصد جنگ آهنگ آن کرد وبا ملکهٔ سبا روبرو شد واورا به زنی گرفت

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت
بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت
«حافظ»

سبب (ع) یکی ازارکان اوزان عروض وبردوقسم است: سبب خفیف ، سبب ثقیل

سبب خفیف --ازیک متحرک ویک ساکن ترکیب شده وعلامت آن به‌صورت یک‌صفر ویک‌الف است. مانند نمودم که به‌این‌شکل نشان داده‌می‌شود: ٥ا

سبب ثقیل - ازدوحرف متحرک ویک ساکن ترکیب‌شده، مانند همه ، رمه .وعلامت‌آن‌دوصفر است: ٥٥

سبحةالابرار (ك) منظومه‌ای از هفت اورنگ که عبدالرحمن جامی آن را در سال ۸۸۷ به نام سلطان حسین بایقرا ساخته است . این منظومه شامل مضامین عرفانی واخلاقی است و دارای چهل عقد است که هرعقد باشرح یکی ازفضایل نفسانی آمیخته به حکایتهای نغز شروع می‌شود وبه مناجات حق‌تعالی ختم می گردد .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

سبزواری (ت) حاج ملاهادی فرزند حاج‌محمد سبزواری . وفات ۱۲۹۰ —از حکیمان‌بزرگ‌ایران . درسال ۱۲۱۲ هجری درسبزوار متولد شدوتحصیلات خود را درآنجا وسپس درمشهدتکمیل کرد . پس ازآن‌به مکه‌سفرکردودربازگشت به‌اصفهان رفت وحکمت وفقه واصول وکلام را نزد ملاعلی‌نوری آموخت و به جرگهٔ دانشمندان درجهٔ اول دورهٔ

قاجار درآمد. از تألیفات او منظومه‌ای است به عربی در منطق و حکمت با شرح آن در دو قسمت. اول «لآلی المنتظمه» و قسمت دوم «غررالفرائد» نام دارد و هردو باهم به نام «شرح منظومه» مشهور است. به فارسی نیز کتابی در حکمت الهی نوشته است موسوم به «اسرارالحکم». شرح مثنوی سبزواری به فارسی هم معروف است و اشعار او منتخبی از دیوانش است.

(دیوان اسرار، چاپ تهران)

سپهر (ب) میرزا محمدتقی خان کاشانی ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر از مستوفیان دربار محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار و از دانشمندان قرن سیزدهم. وی از طرف محمدشاه مأمور نوشتن تاریخ عمومی گشت و ناسخ التواریخ را با جلد تازه هم به فارسی تصنیف نمود و به این جهت از طرف محمدشاه به لقب لسان الملک ملقب گردید. ازآثار دیگرش «براهین العجم» است درعلم قافیه.

سپهر (ت) عباسقلیخان سپهر پسر میرزا تقی خان ملقب به لسان الملک است که مؤلف «ناسخ التواریخ» می‌باشد. عباسقلی خان نیز مانند پدر در دربار ناصرالدین شاه می‌زیست و [illegible] این شاه از مقربان او بود. چندین جلد در شرح حال ائمه و سلاطین ناصرالدین شاه بر ناسخ التواریخ افزوده است. عباسقلیخان کتاب «[illegible]» را نیز از عربی به فارسی ترجمه کرده است.

سجزی (ت) ابوسعید احمد بن محمد بن عبدالجلیل السجزی. وفات ۴۱۴ منجم و ریاضی دان قرن چهارم و معاصر عضدالدوله دیلمی. در نجوم و ریاضی آثاری دارد. از جمله رساله‌ای است به عنوان «[illegible] الشکل المجسم الحادث من ادارة القطع الزائد والمکافی» و «[illegible] القوانین الهندسیة المحدودة» و «الجامع الشاهی» که آن را به نام عضدالدوله [illegible]

دیلمی نوشته است. دیگر کتاب «المدخل» در نجوم به نام ابوجعفر احمد بن محمد صفاری و «تحصیل الفوائد» راجع به استنباطات قضایای نجومی، و «زایجات الکواکب» و «منتخب من کتاب الالوف» که از کتاب الالوف ابومعشر بلخی انتخاب شده است.

سجع (ب) درلغت به معنی آواز کبوتر و دراصطلاح آن است که نویسنده یا شاعر کلماتی به کاربرد که در وزن وحروف خواتیم متشابه باشد. سجع برسه قسم است: متوازی، متوازن، مطرف. سجع در نثر حکم قافیه را در شعر دارد.

سجع متوازی آن است که در آخر دو جمله، دو کلمه بیاید که در وزن وحروف روی یکی باشد مانند: انیس، جلیس.

سجع متوازن آن است که دو کلمه در آخر دو جمله بیاید که در وزن یکی باشد و در حرف روی متفاوت باشد مانند. یکشب تأمل ایام گذشته می کردم و برعمر تلف کرده تأسف می خوردم.

سجع مطرف آن است که درآخر دو جمله کلماتی بیاید که فقط در حروف روی یکی باشد نه در وزن مانند کلمات: باد واستعداد

سحاب (ب) میرزا سید محمد اصفهانی. وفات ۱۲۲۲ - پسر سید احمد هاتف. از قصیده سرایان دورهٔ قاجاریه و معاصر و مداح فتحعلیشاه قاجار. سحاب درقصیده از شاعران قرن ششم و در غزل از شاعران قرن هفتم مانند سعدی شیرازی پیروی کرده است. از آثار او «رشحات سحاب» به نام فتحعلیشاه قاجار است. دیوان سحاب دارای پنجهزار بیت میباشد.

(دیوان سحاب - چاپ تهران)

سحابی (نج) پنج کوکب است از نوع نهکسان چون پارهٔ ابر

سداسکندر (دن) سدی که اسکندر دربرابر یأجوج ومأجوج بست

یأجوج ظلم بینم جزرای روشن آه

از بهر سد انصاف اسکندری ندارم

[illegible]

سدره (تن) درختی درجانب راست عرش

صدای بلند نغمهٔ سازش سدره نشین

[illegible]

[illegible]

سدرة المنتهی (نز) درخت ... سدره

دامنهای طلب نتوان ... که از سدرة المنتهی برترم

[illegible]

سده از جشنهای ایرانیان در روز دهم ماه بهمن ... آن را سده می گویند که پنجاه روز و پنجاه شب به نوروز مانده است.

پارسیان دراین روز آتش افروزی ... این جشن ... پس از اسلام معمول بوده است ... در بعضی از ... ایران خاصه نزد زردشتیان معمول است :

بر لشکر زمستان نوروز نامدار

کرده است رای تاختن وقصد کارزار

وانک بیامده است به پنجاه روز پیش

جشن سده طلایهٔ نوروز نامدار

[illegible]

سد یأجوج (نن) اشاره به سدی است که اسکندر دربرابر یأجوج ومأجوج ساخته است .

دو گفتی سد یأجوج است لشکر هم ایشان با رخون یأجوج بی‌سر

« از ویس و رامین »

سدیر (تن - د) قصری که نعمان بن منذر پادشاه حیره برای بهرام گور ساخت و دارای سه گنبد تاسه دیر بود.

سراندیب (تن) یا جزیرهٔ سیلان درجنوب شبه جزیرهٔ هندوستان که درطبق روایات مذهبی آدم پس از رانده شدن از بهشت به‌آنجا افتاد

سرطان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقةالبروج و به شکل خرچنگ. برج سرطان برابر ماه تیر است.

تن چو برجیس رخوت آمده‌ام سرطان مستقری خواهم داشت

«خاقانی»

سروری (ت) محمد قاسم بن حاج محمد کاشانی از فرهنگ نویسان قرن یازدهم. درسال ۱۰۳۲ هجری به هندوستان رفت و به دربار شاه جهان راه یافت. درهندوستان فرهنگ جهانگیری را مطالعه کرده و با استفاده از آن و کتابهای دیگر فرهنگ خود را به نام «مجمع الفرس» تألیف کرده است.

سروش (تن) از فرشتگان آئین زردشت و در شعر فارسی به‌معنی ندا دهندهٔ غیبی.

سروش اصفهانی (ب) میرزا محمدعلی. وفات ۱۲۸۵ - از شاعران قصیده سرای قرن سیزدهم. مولدش اصفهان است ولی به نقاط مختلف ایران سفر کرده‌است. چندی در تبریز اقامت گزیده و نزد قهرمان میرزا نایب السلطنه تقرب حاصل کرده‌است. چون ناصرالدین میرزای ولیعهد به شاهی رسید، سروش با او به تهران آمد و به‌مناسبت آنکه در اعیاد و مجالس دربار اشعار تهنیت‌آمیز می‌خواند، ناصرالدین شاه لقب شمس

الشعرائی به او داد . سروش درقصیده ازسبک فرخی ومنوچهری وامیر معزی پیروی کرده است. ازآثار او غیر ازدیوان قصیده وغزل مثنویاتی مانند «ساقی‌نامه» و«الهی‌نامه» و«زبدةالمدایح» و حماسه‌ای‌دینی به نام «اردیبهشت‌نامه» در احوال پیغامبراست. دراشعار سروش اشاره‌هائی به وقایع زمان ناصرالدین‌شاه ازجمله برقرار شدن تلگراف دیده‌می‌شود.

سریع (بحر) (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی. اصل آن «مستفعلن مستفعلن. مفعولات» است. در فارسی از این بحروزن زیر متداول است بحرسریع مسدس مطوی محذوف (مفتعلن مفتعلن فاعلان)

ای همه هستی زتو پیدا شده خاك ضعیف از تو توانا شده

سطرلاب (نج) رجوع شود به اسطرلاب «نظامی»

چشمهٔ خورشید لطف بلکه سطرلاب روح

گوهر گنج حیات بلکه کلید کرم

«خاقانی»

سعادتنامه (لث) منظومهٔ کوتاهی منسوب به‌ناصرخسرو قبادیانی حکیم وشاعرقرن پنجم، شامل‌سیصد بیت‌دریسی باب در نکوهش دنیا ودرنسبت این منظومه به ناصرخسرو تردید است و گویا مردی بدنام شریف آن را سروده است.

(سعادتنامه. ضمیمهٔ دیوان ناصرخسرو. تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی- چاپ تهران).

سعدالاخبیه (نج) منزل بیست وپنجم از منازل قمرکه شامل چهار ستاره است که سه‌تای آن مانند مثلث است وچهارم درمیان آن

گردی برآبی بیخته زرازترنج انگیخته

خوشه زتاك آویخته مانند سعدالاخبیه

«منوچهری»

سعد اصغر یا سعد خرد (نج) ستارهٔ زهره

شعرمن فالی است نامش سعد اکبر گیر از آنک
راوی من در نبات از سعد اصغر ساختند
«خاقانی»

سعد اکبر (نج) ستارهٔ مشتری

برآسمان مکرمت از روشنان علم
چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم
«انوری»

سعدالدین تفتازانی (ت) رجوع شود به تفتازانی

سعد ذابح (نج) منزل بیست و دوم از منازل قمر که دو ستاره است که بین آنها به اندازهٔ یک گز فاصله است و بر ساخ جدی (در غلاف) قرار دارند.

نه سعد کفایت تو ذابح نه صبح عنایت تو کاذب
«جمال الدین اصفهانی»

سعدالسعود (نج) منزل بیست و چهارم از منازل قمر که سه ستارهٔ کوچک است که در دم جدی قرار گرفته است.

بر سپهر لاجوردی صورت سعدالسعود
چون یکی جاه عقیقین در یکی نیلی ذقن
(منوچهری)

سعد وراوینی (ت) رجوع شود به وراوینی

سعدی (ت) مشرف الدین مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی. وفات ۶۹۱ تا ۶۹۴ــ از بزرگان و نوابغ شعر و ادب ایران. در حدود سال ۶۰۶ در شیراز متولد شده و تحصیلات خود را در همان شهر آغاز کرده سپس به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه به کسب فضائل کرده است.

سعدی یکی بعلت شوق جهانگردی و دیگر بسبب کشمکشهای بین خوارزمشاهیان و اتابکان فارس و هجوم مغول به سفری طولانی پرداخت که درحدود سی تا چهل سال طول کشید و بغداد و سوریه و مکه را تا شمال افریقا گشت و درآثار خود از سفر به کاشغر هند و ترکستان نیز سخن می گوید . سعدی پس از این سفرطولانی به شیراز بازگشت وچون آنجا راآرام ومردم رادررفاه دیده اند وبه تألیف وتصنیف پرداخت واتابک ابوبکربن سعدبن زنگی (۶۳۲--۶۶۸) وپسرش سعدبن ابوبکر را که تخلص خود را ازاو گرفته است مدح کرد . از ممدوحان دیگر سعدی غیر ازاتابکان ، بزرگان ودانشمندانی بوده اند مانند صاحبدیوان شمس الدین وبرادرش عطا ملک جوینی . سعدی باشاعرانی مانند مجد همگر وخواجه همام تبریزی ارتباط داشته و مورد ستایش آنان قرار گرفته است .

سعدی را هم جزء شاعران درجه اول ایران می توان محسوب کرد وهم از نویسندگان بزرگ واستاد نثر مسجع دانست. سعدی درانواع شعر مانند قصیده ، غزل ، قطعه ، رباعی ، ترجیع بند و ... دست داشت . اما می توان گفت از زمان سعدی است که غزل درردیف اول شعرفارسی قرار گرفته است وبخصوص سخن سعدی درغزل به منتهای لطافت وزیبائی رسیده است که دارای روانی و سهل وممتنع می باشد .

آثار سعدی عبارت است از دیوان غزلیات شامل طیبات ، بدایع ، خواتیم ، غزلیات قدیمه ، دیگر بوستان ، گلستان ، قصاید وقطعات ، رباعیات و ترجیعات است . مجموع آثار سعدی را کلیات سعدی گویند . چون آثار سعدی نتیجه تجربیات ومطالعات ومشاهدات اوست در سفرهای طولانی ، از اینرو بسیار سودمند وپرمعنی و درنهایت درجه اعلای فصاحت که شامل

نکات اخلاقی وپند وموعظه است وهم دارای مضامین عاشقانه ولطف وزیبائی است .

کلیات سعدی چندین بار درتهران و هندوستان به‌چاپ رسیده‌است

سعید طائی (ت) ازشاعران آل‌سلجوق که درنیمهٔ دوم قرن‌ششم می‌زیسته است . از احوال او اطلاعی دردست نیست واز او تنها یک قصیده باقی مانده است، دریأس وتأثر از ناپایداری دنیا وزوال دولتها که از قصاید خوب فارسی شمرده می‌شود . مطلع قصیده این است

غم مخور ای دوست کاین جهان بنماند
هر چه تو می‌بینی آنجهان بنماند

سفرنامه (ک) ازآثار منثور حکیم ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم وظاهراً نخستین کتاب منثور نویسنده است . این کتاب شامل شرح حوادث هفت‌سالهٔ سفرناصرخسرواست به‌آسیای‌صغیر، شام ، حجاز، مصر ، قاهره ، تاباز گشت اوبه بلخ . ناصرخسرو درطول این سفربارجال وعالمان زمان ملاقاتها کرد ودرقاهره به‌خدمت‌المستنصر بالله رسید وبه‌مذهب‌اسمعیلی گروید،سفرنامه‌دارای اطلاعات‌جغرافیائی و تاریخی دربارهٔ شهرها و کشورهائی است که ناصرخسرو ازآنها دیدن کرده است . سبک انشاء سفرنامه روان وساده است .

(سفرنامه- چاپ تهران)

سقراط (ت) فیلسوف‌وحکیم یونانی که اورابه گناه حقیقت‌پرستی ومخالفت با آداب متداول زمانه به‌قتل محکوم کردند واوبا دست‌خود جام شوکران را گرفت ونوشید وآنقدرشاگردان خود را موعظه کرد تا از پای درآمد .

سگ‌اصحاب‌کهف (تن) سگ شبانی که به‌دنبال اصحاب کهف

افتاد وهرچه خواستند اورا برانند ، برنگشت تا آنکه به زبان آمد وخدا پرستی خود را برایشان نمایاند. یاران از اودست بازداشتند واورا باخود به غار بردند .

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

«سعدی»

سلامان و ابسال (ك) داستان منظومی از هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را ظاهراً به سال ۸۸۵ به نام سلطان یعقوب بن حسن آق قویونلو ساخته است . اشخاص این داستان عبارت اند از پادشاه یونان و مرد حکیم که معلم اوست و پسر او موسوم به سلامان و دایهٔ خوبروی او به نام ابسال » . ابسال عاشق طفل شیرخوار خود یعنی سلامان می شود وهنگامی که سلامان به سن رشد می رسد دایه او را به جادوئی فریفتهٔ خود می سازد . حکیم که از این موضوع اطلاع می یابد به وسیلهٔ قوهٔ مغناطیس سلامان را مجبور می کند که در قرارگاه خود با ابسال تودهٔ عظیمی از هیزم فراهم سازد و عاشق و معشوق خود را به آتش افکنند. در نتیجه ابسال بکلی سوخته و خاکستر می شود و سلامان تندرست بیرون می آید و بدرش تاج و تخت خود را به او می بخشد. (حاشیه تهران)

سلخ (زحاف) (ع) سلخ درفاع لاتن آن است که دو سبب خفیف لا تن را بیندازند ، و عین را ساکن کنند ؛ می ماند فاع ؛ و آن را مسلوخ گویند .

سلسبیل (ن) چشمه‌ای در بهشت :

ای رخت چون خلد ولعلت سلسبیل

سلسبیلت کرده جان و دل سبیل

«حافظ»

سلسلة الذهب (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ مولانا عبدالرحمن

جامی که آن را به نام سلطان حسین بایقرا و به سبک حدیقهٔ سنائی ساخته است .

این کتاب مشتمل بر سه دفتر است : دفتر اول شامل شرح احادیث و مقالات صوفیه وائمه وبسیاری از مسائل عرفانی . دفتر دوم مشتمل بر تحقیق در اقسام مختلف ووجوه گونا گون عشق مجازی وحقیقی وحکایتهائی برسبیل تمثیل . دفتر سوم مشتمل درحکایات شاهان وآئین ملک‌داری ونصیحت به سلاطین واشاره به فضائل ستوده و همچنین داستانهائی منسوب به اطباء مانند ابن‌سیناو گفتاری در بیان شعر وذکر نام عده‌ای از شاعران .

سلطان حسین بایقرا (ت) سلطان ابوالغازی حسین بن منصور بایقرا . وفات ۹۱۱ — ازشاهزادگان گورکانی که ابتدا تحت حمایت میرزا الغ بیک بود وچون وی و پسرش عبداللطیف به قتل رسیدند ، ابوسعید اورا به حبس افکند . سلطان حسین از حبس گریخته به ابوالقاسم بابر پیوست وبا او فرار کرد ودرسال ۸۶۲ استراباد را تسخیر کرد ودرآنجا به شاهی نشست . بعدازمرگ ابوسعیدسلطان حسین هرات را گرفت ودر سال ۸۷۲ به تخت نشست . سلطان حسین بایقرا از شاهان دانشمند وعلم دوست بود ودورهٔ شاهی اوازجنبهٔ ادبی‌بسیار مهم است ، زیرا که دربار او درهرات مرکز علم وادب گشت وشاعران ونویسندگان به آنجا روآوردند و مورد تشویق‌او ووزیر دانش پرور او امیر علیشیر نوائی قرار گرفتند . سلطان حسین شخصاً علاقهٔ وافری‌به علم وادب داشت‌و کتاب «مجالس العشاق» به او منسوب است .

سام (ش — د) پسربزرگتر فریدون . چون‌فریدون کشورخود راتقسیم کرد، روم‌وخاور رابه‌سلم‌داد . سلم‌با برادر خودتورهمدست‌شدو ایرج برادر

کوچک خود را که فرمانروای ایران شده بود ، گفت .

نخستین به سلم اندرون بنگرید   همه روم وخاور مراورا سزید

(از شاهنامهٔ فردوسی)

سلمان ساوجی (ت) جمال الدین سلمان بن علاء الدین محمد ، وفات ۷۷۸ — از بزرگترین شاعران قرن هشتم . دراوائل عمر در خدمت خواجه غیاث الدین محمد وزیر سلطان ابوسعید بهادر (۷۱۶ – ۷۳۶) بود . بعد ازمرگ آن وزیر به دربار جلایریان یا سلطان ایلکانی که در مغرب ایران وعراق عرب حکومت داشتند ، روآورد وشیخ حسن بزرگ مؤسس آن سلسله وزوجهٔ او دلشاد خاتون وسلطان اویس وسلطان حسین را مدح گفت .

سلمان شاعری است قصیده‌سرا ومی‌توان او را بزرگترین شاعر قصیده سرای ایران بعد ازمغول وپیش از عصر صفویه دانست . وی از سبک متقدمان خاصه انوری تقلید کرده وبه ظهیر فاریابی نیز نظر داشته است . در نعت خدا و رسول وائمه قصایدی دارد که بسی از آنها مصنوع ساخته است . سلمان درتغزل نیز استادی داشته ومورد توجه حافظ بوده است . درغزلهای سلمان مضمونهای تازه وتشبیهات نیز فراوان است . گذشته از قصائد و غزلیات ترجیع بند وترکیب بند ومقطعات ومثنوی نیز دارد .

از آثار او جز دیوان شعر ، مثنوی عشقی بنام جمشید وخورشید است که آن را درسال ۷۶۳ به نام سلطان اویس سروده وفراقنامه که به سال ۷۷۰ به نام همان سلطان ساخته است .

سلیمان (ن) پسر داود که معتقدات دینی عموم مردم بر آن است که هم پادشاهی وانگشتری داشت که نام اعظم پروردگار بر آن بود ، همه جانداران از آدم وپری ودیو ووحش وطیر وباد مطیع او بودند . باد مسخر او بود و

شاهی او می گذشت به گوش او می رساند وتخت اورا به هرجا که می خواست می برد .

چون سلیمان خبر قدرت بلقیس را درسبا شنید ، آهنگ جنگ با او کرد . بلقیس که دانست او پیغمبر است، خواست که به درگاهش بشتابد ولی سلیمان فرمود تا باد تخت بلقیس را بردارد وبه درگاه او حاضر کند. بلقیس به سلیمان ایمان آورد وبه همسری او درآمد .

بینش صاحبنظران ملک سلیمان باد است

ملکه آن است سلیمان که زملک آزاد است

«خواجوی کرمانی»

سنائی (ت) محمودبن علی سنائی مروزی از شاعران عهد سلجوقی واهل مرو. ازاحوال او چیزی دردست نیست. عوفی چند غزل از او نقل کرده واورا به هنرشعر ستوده است .

سماك اعزل (نج) منزل چهاردهم از منازل قمر. ستاره‌ای بزرگ وروشن درجنوب سماك رامح که نزدیک آن هیچ ستاره نیست واز این رو به آن اعزل گویند واعزل یعنی مرد بی‌سلاح. این ستاره درصورت «سنبله» است

گاه باضربت رمحی زسماك رامح

گاه بانکبت عزلی زسماك اعزل

«انوری»

سماك رامح (نج) ستاره‌ای است بزرگ در برابر بنات النعش ، و نزدیک آن دوستاره است که آنها را «رمح» یا نیزهٔ سماك گویند

وزشهاب ناوك انداز وسماك نیزه‌دار

لشکر شروانشه صاحبقران انگیخته

«خاقانی»

سمک عیار (ک) از قدیمترین نمونه‌های داستان پردازی در ادبیات فارسی. این کتاب بسیار مفصل و دارای سه مجلد است. مؤلف آن فرامرز بن خداداد بن عبدالله الکاتب الارجانی است که در کتاب راوی قصه را به نام «صدقة بن ابی القاسم شیرازی» معرفی کرده است. زمان تألیف اصل قصه و جمع و تدوین روایت معلوم نیست ولی اشعاری از شاعران قرون پنجم و ششم در آن نقل شده است و همچنین از نامهای [illegible] که در متن کتاب آمده است می‌توان حدس زد که تاریخ تدوین متن از اواخر دورهٔ سلجوقی [illegible] نیست.

انشاء کتاب به زبان ساده است و برای سخنوری [illegible] نوشته شده. داستان سمک بسیار مشغول شده است و پیداست که در نقلها [illegible] و نشاط مردم بوده است.

جزء اول کتاب با تصحیح و مقدمهٔ دکتر پرویز خانلری از روی عکس نسخهٔ کتابخانهٔ [illegible] در تهران چاپ شده است.

سنائی (ب) - حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم [illegible] از شاعران بزرگ قرن ششم. ابتدا به دربار [illegible] راه یافت و مسعود بن ابراهیم و بهرامشاه بن مسعود را مدح کرد ولی از [illegible] صوفیه از دربار شاهان چشم پوشید و [illegible] کرد و به ساحت اغلب [illegible] بار یافت [illegible] به حلقهٔ ایشان درآمد. بعد از سفری [illegible] زیست و در حدود سال [illegible] به [illegible] درگذشت. از آثار او دیوان [illegible] دیگر «حدیقة الحقیقه» «سیر العباد الی المعاد» «طریق التحقیق» [illegible]

بلخ» و سنویهائی به نام عشقنامه ، عقل نامه .

از ممدوحان سنائی ثقة الملک طاهربن علی وزیرسلطان مسعود بن ابراهیم وخواجه قوام الدین ابوالقاسم وزیر سنجر وعده‌ای ازرجال دیگر دربار غزنویان درخورذ کرند .

اشعار دورهٔ اول شاعری سنائی تحت‌تأثیر سبک فرخی ومسعود سعداست ودردورهٔ دوم که‌سنائی‌درعالم عرفان وارد شد مضامین‌مستقل واشعار عارفانه دارد . سنائی‌را می‌توان نخستین غزلسرای عارف‌ایران دانست که افکارواصطلاحات عرفانی رابامضامین‌عاشقانه آمیخته‌است .
(دیوان سنائی- چاپ تهران)

سناد (ق) ازعیوب قافیه اختلاف ردف است . مثال :

کنی‌ناخوش به مابرزندگانی   اگر از مادمی دوری گزینی

سنبله (نج) از صورتهای دوازده‌گانهٔ فلکی درمنطقةالبروج وبه شکل خوشهٔ گندم . برج سنبله برابرماه شهریور است .

دست من جوز او کلکم‌حوت ومعنی‌سنبله
سنبله زاید ز حوت از جنبش جوزای من
«خاقانی»

سندبادنامه (ك) از قصص قدیمهٔ هند که به زبان پهلوی نقل شده ومسعودی وابن‌الندیم آن‌را ازاسمار واحادیث هندوان دانسته‌اند . این کتاب ازجملهٔ کتابهای پهلوی بوده که به‌عربی ترجمه شده‌است .

ترجمهٔ فارسی‌این کتاب به امرامیر نوح‌بن منصورسامانی(۳۶۶—۳۸۷) به دست خواجه عمید ابوالفوارس‌فناروزی انجام شده است و دوتهذیب ازسندبادنامه به‌پارسی صورت گرفته‌است . یکی‌ازشمس‌الدین محمدبن علی‌بن محمدالدقایقی‌المروزی شاعر اواخر قرن ششم ودیگری

از ظهیری سمرقندی .

انشاء خواجه عمید ابوالفوارس انشائی ساده بوده است ولی ظهیری آن را به نثری مزین با شواهد و اشعار پارسی و تازی آراسته است و سندبادنامهٔ او از نمونه های نثر مصنوع قرن ششم به شمار می آید ([illegible]) .

سنی ملوك الارض والانبیاء (تاریخ . . .) (ك) تاریخ معروفی تألیف ابوعبدالله حمزة بن الحسن الاصفهانی که در سال ۳۵۰ به زبان عربی تألیف یافته و مشتمل بر ده باب و یک مقدمه است . مؤلف در مقدمه از تقسیم زمین به هفت کشور و حدود هر یک از آنها سخن می گوید . ابواب تاریخ هر یک مخصوص یکی از اقوام قدیم یعنی فارس ، روم ، یونان ، قبط ، اسرائیلیان ، آل لخم ملوک عراق ، عرب غسان ، حمیر ، کنده ، قریش می باشد . تاریخ هر یک از اقوام با روایتهای مختلف در فصلهای جداگانه شرح داده شده است . مؤلف در تاریخ وارد جزئیات وقایع نمی شود ولی در [illegible] و سنوات تاریخ بسیار دقت می کند . [illegible] و [illegible] و مطالب مختصر است .

این کتاب از جهت اشتمال بر اطلاعات [illegible] درباره ایران اهمیت بسیار دارد و مورد استفادهٔ مورخان بعد از حمزه قرار گرفته است .

سؤال و جواب (ب) آن است که شاعر [illegible] و پاسخ بیاورد .

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سر آید

گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید

حافظ

سودابه (نی - د) از زنان داستانی شاهنامه دختر شاه هاماوران که کاووس عاشق او گشت و با او به زندان افتاد . رستم کاووس را

رهائی داد واو با سودابه به ایران آمد، اما سودابه بعدها عاشق سیاوش پسر کاووس شد وچون نجابت وخود داری سیاوش را دید، پیشدستی کرد واورا نزد کاووس متهم ساخت .

سوزنی (ت) شمس الدین تاج الشعرا محمدبن علی سوزنی . وفات ۵۶۲ ه از شاعران معروف قرن ششم . مولدش سمرقند است وتحصیلات خود را دربخارا انجام داده و شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . سوزنی ازشاعران هجا پرداز می باشد که درهجو معانی خاص ومضمونهای تازه بکار برده وبا بعضی از شاعران زمان خود مانند عمعق ورشیدی و ادیب صابر و رشیدی سمرقندی مهاجات داشته است . سوزنی قصاید فصیح وروان دارد و می گویند در پایان عمر از هزل و هجا دست برداشته واستغفار کرده است .		(دیوان سوزنی ـ چاپ تهران)

سومنات (ت) بتکده‌ای معروف درهند که سلطان محمود غزنوی آن را فتح کرد وبتهایش را شکست .

سها (نج) ستارهٔ کوچکی دردب اصغر ، این ستاره به کم نوری مثل است و گاهی نیز چشمی کسان را بدان می‌آزمایند :

سها در جلوه گاه خود نمائی است
به مهرش دعوی صاحب ضیائی است
«میرزا نصیر»

سهراب (ش ـ د) از پهلوانان شاهنامه وپسر رستم . داستان پهلوانیهای او درجنگ باپدر معروف است . پدر وپسرناشناس برابرهم درآمدند . هیچیک دیگری را نشناخت ، پدر پیر باپسرجوان زورآزمائیها کرد . یک بار رستم پشتش بر زمین آمد ، اما با نیرنگ از چنگ سهراب رهانید . و باردوم رستم پسر را برزمین زد وباخنجر جگرگاه اورا شکافت

و چون بازوبندش را دید و اورا شناخت، پس نزد کاووس به جستجوی نوشدارو فرستاد. کاووس از دادن نوشدارو خودداری کرد و سهراب جان سپرد. مثل «نوشدارو پس از مرگ سهراب» اشاره بدین قصه از سرگذشت اوست.

سهروردی (ت) شیخ شهاب‌الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرک السهروردی. مقتول ۵۸۷ - معروف به شیخ اشراق از بزرگترین فیلسوفان ایران است. در شهر سهرورد متولد شد و نزد شیخ مجدالدین الجیلی استاد فخررازی حکمت وفقه آموخت و در فنون فلسفه استاد شد. چون در بعضی موارد نظر سهروردی با عقاید علما اختلاف داشت و اصطلاحات دینی زردشت را بکار می‌برد، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب صلاح‌الدین ایوبی، فرمانروای مصر وشام را به قتل او وادار سازند.

شهاب‌الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق درآثارش به کمال رسیده است. مجموع ۴۹ کتاب و رساله که به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که معروفتر از همه کتاب «حکمة‌الاشراق»، رساله فی اعتقاد الحکماء» و «قصة الغربة الغربیة» است (این سه کتاب به تصحیح هانری کربن مستشرق فرانسوی با مقدمه به زبان فرانسه در سال ۱۳۳۱ چاپ شده است) دیگر کتاب تلویحات، کتاب المشارع والمطارحات، رساله عقل سرخ (چاپ انجمن دوستداران کتاب) رسالة العشق به نام مونس العشاق، باشرح فارسی وهمچنین لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا، رساله فی حالة الطفولیة (به تصحیح کربن با ترجمه آن چاپ شده است) رسالهٔ آواز پرجبرئیل است.

سهل بن هارون دشت میشانی (ت) از نویسندگان ایرانی قرن سوم

واز شعو بی‌مذهبان متعصب. تصانیف متعدددارد ازجمله کتاب دیوان الرسائل و کتاب تدبیرالملک والسیاسة و چند داستان ادبی .

سهیل (نج) ازستارگان قدر اول

ازاوج حق بقین توتابنده چون سهیل

بر دیو شرک تیرتو بارنده چون شهاب

«ابوالفرج رونی»

سیاست نامه (ک) ازمهمترین آثارادبی زبان‌فارسی دردورهٔ‌سلجوقی تألیف ابوعلی حسن بن علی‌بن اسحق طوسی‌ملقب به‌نظام‌الملک که‌آن‌را به دستورملکشاه سلجوقی تألیف کرده است .

موضوع کتاب سیاستنامه تدبیر ملکداری است ، دربارهٔ عدل و سیرت نیکو واستقصاءازحال‌وزیران ودبیران وقضاة وبرگزیدن‌جاسوسان ومشورت بادانایان‌وروش‌لشکرداری‌وخراج‌گزاری‌وغیره . مؤلف درابتدای هرفصل مطالبی مبنی برنصیحت واندرز و راهنمائی شاهان می‌آورد و حکایتهائی به عنوان شاهد ذکر می‌کند که اغلب جنبهٔ تاریخی دارد واگرچه منظور نویسنده جمع‌آوری اطلاعات تاریخی نیست، لیکن‌آنچه دربارهٔ تشکیلات سیاسی و کشوری ایران قبل از مغول ذکرمی کند ، بسیار سودمند است . نظام‌الملک چون مرد سیاسی ودرباری بوده واز رموز مملکتداری مطلع بوده است ، بهتر از دیگران توانسته نکته‌های لازم را تذکر دهد وچنانکه خود او می‌گوید درکتابش هم پنداست وهم مثل وهم‌تفسیر قرآن وهم اخبار رسول وقصص انبیاء و هم سیرت وحکایات شاهان .

نثرسیاستنامه بسیارروان وساده‌است وعبارتهایش ازلغات‌نامأنوس خالی می‌باشد .

سیاقة‌الاعداد (ب) آن است که گوینده اسمهای متعدد را در پی یکدیگر در شعر قرار دهد.

اسب و گهر و تیغ بدو کرد قسمت
تخت و سپه و تاج بدو داد مقدار

*

سال و فال و مال و حال و اصل و نسل و تخت و بخت
بادت اندر شهریاری برقرار و بردوام

سیاوش (ش-ن) از پهلوانان شاهنامه، پسر کاووس. سیاوش نزد رستم بزرگ شد و هنر آموخت و چون به درگاه پدر باز گشت سودابه زن کاووس عاشق او شد. سیاوش به علت نجابت طبع از این عشق سرباز زد. از این رو سودابه به او تهمت زد و شوهر را بر او بدبین ساخت. سیاوش پس از رنجهائی که از این عشق ناپاک کشید [illegible] جنگ با تورانیان رفت اما با افراسیاب صلح کرد. کاووس پس از شنیدن این خبر با او خشمگین شد و پسر را سرزنش کرد. سیاوش از بیم پدر در سرزمین توران ماند و نزد افراسیاب تقرب یافت و فرنگیس دختر او را به زنی گرفت. گرسیوز برادر افراسیاب که بر سیاوش حسد می‌برد افراسیاب را بر او بدبین ساخت تا سرانجام به فرمان افراسیاب سر او را بریدند.

سید حسن غزنوی (ن) رجوع شود به حسن غزنوی

سیرة جلال‌الدین منکبرنی یا تاریخ جلالی (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف محمد بن احمد بن علی بن المنشی النسوی منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه که آن‌را در سال ۶۳۹ تألیف کرده است. موضوع کتاب تاریخ کاملی از اوضاع ایران در زمان آخرین سلطان خوارزمشاهی جلال‌الدین منکبرنی و هجوم تاتار است. مؤلف پس از [illegible]

حوادث مغول از کشور چین و حدود ونغور آن وقبیلهٔ چنگیز واقامتگاه مغول سخن می گوید و به ذکر حال سلطان محمد خوارزمشاه واتابکان وسعد بن زنگی و کسانی که بادربار خوارزمشاه ارتباط داشته‌اند می پردازد ودراین قسمت به اختصار می کوشد ولی سلطنت سلطان جلال الدین را بطور مشروح بیان می کند ودرضمن از مأموریتهای خود و مصاحبتهای خود باسلطان و جدائی از او سخن می گوید و احوال سلطان را در هنگام حملهٔ تاتار و سختی کار او پس از هزیمت شرح می دهد . مؤلف سوء تدبیر ایران وتأثیرش رادرایجاداین وقایع یادآوری می کند . نثر کتاب به صنایع لفظی آراسته است ومؤلف در میان کلام اغلب از آیات قرآن شواهدی ذکر می کند ونکته های حکیمانه‌ای تذکر می دهد .

کتاب سیرهٔ جلال الدین تاریخ ذیقیمتی است که مؤلف همهٔ وقایعی را که خود به چشم دیده وحتی درآنها دخالت داشته ، نقل می کند . این کتاب بوسیله محمد علی ناصح به فارسی ترجمه شده است .

(چاپ تهران ۱۳۲٤)

سیر العباد الی المعاد (ك) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی غزنوی شاعر بزرگ قرن ششم که آن را در سرخس به نام سیف الدین محمد بن منصور قاضی سرخسی ساخته است . شاعر دراین منظومه از خلقت انسان وعقل ونفس ومباحث اخلاقی سخن گفته است

(چاپ تهران)

سیر الملوك (ك) رجوع شود به «خداینامه»

سیف اسفرنگی (ت) مولانا سیف الدین الاعرج . وفات اواخر قرن ششم — از شاعران قرن ششم ومعاصر خوارزمشاهیان ، اصلش از اسفرنگ ماوراءالنهر بوده و در عهد ایل ارسلان خوارزمشاه از بخارا به خوارزم

رفته وبه خدمت اورسیده‌است. وی معاصرمجیربیلقانی وضیاءالدین خجندی بوده وبا ایشان مشاعره ومعارضه داشته‌است.

ازممدوحان اوسلطان سنجرسلجوقی، وخسروملک غزنوی وتاج الدین محمودخان بن محمدارسلان خوارزمشاهی می‌باشند.

سیفی (ت) علی بن احمد سیفی نیشابوری از شاعران نیمهٔ آخر قرن ششم، مداح سلطان تکش(۵۶۸ — ۵۹۸)قصیده‌ای نیزدرمدح شاه محمود پسر ارسلان خان از شاهان آل افراسیاب دارد. شمس قیس ابیاتی ازاو که درهرمصراع سنگ وسیم را التزام کرده درالمعجم آورده‌است قصاید وغزلیات مصنوع داردوچند غزل از اودرلباب‌الالباب آمده‌است.

سیمرغ (ش — د) برنده‌ای افسانه‌ای که بنابرداستان شاهنامه زال پسرسام را ازکوه البرز برگرفت وبا جوجه های خود پرورش داد. پس ازچندی سام‌براثر خوابی که دیده بود به دنبال پسرآمد. سیمرغ زال را به سام سپرد وپری از خود به او داد تا درهنگام لزوم به‌آتش افکنند واو را به کمک بخواهد. سیمرغ به این ترتیب درجنگ رستم واسفندیار به خواهش زال به یاری رستم شتافت وبه تدبیر او اسفندیار به‌دست رستم کشته شد.

درمنظومهٔ «منطق‌الطیر» عطارسیمرغ به‌عنوان‌شاه مرغان‌وتمثیلی از وحدت وجودآمده که مقر او درکوه قاف است ومرغانی که به طلب او می‌روند، پس از رسیدن به مقصود درمی‌یابند که آن مرغ افسانه‌ای وجودی جز خود آنان نیست زیرا که از همهٔ مرغانی که به این سفر رفته بودند، تنها سی‌مرغ به‌مقصد رسیدند وغرض ازسیمرغ همان‌سی‌مرغ بوده است.

سینا (تن) نام ناحیه‌ای که کوه طوربعنی کوهی که موسی برای

مناجات برسرآن می‌رفت ، درآن واقع است .

آشنای طور سینا موسی عمران بود
تا که ازمعجز عصا در دست او گردد چومار

«امیر معزی»

ش

شاپور (ش ـ ت) شاپور اول پسراردشیر بابکان از دختراردوان که تا هفت سالگی پدر از وجودش بیخبر بودوآخر وزیری که مادرش را پنهان کرده بود ، اورا نزد پدرآورد . شاپور روزی به شکار رفت ، در باغی دختری دید که برسر چاهی دلو سنگینی را که دیگران از بیرون کشیدنش عاجز بودند، به آسانی بیرون کشید . چون از نژادش پرسید دختر خود را زادهٔ مهرك نوش‌زاد ، از دشمنان اردشیر معرفی کرد که همهٔ خاندانش به دست اردشیر کشته شده بودند . شاپور دختر را به زنی گرفت واز او پسری به نام هرمز یافت . شاپورسی سال شاهی کرد ودر زمان او میان ایران و روم جنگی درگرفت که به شکست رومیان انجامید .

شاکر بخاری (ت) شاکر بخاری از شاعران قرن چهارم که در ماوراء النهر می‌زیسته است . از این شاعر اشعار بسیاری نمانده است ولی خسروانی شاعر قرن چهارم نام اورا درشعرآورده است و بعضی از اشعار او درکتابهای لغت بعنوان شاهد ذکر شده است .

شاه‌ابورجا (ت) حکیم شهاب الدین شاه علی ابورجاء غزنوی . وفات درحدود ۵۹۸ ـ از شاعران قرن ششم .اورا معاصر بهرامشاه غزنوی دانسته‌اند ومدح بهرامشاه درقصایدی که‌ازاو باقی مانده‌دیده‌می‌شود . از احوال او اطلاع صحیحی دردست نیست واشعاری از او درتذکره‌ها

باقی است .

شاهنامه (ك) نام شاهنامه بر کتابهای منثور یا منظومی اطلاق می‌شود که درشرح تاریخ وداستانهای ملی ایران نوشته‌شده‌باشد . شاهنامه نویسی درقرون اولیهٔ اسلام مورد توجه عده‌ای ازدانشمندان وامیران وسرداران ایرانی خاصه رجال‌قسمت شرق ایران قرار گرفت و کتابهائی به تقلید خداینامه وسیرالملوك ابن‌مقفع ومحمدبن جهم برمکی وزادویه پسر شاهویه نگاشته شد . نام شاهنامه هم درست ترجمه « خوتای نامک» پهلوی است. اصل خدای نامه وترجمهٔ آن یعنی سیرالملوك در دست نیست .

از شاهنامه های منثور فارسی شاهنامه‌ای است که ابوالمؤید بلخی شاعرونویسندهٔ ایرانی درآغازقرن‌چهارم نوشته‌است‌واصل آن دردست‌نیست . امادرکتابهای تاریخی‌قرون‌بعد،ازآن کتاب‌وداستانهایش یادشده‌است .

دیگر شاهنامهٔ ابوعلی بلخی است که آن نیز منثور بوده است . چنانکه ازگفتهٔ ابوریحان درکتاب «آثارالباقیه» مستفاد می‌شودشاهنامهٔ ابوعلی کتابی معتبر ومستند به اسناد مهم بوده و بیشتر مبتنی برروایات مکتوب بوده است .

دیگر شاهنامهٔ ابومنصور محمدبن عبدالرزاق است . ابومنصور محمدبن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بود که نسب خود را به‌شاهان قدیم ایران‌می‌رساندوبراثر تعصب‌نژادی وعلاقهٔ بسیاربه ایران به‌تألیف شاهنامه قیام کرد و وزیر خود ابومنصور المعمری را مأمور کرد تا دانشمندان و صاحبان کتب را از اطراف خواند ودرطوس گردآورد وبه تدوین شاهنامه برگماشت .

این شاهنامه ازشاهی کیومرث تا یزدگرد شهریارآخرین شاه

ساسانی است وتاریخ تألیف آن ۳٤٦ هجری می‌باشد . مآخذ ومدارك این شاهنامه کتابهاودفترهای قدیم‌وبعضی روایتهای‌شفاهی بوده است. این کتاب مأخذاصلی واساسی فردوسی درنظم شاهنامه قرارگرفته‌است.

دیگر شاهنامهٔ منظوم مسعودی مروزی است . مسعودی مروزی نخستین شاعری است که روایتهای حماسی ایران را به نظم آورد . این شاهنامه در حدود سیصد هجری سروده شده و جز چند بیت از آن دردست نیست .

دیگرشاهنامهٔ دقیقی یا گشتاسب‌نامه است .ظاهرا دقیقی‌شاهنامه را به امرنوح بن منصور (۳۸۷-۳٦٥) به‌رشتهٔ‌نظم کشید . این شاهنامه مربوط به ظهور زرتشت وداستان جنگ گشتاسب وارجاسب است .

دقیقی با انتخاب بحر متقارب برای‌حماسه ونشان دادن راه نظم روایات ملی توانست پیشقدم‌فردوسی درنظم شاهنامه بشود .

شاهنامهٔ فردوسی بزرگترین منظومهٔ‌حماسی و تاریخی ایران‌بلکه جهان است . فردوسی درجوانی علاقهٔ فراوانی به‌نظم داستانهای کهن داشت وپس از آنکه گشتاسب‌نامهٔ دقیقی را دید بسیار مایل گشت که کار اورا دنبال کند . یکی از دوستان او را یاری کرد و نسخه‌ای از شاهنامهٔ منثورابومنصوری به دستش داد واوباشوق عظیم کار را شروع کرد . تاریخ شروع شاهنامهٔ فردوسی درحدود سالهای ۳۷۰ و ۳۷۱ وتاریخ اتمامش درحدود ٤۰۰ هجری است وفردوسی خود به سی‌سال رنجی که درنظم شاهنامه تحمل کرده اشاره می کند . فردوسی پس از اتمام شاهنامه چندین بار درآن تجدیدنظر کرده بعضی ابیات را تصحیح کرده یاچیزی برآن افزوده است . فردوسی درنقل داستانها امانت‌بسیار به کاربرده است وهرگز احساس وتعصب شخصی را دخالت نداده‌وبه

جعل داستانی نپرداخته و به حماسهٔ ملی ایران دست نبرده و در اصل مطالب تصرفی نکرده است ، اما در بیان مطالب و توصیف مناظر و وصف میدانهای جنگ و بیان احساسات و عواطف انسانی بسیار زبردستی نشان داده است .

مهمترین مأخذ فردوسی در نظم این کتاب شاهنامهٔ ابومنصوری است ولی دربعضی از داستانهای منفرد از شاهنامهٔ ابومنصوری استفاده نکرده است . مانند داستان بیژن ومنیژه ، رزم رستم و اکوان دیو ، داستان رستم وسهراب . فردوسی داستانهای پراکنده‌ای به دست آورده و آنها را بنظم کشیده و درجای جای شاهنامه گنجانده است .

موضوع شاهنامه تاریخ ایران قدیم است از آغاز تمدن نژاد ایرانی تا انقراض ساسانیان به دست اعراب . شاهنامه رابرسه قسمت می‌توان تقسیم کرد : ۱— دورهٔ افسانه‌ای . ۲— دورهٔ پهلوانی . ۳— دورهٔ تاریخی .

۱ـ دورهٔ افسانه‌ای . یعنی عهد کیومرث وهوشنگ وطهمورث و جمشید وضحاك تاظهور فریدون . این دوره عهد پی بردن به خوراك وپوشاك ومسکن وپیدایش آتش وآموختن زراعت وپیشه است . دراین دوره بیشتر اساس داستان شاهنامه نزاع آدمیان و دیوهاست . مطالب در نهایت اختصار است . شاهنامه تا اواخر عهدضحاك بیشتر ارزش افسانه‌ای دارد .

۲ـ دورهٔ پهلوانی ـ این دوره از قیام کاوه آغاز می‌شود و به قتل رستم وسلطنت بهمن پسر اسفندیار پایان می‌پذیرد . این قسمت حماسهٔ واقعی ملی ایران است . دراین دوره پهلوانان داستانهای حماسی ظاهر می‌شوند . کاوهٔ آهنگر ، گرشاسب ، سام ، نریمان دیده می‌شوند .

جنگهای بین تورانیان و ایرانیان آغاز می‌شود . پهلوانی‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در شاهنامه ، عهد کیان تا پایان سلطنت گشتاسب است . رستم بزرگترین پهلوان ایران در این دوره نمایان می‌شود . پهلوانانی مانند گودرز ، بیژن ، فرامرز ، سهراب ، گیو در این دوره دیده می شوند .

مهمترین داستانهای پهلوانی هم مربوط‌به‌این‌عهد است .از قبیل داستان رستم وسهراب .رستم وافراسیاب، هفتخوان رستم، رزم‌هاماوران، داستان سیاوش ، کیخسرو، بیژن ومنیژه، جنگ کیخسرووقتل‌افراسیاب، دل بر کندن کیخسرو ازجهان‌وناپدیدشدن او، داستان‌رستم و اسفندیار وامثال آن . این دوره راباید دورهٔ جنگهای طولانی دانست که شامل اتفاقات‌وحوادث خارق‌العاده است .

دورهٔ سوم دورهٔ تاریخی است یعنی دوره‌ای که اشخاص‌واعمال تاریخی جای افراد خارق العاده و اعمال پهلوانی را می گیرد . دورهٔ تاریخی‌شاهنامه ازعهد دارای داراب شروع می‌شود . تاریخ اشکانیان درشاهنامه بسیار به‌اختصار ذکرشده است. نخستین داستان این دوره از شاهنامه داستان اسکندر است .بعداردشیربابکان،شاپور ذوالاکتاف، بهرام گور ، هفت بزم نوشیروان ، جنگ خاقان و نوشیروان ، داستان خسروشیرین وغیره. اغلب این داستانها جنبهٔ تاریخی دارند واشخاص این داستانها افراد معمولی هستند نه خارق‌العاده .

در این قسمت غیر از جنگها ازحوادث دیگر از قبیل ترجمهٔ کتاب و اختراع وسایل بازی ، جشن ، روابط میان دربارهای شاهان وجشنها یاد می‌شود .

شاهنامه درحفظ غرور ملي واحیای مفاخر گذشتهٔ‌ایران اثر بسیار

مهمی داشته است. بعدازشاهنامه عدهٔ بسیاری تحت تأثیرآن قرار گرفتند و به ساختن داستانهای حماسی به همان وزن پرداختند. درقرون اخیر شاهنامهٔفردوسی درهمه‌جای دنیا موردتوجه‌قرارگرفت‌وازآن ترجمه های مختلف به عمل آمد .

فردوسی در وصف نهایت قدرت را نشان داده است . چنانکه در توصیف میدانهای‌جنگ‌ولشکر کشی وجنگهای تن به‌تن ووصف‌شجاعت ومردانگی وجنگجوئی ودلاوری پهلوانان ایران با چنان مهارتی سخن می گوید که‌خواننده‌همهٔ آنها را پیش‌چشم‌می‌بیند. شاهان‌وشاهزادگان همه بافرو شکوه و دارای خصائل پهلوانی‌اند . در شاهنامه علاوه برداستانهای پهلوانی به داستانهای عشقی‌زیبایی برمی‌خوریم که‌به‌رقت احساس و لطف بیان و عفت و پاکدامنی آمیخته است . داستان زال و رودابه و منیژه و بیژن وسودابه و سیاوش از بزرگترین و زیباترین داستانهای عاشقانهٔ شاهنامه است . در شاهنامه اشارات اخلاقی ونصایح نیز دیده می شود . پندها اغلب در پایان داستانها وهنگام قتل و مرگ اشخاص آمده است .

بیان فردوسی بسیارساده وروان ودرعین حال متین واستواراست واگرچه‌درشاهنامه به صنایع‌لفظی‌برمی‌خوریم ولی این صنایع ازروانی شعر نمی کاهد . شاهنامه علاوه برزنده نگهداشتن تاریخ ایران‌به‌زبان فارسی نیز خدمت بزرگی کرده و دربارهٔ سبک شعر و زبان آن کتابها می‌توان تألیف کرد .

شبستری (ت) سعدالدین محمودبن عبدالکریم شبستری. وفات ۷۲۰— ازعارفان بزرگ قرن هفتم واوایل قرن هشتم . وی در قریهٔ شبستر نزدیک تبریز متولد گشته وظاهراً همهٔ عمر راباآرامش درهمان

شهر یا نزدیک آن بسر برده وهمانجا وفات یافته است . شهرتش درعهد الجایتو وابوسعید بود وازجملهٔ فاضلان وبزرگان متصوفه بشمار می‌آمد چنانکه ازهرجا برای پرسیدن مسائل فلسفی وعرفانی به‌حضورش می‌رسیدند . ازآثار معروف او مثنوی «گلشن راز» است درتصوف. دیگر رسالهٔ «حق الیقین» و رسالهٔ «شاهد» است. رسالهٔ «سعادتنامه» و «مرآة المحققین» در تصوف نیزبه او منسوب است .

رسالهٔ حق الیقین و مرآت المحققین درمجموعهٔ عوارف المعارف در شیراز چاپ شده است .

شبدیز (ش ـ د) نام اسبی که شیرین به‌خسرو پرویز بخشیده بود

اگر شبدیز خسرو را تکی هست
ز تیزی نیز گلگون را رگی هست

«نظامی»

شاه‌نعمة‌اله‌ولی (ب) رجوع شود به نعمةالله کرمانی

شاهی (ت) امیرآق ملک‌بن ملک جمال‌الدین وفات ۸۵۷— از غزلسرایان قرن نهم که درخدمت بایسنغرمیرزا پسر شاهرخ می‌زیست، مولدش سبزوار است و در همانجا وفات یافت . غزلهای لطیف از او باقی است .

شبانکاره (ت) محمدبن علی شبانکاره از مورخان وشاعران قرن هشتم ومعاصر ابوسعید. اثر معروف او کتاب « مجمع الانساب » است درتاریخ عمومی عالم .

شبان‌وادی‌ایمن (نن) کنایه از موسای پیغمبر که برای شعیب شبانی کرد ودختر اورا بزنی گرفت .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد
که چندسال به جان خدمت شعیب کند
«حافظ»

شب قدر یا لیلة القدر یکی از شبهای ماه رمضان که در قرآن به آن اشاره شده است و گویا شب بیست‌وهفتم است .

آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب است
یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است
«حافظ»

شبلی نعمانی (ت) وفات ۱۳۳۲ — از نویسندگان نامی هندوستان که درسال ۱۲۷۰ هجری درهند متولد شده و تحصیلات خود را در تاریخ وفلسفه و ادب انجام داده و از استادان عصر خود گشته است . شبلی سفری به‌مکه کرد و چندی در مدینه ماند و به مطالعهٔ کتابهای نفیس پرداخت و در بازگشت به هندبه‌استادی زبان فارسی وعربی « کالج علیگره » منصوب شد و مدت شانزده سال به تدریس اشتغال داشت ، پس از آن به‌حیدرآباد دعوت شد وبه سمت مستشاری معارف حیدرآباد دکن منصوب گشت و پس از مدتی ریاست انجمن علمی در لکنهو به او واگذار شد و درآنجا خدمتهای ذیقیمتی انجام داد .

شبلی آثار فراوانی به زبان اردو وفارسی وعربی دارد که از همه معروفتر کتاب « شعرالعجم » به زبان اردواست . شبلی علاوه برمقام نویسندگی واحاطهٔ برزبان‌فارسی‌وعربی‌شعر نیز می‌سرود و به‌فارسی‌صاحب دیوان می‌باشد .

شب یلدا (نج) شب اول دی که درازترین شبهای سال است .

همه شبهای غم آبستن روز طربست
یوسف روز به جاه شب یلدا بینند
«خاقانی»

شَتْر (زحاف) (ع) در مفاعیلن مجموع قبض و خرم است یعنی حذف میم و یاء که می‌ماند فاعلن وان را اشتر خوانند

شرح اشارات (ك) کتابی از خواجه نصیر در تفسیر اشارات ابوعلی سینا درمنطق وحکمت که ، پیش از خواجه نصیر الدین، امام فخر رازی بر آن شرح نوشته و درضمن اعتراضاتی برابوعلی سینا وارد ساخته بود . خواجه نصیر طوسی درشرح اشارات آن اعتراضات را رد کرده است .

شرح مشکلات دیوان انوری (ك) عدهٔ بسیاری از نویسندگان دیوان انوری شاعر معروف قرن ششم هجری شرح نوشته‌اند ، از آن جمله است که بوسیله ابوالحسن حسینی فراهانی (مقتول ۱۰۴۰) انجام گرفته است . مؤلف معاصر وزیر امامقلیخان حاکم فارس بوده ودرحدود سال ۱۰۱۵ این کتاب را تألیف کرده است . (انتشارات دانشگاه تهران)

شرف (نج) رجوع شود به قدر

شرف‌الدین حسام (ت) حسام الائمه محمد بن ابوبکر نسفی از دانشمندان معروف قرن ششم . در انواع علوم دینی استاد بوده و هرروز آدینه مجلس وعظ داشته که درآن اشعار زیبائی می‌خوانده است . قصیده‌ای دارد باردیف «نشکند» درمدح رکن‌الدین ابوالمظفر قلج طمغاج‌خان از سلاطین خانیهٔ ماوراءالنهر . این قصیده در زمان حیات شاعر معروف شده است .

شرف‌الدین شفروهٔ (ت) از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم . اهل

شفروهٔ اصفهان می‌باشد و درخدمت اتابک شیر گیربرادر اتابک ارسلان آبه ازسران دولت سلاجقهٔ عراق بوده و او را مدح کرده است . تذکره‌نویسان اورا ملک‌الشعراء اتابک‌شیر گیردانسته‌اند . هدایت‌دیوان او را درهشت هزار بیت دانسته است .

شرف‌الدین فضل‌الله (ت) شرف‌الدین فضل‌الله حسینی قزوینی از ادیبان وشاعران قرن هفتم و اوایل قرن هشتم . وی توسط خواجه غیاث الدین محمد به خدمت الجایتو رسید و بیشتر نوشته های خودرا به نام خواجه غیاث‌الدین محمد واتابک‌نصرة الدین احمدشاه لرستان تألیف کرده‌است .

از آثار معروف او «تاریخ معجم فی آثارالملوک العجم» است درذکر مآثر شاهان قدیم ایران . دیگر «الترسل النصرتیه» درفن انشاء وبیان سخن و شناختن ارباب سخن . شرف الدین فضل‌الله در نثراز پیروان «وصاف» است .

شرف‌الدین‌علی‌یزدی (ت)وفات ۸۵۸—ازادیبان‌وشاعران‌اوائل دورهٔ تیموری که شرف تخلص می‌کرده‌ودرفن معما سرائی زبردست‌بوده است . عمدهٔ شهرت شرف‌الدین درزمان‌شاهرخ (۸۰۷—۸۵۰) می‌باشد وی پیوسته مصاحب آن پادشاه و پسرش میرزا ابراهیم بوده است . هنگامی که شاهزاده ابراهیم سلطان درفارس واصفهان حکومت داشت شرف‌الدین علی را نزد خود خواند و به ندیمی و مشاوری برگزید شرف‌الدین به درخواست‌اوبه‌نوشتن «ظفرنامهٔ تیموری» پرداخت . وقتی که شاهرخ به‌اصفهان تاخت ، برشرف الدین بدگمان شد و اورا به سمرقند فرستاد و اوپس از مرگ‌شاهرخ به یزد برگشت ودرقریهٔ تفت ساکن شد .

ازآثار معروف او «ظفرنامهٔ تیموری» است در تاریخ تیمور.

شریف جرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

شصت کله (ت) امیرالشعرا شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کله. از شاعران معروف قرن ششم و از درباریان سلطان طغرل بن ارسلان. عنوان شصت کله را به خطا به منوچهری دامغانی نیز نسبت داده‌اند و این اشتباه به مناسبت اسم احمد و نام پدر شمس الدین که منوچهر بوده پیش آمده است.

ششتری (ت) سید نورالله بن شریف المرعشی شوشتری. مقتول ۱۰۱۹- از سادات مرعشی و اهل شوشتر که مقیم هندوستان گشته و سالها ازطرف اکبرشاه سمت قضاوت لاهور و پنجاب را داشته است. کتابهای وی بیشتر دربارهٔ امور دینی است و معروفترین آنها به فارسی «مجالس المؤمنین» است. قاضی نورالله در زمان جهانگیرشاه به جرم ثبات عقیده در مذهب شیعه به قتل رسید.

شطرنجی (ت) دهقان علی شطرنجی از شاعران بزرگ نیمهٔ دوم قرن ششم درماوراءالنهر. نظامی عروضی او را از شاعران آل خاقان شمرده است. اشعارش بیشتر قطعاتی است در پند و اندرز.

شعر (ب) سخن موزون و مقفی را می گویند.

شعرای شامی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اصغر یا کلب مقدم است. شعرای شامی و شعرای یمانی را شعریان گویند:

چوپاسی از شب دیرنده بگذشت
بر آمد شعریان از کوه موصل

"منوچهری"

شعرای یمانی (نج) از کواکب ثابت که بردهان کلب اکبر یا

کلب الجبار است .

شعرالعجم(ك) کتابی تألیف علامه شبلی نعمانی نویسندهٔ سرز فرن اخیرهندوستان که آن‌را به زبان اردو درحدود سال ۱۳۲۰ هجری تألیف کرده است . موضوع کتاب شعر وشاعری درایران است ومؤلف آن‌را به سه دوره تقسیم کرده‌است. دورهٔ قدما که از حنظله شروع می‌شود وبه نظامی ختم می گردد. دورهٔ متوسطین که ازکمال‌شروع می‌شود وبه جامی ختم می گردد . دورهٔ متأخرین که از بابافغانی شروع می‌شود وبه ابوطالب کلیم ختم می‌شود . نویسنده دربخش چهارم و پنجم به نقد شعر وتقریظ وانتقاد به‌شعر وشاعران می‌پردازد .

این کتاب بوسیله سیدمحمد تقی فخرداعی گیلانی در ۵ جلد به فارسی ترجمه وچاپ شده است .

شعیب (تن)از پیغمبران، که چون رسالت خود را برمردم آشکار کرد عدهٔ بسیاری براو ایمان نیاوردند. خدای‌تعالی برایشان عذاب فرستاد و گرما را برایشان مسلط کرد . کافران به صحرا رفتند وبه زیر سایهٔ ابری پناه بردند ، اما ازابرآتش‌بارید و همه راسوخت‌جزمؤمنان‌را. شعیب موسی‌را، که‌ازمصر گریخته بود، پناه داد ودربرابر دوسال‌شبانی او بجای کابین ، دختر خود را به او داد .

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد
که‌چندسال به‌جان خدمت‌شعیب کند

«حافظ»

شغاد (ش-د)پسرزال که از کنیز کی خواننده به وجودآمده‌وبه بدخوئی وستیزه‌جوئی معروف بوده است. زال اورا به درگاه شاه کابل فرستاد تا همانجا پرورش یابد. چون شاه کابل رشادت اورا دید،دختر

خودرا به او داد وخواست تا از باژ دادن به رستم سرباز زند ، به‌این سبب باهمدستی شغاد ، چاهی در نخجیرگاه رستم کند و با نیرنگ رستم ورخش وهمراهان او را درچاه افکند وبه‌این طریق رستم پهلوان ایرانی کشته شد .

شفاء (ك) یکی ازمهمترین آثاردانشمندبزرگ ابوعلی‌سینا به زبان عربی‌شامل چهارقسمت: منطق، طبیعیات، ریاضیات، الهیات . هریک ازاین قسمتها به مقالات وفصول تقسیم می‌شود .

منطق شامل نه فن وطبیعیات شامل هشت فن وریاضیات شامل چهار فن والهیات شامل ده مقاله است .

شفائی (ت) حکیم شرف‌الدین حسن .وفات ۱۰۳۷ طبیب وندیم شاه عباس اول که علاوه برطبابت‌ذوق شعر داشته ودرهزل استاد بوده است وغزلیات ورباعیات ازاو باقی‌است ومثنوئی دارد به نام «نمکدان حقیقت» که آن را به تقلید «حدیقةالحقیقه» سنائی ساخته است . صائب دراشعار خود نام شفائی را با ادب واحترام ذکرمی کند .

شکل (زحاف) (ع) درفاعلاتن مجموع خبن و کف است ؛ یعنی حذف الف‌ونون .می‌ماندفعلات؛ وآن را مشکول گویند . درمس تفع‌لن حذف نون وسین است که می‌ماند متفعل بجای آن مفاعل می گذارند؛ وآن را مشکول خوانند .

شمس خاله (ت)عمدة‌الملک‌شمس‌الدین محمدبن‌مؤیدالحدادی البغدادی: ازشاعران نیمهٔ‌دوم قرن ششم ومداح سلاطین آل‌افراسیاب . اورا شاگرد سوزنی دانسته‌اند و ضیاءخجندی سخنان فصیح وخطرنبای اورا ستوده است .

شمس طبسی (ت) امام شمس‌الدین محمدبن عبدالکریم طبسی

وفات درحدود ۶۲۶ – از شاعران ایران در اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم. وی مداح نظام الملک تاج الدین محمد بن محمد وزیر سمرقند است وجزاو امیران و بزرگان دیگر ماوراءالنهر را نیز مدح کرده است. شمس طبسی معاصر خاقانی بوده و در قصیده از او پیروی کرده است. دیوان شمس طبسی در حدود دو هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات رباعیات، مقطعات است. شمس به آوردن ترکیبات خاص و مضمونهای دقیق توجه داشته است ولی چون در جوانی درگذشته اشعار فراوانی ازخود باقی نگذاشته است.

شمس فخری (ت) شمس الدین محمد بن سعید فخر اصفهانی از نویسندگان قرن هشتم ومعاصر شیخ ابواسحق اینجو. شمس فخری در سال ۷۴۵ کتابی در لغت فارسی به نام «معیار جمالی» نوشته که به شیخ ابواسحق اینجو تقدیم کرده است. این کتاب دارای چهار جزء است: درعروض، قافیه، بدایع الصنایع، لغات زبان فارسی.

شمس قیس رازی (ت) شمس الدین محمد بن قیس الرازی. وفات اواسط قرن هفتم – از دانشمندان قرن هفتم هجری. وی اهل ری بود ولی مدتی دراز در ماوراءالنهر وخراسان وخوارزم اقامت کرد وبعد در فتنهٔ مغول وآشوب وانقلاب ایران مدت هفت هشت سال در شهرهای مختلف عراق بسر برد ویکی دوبار اسیر شحنگان مغول شد و درالتزام رکاب سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه شهر به شهر می گشت تا در سال ۶۲۳ از عراق به فارس مهاجرت کرد وبه خدمت اتابک سعد بن زنگی رسید. اتابک وی را با اکرام پذیرفت وپس از مدتی از جملهٔ ندیمان خاص خود گردانید وپس ازاو اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همان مقام را در دربار خود به او داد. ازآثار شمس قیس کتاب «المعجم فی معائیر الاشعار العجم»

و «المعرب فی معائیر الاشعارالعرب» و کتاب « الکافی فی العروضتین والقوافی» که گویا اصل دو کتاب فوق می‌باشد . «المعجم» به تصحیح مرحوم محمد قزوینی وسپس به تجدید تصحیح و تحشیهٔ مدرس رضوان چندبار چاپ شده است. امااز دو کتاب دیگرنشانی نیست .

شمس المعالی قابوس بن وشمگیر بن زیار دیلمی (ت) وفات ۴۰۳ - از امیران خاندان زیاری واز ادیبان معروف که درنظم ونثر تازی دست داشته‌است. شمس المعالی درعصرعضدالدوله حکومت گرگان راداست ولی با فخرالدوله که از ملک پدر بی بهره ساده ، برضد عضدالدوله برخاست درسال ۳۷۰ از او شکست خورد و به خراسان پناه برد وتا سال ۳۸۸ یعنی هیجده‌سال درنیشابور درپناه غزنویان‌ماند ودرسال ۳۸۸ به گرگان بازگشت . سرانجام درسال ۴۰۳ بوسیلهٔ مخالفان که باپسرش منوچهر همدست شدند محبوس و کشته شد .

از آثار معروف او « کمال البلاغه» است که شامل مجموعه‌ای ازرسائل اومی‌باشدوقطعاتی ازاشعارفارسی‌وعربی نیزازاوباقی مانده است . گنبدقابوس که قبر شمس‌المعالی‌است وبوسیلهٔ خود اوساخته شده‌است از مهمترین ساختمانهای ایران درقرن چهارم هجری محسوب می‌شود .

شواهدالنبوة (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۵ به خواهش امیر علیشیرنوائی‌تألیف کرده است. این کتاب‌مشتمل بریک مقدمه وهفت‌رکن ویک خاتمه است . دربیان شواهد ودلایل قبل از ولادت پیغمبر ، وقایع بعد از مولد تا بعثت ،وقایع از بعثت تا هجرت ، وقایع از هجرت تا وفات ، تفصیل‌وقایع بعد از وفات . دربیان شواهد ودلایلی که بواسطهٔ اصحاب وائمه به‌ظهور پیوست، شواهدی که درزمان تابعین یااتباع ایشان‌به ظهور رسیده است.

انشاء کتاب ساده وخالی از تکلف وعبارت پردازی است .

شهاب (نج) سنگها و اجرام فلکی که به سطح زمین می‌افتند وبراثر تماس باجو مشتعل می‌شوند وشبها درآسمان مانند تیرشعله وربه چشم می‌آیند . قدما می‌پنداشتند که شهاب تازیانهٔ آتشینی است که فرشتگان شیطان ودیوهارا باآن ازآسمان می‌رانند .

دیو ازشهاب گشته گریزان برآن مثال

چون خصم منهزم زسنان خدایگان

«انوری»

شهاب ترشیزی (ت) عبدالله . وفات ۱۲۱۵ — ازشاعران قرن دوازدهم ومعاصر فتحعلی شاه قاجار که باآذر وصباحی دوستی داشته است . شهاب مدتها ملازمت دربار فتحعلی‌شاه را داشته وپس ازآن گوشه گیری اختیار کرده وبه تصوف پرداخته است . ازآثار او جز دیوان شعر مثنویهائی است به نام خسرو وشیرین ، یوسف وزلیخا ، بهرام‌نامه ، عقد گهر .

شهاب‌ثاقب (نج) رجوع شود به شهاب

دست تو سپهرنوربخش است کلک تو در او شهاب ثاقب

«جمال‌الدین اصفهانی»

شهاب‌الدین سهروردی (ت) رجوع شود به سهروردی

شهاب مؤید (ت) شهاب الدین احمدبن مؤید نسفی سمرقندی از شاعران اواخر قرن ششم ومداح ابوالمظفر رکن‌الدین قلج طمغاج خان مسعود ازشاهان خانیه . ازاحوال او اطلاع کافی دردست نیست . وی معاصر سوزنی شاعر بوده واورا هجو کرده‌است . ابیاتی ازاو درتذکره‌ها نقل شده است .

شهرستانی (ت) امام ابوالفتح تاج‌الدین محمدبن عبدالکریم

شهرستانی. وفات ٥٤٨ — ازفاضلان ومتکلمان معروف ایران که درفقه وعلم الادیان صاحب تحقیق می‌باشد . اهل شارستان (شهرستان) خراسان نزدیک نساست . شهرستانی نزد امام ابوالمظفر خوافی ، قاضی طوس ، وابونصرقشیری وابوالحسن علی بن احمدمدینی محدث بزرگ ، علم آموخت وازمشاهیر عصرخود گشت . مدتی درخوارزم زیست . سپس به بغدادرفت وپس از بازگشت همهٔ عمر را درخراسان گذراند . مدتی درخدمت سلطان سنجر بود وسرانجام درمولد خود شارستان درگذشت .

از آثار معروف شهرستانی کتاب «الملل والنحل» کتاب «المناهج والایات» و«المصارعة» است که در رد برمسائل الهی ابن‌سینا نوشته شده است . دیگر کتاب «نهایة‌الاقدام» درعلم کلام است . علاوه براینها شهرستانی دارای مجالسی بوده‌است که درسفرها ترتیب می‌داد . ازجمله مجلس وعظی است که درنظامیهٔ بغداد داشت . این مجالس اغلب ضبط شده و یکی ازآنها به زبان فارسی به خط علامه قطب‌الدین شیرازی موجود است وموضوع آن «خلق» و «امر» است .

شهریارنامه (ك) مثنوی اثرمختاری غزنوی که آن رابه خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم غزنوی واز روی داستان منثوری ساخته که شهرتی داشته است . داستان مربوط است به‌شهریار پسر برزو پسرسهراب پسر رستم که مانند پدروجد بیخبر ازنسب خود باخویشاوندانش به جنگ پرداخت وباعم خود فرامرز به نزاع برخاست . مختاری چنانکه خود گفته است سه‌سال درکارسرودن آن رنج برده است .

شهریارنامه شامل سه قسمت است . قسمت اول دربارهٔ جنگهای فرامرز پسر رستم است بادبوسیاه وباسپاهسالارهند . قسمت دوم دربارهٔ رفتن زال به‌دربار سلیمان وجنگ بادیوی است به‌نام «اهریمن» قسمت

سوم پایان داستان است .

این مثنوی در شمار منظومه های متوسط حماسی است که بعد از فردوسی به وجود آمده است .

شهمردان بن ابی الخیر (ت) ازعالمان ومنجمان معروف قرن پنجم . دو کتاب به فارسی ازاو در دست است به نام «روضة المنجمین» و «نزهت ـ نامهٔ علائی»

شهنشاه نامه (ك) حماسه‌ای تاریخی که فتحعلی خان صبا ملک الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را بروزن وتقلید شاهنامهٔ فردوسی درذکر محامد فتحعلیشاه سروده است .

شهید بلخی (ت) ابوالحسن شهیدبن حسین بلخی . وفات درحدود ۳۲۵ ــ از شاعران دورهٔ سامانی وازحکیمان وفاضلان آن عصر . درزبان فارسی وعربی مهارت داشته ودرفلسفه نیز استاد بوده است و با ابوبکر محمدبن زکریای رازی در مسائل فلسفی مناظراتی داشته‌است .

از ممدوحان شیخ بلخی نصربن احمد سامانی وابوعبدالله محمدبن احمد جیهانی‌است . شهید درانواع فنون‌شعردست داشته واورا درردیف رودکی می‌شمارند .

شیبانی (ت) ابوالنصر فتح‌الله‌بن محمد کاظم شیبانی ازشاعران قرن سیزدهم هجری . درجوانی به خدمت محمدشاه قاجار درآمد و او وپسرش ناصرالدین میرزا را مدح گفت . شیبانی درنظم ونثردست داشته ودرقصیده پیرو سبک شاعران‌قدیم است . ازآثار او مجموعه هائی است بــه نام‌درج درر، گنج گهر ، مسعود نامه ، شرف الملک ، کامرانیه ، زبدة الآثار

شیخ بهائی‌عاملی (ت) شیخ محمدبن حسین عاملی ملقب به

بهاءالدین . وفات ۱۰۳۱ــ از عالمان بنام دورهٔ صفوی و از رجال دربار شاه عباس . پدرش عزالدین حسین در سال ۹۶۶ از دمشق به ایران مهاجرت کرد و شیخ بهائی که در آن هنگام سیزده ساله بود به تحصیل فقه و حکمت و ریاضیات پرداخت .

شیخ بهائی به فارسی و عربی تألیفات بسیار دارد که مجموع آن به ۸۸ کتاب و رساله می رسد . از جملهٔ مثنویهای او نان و حلوا، شیر و شکر، خلاصة الحساب ، تشریح الافلاك و از همه معروفتر کتاب «کشکول» است که دارای نوادر حکایات و علوم و اخبار و اشعار عربی و فارسی است .

شیخ صنعان (د) از اشخاص کتاب منطق الطیر شیخ عطار که با همهٔ زهد و تقوی دل به دختر ترسائی بست و دین و ایمان خود را در راه او به باد داد خمر خورد و قرآن سوزاند و زنار بست و خوکبانی کرد و سرانجام پس از دعای دوستان، هشیار شد و به راه آمد و از معشوق برگشت، دختر به دنبال او به راه افتاد و دین اورا پذیرفت .

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن

شیخ صنعان خرقه رهن خانهٔ خمار داشت

«حافظ»

شیخ طوسی (ت) رجوع شود به طوسی

شیراز نامه (ك) کتابی در تاریخ شهر شیراز تألیف شیخ فخرالدین ابوالعباس احمد زرکوب شیرازی که آن را در حدود سال ۷۳٤ به نام حاج قوام الدوله وزیر تألیف کرده است . این کتاب دارای یک مقدمه و چند اصل است در جغرافیای شیراز و تاریخ پادشاهان و امیران فارس و مشایخ و فاضلان و صوفیان شیراز .

مؤلف درضمن تاریخ از کتابهایی که مورد استفاده اش بوده است

نام می‌برد، مانند فارس نامهٔ ابن بلخی، تاریخ حمزهٔ اصفهانی. نثر شیراز نامه خالی از تصنع نیست. در شرح وقایع تاریخی یا ذکر جنگها اغلب ساده وروان است وهنگام مدح یاوصف طبیعت به تشبیه واستعاره آمیخته می‌شود. مؤلف خاصه به ذکر اشعار علاقه نشان می‌دهد، چنانکه گاهی سنوات وقایع را به شعر ذکر می‌کند.

شیرین (د) ازاشخاص معروف داستان عشقی ایرانی. شیرین دختری ارمنی وبرادرزادهٔ مهین بانوملکهٔ ارمنستان است که خسروپرویزشاه ساسانی براو عاشق گشت.

شیرین درداستان نظامی باوجودشیفتگی بسیار برخسرو، هرگز قدم ازراه عفاف بیرون نگذاشت تاسرانجام به همسری وی درآمد. شیرین پس ازآنکه خسرو به دست پسرش شیرویه کشته شد، خود را آراست ودرکنار تابوت خسرو باخنجر سینهٔ خود را درید.

شیرین وخسرو (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که آن را درسال ۶۹۸ به‌نام علاءالدین محمد درتقلید خسرو وشیرین نظامی سروده است.

ص

صائب تبریزی (ت) محمدعلی بن میرزا عبدالرحیم صائب تبریزی . وفات ۱۰۸۰— از شاعران بزرگ قرن دوازدهم . پدرش از بازرگانان معروف تبریز بود . صائب اگرچه در تبریز متولد شده ، اما در اصفهان تربیت یافته است . در اوایل جوانی سفری به مکه کرد و بعد به هندوستان عزیمت نمود . چندی در کابل اقامت کرد و مورد توجه ظفرخان والی آنجا گشت و به همراهی او به دربار شاه جهان رفت و نزد آن پادشاه تقرب یافت . پس از مدتی بنا به دعوت پدر به اصفهان بازگشت و به دربار شاه عباس راه یافت و سمت ملک الشعرائی دربار او را یافت و او را مدح گفت .

صائب شعر فراوان ساخته و در بدیهه گوئی دست داشته است . از میان انواع شعر در غزل استادی نشان داده است . به سعدی و حافظ ارادت ورزیده و تحت تأثیر سخنان ایشان قرار گرفته است . سبک صائب را می‌توان سبک هندی شناخت که دارای رقت خیال و باریک اندیشی است و بعضی ابیات او حکم مثل سائر را دارد . دیوان صائب مکرر به چاپ رسیده است .

صاحب بن عباد (ت) صاحب کافی اسمعیل بن عباد وفات ۳۸۵— از رجال و نویسندگان معروف دربار دیلمی ، اهل طالقان و از شاگردان ابن فارس . صاحب بن عباد در جوانی به خدمت ابن عمید رسید و پس از فوت

او وبرکناری پسرش به وزارت مؤیدالدوله نائل آمد وتاآخرعمر درآن مقام باقی بود .

صاحب علاوه برمقام سیاسی وسملکتداری اهل علم وادب بوده وبه شاعران ونویسندگان توجه خاصی داشته‌است . پیوسته به تشویق آنها می‌برداخت وجوایز بسیار به ایشان می‌بخشید . خود نیزدرعلوم ادب وکلام استاد بود وکتابخانهٔ بزرگی داشت که ده مجلد فهرست آن بود . ازآثار او کتاب «المحیط» درلغت عربی‌است . مجموعهٔ رسائل او نیز درمصر به چاپ رسیده است .

صالح (تن) پیغمبری که بردو قوم عاد و ثمود مبعوث شد ، آن دوقوم بت پرست بودند و به او نگرویدند و معجزه خواستند که ناقه یعنی شترماده‌ای بابچه‌اش ازسنگ بیرون بیاید. صالح دعا کرد ، سنگ به فرمان خداشکافته شد وناقه‌بابچه ازآن بیرون‌آمد، ایشان منکرشدند وگفتند سحراست وسرانجام ناقه راکشتند .

صبا (ت) ملک الشعرا محمودبن محمدحسین عندلیب کاشانی وفات ۱۳۱۱—درکاشان‌متولد شد ولی خانواده‌اش به‌آذربایجان‌منسوب است . پدرش محمدحسین خان متخلص به « عندلیب » وجدش «فتحعلی‌خان‌صبا»ست . محمودخان‌صبا دردربار محمدشاه وپس از آن در دربار ناصرالدین شاه مشاغل مختلف داشته ولقب ملک‌الشعرائی را ازناصرالدین شاه دریافت کرده است . محمودخان گذشته ازشعر درحکمت و حدیث وتفسیر و علوم‌ادبی وحسن‌خط ونقاشی ومنبت کاری دست داشت و مظهر ذوق و دارای مهارت درصنایع‌ظریفه بود . در قصیده پیرو عنصری وفرخی و امیرمعزی ومنوچهری بوده است وقصایدش بیشتر مدایحی است‌دربارهٔ ناصرالدین‌شاه ووصف‌جلوس

اووسفرها وجشنها . دیوانش قریب دوهزاروپانصدبیت دارد .

صبا (ت) ملک‌الشعرافتحعلی‌خان‌صبای کاشانی . وفات ۱۲۳۸ — ازشاعران قصیده‌سرای زمان‌فتحعلی‌شاه . درجوانی شاگردصباحی کاشانی بوده‌است . صبادرخدمت دیوانی درآمد وازطرف شاه‌حکومت‌قم‌وکاشان یافت ، سپس ازطرف‌فتحعلی‌شاه به لقب‌ملک‌الشعرائی مفتخرشدوقصایدی درمدح آن‌شاه وشاهزادگان و امیران دربار اوساخت. صباجز قصیده ، مثنوی‌وغزل‌ورباعی‌هم‌سروده‌است . ازآثاراومثنوی شاهنشاه‌نامه ، خداوند نامه ، عبرت‌نامه . گلشن‌صباست . دیوانش شامل ده الی پانزده هزار بیت است . صبا از زنده کنندگان سبک قدیم و پیرو قصیده سرایان بزرگ است .

صباحی (ب) حاج‌سلیمان صباحی‌بیدگلی کاشانی . وفات ۱۲۱۸ از شاعران قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم که آقا محمدخان قاجار را مدح گفته است . صباحی در سرودن مرثیه استادی داشته وترکیب بندی به تقلید کلیم ساخته‌است . دیوانش شامل قصاید وترکیب‌بند وغزل ومرثیه است . (دیوان صباحی — چاپ تهران)

صدر (زحاف) (ع) اگر درفاعلاتن الف به معاقبت‌نون‌بیفتد، آن را صدرگویند .

صدرالدین شیرازی (ت) صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی معروف به‌ملاصدرا . وفات ۱۰۵۰ — از فیلسوفان‌وحکیمان‌عالیمقام ایران درقرن یازدهم . وی‌درشیرازمتولد شد وپس ازمرگ پدر به اصفهان سفر کرد ونزد میرداماد وشیخ بهائی‌به‌تحصیل پرداخت ، پس‌ازآن‌چندین بار به زیارت مکه رفت . ملاصدرا افکارفلسفی‌دقیق داشت‌وتألیفاتش‌در حکمت‌مرجع ومأخذاهل‌علم‌بوده‌است ، مهمترین‌آثاراوبه‌زبان‌عربی‌است .

از آثار ملاصدرا به زبان عربی «اسفار اربعه و شواهدالربوبیه» ، شرح اصول کافی ، حاشیه برالهیات شفای ابوعلی سینا ، شرحی برحکمة الاشراق (سهروردی) ، کتاب واردات‌القلبیه وچند تفسیر دربارهٔ بعضی سوره‌های قرآن است . ملاصدرا را می‌توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد .

صرصر (نن) باد تندوبرصداودراشعارفارسی‌اشاره به بادسختی‌است که قوم عادرا به سبب نافرمانی از هود پیغمبر هلاك کرد

لشکر عادند وکلک من چو صرصرازصریر

نسل یأجوجند ونطق من چوصور اندرصدا

«خاقانی»

صرفه (نج) منزل دوازدهم ازمنازل قمر . دراین شعر کلمهٔ صرفه به ایهام آمده است .

خصم سگدل زحسد نالد چون جبهت ماه

نور بی صرفه دهد و عوع عوا شنوند

«خاقانی»

صفوة الصفا (ك) کتاب بزرگی در شرح‌حال شیخ صفی‌الدین اردبیلی ومرشد اوشیخ زاهد گیلانی . این کتاب کمی بعدازوفات شیخ صفی‌الدین بوسیلهٔ یکی از درویشان به نام توکل‌بن اسمعیل معروف به‌ابن البزاز وبه تشویق وراهنمائی‌شیخ صدرالدین پسرشیخ صفی‌الدین که پس از او به مقام ارشاد رسیده ، تألیف یافته است . صفوةالصفا دارای یك‌مقدمه‌ودوازده‌باب‌است که هربابی‌شامل چندفصل است‌درذکر نسب ونژاد وکرامات شیخ واحوال اووتأویلاتی که‌ازآیات قرآن کرده

وجذبه وسماع واصابت نظر شیخ وکرامات او بعد از مرگ وعظمت او. این کتاب قدیمترین ماخذی است که مورد استفادهٔ نویسندگان تاریخ صفویه قرار گرفته است .

صفورا (تن) دختر شعیب وزوجهٔ موسی (رجوع شود به موسی)

موسی از بهر صفورا کند آنش خواهی
وان شبانیش هم از بهر صفورا بیمند

«خاقانی»

صلم (زحاف) (ع) در فاعلاتن حذف سبب وقطع وتد است که میماند فاعل . بجای آن فعلن میگذارند . و آن را اصلم خوانند . درمفعولات حذف لات است که میماند مفعو بجای آن فعلن می گذارند وآن را اصلم میخوانند .

صور فلکی (نج) صورتهائی است که منجمان برای شناختن ستاره‌ها فرض کرده‌اند . صورفلکی چهل وهشت است . دوازده صورت برمنطقةالبروج است وبیست‌ویک برشمال منطقةالبروج وپانزده برجنوب آن .صورفلکی منطقةالبروج ازاین قرار است :

حمل، ثور، جوزا ، سرطان ، اسد ، سنبله، میزان ، عقرب، قوس جدی ، دلو ، حوت .

صورتهای شمالی عبارت است از :

دب اصغر ، دب اکبر ، تنین ، قیفاوس ، عوا ، فکه یا اکلیل ، جاثی علی رکبته ، لورا یا کَشَفْ، دجاجه، ذات‌الکرسی ، برساوس ، ممسک العنان ، حوا ، حیةالحوا ، سهم ، عقاب ، دلفین ، فرس‌اول ، فرس‌ثانی ، اندرومیدا یامسلسله ، مثلث .

صورتهای جنوبی منطقةالبروج :

قبطس، جبار ، نهر ، ارنب ، کلب اکبر ، کلب مقدم ، شجاع ، سفینه ، کاس، غراب ، قنطورس ، سبع ، مجمره ، اکلیل جنوبی، حوت.

صوفی به قولی از کلمهٔ صوف است و به معنی پشمینه پوش است که اشاره به فقروقناعت است و به کسی می گویند که پیرو ومعتقد مسلک تصوف وعرفان است .

صوفی الرازی ابوالحسین عبدالرحمن بن عمرالصوفی الرازی . وفات ۳۷۶ — از دانشمندان و منجمان معروف قرن چهارم هجری که عضدالدولهٔ دیلمی نزد وی به تحصیل نجوم پرداخت، عبدالرحمن دربارهٔ صورتهای فلک البروج کتابی تألیف کرده است به نام «صورالکواکب» یا « الصورالسمائیه » که آن را به عضدالدوله تقدیم کرده است . ترجمهٔ فارسی این کتاب موجود است .

ض

ضحاك (ش — د) ضحاك نابیور اسب . از نژاد عرب که برطبق داستان شاهنامه به اغوای ابلیس پدر را کشت و ابلیس دو کتف اورا بوسید و ناپدید شد . پس ازآن از جای بوسه ها دو مار بیرون آمدند که ضحاک را بسیار رنج می دادند وهرچه آنها را قطع می کردند ، باز می روئیدند . پزشکان چارهٔ آن را نمی دانستند تاآنکه ابلیس به صورت پزشکی برضحاک ظاهر شد و داروی دردش را که مغز آدمی بود ، به او نشان داد . ازآن پس هرروز دوجوان را می کشتند تاغذای مارهای کتف ضحاک شود . ضحاک برایران چیره شد وجمشید را کشت وبرتخت نشست وبسیارستم کرد چنانکه مردم ازستم اوبه جان آمدند . سرانجام آهنگری به نام کاوه که ضحاک پسرانش را کشته بود، مردم را به شورش دعوت کرد وفریدون را که ازنژاد تهمورث بود ، به سلطنت خواند . فریدون ضحاک را اسیر ودر کوه دماوند زندانی کرد.

دست آهنگرمرا درمار ضحاکی کشید

گنج افریدون چه سوداندر دل دانای من

«خاقانی»

ضیاء خجندی (ت) خواجه ضیاءالدین بن جلال الدین مسعود خجندی . وفات ۶۲۲ — از شاعران معروف قرن ششم واز شاگردان امام فخررازی . اصلش از شیراز است ولی در جوانی به خراسان رفت

و در شهر خجند اقامت کرد . ضیاء خجندی حسام الدین بن علی بیغو معروف به بیغو ملک از شاهان آل افراسیاب را مدح کرده است . از اشعار او چند قطعه و قصیده در دست است که حاکی ازاستواری کلام او است .

ط

طارم‌فیروزه (نج) کنایه از آسمان

بجزآن نرگس مستانه که چشمش مرساد
زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننشست
«حافظ»

طالب آملی (ن) ملک‌الشعرا محمد طالب‌آملی. وفات ۱۰۳۶ — از شاعران قرن یازدهم. ابتدا درآمل مازندران می‌زیست، سپس به کاشان ومرو وازآنجا به هندوستان رفت، مدتی در شهرهای مختلف هند بسر برد وسرانجام به دربار جهانگیر راه یافت ودرسال ۱۰۲۸ به لقب ملک‌الشعرائی دربار او مفتخر گشت. چنانکه از گفتهٔ طالب برمی‌آید درعلوم مختلف مانند هندسه، منطق، حکمت، هیئت، دست داشته است، دیوانش شامل قصاید و غزلیات است. اشعاری دربارهٔ خواهر خود ستی‌النساء که زن لایق وعاقلی بوده است دارد. همچنین منظومه‌ای به نام «جهانگیرنامه» ساخته است.

طالب درآوردن استعاره‌های لطیف ونو مهارت داشته است.

طالع (نج) دراصطلاح نجوم برج ودرجه‌ای است که هنگام ولادت یا هنگام وقوع امری از افق نمودار باشد وازروی آن منجمان سرنوشت نوزاد راتحقیق و تعیین می‌کنند یا حکمی دربارهٔ نتیجهٔ کاری استخراج می‌نمایند.

کوکب بخت مرا هیچ منجم نشناخت
یارب از مادر گیتی به چه طالع زادم
«حافظ»

در فارسی از کلمهٔ «طالع» گاهی مطلق معنی «بخت» در یافته می‌شود :

چشم بد دور کزاین تفرقه بازت آورد
طالع نامور و دولت مادر زادت

طاووس (تن) اشاره به طاووس بهشتی است که بوتهٔ گندم را به ابلیس نشان داد، تا آدم و حوا به اغوای او گندم را خوردند و از بهشت رانده شدند . طاووس نیز به کیفر گناه خویش از بهشت بیرون افکنده شد .

بادیه باغ بهشت و برسر خوانهای حاج
پر طاووس بهشتی را مگس ران دیده‌اند
«خاقانی»

طاهر بن فضل چغانی (ت) امیر ابویحیی طاهر بن فضل بن محمد بن محتاج چغانی . مقتول ۳۸۱ هـ — از امیران چغانی در ماوراءالنهر و شاعر و فضل دوست و از ممدوحان منجیک ترمذی شاعر معروف . طاهر بن فضل در سال ۳۸۱ در جنگ با پسر عم خود ابوالمظفر چغانی ممدوح دقیقی فراری گشت و کشته شد . عوفی ابیاتی از او نقل کرده است .

طبرسی (ت) شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی . وفات ۵۴۸ هـ — از فقیهان معروف شیعه که در حدیث و فقه و تفسیر سمت اجتهاد دارد . طبرسی در سال ۵۲۳ از مشهد به سبزوار رفت و در سال ۵۴۸ همانجا وفات یافت .

از تألیفات اوست تفسیر «مجمع البیان» و «الکافی الشافی» و «جوامع الجامع» است .

مجمع البیان از تفسیرهای مهم ادبی وظاهری شیعه می‌باشد وبه فارسی ترجمه شده است .

طبری (ت) ابوجعفر محمدبن جریر. وفات ۳۱۰ — از فقیهان ومورخان بزرگ اسلامی درقرن سوم وچهارم . اهل طبرستان بود ومقدمات علوم رادر آمل فرا گرفت. سپس درری نزد محمدبن عبید رازی ومثنی بن ابراهیم الاملی به تحصیل برداخت وبرای کسب علوم عربی وادبی به بصره وکوفه ومصروشام سفر کرد ودرتمام شهرها با علماء ومحدثان ملاقات کرد وبغدادرا برای اقامت برگزید وبه تدوین وتألیف پرداخت. طبری درعلوم تفسیر ، قرائت قرآن ، حدیث ، فقه ، لغت ، نحو ، منطق، علوم ادب ، شعر، استادی داشته ودراکثر این علوم تألیفاتی دارد . مورخان ونویسندگان وی را صاحب مذهب واجتهاد دانسته و طریقهٔ وی را «طبریه» خوانده‌اند . ازآثار طبری کتاب «جامع البیان فی تفسیرالقرآن » معروف به « تفسیر کبیر » است. دیگر کتاب « اختلاف الفقها ومهمتر از همه«تاریخ الرسل والملوك» است .

طبقات صوفیه (ك) ازآثار معروف خواجه عبدالله انصاری. اصل این کتاب به‌عربی تألیف ابوعبدالرحمن محمدبن حسن السلمی نیشابوری (متوفی ۴۱۲) می‌باشد که درشرح حال پنج طبقه ازمشایخ صوفیه‌است . خواجه عبدالله انصاری این کتاب را به‌زبان هروی که‌یکی ازلهجه های نزدیک فارسی است ترجمه کرده است . آنچه خواجه عبدالله انصاری درمجالس ، برطبقات الصوفیه سلمی شرح می گفته ومطالبی را که به آن می‌افزوده ، بوسیلهٔ شاگردانش ضبط‌وجمع‌آوری می‌شده‌است. بنابراین به اصل «طبقات الصوفیه» اطلاعات و مطالب بسیاری افزوده که کتاب را بسیار قابل استفاده کرده است .

طبقات ناصری (ك) تاریخی تألیف ابوعمر منهاج الدین عثمان بن محمد سراج الدین جوزجانی که آن را به نام ناصرالدین محمودشاه بسر التتمش تألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ عمومی عالم خاصه تاریخ غزنویان وشاهان غوریه وجانشینان آنهاست درغزنه وهند. در پایان فصل کامل وسودمندی دربارهٔ حمله مغول به ایران وخانان مغول تا عهد هلاکو دارد. اگرچه دربارهٔ حملهٔ مغول به تفصیل نمی‌پردازد ولی چون خود معاصر این طایفه بوده وحوادث را به چشم دیده است، اخبارش مقرون به صحت می‌باشد ودربارهٔ مغول همه‌جا کلمهٔ «ملعون» بکار برده است. مؤلف دراین کتاب از تاریخ بیهقی استفادهٔ بسیار کرده وآن را مأخذ تاریخ محمود غزنوی قرار داده وحتی درسبک نوشتن هم ازآن تقلید کرده است. اشعار وقصایدی نیزاز خود مؤلف نقل شده است. درطبقات ناصری لغات مغولی باراول درزبان فارسی وارد شده است.

الطب المنصوری (ك) تألیف دانشمند وطبیب بزرگ ایرانی ابوبکر محمدبن زکریای الرازی که آن‌را به نام منصوربن اسحق سامانی حاکم ری نوشته است.

این کتاب درده جزواست وبعدها به زبان لاتین ترجمه‌شده‌است.

طرفان (زحاف) (ع) ازاقسام معاقبت. اگر ازفاعلاتن الف ونون به معاقبت ماقبل وما بعد بیفتد آن‌را طرفان خوانند.

طریق التحقیق (ك) ازآثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم که آن‌را به روش حدیقة الحقیقه درسال ۵۲۸ ساخته است.

(چاپ تهران)

طغرائی اصفهانی (ت) فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی بن

محمد اصفهانی. وفات ٥١٤ — از بزرگان شعر وادب عربی. وزارت مسعود بن محمد بن ملکشاه از سلجوقیان عراق را داشت. وی از شاعران نامی و ادیبان عصر خود بشمار می‌رفته است. قصیدهٔ عربی او موسوم به «لامیة‌العجم» معروف است. طغرائی درسال ٥١٤ به تهمت الحاد کشته شد.

طمس (زحاف) (ع) درفاع لاتن آن‌است که‌دوسبب یعنی لاوتن را بیندازند وعین را هم حذف کند می‌ماند فابجای آن فع می گذارند؛ وآن را مطموس گویند.

طوبی (تن) درختی دربهشت

باغ بهشت وسایهٔ طوبی وقصر حور

با خاك کوی دوست برابر نمی کنم

«حافظ»

طور (تن) کوهی که‌موسای‌پیغمبر برروی آن به‌مناجات‌می‌رفت. گویند موسی وقتی ازخداخواست که‌اورا ببیند. خطاب آمد «لن ترانی» یعنی «مرا نمی‌بینی» پس‌خدابرکوه تجلی کرد وکوه پاره‌پاره شدوموسی مدهوش افتاد. گویند کوه احد از پاره‌های آن است.

شب تاراست وره وادی ایمن درپیش

آتش طور کجا موعد دیدار کجاست

«حافظ»

طورسینا (تن) رجوع شود به طور

آشنای طورسینا موسی عمران بود

تا که‌ازمعجزعصادردست‌او گرددچومار

«حافظ»

طوس (ش–د) پسر نوذر وازشاهزادگان ایران که درجنگهای ایران با توران سپهدار لشکریان ایران بوده است .

طوسی (شیخ)(ت) شیخ ابوجعفر محمدبن حسن .وفات ٤٦٠–از بزرگترین فقیهان شیعه که درفقه وتفسیرو کلام وحدیث مرجع علمای شیعه میباشد . وی درسال ٤٠٨ از وطن خود طوس به بغداد رفته ودرنجف اقامت کرده است . ازآثار معروف او «کتاب التبیان» درتفسیر قرآن است . دیگر«مصباح کبیر»و«استبصار»و«تهذیب الاحکام»و«کتاب الرجال» است .

طوفان (تن) اشاره به طوفانی که در زمان نوح پیغمبر واقع شد ونوح به فرمان خدا باکسانش درکشتی نشست ونجات یافت .

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح
ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت

«حافظ»

طویل (ع) از بحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال آن این است : فعولن مفاعیلن ۲بار

طی (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف فاءاست که میماندمستعلن، بجای آن مفتعلن میگذارند وآن را مطوی خوانند . در مفعولات حذف واو است که میماند مفعلات بجای آن فاعلات میگذارندوآن را مطوی خوانند .

ظ

ظفرنامه (ك) كتابی به زبان فارسی تألیف نظام‌الدین شامی که آن را درسال ٨٠٤ برحسب امر تیمورتألیف کرده است. این کتاب شامل تاریخ سلطنت وداستان فتوحات تیموراست که شخص امیر تیموراوراق واسناد رسمی دربارخود را دراختیار مؤلف گذارده است. ظاهراً تاریخ نظام شامی بعد ازسال ٨٠٦ ادامه‌نیافته‌وجزئیات وقایع سال آخرحیات امیر تیمور دراین تاریخ دیده نمی‌شود. حافظ ابرو درسال ٨١٤ در زمان سلطنت میرزا شاهرخ وبه فرمان وی ذیلی برظفرنامهٔ شامی‌نوشته وتاریخ امیرتیمور را تاسال آخر حیات اوبه قلم آورده است. این تاریخ اساس وپایهٔ تاریخ ظفرنامهٔ شرف‌الدین علی یزدی قرارگرفته است.

(چاپ تهران)

ظفرنامهٔ تیموری (ك) کتابی بزرك به شیوهٔ جهانگشای‌جوینی تألیف مولاناشرف‌الدین‌علی‌یزدی که آن رابه سال ٨٢٨ وبه‌درخواست ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ تالیف کرده ومطالب آن‌را بیشتر از ظفرنامهٔ نظام شامی اقتباس کرده، حتی اغلب اشعار وآیات قرآن را عیناً ازآن کتاب نقل کرده است. نثرظفرنامه نثرفنی است‌ومورد توجه نویسندگان معاصر مؤلف قرارگرفته‌است. ظفرنامه مرجع تواریخی است که‌بعدازآن نوشته شده است. مانندحبیب‌السیروروضة‌الصفا.

ظلمات (تن) یاظلمت. تاریکی که خضرپیغمبر برای بدست‌آوردن

آب حیات به درون آن رفت

قطع این مرحله بی‌همرهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

«حافظ»

ظهوری (ت) نورالدین محمد ظهوری ترشیزی. وفات ۱۰۲۵ — ازشاعرانی که در هندوستان بیش از ایران شهرت داشته است. مولدش ترشیز است و چندی درخراسان وعراق وفارس بسر برد و پس ازآن به هند رفت بعد ازمدتی اقامت دردکن به مکه سفر کرد وبه هند بازگشت و تا آخرعمر آنجا ماند. ظهوری درنثر نیز شهرت فراوان داشت. ازآثار او جز قصیده وغزل ومثنوی، سه دیباچه به نام «سه نثر ظهوری» معروف است.

ظهیر فاریابی (ت) ظهیرالدین ابوالفضل طاهربن محمد فاریابی. وفات ۵۹۸ — از شاعران قصیده سرای معروف قرن ششم. جوانی را در فاریاب گذراند، سپس به نیشابور ومازندران وآذربایجان سفر کرد ودر زبان عربی وحکمت ونجوم کسب معرفت کرد. حسام‌الدوله ابوالحسن اردشیر از ملوك باوندی مازندران و طغانشاه حاکم نیشابور و محمدبن ایلدگز وقزل ارسلان بن ایلدگز ونصرةالدین ابوبکر ازاتابکان آذربایجان وطغرل بن ارسلان آخربن شاه سلاجقهٔ عراق را مدح کرده است. ظهیر باشاعرانی مانند جمال‌الدین اصفهانی ومجیر بیلقانی و خاقانی شیروانی معاصر بوده است. وی علاوه برعلم وادب درعلوم عقلی و نجوم دست داشته است. قصایدش به سبک انوری است ودرغزل استادی نشان داده است.

ظهیری سمرقندی (ت) بهاءالدین محمد بن علی بن محمد بن الحسن الظهیری الکاتب السمرقندی ازنویسندگان ومترسلان اواخر قرن ششم

واوائل قرن هفتم صاحب دیوان رسالت قلج طمغاج خان از شاهان آل افراسیاب . ظهیری صاحب تألیفات متعدد است از جمله :

«اغراض السیاسة فی اعراض الریاسة» به نام قلج طمغاج خان . این کتاب شامل لطایف کلام ملوک است از عهد جمشید تا زمان طمغاج خان . نثر این کتاب مصنوع است و دارای شواهد نظم و نثر فارسی و عربی است . دیگر « سندباد نامه » است .

ع

عاد(نن) نام‌قبیله‌ای‌ازنسل‌عادبن نوح که هود پیغمبر ایشان بود وبه سبب نافرمانی او به طوفان باد هلاك شدند .

لشکر عادند وکلك من چو صرصر ازصریر
نسل یأجوجند ونطق من چو صور اندر صدا
«خاقانی»

عارض (ط) چیزی‌است‌که انفکاکش ازشیئی جایزباشد . مثل کتابت از انسان .

عارف پیرو و معتقد مسلك عرفان . رجوع شود به عرفان

عارف‌قزوینی(ت)میرزاابوالقاسم .وفات‌درسال ۱۳۱۲ شمسی-شاعر غزلسرا وتصنیف سازمعاصرکه مخصوصاً به مناسبت فکر آزادیخواهی شهرت یافته است . وی از ابتدای مشروطیت از پیشروان آزادی بود واشعارش نموداراحساسات شدید وطن پرستانه است . عارف باموسیقی آشنائی داشته واغلب‌ازتصنیفاتش‌را خود در مجالس‌موسیقی‌می‌خوانده است . دیوان عارف درسال ۱۳۳۲ قمری دربرلن وپس ازآن در تهران به طبع رسیده است .

عارفی‌هراتی (ت) محمود . وفات۸۵۳-ازشاعران‌دورهٔ‌تیموری که نزد دوستان به «سلمان‌دوم» مشهور بوده است . زیرا که ازطرفی به روش‌خواجه سلمان ساوجی شعر می‌گفته وازطرفی چنانکه درمجالس

النفایس آمده مانند او به‌چشم‌درد سختی‌مبتلا بوده است . ازآثارعارفی مثنوی «گوی وچوگان»یا«حالنامه»است که آن را درسال ۸٤۲ به‌نام سلطان محمد ظاهراً سلطان محمد بن بایسنغر شروع کرده و دردوهفته به پایان رسانده است .

عازر (تن)نام‌مرده‌ای که به‌دعای‌حضرت‌عیسی زنده شد

عیسی عهدی که از توقالب ملکت

جون تن عازر به یک قیام برآمد

«خاقانی»

عاشق اصفهانی (ت) آقا محمد. وفات ۱۱۸۱- از شاعران‌معروف قرن سیزدهم . وی از نخستین کسانی است که پس از سبک هندی به پیروی از شیوهٔ قدیم برخاست و در غزل از شاعران قرن هفتم وهشتم مانند سعدی و حافظ پیروی کرد .

عالم‌آرای‌عباسی (ک) کتابی درشرح حال وسلطنت شاه‌عباس اول و اجداد او تاجلوس شاه صفی . مؤلف این کتاب اسکندر بیک منشی است که آن را درسال ۱۰۳۸ تألیف کرده است .

عاملی (ت) رجوع شود به شیخ بهائی

عباس‌مروزی (ت) از نخستین سخن سرایان ایران درقرن دوم وسوم . معروفترین شعری که به اونسبت داده‌اند قصیده‌ای است که در ورود مأمون به مرو یعنی درسال ۱۹۳ هجری درمدح اوسروده است .

عبدالرزاق سمرقندی (ت) کمال الدین عبد الرزاق بن اسحق سمرقندی . وفات ۸۸۷- از مورخان مشهور قرن نهم و معاصر شاهرخ . مولدش هرات‌است ولی چون‌سمرقند ، وطن پدرش بوده‌به‌سمرقندی‌معروف شده است . عبدالرزاق‌رساله‌ای درصرف ونحو به‌نام شاهرخ تألیف کرد

که مورد توجه وی قرار گرفت سپس از طرف آن شاه به سفارت به هندوستان رفت وسه سال درآنجا ماند وشرحی دربارهٔ این سفرنگاشت.

عبدالرزاق بعد ازوفات شاهرخ درخدمت میرزا عبداللطیف ومیرزا ابوالقاسم بابر وسلطان ابوسعید می‌زیست وپس ازآن عزلت اختیار کرد ودرخانقاه شاهرخیه در هرات به منصب شیخی خانقاه منصوب گردید و به سال ۸۸۷ همانجا وفات یافت. ازآثار معروف او «مطلع السعدین» می‌باشد.

عبدالقاهرجرجانی (ت) رجوع شود به جرجانی

عبدالله انصاری (ت) ابواسمعیل عبد الله بن محمد الانصاری الهروی. وفات ۴۸۱-از صوفیان مشهور قرن پنجم ومعاصر الب ارسلان سلجوقی وخواجه نظام الملک که نسبش به ابوایوب انصاری می‌رسد. تولد خواجه عبدالله درهرات بوده است ودرجوانی درعلوم ادبی ودینی وحفظ اشعار عرب شهرت یافت ودرعلم حدیث وفقه توانا گشت وعرفان وتصوف را نزدشیخ ابوالحسن خرقانی‌آموخت وازشیخ ابوسعید ابوالخیر نیز بسیار استفاده کرد . خواجه عبدالله انصاری به زبان فارسی وعربی شعر سروده وصاحب تألیفات‌بسیاری‌است، ازجمله ترجمه واملاء طبقات الصوفیهٔ سلمی است به لهجهٔ هروی. دیگر تفسیری ازقرآن که اساس کارمیبدی درتألیف «کشف‌الاسرار ووعدة‌الابرار» قرار گرفته است.

رساله های‌متعددی‌به‌فارسی‌دارد مانند مناجات‌نامه، زادالعارفین، الهی‌نامه ، کنزالسالکین ، رسالهٔ دل و جان،قلندرنامه .خواجه عبدالله انصاری را می‌توان از پیشقدمان نثر موزون ومسجع دانست .

عبدالنبی (ت) فخرالزمانی‌قزوینی. وفات ۱۰۰۱-ملاعبدالنبی درقزوین متولد شد و چون بسن رشد رسید به شعر و ادب تمایل بسیار

یافت، در ۹ ۱ سالگی به مشهد وازآنجا به هندوستان رفت وبه‌شهرهای مختلف آن مانند لاهور وکشمیر سفر کرد و درسال ۱۰۲۸ در پتنه به دربار سردارخان خواجه یادگار تقرب یافت و«تذکرهٔ میخانه» رابه‌نام او ساخت. ملاعبدالنبی درقصه‌دانی ماهربود وحافظه‌ای قوی داشت. شعر می گفت‌ودرشعر «نبی» تخلص می کرد. ازآثار دیگر او«نوادرالحکایات» یا «بحرالنوادر»است که شامل حکایتها وداستانهای شیرین است وظاهراً آن را در۱۰٤۱ تکمیل کرده است.

عبدالواسع جبلی (ت) رجوع شود به جبلی

عبیدزاکانی (ت) نظام‌الدین عبیدالله زاکانی. وفات در حدود ۷۷۲-- از شاعران هجو سرا و نویسندگان قرن ششم. از قریهٔ زاکان قزوین بود ولی مدت زیادی درآنجا بسرنبرد وبه شیراز رفت وبه‌آن‌شهر علاقمند گردید. عبید درشیرازبه‌تحصیل علوم‌وفنون پرداخت‌وازفاضلان و ادیبان عصر خود گردید سپس به بغداد سفرکرد و باسلمان ساوجی ملاقات کرد. وی معاصر حافظ است وابواسحق اینجو ووزیرش خواجه رکن‌الدین عمید را مدح گفته است. دیگراز ممدوحان اوشاه شجاع مظفری‌وسلطان‌اویس‌جلایراست. مجموعهٔ‌آثارعبید کلیات‌اوست که‌شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، قطعات، اشعار هزلیه، عشاقنامه، اخلاق الاشراف، ریش‌نامه، صدپند، تضمینات، رسالهٔ دلگشا، رسالهٔ تعریفات موش وگربه، سنگتراش، فالنامه است. اشعار جدی عبید درحدود سه هزار بیت است.

عبید از بزرگان ادب است. شاعری است منتقد و بذله گو که فساد زمانه را بازبان طنزآمیز ولحن شیرین انتقاد کرده است ونبایداورا به هرزه درایی نسبت داد. (کلیات عبید — چاپ‌تهران)

عتبی (ت) ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی. وفات ۴۲۷ — از ادیبان وتاریخ نویسان قرن چهارم وپنجم هجری ومعاصر غزنویان. در آغاز جوانی از شهر ری رهسپار خراسان گشته وچندی در دستگاه ناصرالدین سبکتکین وابوعلی سیمجور بسر برده است و کتاب مشهور خود را در تاریخ سلطان محمود یمین الدوله وپدرش سبکتکین به نام «تاریخ یمینی» تألیف کرده است.

عجائب البلدان (ك) کتابی منسوب به ابوالمؤید بلخی که مؤلف درآن از عجایب بلاد وبرو بحر سخن گفته است وصاحب تاریخ سیستان بسیاری از مطالب خود را درباب سیستان ازاین کتاب نقل کرده است مرحوم ملک‌الشعراء بهار نسخه‌ای ازاین کتاب در اختیار داشته ولی این نسخهٔ اصلی نبوده بلکه از روی کتاب ابو المؤید تحریر شده است.

عجز (زحاف) (ع) اگر در فاعلاتن نون بیفتد به معاقبت الف آن را عجز خوانند.

عدول (ب) آن است که شاعر خطای لفظی یا معنوی را جایز دارد خطای لفظی برچند قسم است.

زیادات:

مانند واو «سخون» در شعر رودکی:

بودنی بود می بیار اکنون ◦ رطل پر کن مگوی و بیش سخون

حذوف:

آدمی چون بداشت دست از صیت

هرچه خواهی بکن که فاصنع شیت

که کلمهٔ گو پیش از هرچه خواهی کن حذف شده است.

تغییرالفاظ : مثل :

آب انگور وآب نیلوفل　　مرمرااز عبیروشک بدل

دراین شعر نیلوفل بجای نیلوفر استعمال شده است .

خطای معنوی .

ای اختر سخا که ز سیرنوال خویش

هرروز در سپهر تفاخر کنی قران

شاعر اگر می گفت که بانجوم تفاخر کنی درست بود ، زیرا که قران ستاره با ستاره است .

گاهی شاعر ترکیبات ناخوش وتقدیم وتأخیرهای زشت ومعانی واهی به کار می‌برد .

خرمن ز مرغ گرسنه خالی کجا بود

ما مرغکان گرسنه‌ایم و تو خرمنی

لفظ تو خرمنی استفادهٔ زشت است .

دیگراز عیوب شعر، غلودراوصاف مدح وهجاست که بحدمحال برسد

کفرست وگرنه دست جود تو　　لا از سر لااله بر گیرد

عراقی (ت)فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی .وفات ۶۸۰- از عارفان وغزلسرایان قرن هفتم که درهمدان متولد شده و درجوانی به هندوستان سفر کرده است . عراقی درمولتان به شاگردی شیخ بهاءالدین زکریا ازبزرگان صوفیه درآمد وپس از وفات او به‌جانشینی‌اش برگزیده شد ولی براثر حسادت درویشان از هندوستان مهاجرت کرد وبه مکه رفت . در بغداد باشیخ شهاب‌الدین سهروردی ملاقات کرد واز آنجا به‌آسیای صغیر عزیمت کرد ودر قونیه به مجلس درس شیخ صدرالدین قونوی حاضر شد وکتاب «لمعات» را نوشت و به‌شیخ صدرالدین تقدیم

کرد . عراقی دربلاد روم مرید بسیار یافت وپس ازچندی از قونیه به مصر وازمصر به دمشق رفت وهمانجا درسال ۶۸۰ وفات یافت .

عراقی از غزلسرایان وعارفان‌پرشور بوده‌است ومجموع اشعارش به ۵۸۰۰ بیت می‌رسد که‌شامل غزلهای عاشقانه وعارفانه و ترجیع‌بند ومثنوی است. مثنوی «عشاقنامه»را به شیوهٔ حدیقهٔ سنائی‌ساخته‌است.

عرض (ط) از کلیات خمس . امری که به خودی خود وجود نداشته بلکه به تبع دیگری موجود باشد . مانند سفیدی،سیاهی

عرض بردوقسم است : عرض‌عام ، عرض‌خاص

عرض عام آن است که برجندین نوع صادق‌باشد، مانندجنبنده که شامل همهٔ انواع مختلف انسان وجانوران است.

عرض‌خاص آن است که تنها به‌یک نوع تعلق داشته‌باشد. مانند خندان که تنها به نوع انسان اختصاص دارد.

عرضی (ط) صفتی است که در ذات موجودات نیست و خارج‌از ماهیت‌موضوع است وبرآن عارض می‌شود مانند خندان؛ که باآنکه این صفت دروجود مردم هست ، امادرمرتبهٔ نخستین ذات نیست .

عرفان یا تصوف مسلکی است که از قرون اولیه اسلام در ایران ظاهر گشت. پیروان این طریق خدا را اصل عالم وجودمی‌دانند که تنها هستی واقعی است ودرهمهٔ موجودات تجلی می کند و هر که بخواهد به مقام او پی ببرد و ذات او را بشناسد باید به ریاضت نفس ووارستگی وترك علایق وشهوات واعتقاد به‌ذات احدیت وعشق شدید برای پیوستن به مبدأ خو گیرد ودست ازطلب برندارد تابه مقام کشف وشهود برسد وچون آئینهٔ دل را از ناپاکیها بزداید خدا در آن تجلی می کند . آنچه‌حکیمان می‌خواهند ازراه تعقل واستدلال به آن برسند،

عارفان ازراه عشق وریاضت نفس به آن نائل می‌آیند .

عارف نسبت به همهٔ مذاهب به دیدهٔ احترام ومحبت می‌نگرد ومعتقد است که همه درراه وصول به یک مقصود پیش می‌روند . حافظ گفته است:

همه کس طالب یاراست چه هشیاروچه مست

همه جا خانهٔ عشق است چه مسجد چه کنشت

عرفی شیرازی (ت) جمال الدین محمد عرفی . وفات ۹۹۹ - ازشاعران معروف قرن دهم که بیشتر شهرتش درهند وعثمانی بوده است . مولدش شیراز بوده وپدرش دردارالاباله شغل شریفی داشته است . عرفی پس ازتحصیلات مقدماتی سفری به هند کردومدتی درمصاحبت فیضی وابوالفتح گیلانی بود وپس ازآن به دربار خانخانان واکبرشاه راه یافت وآنان را مدح گفت . دیوان عرفی دارای قصاید وغزلیات وترجیع بند و قطعات است ، خاصه غزلهای او درهند و ترکیه مورد توجه وتقلید قرارگرفته است . قصیدهٔ معروفی درمنقبت حضرت علی در ۱۸۱ بیت سروده است . عرفی به تقلید نظامی به تألیف خمسه پرداخته و مثنویهائی به سبک مخزن الاسرار وخسروو شیرین ساخته است . رسالهٔ منثوری بنام «نفسیه» درتصوف دارد .

عروض (ع) علم شناختن وسنجیدن اوزان شعر درعربی وفارسی . این علم را خلیل بن احمدنحوی متوفی بین سالهای ۱۷۰—۱۷۶ ه وضع کرده است .

عزیزمصر (دن) وزیر اول مصر وشوهر زلیخا که یوسف راخرید ودرکاخ خود جاداد ولی برابر تهمتی که براو واردآمد، اورا به زندان افکند ویوسف پس ازرهائی اززندان به عزیزی مصر رسید . درادبیات فارسی گاهی مراد از عزیز مصر یوسف است .

عزیزمصر به رغم برادران غیور

زقعر چاه برآمد به‌اوج ماه رسید

«حافظ»

عسجدی (ت) ابونظرعبدالعزیزبن منصورالمروزی. وفات درحدود ۴۳۲- ازشاعران دربار محمود غزنوی ومداح او. دیوانی به عسجدی نسبت داده‌اند که درست نیست،فقط اشعاری از قصاید وقطعه‌ومثنوی درتذکره‌ها به نام او ثبت است. قصیدهٔ او درفتح سومنات که به‌سال ۴۱۶ صورت گرفته است، معروف می‌باشد.

عشاقنامه (ك) ازآثارفخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به‌عراقی. این مثنوی دربیان مراتب عشق وحالهای عاشق می‌باشد وشامل یک مقدمه وده فصل است درصفت عاشقان، عاشق ومعشوق، بیان عشق وامثال‌آن. مثنوی‌عشاقنامه‌شامل نزدیک‌یکهزاروشصت‌بیت است وبه‌نام خواجه سعدالدین صاحب‌دیوان می‌باشد. پروفسور ار نور. ج. آربری آن را به نظم انگلیسی ترجمه و چاپ کرده است.

عشقی (ت) میرمحمد رضا معروف به میرزاده.مقتول ۱۳۴۲هـ- میرزاده عشقی پسرحاج سیدابوالقاسم کردستانی از شاعران‌معاصر. وی‌در همدان متولد شد و هنگام جنگ بین‌الملل اول به اسلامبول مهاجرت کرد ودر۱۳۳۹ قمری روزنامهٔ «قرن‌بیستم» را منتشر ساخت.

عشقی درسن سی‌سالگی کشته شد.

(دیوان عشقی- چاپ‌تهران)

عصای‌موسی (تن) عصائی که چون موسای پیغمبر در محضر فرعون بر زمین انداخت اژدها شد و این از معجزات بزرگ موسی به شمار می‌آمد.

صوفیان رکوه پرآب زندگانی چون خضر
همچو موسی درعصاشان جان ثعبان آمده

«خاقانی»

همچنین وقتی که موسی در بیابان عصای خود را برسنگ زد ، چشمه های آب از آن جاری شد .

خارا چومار برکشم وپس به یک عصا
ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

عضد الدین ایجی (ت) رجوع شود به ایجی

عطاء بن یعقوب (ت) ابوالعلاء عطاء بن یعقوب کاتب معروف به ناکوك . وفات ۴۹۱ - از شاعران وفاضلان دورهٔ دوم غزنوی که به دو زبان عربی وپارسی شعر می گفته است . وی در دربار سلطان ابراهیم غزنوی تقرب داشته است ولی پس از مدتی مورد رنجش سلطان واقع شده وبه هندوستان تبعید گشته است . مسعود سعد درمدح ومرثیهٔ اواشعاری سروده است . منظومهٔ «برزونامه» «وبیرن نامه» را به اونسبت داده اند وابیاتی به پارسی وعربی در تذکرهٔ لباب الالباب ازاین شاعر نقل شده است .

عطار (ت) شیخ فرید الدین ابوحامد محمدبن ابوبکر ابراهیم بن مصطفی . وفات ۶۲۷ — از عارفان بزرگ ایران و از پیشوایان شاعران متصوف که درعالم تصوف به مقام ارشاد رسیده است . پدرش درشادباخ دکان عطاری داشت وی نیز پیشهٔ پدر رادنبال کرد و به همین مناسبت لقب عطار یافت . به گفتهٔ خود او در داروخانه طبابت هم می کرده است . عطار پس از چندی ازکسب ومشغلهٔ دنیوی دست کشید و به عالم عرفان رو آورد و افکار لطیف خود را در اشعار دل انگیز بیان کرد

عطارقسمتی از عمر را به سفر پرداخت وبه مکه رفت وبسیاری ازمشایخ صوفیه را ملاقات کرد و از مریدان شیخ مجدالدین بغدادی معروف به خوارزمی گردید . عطار آثار فراوانی دارد که اغلب آنها دردست است ومشهور است که به عدد سور قرآن کتاب ورساله تألیف کرده است .
از آثار او دیوان شعر شامل قصاید و غزلیات و مثنویهای اسرارنامه ، الهی نامه،مصیبت نامه، منطق الطیر ،مختارنامه ، وصیت نامه ، بلبل نامه حیدرنامه ، خسرونامه، شرفنامه است . ازآثار مهم منثوراو«تذکرة الاولیاء» می باشد .

عطارمعانی عالی عرفانی را دربیانی ساده و روان آورده و الحق دراین کار استادی نشان داده است. وی همه جا حقایق عرفان را با تمثیل های گوناگون وحکایتهای مختلف شیرین ساخته است .

عطارد (نج) یا تیر از همهٔ سیارات به آفتاب نزدیکتر است وبعد از کرهٔ ماه نزدیکترین سیارات است به زمین ، به موجب افسانهٔ یونانی قاصد خدایان بوده است . عطارد ستارهٔ دبیران وسخنوران است و«دبیرفلک» خوانده می شود .

دردانشی که آن خردم رازیان شدست
بر آسمان جان چو عطارد سخنورم
«انوری»

عطاردی (ت) امام ابو عبدالله عبدالرحمن بن محمد العطاردی ازشاعران عصر محمود که ابیاتی از اوباقی است .

عطاملك جوینی (ت) رجوع شود به جوینی

عقدالعلی للموقف الاعلی (ك) رجوع شود به تاریخ کرمان

عقرب (نج) ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی درمنطقة البروج وبه

شکل کژدم . برج عقرب برابر ماه آبان است ·

دم عقرب بتابید از سر کوه چنان‌چون چشم‌شاهین از نشیمن

«منوچهری»

عقل (ط) جوهری است مجرد ازماده ؛ هم از حیث ذات وهم‌از حیث فعل . مجرد از ماده ازحیث ذات ، آن‌است که نمی‌شود به‌آن‌اشارۀ حسی کرد .مجرد از ماده‌ازحیث فعل، آن است که درصدور فعل محتاج به‌آلت نباشد .

عمرخیام (ت) رجوع شود به خیام

علاءالدوله‌سمنانی (ت) ابوالمکارم رکن‌الدین احمدبن محمد بیابانکی‌سمنانی. وفات ۷۳۶- ازعارفان بزرك نیمۀ دوم قرن هفتم‌ونیمه اول قرن هشتم که درسال ۶۵۹ هجری درقریۀ بیابانک از قراء سمنان متولد شده است . پدرش محمد ملقب به ملك شرف‌الدین در دستگاه غازان‌خان سمت وزارت داشت· علاءالدوله‌دردوران جوانی به‌آموختن علوم عقلی و نقلی پرداخت ودرپانزده سالگی به ملازمت عم خود در دستگاه ارغون به‌خدمت دیوانی مشغول گشت وموردتوجه ارغون‌خان شد ولی پس از ده سال ازکاردیوانی دست کشید وبه عبادت وتکمیل علوم دینی پرداخت وصرف ونحو وحدیث وتفسیر و فقه را نزد استادان فن آموخت واجازۀ روایت‌حدیث گرفت ودر۶۸۷ به بغداد سفر کردوبه خدمت شیخ عبدالرحمن اسفراینی رسید وجزء مریدان اوگشت وازآنجا سفری به‌مکه کرد و باز به بغداد برگشت و از شیخ عبدالرحمن مرتبۀ ارشاد یافت وبه سمنان بازگشت وبه عبادت وارشاد پرداخت .

علاءالدوله‌دارای آثار بسیار به‌زبان فارسی‌وعربی‌است. درحدود سیصد کتاب و رساله به او نسبت می‌دهند . از آن‌جمله «مطلع‌النقط

و مجمع اللقط» در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن به‌زبان‌عربی «سرالبال فی‌اطوارسلوك اهل‌الحال» به‌فارسی «وسلوة العاشقین» به‌فارسی‌و«العروة الاهل الخلوة والجلوة» درحکمت الهی.

علاءالدوله شعر نیزمی‌سروده وچند غزل ورباعی از اوباقی‌است.

علیشیر نوائی (ت) امیرنظام‌الدین علیشیر نوائی. وفات ۹۰٦— وزیردانشمندسلطان‌حسین بایقرا که‌اجدادش درخدمت تیموریان مقامات عالی داشتند واو طفولیت را به مصاحبت‌حسین میرزا بایقرا گذراندوبااو به‌مرو رفت ودرآنجا به کسب کمالات پرداخت ودرزمان سلطنت‌سلطان حسین به‌شغل مهرداری وامارت دیوان خاص او مشغول گشت. پس ازآن به حکومت استراباد رفت، اما پس از چندی ازحکومت استراباد استعفاداد وعزلت اختیار کرد. امیرعلیشیرمردی متدین بود وبه‌راهنمائی مولانا عبدالرحمن جامی به طریق درویشان نقشبندیه گروید. معروف است که امیر علیشیر ۳۷۰ باب مسجد و مدرسه واماکن خیربنا کرد وبراثرتشویق اوصنایع‌ظریفه‌وموسیقی‌پیشرفت کرد. وی‌ادیبان وشاعران را تشویق می‌کرد وصله می‌بخشید، چنانکه دربارسلطان حسین بایقرا از وجود ادیبان وهنرمندانی که تحت توجه آن وزیر دانشمندقرار گرفته بود رونق بسیاری‌یافت. امیر علیشیربه‌زبان جغتائی (ترکی شرقی) وزبان فارسی تسلط کامل داشت وبه‌هردو زبان شعر می‌سرود ودرشعر «فانی» تخلص می‌کرد. درزبان ترکی‌پنج‌مثنوی به‌تقلید خمسه ومثنوی‌دیگر بنام «لسان‌الطیر» به سبک منطق‌الطیر عطارساخت. ازآثار او تذکرهٔ «مجالس‌النفایس» به زبان‌ترکی و«خمسة‌المتحیرین» و «رسالهٔ محاکمة اللغتین» و «رسالهٔ میزان الاوزان» است.

عماد فقیه کرمانی (ت) وفات ۷۷۳- ازفقیهان وشاعران قرن

هشتم و معاصر شاه شجاع . حافظ در اشعار خود او را به ریاکاری وصف کرده است . چنانکه منقول است عماد گربه‌ای را آموخته بود که هنگام اداء نماز و انجام رکوع و سجود به او اقتدا کند . شاه شجاع این عمل گربه را دلیل برکرامت عماد می‌دانست ، ولی حافظ آن‌را به حیله و مکر نسبت داده است . عماد فقیه اهل کرمان بوده ودرآنجا مدرسه‌ای بنا کرده است . از آثار منظوم او یکی دیوان غزلیات اوست . دیگرمثنوی «محبت‌نامهٔ صاحبدلان» ومثنوی «مونس‌الابرار» .

عمادی (ت) امیرعمادالدین عمادی شهریاری . وفات ۵۸۳ — از شاعران اواخرقرن ششم . معاصر ومداح سیف‌الدین عمادالدوله فرامرز سهردار مازندران و از امیران خاندان باوندی . عمادی پیش از آنکه به عمادالدوله به پیوندد ، شهرتی نداشته است ، لیکن شاعر نوازی این امیر موجب تقویت فکر و قریحهٔ او شده است . وی پس از وفات عمادالدوله به‌عراق آمدوبه‌دربارطغرل بن‌محمد پیوسته واورامدح گفته‌است . دیگر از ممدوحان او اتابک‌جهان پهلوان می‌باشد . اشعار عمادی روان است ولی گاه به‌سبب تشبیهات وتعبیرات دشوار مشکل می‌شود .

عمارهٔمروزی (ب) وفات‌اوائل قرن پنجم — ازشاعران معروف اواخر عصر سامانی واوائل غزنوی که‌اقامتش درمرو بوده است . عماره درقتل ابوابراهیم آخرین شاهزادهٔ سامانی مرثیه‌ای ساخته وپس ازآن سلطان محمود سبکتکین را نیز مدح کرده است .

قطعاتی از اشعاراودرلغت‌فرس‌اسدی ولباب‌الالباب نقل‌شده‌است .

عمعق بخارائی (ت) امیرالشعرا ابوالنجیب شهاب‌الدین عمعق بخارائی .وفات۵۴۳ -- از شاعران‌معروف ماوراءالنهردراوایل قرن‌ششم .

مولدش بخاراست و پس از کسب فضائل به سمرقند رفت وبه دربار آل خاقان راه یافت ودر دربارخضرخان ابراهیم به لقب ملک‌الشعرائی مفتخر گشت . از ممدوحان و معاصران عمعق ابوالحسن شمس الملک نصربن طمغاج خان ابراهیم بن نصرواحمدخان بن خضرخان ومحمود خان بن شمس الملک نصرورکن الدین ابوالمظفر طمغاج خان مسعود و چند تن دیگر از ملوک خانیه است . عمعق باسلطان سنجر رابطه داشت ومرثیه‌ای درمرگ دخترش سروده‌است وازشاعران ماوراءالنهر با رشیدی سمرقندی وانوری معاصر بوده است .

عمعق برعلوم زمان خوداحاطهٔ کامل داشت واین امر دراشعارش نمودار است . وی در صنایع بدیع خاصه درآوردن تشبیهات لطیف و کلمات موزون استادی داشته است . دیوانش شامل قصیده و رباعی است . یوسف وزلیخائی را که بر دو بحر خوانده می‌شود به او نسبت داده‌اند که اکنون دردست نیست .

عنصرالمعالی (ت) امیرعنصر المعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس‌وشمگیر. وفات درحدود ۴۹۲ —از امیران دانشمند خاندان زیاری که درقرن چهارم وپنجم در گرگان و گیلان وطبرستان ورویان وری وجبال امارت داشتند . عنصر المعالی مدتی طولانی از سرزمین امارت خاندان خود دور بوده است وبنابر گفتهٔ او هشت سال در غزنین ندیم مودودبن مسعودغزنوی بوده‌وچندی در هندوستان بسر برده ومدتی نیز درسفرحج گذرانیده است .

عنصرالمعالی مردی دانشمند بود که علاوه‌برنویسندگی به زبان فارسی دری وطبری شعر می‌سروده است . در انشاء و عروض و موسیقی ونجوم دست داشته وازآثار معروف او «قابوسنامه» است .

عنصری (ت) ابوالقاسم حسن بن احمد. وفات ۴۳۱ — از شاعران بزرگ قصیده سرای دورهٔ غزنوی. عنصری بوسیلهٔ امیرنصربن ناصرالدین به خدمت سلطان محمود معرفی شد ونزد او تقرب یافت وملک‌الشعرای دربار گشت ومال وثروت فراوان بدست آورد. اشعارش بیشتر درمدح سلطان محمود وامیرنصروسلطان مسعودوفتوحات ولشکرکشی‌هاوجنگهای ایشان است. دیوان قصایدعنصری اکنون متجاوز از دوهزار بیت دارد وگویا دراصل سی‌هزار بیت بوده است. عنصری جز دیوان شعر، منظومه‌های دیگر نیز داشته‌است مانند مثنوی «وامق وعذرا» و «سرخ بت وخنگ بت» «شادبهروعین‌الحیات» که بعضی ازابیات آنها درفرهنگها موجود است. عنصری به‌زبان وادب عرب نیز احاطهٔ کامل داشته ودر اشعارش فکر منطقی واحاطهٔ او برعلوم عصای آشکاراست. سبک قصیده سرائی عنصری بعدها مورد تقلید بیشتر شاعران قصیده سرا قرار گرفته است.

عوا (نج) منزلی ازمنازل‌قمر، که‌شامل چهارستاره است به‌صورت سگ فریادکننده

چشم سگ دل زحسد نالد چون جبهٔ ماه

نور بی صرفه دهد وقوع عوا شنوند

«خاقانی»

عوفی (ت) سدیدالدین یانورالدین محمدبن محمدعوفی بخاری. وفات ۶۳۰ از نویسندگان ودانشمندان بزرگ ایران دراواخر قرن ششم واوایل قرن هفتم. وی ازفرزندان عبدالرحمن بن عوف ازشاهیر صحابهٔ رسول اکرم می‌باشدوبه‌همین جهت به‌عوفی شهرت یافته است. ولادتش دربخارا درنیمهٔ دوم قرن ششم اتفاق افتاد و تحصیلات خود را همانجا

انجام داد . پس ازآن به بلاد ماوراءالنهر وخراسان وسیستان سفر کرد وبا بزرگان ودانشمندان ملاقات کرد . عوفی دراوائل حملهٔ مغول به بلاد سند رفت وبه‌خدمت ناصرالدین قباچه رسید وتاسال ۶۲۵ درخدمت او بود و هنگامی که ناصرالدین قباچه مغلوب سلطان شمس الدین التتمش شد وخود را درسند غرق کرد، عوفی به‌خدمت التتمش درآمد ودردهلی اقامت کرد .

عوفی علاوه برنویسندگی شعرنیز می گفته وقصاید وقطعات مختلف از او باقی است ودرجوامع الحکایات قطعه‌ای از اشعاری که درستایش نظام‌الملک جنیدی سروده است ذکر کرده است .

از آثار مشهور عوفی «لباب‌الالباب» و «جوامع الحکایات» است .

عیسی (تن) عیسی بن مریم ازپیغمبران اولوالعزم و کتاب آسمانیش انجیل است . عیسی قوم اسرائیل‌را به دین خود دعوت کرد ، ایشان نپذیرفتند وازاو معجزه خواستند او مرده ای را به التماس ایشان زنده کرد تا به پیغمبری‌او گواهی‌داد . سرانجام جهودان قصد کشتن اورا کردند عیسی گریخت ولی یکی از حواریون ، یهودانام ، دربرابر سی‌درم رشوه عیسی را به ایشان نشان‌داد . جهودان خواستند عیسی را بگیرند، حق تعالی‌اورا ازچشم‌ایشان پنهان‌داشت وایشوع ،بزرگ یهود را به‌صورت عیسی درآورد . اورا گرفتند ، هرچه فریاد کرد «من ایشوعم» فایده‌نکرد ایشوع را به‌دارزدند وعیسی به‌آسمان رفت . ایشوع هفت شبانه روز بردرخت ماند . مریم هرشب پای‌درخت‌می‌رفت ومی گریست .شب هفتم عیسی ازآسمان به زمین آمد تا مریم را آرامش بخشد ، هفت نفر از حواریون آن شب‌عیسی را دیدند وتاصبح با او بودند ، سحرگاه عیسی به آسمان رفت .

به غیرت از نفسش روح عیسی مریم

به خجلت از قلمش چوب موسی عمران

«انوری»

عین القضاة (ت) ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی همدانی. وفات ۵۲۵ — از مشایخ صوفیه و از شاگردان عمر خیام و امام احمد غزالی که در آثار خود از استادش غزالی گفته های بسیار نقل کرده است. عین القضاة در جوانی به کسب کمالات پرداخت و از راه مطالعه در معارف عصر خود تبحر یافت. وی با رجال مشهور زمان خود مکاتبه داشته است و به علت بی پروایی در افشای اسرار صوفیان و حملهٔ به متعصبان مورد کینهٔ علمای متعصب قرار گرفت و سرانجام هم در سال ۵۲۵ به تهمت الحاد و زندقه در همدان بردار کشیده شد. وی به علت حسن بیان و نفوذ کلام مریدان بسیار داشت که به او عشق و ارادت می ورزیدند. عین القضاة در مدت عمر کوتاه خود یعنی در سی و سه سال، آثار بسیاری به فارسی و عربی از خود باقی گذاشت از جمله «یزدان شناخت»، «تمهیدات یا زبدة الحقائق» و «مکاتیب».

عیوب قافیه (ق) عیوب قافیه هشت است. اقواء، اکفاء، سناد، ایطا، مناقصه، تضمین، تخلیع، عدول. (به هر یک از این کلمات رجوع شود)

عیوق (نج) از ستارگان ثابت که بر بازوی ممسک العنان (گیرندهٔ عنان) است

بسوده دست جلال تو دامن عیوق

سپرده پای کمال تو ذروهٔ اعلی

عیوقی (ت) از شاعران قرن پنجم و دورهٔ سلجوقیان. مثنوی «ورقه

وگلشاه » از او باقی است .

عیون‌الاخبار (ک) تألیف ابوعبدالله محمدالدینوری معروف به ابن قتیبه . این کتاب به‌زبان‌عربی‌ودارای مقدمه وده باب است وعلاوه برحکایتهای تاریخی ، شامل مطالبی اجتماعی است مانند شرح صفات وسیرتهای طبقات مختلف کشورهاوخطبه های‌تاریخی‌وحدیثهای‌معروف . ابن‌قتیبه آداب لشکرکشی‌وسلاح‌پوشی اعراب وایرانیها را نشان‌می‌دهد آداب تیراندازی ، اسب سواری رااز کتاب‌آئین‌نامک که‌از بین‌رفته‌است نقل می‌کند . ازاین کتاب بخوبی می‌توان به عادات و روحیات ملل وسیاستها وطرز حکومتها ورفتارامراو پادشاهان پی برد . علاوه براین نکات جغرافیائی هم داردکه قابل استفاده است .

غ

غالب (ب) میرزا اسدالله‌خان غالب. وفات ۱۲۸۵- از شاعران پارسی زبان هند است که در شهر آگرا متولد شده و در دهلی اقامت کرده و همانجا وفات یافته است. غالب به زبان اردو و فارسی شعر می گفت اشعاری در مدح بهادرشاه ثانی آخرین پادشاه بابریان دارد. از غالب قصاید و غزلهای بسیار باقی مانده است.

(دیوان غالب — چاپ هند)

غرر اخبار ملوك الفرس و سیرهم (ك) تاریخ مهمی به زبان عربی تألیف ابو منصور عبدالملک بن محمد ثعالبی نیشابوری که آن را به امر ابوالمظفر نصر بن ناصرالدین سبکتکین تدوین کرده است.

موضوع کتاب تاریخ شاهان ایران است از ابتدای شاهی کیومرث تا یزدجرد بن شهریار، آخرین شاه ساسانی.

ثعالبی داستانهای ملی ایران را مانند داستان زال و رودابه و رستم و اسفندیار در این تاریخ ذکر کرده است. منابع ثعالبی کتب مختلف فارسی و عربی مانند تاریخ حمزه اصفهانی، تاریخ طبری، شاهنامهٔ ابومنصوری است. از مسعودی مروزی و مزدوج او نیز نام می برد. بسیاری از داستانهای کتاب ثعالبی عیناً داستان شاهنامهٔ فردوسی است و حتی طرز بیان حکایتها شبیه به هم است.

غریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی. «فاعلاتن فاعلاتن مستفعلن

۲ بار» . اما این بحر درفارسی نیز رواج بسیار ندارد .

بحر غریب مسدس مخبون (فعلاتن مفاعلن مفاعلن)

ملکا تیغ نوسر بدسگال را بخورد همچو غضنفر شکال را

غزالی (ت) حجةالاسلام امام زین العابدین ابوحامد محمد بن محمد غزالی طوسی. وفات ۵۰۵ — ازمشهورترین متکلمان وعالمان دین اسلام درقرن پنجم. علوم دینی و ادبی را درمدارس طوس ونزد یکی از دوستان پدرش موسوم به ابوحامد احمد راد کانی آموخت ، سپس به نیشابور رفت ودر آنجا نزد امام الحرمین ابوالمعالی جوینی ، فقیه بزرگ شافعی ، به تحصیل علم پرداخت ودر بیست و هشت سالگی درعلوم متداول دینی زمان خود استاد گردید وپس از وفات امام الحرمین به خدمت خواجه نظام الملک رسید ودر سال ٤٨٤ بنابه دعوت او برای تدریس در مدرسه نظامیه ، به بغداد رفت وچهارسال درآنجا به تدریس مشغول بود .

شهرت غزالی در همان اوایل جوانی به حدی رسید که چند بار ازطرف ملکشاه به رسالت نزد خلیفه رفت . امام غزالی باوجود شهرت ومقام عالی که بدست آورده بود ، درسی ونه سالگی میل به اعتزال کرد وامام احمد غزالی برادر خود را درنظامیه جانشین کرد وخود به حج رفت و مدت ده سال درشهرهای بیت المقدس و شام و مصر وحجاز گذراند وبعضی از کتابهای خود را درآن مدت تألیف کرد . پس ازاین سفر طولانی به طوس بازگشت ومدتی درنظامیهٔ نیشابور تدریس کرد و بعد ازآن عزلت گزید تا درسال ۵۰۵ درطوس درگذشت .

غزالی درحدود هفتاد کتاب ورساله درعلوم دین واصول و کلام وحدیث واخلاق وفلسفه ومنطق وتصوف تألیف کرده است. ازآثار معروف او به زبان عربی «احیاء العلوم» ، «مقاصد الفلاسفه» «تهافت الفلاسفه»، درفلسفه

وحکمت، «معیارالعلم» درمنطق ، از رساله های مهم او رسالهٔ «المنقذ من الضلال» است که درحقیقت سرگذشت روحانی اوست. «الوسیط» درفقه و «البسیط» درفروع مذهب شافعی .

ازآثار مهم او به فارسی مجموعهٔ مکاتیب فارسی، کیمیای سعادت، نصیحة الملوك است .

غزالی از دانشمندان بزرگی است که مدتها دچار حملهٔ سخت متعصبان واقع شده و به تهمت زندقه و الحاد گرفتار گشته است . وی گذشته از مقام بزرگش درعلوم مختلف ، در نثر فارسی هم مقام خاصی دارد ودرآوردن لغات واصطلاحات تازه بطریق ساده ودرخور فهم عوام قدم تازه‌ای درنثر فارسی برداشته است .

غزالی (ت) شیخ المشایخ مجدالدین ابوالفتوح احمدبن محمد غزالی طوسی . وفات . ۵۲۰-برادرحجةالاسلام ابوحامدمحمدبن محمدغزالی وازجملهٔ فقیهان مذهب شافعی . وی مدتی بجای برادر درمدرسهٔ نظامیه بغداد تدریس کرد . غزالی به وعظ علاقهٔ بسیاری داشته ومربی چند تن از مشایخ بزرگ صوفیه بوده است .

ازآثار او کتاب «بحرالحقیقة» است وموضوع آن مراحل وصول به حق است یعنی برای رسیدن به حق باید از بحرهای ، معرفت ، جلال ، وحدانیت، ربوبیت، الوهیت، عزت، گذشت . دیگر کتاب «الذخیره فی علم البصیره» . دیگر «سوانح العشاق» که غزالی آن را در اسرار عشق نوشته است ودرضمن فصول، حکایتهاومثلها واشعاری ذکر کرده است . نوشتهٔ این کتاب بسیارساده وبرازلطف است . دیگر از آثار او مکاتیبی است به فارسی که همهٔ آنهابه اشاراتی ازآیات واحادیث آمیخته وبسیاری از عقاید درآنها مورد بحث قرار گرفته است .

غزل (ب) ابیاتی است در وزن وقافیهٔ واحد، ومصراع اول بیت نخستین یعنی مطلع شعر نیزدارای قافیه است. غزل از حیث ظاهر مانند قصیده است جز آنکه عدد ابیات غزل از هفت تا چهارده است و بیشتر مضمون عاشقانه داردودربیان احساسات با گفتگوی بامعشوق وخطاب به اوست. غزل یا عرفانی است یعنی مضمون آن مربوط به عالم فوق الطبیعه وحقیقت مطلق ومطالب اخلاقی می باشد یا غزل عادی که خطاب به معشوق ودوست است. غزلهای حافظ وسعدی ومولوی نمونهٔ عالی غزل فارسی است.

غضائری رازی (ت) ابوزید محمد الغضایری الرازی. وفات ۴۲۶ —از شاعران دورهٔ غزنوی وشیعی مذهب. غضائری اهل ری بوده واسیران دیلمی آل بویه را درری مدح گفته است. اشعاری نیز درمدح سلطان محمود غزنوی دارد. خاصه درقصیدهٔ لامیه از عطایای این شاه سخن گفته است. دیوان غضائری دردست نیست.

غضائری باعنصری بحث ادبی داشته است وقصایدی انتقادی برای یکدیگر می‌فرستادند.

ازاشعارش قصائدوقطعه هائی درکتابهای لغت وتذکره باقی است.

غلمان (تن) جمع غلام. پسران بهشتی. این کلمه در قرآن کریم آمده است.

فردا اگرنه روضهٔ رضوان به ما دهند　　　غلمان زروضه حورزجنت بدر کشیم

«حافظ»

غنی (ت) ملامحمدطاهرغنی کشمیری. وفات ۱۰۷۷ —ازشاعران معروف هندوستان ومعاصر صائب. دیوانش شامل غزلهائی است که نمونه‌ای از رقت خیال است.　　　(دیوان غنی — چاپ هند)

غیاث اللغات (ك) فرهنگی تألیف محمدغیاث الدین بن جلال الدین

بن‌شرف‌الدین رامپوری از فارسی شناسان هند که آن را در سال ۱۲۴۲
پس از چهارده‌سال‌صرف وقت تألیف کرده است . این کتاب جامع لغات
کثیرالاستعمال فارسی‌وعربی وترکی است که‌مؤلف آن از کتابهای لغت
وادب و شعر ونجوم وطب استفاده کرده و برای هرلغت مأخذ ومنبعی
ذکر می کند کتاب از این حیث دارای ارزش است ولی فاقد شواهد
شعری و نثری می‌باشد .

(غیاث‌اللغات — چاپ هندو تهران)

ف

فارابی (ت) ابونصر محمدبن محمد الفارابی . وفات ۳۳۹-از بزرگترین فیلسوفان ایرانی . درشهرفاراب ماوراءالنهر متولد شده است . بعضی نژاداو را از ترکان وبیشتر از ایرانی می‌دانند . فارابی ازماوراءالنهر به بغداد رفت ودرآنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت وعلوم فلسفی را نیز همانجا فراگرفت وکتابهای ارسطو را مطالعه کرد . پس از آن به حلب ودمشق رفت وبه خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی‌بن عبدالله بن حمدان رسید وهمچنان دردمشق ماند و به تألیف پرداخت . فارابی به سبب شرحهائی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثانی» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده‌اند . فارابی در همهٔ علوم عهد خود استاد وصاحب تألیف است . درریاضیات وموسیقی وطب اطلاعات بسیار داشته است وازآثاراو شرحهائی است که برانالوطیقای اول ونانی وسوفسطیقا وبوطیقای ارسطونوشته است . درعلم النفس کتاب النفس اسکندرالافرودیسی ودرعلوم، السماع الطبیعی والاثارالعلویه والسماء والعالم وکتاب الحروف ارسطو والمجسطی بطلمیوس راتفسیر کرده است . از کتابهای دیگراو «رسالة فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضله» و«فصوص الحکم» و«الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس» . فارابی کوشیده است که دراین کتاب بین عقاید افلاطون و ارسطو التیام دهد . عقاید فارابی درفیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است .

فارسنامه (ك) تألیف ابن البلخی که دراوائل قرن ششم وبنا به دستور سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی تألیف یافته است واز کتابهای معتبر فارسی واز منابع تاریخ پیش از اسلام وجغرافیای فارس است. مؤلف دراین کتاب‌ازتاریخ حمزة بن‌الحسن وتاریخ محمدبن جریرطبری وکتابهای دیگرعربی وفارسی‌استفاده کرده‌است. دراین کتاب‌پادشاهان ایران پیش از حملهٔ عرب برچهار دسته تقسیم شده‌اند: پیشدادیان — کیانیان — اشکانیان ـ ساسانیان. مؤلف ازاسکندرجانشینانی نیز ذکر کرده است. نثر کتاب بسیار روان ومحکم است.

(چاپ تهران — ۱۳۱۲ شمسی)

فاصله (ع) از ارکان اوزان عروض.

فاصله بردوقسم است: فاصلهٔ صغری. فاصلهٔ کبری.

فاصلهٔ صغری عبارت است ازسه‌متحرك و یك ساکن. مثال: بدهم و علامت آن سه صفر است و یك الف ۰۰۰۱

فاصلهٔ کبری چهار متحرك است و یك ساکن مثال: بدهمش. ومثال آن چهار صفر و یك الف است براین‌صورت: ۰۰۰۰۱

فتحعلی‌خان‌صبا (ت) رجوع شود به صبا

فتوحی (ت) اثیرالدین شرف الحکماء فتوحی مروزی‌از شاعران بزرك مرو درنیمهٔ آخرقرن ششم. فتوحی معاصر انوری است وبنابرقول رضاقلیخان هدایت قطعهٔ مربوط به «هجوبلخ» که به‌انوری نسبت‌داده‌اند از فتوحی‌است. وی باادیب‌صابردوستی‌ومکاتبه‌داشته‌است وعوفی‌اورادرنظم ونثر استاد دانسته است. اشعاری از فتوحی در تذکره‌ها باقی است.

فخرالدین عراقی (ت) رجوع شود به عراقی

فخر رازی (ب) ابوعبدالله فخرالدین محمدبن عمربن الحسین

طبری رازی . وفات ۶۰۶ —معروف به ابن الخطیب ازفیلسوفان ومتکلمان وفقیهان شافعی واز عالمان بزرگ ایران درقرن ششم که درعلوم اسلامی از نوادر زمان خود به شمار می‌رفت . امام فخر رازی در فنون مختلف تألیفات مهم دارد وبه مناسبت آنکه در جدل وابراد برفلاسفه و شک درمسائل فلسفی استادی داشت اورا «امام المشککین» خوانده‌اند . فخررازی از مخالفان ابن‌سینا بود و ازراه استدلال عقلی و فلسفی به رد عقاید او پرداخت .

از آثار مشهور او به زبان عربی در کلام «نهایة العقول» و «کتاب الاربعین» و «محصل افکار المتقدمین والمتأخرین من الحکماء والمتکلمین .» و رساله ای درمعراج است .

درفلسفه وحکمت : الملخص، شرح الاشارات ، شرح عیون الحکمة، مباحث المشرقیه، النهایة است . در تفسیر : مفاتیح الغیب ، که معروف به تفسیر کبیر است ودرحقیقت دائرة المعارفی است ازعلوم دینی که ناتمام گذارده‌است . دیگر «نهایة الاعجاز» دربیان موارد فصاحت وبلاغت قرآن .

مهمترین آثار او به زبان فارسی «جامع العلوم» یا حدائق الانوار فی حقایق الاسرار است که آن را به نام علاءالدین تکش خوارزمشاه درسال ۵۷۴ تألیف کرد . دیگررسالهٔ روحیه است درحقیقت روح وفنای جسم وحکمت مرگ وپندونصیحت . دیگر «اصول عقاید» درهشت باب . دیگر رسالهٔ «الاختیارات العلائیه» درنجوم که آن‌را به نام علاءالدین خوارزمشاه دردومقاله نوشته‌است واین کتاب به عربی ترجمه‌شده است .

فخر گرگانی (ت) فخرالدین اسعدالجرجانی . وفات در حدود ۴۶۶ — ازشاعران داستانسرای ایران درقرن پنجم . وی معاصر ابوطالب

طغرل بیک محمدبن‌میکائیل بوده ونزد اوتقرب داشته است . از احوال فخرالدین اسعد اطلاع بسیاری دردست نیست ولی از اشعار اوپیداست که با اکثر علوم متداول زمان خود آشنا بوده وکتب فلسفه وحکمت خوانده واز ادبیات فارسی وعربی اطلاع کامل داشته وبه زبان پهلوی نیز آشنا بوده است . فخرالدین اسعد هنگامی که طغرل سلجوقی درسال ۴۴۳ هجری اصفهان‌را فتح کرد، با اوبود وبعد ازاو درآنجا نزدحاکم اصفهان ابوالفتح المظفربن محمد ماند وبه درخواست او داستان ویس ورامین را به نظم آورد . فخر گرگانی سلطان ابوطالب طغرل بیک وخواجه عمیدالملک کندری وزیر معروف طغرل وخواجه عمیدابوالفتح را مدح گفته است .

فرالاوی (ت) ابوعبدالله محمدبن موسی الفرالاوی ازشاعران معروف سامانیان ومعاصر شهید بلخی که رودکی اورا باشهید در یک ردیف‌آورده‌است . ابیات کمی ازاین شاعر درمجمع‌الفصحاء ولباب‌الالباب عوفی ذکرشده است .

فرخی (ت) ابوالحسن علی بن جولوغ . وفات ۴۲۹-ازشاعران بزرگ‌دربار سلطان محمود غزنوی . پدرش غلام امیر خلف بانو یعنی خلف‌بن احمدبن محمد خلف‌بن‌اللیث صفاری بوده است . فرخی ابتدا به دربار چغانیان رفت و ابوالمظفر احمدبن محمد امیر چغانی را مدح کرد و مورد نوازش او قرارگرفت . پس از آن به دربار غزنوی روی نهاد ومورد اکرام محمودغزنوی واقع‌شد. قسمت عمدهٔ قصاید فرخی‌درمدح سلطان محمود وپسران وبرادرش ووزیران وندیمان آنان می‌باشند .

دیوان فرخی بیش از نه هزاربیت دارد وشامل قصاید وغزلیات وقطعات و ترجیع بند و رباعیات می باشد . اشعار فرخی بسیار ساده

وطبیعی است واز پیچیدگی وتکلف خالی‌است. درتغزل با دنیای واقعی بیشتر سروکار دارد ودرقصابدنیز جنبهٔ واقعیت تاریخی را بیشتر درنظر گرفته‌است، خاصه جنگهائی راکه خود ناظر آن بوده است‌بسیار زنده و حقیقی وصف می‌کند . فرخی با موسیقی نیز آشنائی داشته و چنگ می‌نواخته است . همچنین در عروض و نقدالشعر دست داشته کتاب «ترجمان‌البلاغه» را به او نسبت داده‌اند، ولی این نسبت درست‌نیست زیراکه تألیف این کتاب دراواخر قرن پنجم واوائل قرن ششم بوسیلهٔ یکی از ادیبان به‌نام محمدبن عمرالرادویانی صورت گرفته است .

فرخی را می‌توان از قصیده سرایان درجهٔ اول ایران دانست .

(دیوان فرخی- چاپ تهران)

فرد (ب) عبارت است از بیتی مستقل که دارای معنی خاص ومستقل باشد، خواه دومصراع آن یک قافیه داشته باشد یانه . مثال:

ران ملخی نزد سلیمان بردن

عیب‌است‌ولیکن هنراست‌ازموری

فردوسی (ت) ابوالقاسم‌حسن .وفات ۴۱۱ یا ۴۱۶—شاعربزرگ حماسه سرای ایران درقرن چهارم وپنجم . وی ازخانوادهٔ دهقانان‌بود وثروت وضیاع موروث‌داشت . فردوسی‌درحدود سال ۳۷۰ درسن‌جهل سالگی به نظم‌شاهنامه شروع کرد وآن را درحدود سال ۴۰۰ به‌پایان رساند و در حدود سال ۳۹۳ بادربارسلطان محمود رابطه یافت ، یعنی هنگامی که ثروت‌خود را صرف شاهنامه کرد واز تهیدستی به جان‌آمد، به فکر تقدیم شاهنامه به محمودبن ناصرالدین سبکتکین افتاد وبوسیلهٔ ابوالعباس فضل بن‌احمد اسفراینی ، نخستین وزیر سلطان محمود ، به دربار او معرفی شد . اما پس از عزل و مصادره ابوالعباس یا بعلل

دیگر که ازآن‌جمله تشیع فردوسی وتعصب محمود درمذهب سنت بود و به علت مدح فراوان از شاهان ایران مورد بیمهری سلطان قرار گرفت، چنانکه محمود برخلاف عهد خود به جای یک دینار دربرابر هربیت یک درم به او داد و این امر موجب رنجش فراوان فردوسی گشت وازغزنین به خراسان عزیمت کرد و شش ماه در خانهٔ اسمعیل وراق ، پدر ازرقی شاعر ، ماند وازآنجا به طبرستان رفت وبه خدمت سپهبد شهریار از آل باوند رسید ومحمود راهجا کرد . ولی شهریار آن هجا را خرید ودستور داد تا به‌آب بشستند . فردوسی از مازندران به خراسان بازگشت ودر مولد خود بسربرد تا به سال ٤١١ یا ٤١٦ بدرود زندگی گفت . گویند وقتی سلطان محمود انعام وصلهٔ شاعر را فرستاد که جنازهٔ او را به گورستان می‌بردند . اثر معروف او شاهنامه است که گرانبهاترین وبزرگترین اثر ادبی ایران است . قصهٔ یوسف وزلیخای منظوم را به او نسبت می دادندولی اکنون مسلم‌شده‌است که ازاونیست .

فرقدان یا فرقدین (نج) ازکواکب ثابت ودوستارهٔ روشن است برسینهٔ دب اصغر

ای رسانیده به دولت فرق خود برفرقدین
گستراننده به جود و فضل درعالم بدین

«ابوالعباس مروزی»

فرقدی (ت) محمدبن‌عمر فرقدی‌ازشاعران خراسان در اواخرقرن ششم . معاصرومداح محمدبن سام بادشاه غوری است . اشعارکمی‌ازاو باقی است که قدرت اورا درشعر می‌رساند .

فرنگیس (تس — د) از زنان داستانی شاهنامه ودخترافراسیاب که سیاوش اورا به زنی گرفت وهنگامی که سیاوش نزد افراسیاب متهم

شد ، فرنگیس به زاری نزد پدر رفت واورا ازکشتن سیاوش منع کرد ، اما افراسیاب گذشته ازکشتن سیاوش فرمان داد که فرنگیس را آنقدر بزنند تا طفلی که ازسیاوش درشکم اوست، بیفتد . سرانجام پیران ویسه خود را به درگاه رساند وفرنگیس را از افراسیاب گرفت و به خانه برد وجانش را نجات داد .فرنگیس کیخسرو را به جهان آورد وچندسال پس ازآن به یاری گیو باپسرخود به ایران گریخت .

فرنود سار (ك) رجوع سود به فرهنگ نفیسی

فروغی(ت) محمد علی ملقب به ذکاءالملك. وفات ۱۳۲۱ — از رجال و دانشمندان معاصر . فروغی درسال ۱۲۹۰ قمری متولد شد و تحصیلات خود را درمدرسهٔ دارالفنون به پایان رسانید وبه مطالعهٔ درفلسفه پرداخت . مدتی به تدریس درمدرسهٔ علوم سیاسی اشتغال داشت وپس ازآن به ریاست مدرسه منصوب گشت . فروغی به زبان وادب فرانسه تسلط کامل داشت . وی علاوه برکسب دانش به امورسیاسی واجتماعی نیز می پرداخت و سالها نمایندگی مجلس شوری ، وزارت ، سفارت ، نخست وزیری ، نمایندگی ایران درجامعهٔ ملل ، ریاست جامعهٔ ملل ، ریاست دیوان عالی تمیز را به عهده داشت .

از آثار فروغی کتابهائی است درتاریخ ، فیزیک ، علوم ،وتصحیح آثار بزرگان ادب مانند ، کلیات سعدی،دیوان حافظ . رباعیات خیام وازآثار معروف او کتاب «سیر حکمت دراروپا» ست درسه جلد .«حکمت سقراط به قلم افلاطون» در دو جلد . «آئین سخنوری»

اغلب آثار فروغی به چاپ رسیده است.

فروغی بسطامی (ت) میرزا عباس بسطامی. وفات ۱۲۷٤ —از برگزادگان بسطام. دوران کودکی را در بسطام بسربرده ودراوایل

سلطنت فتحعلیشاه قاجار به تهران عزیمت کرد وبه تحصیل علوم ادبی پرداخت . فروغی درابتدا «مسکین» تخلص می کرد وبعدها به‌مناسبت انتساب به دربارفروغ الدوله، فرزند حسنعلی میرزا شجاع السلطنه‌والی خراسان و کرمان ، به فروغی تخلص یافت . ابتدا به مدح شاهان وشاهزادگان قاجار پرداخت وپس ازآن به تصوف متمایل شد و عزلت برگزید و به سرودن غزلهای عرفانی پرداخت . فروغی را می‌توان از بزرگترین غزلسرایان متصوف عهد اخیر به‌شمارآورد . دیوان‌فروغی چند باربه چاپ رسیده است .

فرهاد (ش — د) از اشخاص داستان عاشقانهٔ خسرووشیرین . داستان خسرووشیرین وفرهاد وشیرین را چند تن ازشاعران ایرانی به نظم درآورده‌اند ولی مهمترین و معروفترین آنها داستان خسرووشیرین نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم هجری است .

فرهاد درعشق رقیب خسرو است و در راه معشوق به کارهای دشوار تن درمی‌دهد . فداکاری وپایداری او درعشق شیرین ، خسرو را برمی‌انگیزد که اورا به کندن کوه‌بیستون بگمارد . فرهاد از دل‌وجان این شغل را می‌پذیردوسدنهاد درآرزوی‌وصل‌شیرین به کوه کندن‌می‌پردازد، سرانجام به‌تدبیرخسرو خبرمرگ شیرین را به دروغ به او می‌رسانند واو باتیشه فرق خود را می‌شکافد ودرمی گذرد .

دل به امید صدائی که مگر درتو رسد
نالهٔها کرد درین کوه که فرهاد نکرد

«حافظ»

فرهاد وشیرین (ك) منظومه‌ای ازوحشی‌بافقی که آن رابه‌تقلید خسرووشیرین نظامی ساخته ولی نتوانسته است به پایان برساند . این

مثنوی ناتمام دارای هزاروهفتاد بیت است ووصال شیرازی درسال ۱۲۶۵ آن را به پایان رسانده است . این منظومه از بهترین آثار وحشی است و گویا در زمان حیات خود شاعر نیز معروف بوده و دهان به دهان می گشته است . (چاپ تهران)

فرهنگ آنندراج (لغ) لغت نامه‌ای به زبان فارسی تألیف محمد بادشاه متخلص به شاد که آن را درسال ۱۳۰۵ هجری قمری به کمک دوبرادرش درسرزمین هندوستان تدوین کرده است . این کتاب جامع لغات فارسی و تازی است و بر حسب حروف الفباء تنظیم شده . مؤلف در این کتاب ازفرهنگهائی مانندمنتهی الارب، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری ، انجمن آراء ، غیاث اللغات و امثال آن استفاده کرده است . وی بیشتر لغات فارسی را باشواهد شعری آورده و گاهی به اصطلاحات متداول عامه اشاره کرده است. فرهنگ آنندراج فرهنگ جامعی است که به سبب اشتمال بر لغات فارسی وعربی ممتاز است . (چاپ تهران)

فرهنگ انجمن آراء (لغ) فرهنگ انجمن آرای ناصری تازه‌ترین کتاب لغت فارسی وآخرین تألیف معروف رضاقلیخان هدایت، که آن را در سال ۱۲۸۶ و به نام ناصرالدین شاه تألیف کرده است. این فرهنگ منحصر به لغات فارسی است ومشتمل برمقدمه ای است حاوی چند بن آرایش، درتوضیح لغات وبیان بعضی از اشتباهات درلغات فرهنگها وتحقیق زبان فارسی وبیان حروف تهجی وآئین شناختن مصدر واصطلاحات علم صرف ونحو وبیان وامثال آنها

متن کتاب شامل بیست وچهار انجمن است ودرخاتمهٔ کتاب بعضی از استعارات وکنایات فارسی وعربی باشواهد شعر از فصحا وبلغا ذکر شده است . (فرهنگ انجمن آراء — چاپ تهران)

فرهنگ جهانگیری (ك) کتاب لغتی تألیف میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن اینجوی شیرازی از رجال معروف هندوستان. مؤلف کتاب را درزمان شاهی اکبرشاه یعنی سال ۱۰۰۵ شروع کرد ودرزمان سلطنت پسرش جهانگیرشاه یعنی درسال ۱۰۱۷ به‌نام او به‌پایان رساند. این کتاب شامل لغتهای فارسی الاصل است ومؤلف برای هرلغت شعری برسبیل شاهد آورده است وچنانکه خود درمقدمهٔ کتاب می‌گوید چهل وچهار کتاب لغت دراختیار داشته وازآنها استفاده کرده است. فرهنگ جهانگیری بسیار جامع وسودمند است ومورد تقلید وپیروی فرهنگ نویسان بعد مانند صاحب برهان قاطع قرارگرفته است.

فرهنگ رشیدی (ك) از لغت نامه های نفیس فارسی تألیف عبدالرشیدبن عبدالغفور الحسینی‌المدنی التتوی که‌آن را درسال ۱۰۶۴ درهندوستان تألیف کرده است. فرهنگ رشیدی از لحاظ صحت و دقت درمندرجات، از معتبرترین لغت نامه های فارسی است و همیشه مورد توجه خاص لغویون بوده است. مؤلف فرهنگ رشیدی درمقدمهٔ کتاب از فرهنگ جهانگیری وسروری انتقاداتی کرده واجتناب ازسهل انگاری واشتباهات ایشان‌را درکتاب خود لازم دانسته است. فرهنگ رشیدی چنانکه مؤلف خود گوید مشتمل بریک مقدمه وچند باب وخاتمه‌است.

(فرهنگ رشیدی - چاپ تهران)

فرهنگ سروری (ك)یا مجمع الفرس، فرهنگی‌به زبان فارسی تألیف محمد قاسم‌بن حاجی‌محمد کاشانی متخلص به سروری. مؤلف این فرهنگ را درچند نوبت نوشته است به‌این‌معنی که هربار منابع ومآخذ تازه‌ای به دست آورده‌وبرشرح لغتهای سابق‌افزوده است. نسخهٔ کامل

آن تاریخ ۱۰۵٤ هجری را دارد. مؤلف مجمع الفرس فرهنگهای مختلفی مانند فرهنگ جهانگیری و تحفة السعادة وامثال آن را در دست داشته است. مجمع الفرس دارای شواهد بسیار از اشعار استادان فارسی زبان است باذکر مأخذ نقل هرلغت ونقد بعضی ازلغات. (چاپ تهران)

فرهنگ لغات فرس (ك) قدیمترین کتاب لغت فارسی، تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی. این کتاب شامل لغاتی است که اسدی همهٔ آنها را باشواهدی از اشعار شاعران توضیح داده وبرحسب حروف آخر کلمات وحروف الفبا تنظیم کرده است وچنانکه خود اسدی گفته است این کتاب را به تشویق اردشیر دیلمسپار النجمی ساخته است. فرهنگ اسدی اساس کار فرهنگ نویسان بعد قرار گرفته و گنجینه‌ای از اشعار باارزش فارسی به شمار میرود (چاپ تهران)

فرهنگ نفیسی یافرنودسار (ك) کتاب لغتی تألیف علی اکبر نفیسی ناظم الاطبا (متوفی ۱۳۰۳ شمسی). مؤلف دراین کتاب مقید به آوردن لغات فارسی خالص نشده، بلکه لغات تازی را نیزدرآن وارد کرده است. همچنین به مفردات اکتفا نکرده بلکه مرکبات واصطلاحات واستعمالات مختلف الفاظ را نیزذکر کرده است ودرذیل بسیاری ازکلمات، خلاصه‌ای ازعلوم را به شکل دائرة المعارف آورده. این فرهنگ شامل بسیاری از نامهای تاریخی و جغرافیائی ایران و کشورهای اسلامی است.

فریدون (ش — د) ازنژاد تهمورث وپسر آبتین که درخردسالی ضحاك پدرش را کشته بود ومادرش «فرانك» او را به مرغزاری برده و با شیر گاو بزرگ کرده بود. چون کاوهٔ آهنگر برضحاك شورید فریدون را به شاهی خواند. فریدون برضحاك چیره شد واورا درکوه دماوند به زندان کرد وخود به شاهی نشست.

فصل (ط) (از کلیات خمس) کلی ذاتی است که در جواب ای شیء (کدامیک) واقع می‌شود یعنی آنچه جزء حقیقت مختصه باشد مانند ناطق که جزء یک حقیقت از حیوان است؛ یا جزء حقیقت مشترک که باشد مثل حساس که شامل همهٔ نوع حیوان است .

فصیحی خوافی (ت) از نویسندگان دورهٔ تیموری و معاصر شاهرخ . درسال ۸۱۸ که شاهرخ برای سرکوبی برادرزاده‌اش بایقرا به شیراز می‌رفت ، فصیحی همراه او بوده و پس از آن مأمور کرمان شده و به بادغیس بازگشته است . وی درسال ۸۴۳ به امر گوهرشاد به حبس می‌افتد و پس از رهائی از زندان درسال ۸۴۹ کتاب مجمل فصیحی را نوشته به شاهرخ تقدیم می‌کند .

فضایل الانام من رسائل حجة الاسلام (ك) شامل مکاتبات و مراسلات و محاورات و نصایح فارسی امام غزالی که بعد از وفاتش بوسیلهٔ یکی ازنزدیکانش گرد آمده است . این مکاتبات عبارت است ازنامه هائی که به امام غزالی نوشته شده و غزالی به آنها جواب داده است . دراین مجموعه نمونه هائی ازرسائل دوستانه و دیوانی فارسی درنیمهٔ قرن پنجم نشان داده شده است . خطبه‌ای درآن ذکر شده که ازطرف امام غزالی درمجلس سنجر ایراد شده است . این مجموعه دارای پنج باب است . باب اول درنامه هائی که به شاهان نوشته شده است . باب دوم نامه هائی که به وزیران نوشته شده . باب سوم درآنچه به امراء و ارکان دولت نوشته شده است . باب چهارم درآنچه به علماء و فقها نوشته شده . باب پنجم درفصول و مواعظ .

کتاب فضایل الانام علاوه برآنکه شامل مطالب عرفانی و حکمی است از حیث فصاحت و روانی نیز ازشاهکارهای نثر فارسی است ودرضمن

آن می‌توان به بسیاری از خصوصیات و تاریخ زندگی امام غزالی پی برد.
(چاپ تهران)

فضولی بغدادی (ت) وفات ۹۷۰- فضولی در بغداد متولد شده وبیشتر عمر را در آنجا گذرانده است. بعد به عثمانی رفت و تبعهٔ آن دولت گشت. وی به زبان ترکی وفارسی وعربی شعر می‌گفت و کتابی به تقلید «روضة‌الشهداء» حسین واعظ ساخته است به نام «حدیقة‌السعداء»

فعل (ط) (از مقولات عشر) مفهوم فعل تأثیر جسم است درجسم دیگر مثل گرم کردن آتش آب را.

فلك (نج) برحسب اعتقاد منجمان قدیم جسمی است گرد چون گوی که پیوسته در گردش است وغیرنورانی است وزمین درمرکز آن قرار گرفته وافلاك دیگر مانند پیازبه دور او بیچیده است، طبقات فلک هشت است: قمر، عطارد، زهره، آفتاب، مریخ، مشتری، زحل، نجوم متحیره (ستارگان بیابانی) که به ثوابت معروف اند زیرا که بیحرکت اند.

فلکی شیروانی (ت) نجم‌الدین ابوالنظام محمد فلکی شیروانی. وفات ۵۸۷-از گویندگان آذربایجان درقرن‌ششم هجری که چون درعلم نجوم مهارت داشته به «فلکی» تخلص یافته است. فلکی از درباریان شروانشاهان است، بخصوص خاقان اکبر منوچهربن فریدون وپسرش اخستان را مدح گفته است. فلکی نزد ابوالعلاء گنجوی به تحصیل شعر وادب پرداخت. دیوانش شامل قصاید وغزلیات ومسمط است. وی مدتی درزندان شروانشاه بسر برده واشعاری درزندان سروده است که از لطیفترین اشعار اوست.

(دیوان فلکی - چاپ عکسی.)

فم‌الحوت (نج) ازستارگان قدراول که درآخر برج دلو بردهن

حوت (ماهی) قرار گرفته است.

وزفم‌الحوت نهادی دندان   بر سر ترکش ترکان اسد

«خاقانی»

فندرسکی (ت) ابوالقاسم فندرسکی. وفات ۱۰۵۰- منسوب به فندرسک از اعمال استرآباد. فندرسکی در ریاضی وحکمت استاد بوده ودراین علوم تألیفاتی دارد. فندرسکی در دربارشاه عباس اول تقرب داشت و مورد احترام وی بود. سفری به هند کرد ودرآنجا تحت‌نفوذ افکار بودائی واقع شد و حالت درویشی پیش گرفت. فندرسکی درشعر فارسی نیز دست داشت. قصیده‌ای به استقبال شعر ناصر خسرو ساخته است که درتذکره‌ها ضبط است.

الفهرست(ك) کتابی به زبان‌عربی، تألیف‌ابوالفرج‌محمدبن‌اسحق الندیم که آن را به سال ۳۷۷ به اتمام رسانده است. کتاب«الفهرست» چنانکه از نامش پیداست،فهرست کتابهای عرب وعجم است که به‌زبان عربی موجود بوده است وشامل انواع علوم و اخبار مؤلفان آن باذکر نسب وتاریخ تولد ومدت عمر وتاریخ وفات آنهاست ازابتدای پیدایش هر علم تا عصر مؤلف. این کتاب شامل ده مقاله وهرمقاله شامل چند فن می‌باشد که همه برحسب علوم و فنون مختلف تقسیم شده است. اسامی کتابها گاهی درضمن‌شرح‌حال مؤلف‌می‌آید، وگاهی ازنظرموضوع طبقه‌بندی‌میشود. الفهرست کتابی‌است که‌ازنقطهٔ‌نظرتاریخی‌بسیارسودمند است زیرا، باآنکه درکمال‌ایجاز واختصارنوشته‌شده است، مرجع ومأخذ مورخان قرار گرفته است‌وسرچشمهٔ‌بزرگی‌از علوم‌و فنون‌مختلف‌است‌مانند شعر، حدیث،نحو، کلام ،علم قرائت خطوط ، کتابت ، فلسفه ، طب ، مذاهب مختلف ، اعتقادات ملل. همچنین بسیاری از کتابها و مؤلفان

ناشناس در این کتاب معرفی می‌شوند .

کتاب الفهرست یکی ازجامعترین وبهترین کتابهای دورهٔ تمدن اسلامی است . سبک کتاب بسیارساده‌است و کمتر کسی توانسته ازآن تقلید کند .

فیروزآبادی (ت) ابوطاهر مجدالدین محمدبن یعقوب‌الشیرازی فیروزآبادی . وفات ۸۱۷ - ازبزرگان‌ادب‌ولغت‌عرب‌درقرن هشتم . مولدش فیروزآباد فارس است . ابتدا درشیراز وپس ازآن درعراق عرب‌وبغداد به‌تحصیل علوم‌دینی مانندفقه وتفسیر وحدیث پرداخت . بعد به دمشق و اورشلیم‌رفت و درآنجابه تدریس اشتغال یافت پس از دوسال تدریس به‌آسیای صغیر و قاهره وبعدبه‌مکه‌معظمه‌رفت‌وپانزده‌سال درآنجا اقامت کرد . پس از آن به هندوستان عزیمت کرد و پنج سال‌در دهلی‌بسربرد و دوباره به مکهٔ معظمه‌بازگشت‌ودرسال ۷۹۴ به دربارسلطان احمدبن اویس جلایری به بغداد رفت .مدتی نیزقاضی القضاة یمن بود ودرسال ۸۱۷ دریمن وفات کرد . ازآثاراو تألیف‌بسیاربزرگی‌است‌درعلم لغت‌عرب موسوم به « قاموس‌المحیط »

فیروزمشرقی (ت)وفات۲۸۳ -ازشاعران‌معروف صفاریان‌ومعاصر عمروبن‌لیث . ابیاتی از او درتذکره‌ها باقی است .

فیضی‌دکنی(ت) ابوالفیض‌فیضی‌فیاضی .وفات ۱۰۰۴ - پسر شیخ مبارك هندی و برادر ابوالفضل دکنی صاحب تاریخ اکبری . فیضی در سال ۹۵۴ هجری در شهر اگره هندوستان متولد شد وعلوم مقدماتی را از پدرفرا گرفت و درجوانی به علوم متداول زمان آشنائی یافت و درفقه وتاریخ وفنون شعری دست یافت . فیضی اگر چه درهندوستان زندگی کرده است ولی از حیث استحکام شعر فارسی مانند شاعران‌خوب فارسی‌زبان است واورا از رواج‌دهندگان‌زبان‌فارسی

درهند می‌شمارند . شعر فیضی درعثمانی وهند بسیار نفوذ یافت . وی از اغلب قصه های هندی اطلاع داشته وبعضی ازآنها رابه فارسی ترجمه کرده است . فیضی درسال ۹۹۶ دردربارا کبرشاه به رتبۀ ملک الشعرائی رسید .

فیضی اشعار بسیاردارد و ابوالفضل برادر اودریکی ازنوشته هایش اشعار اورادرحدود پنجاه هزاربیت دانسته است . غزلیاتش به نام «تباشیر الصبح» است وتفسیری به نام «سواطع الالهام» دارد که درسراسرآن یک حرف نقطه دار بکارنبرده است .

فیضی مثنویهائی به تقلید نظامی ساخته است که بعضی ازآنها نیمه تمام مانده است . خمسۀ اوعبارت است از : مرکز ادوار ، سلیمان وبلقیس ، نل ودمن ، هفت کشور ، اکبرنامه .

فیض کاشانی (ت) محمدبن مرتضی الکاشانی . وفات ۱۰۹۱ - ملا محسن متخلص به فیض از فقیهان وحکیمان معروف عصرصفوی . اهل کاشان بود و درهمان شهر به تحصیلات ابتدائی وعلوم شرع درداخت . پس ازآن تحصیلات خودرادرشیرازنزد ملاصدرا تکمیل کرد . تألیفات فراوانی به ملامحسن نسبت می‌دهند .

از جملۀ آثار او اصول المعارف ، کلمات مکنونه ، در حکمت وتفسیر والصافی والوافی درحدیث وتفسیرقرآن .

ازآثارفارسی او «ابواب الجنان» است که درسال ۱۰۵۵ تألیف یافته وموضوعش نمازجمعه وآداب آن است . ملامحسن شعر نیزمی‌سرود ودیوانش درحدود شش هفت هزاربیت دارد . (دیوان فیض کاشانی-چاپ تهران)

فیه‌مافیه (ك) کتابی به نثر مشتمل برشمه‌ای از مقالات ومجالس مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی .

این کتاب متضمن بحثهای عرفانی ودینی واخلاقی است . (چاپ تهران)

ق

قاآنی (ت) میرزا حبیب. وفات ۱۲۷۰- ازشاعران بزرگ ایران در دورهٔ قاجار ومعاصر فتحعلیشاه ، پدرش نیز شاعربود «وگلشن» تخلص داشت . قاآنی به سال ۱۲۲۲ درشیراز متولد شد وبه خراسان سفر کرد و درآنجا به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت . وی نزد حسنعلی میرزا شجاع السلطنه تقرب یافت وبه فرمان و به مناسبت‌اسم پسرشجاع السلطنه یعنی او گتای قاآن ، قاآنی تخلص کرد و بوسیلهٔ همین شاهزاده به‌خدمت فتحعلیشاه رسید وبس ازآن در دربار محمدشاه و ناصرالدین نیز تقرب یافت و آنان را مدح گفت . قاآنی از معروفترین شاعران قصیده سرای‌دورهٔقاجاراست. درقصیده‌از شاعران خراسان خاصه عنصری‌وفرخی ومنوچهری‌پیروی کرده‌ودر ترجیع‌بندومسمط نیزدست داشته‌است. قاآنی گذشته از دیوان اشعار، کتابی به‌نام «پریشان» به نشردارد که آن‌را به سبک گلستان سعدی نگاشته است. وی اولین شاعر ایرانی است که زبان فرانسه را آموخته است. اما آشنائی‌بازبانهای اروپائی در شعرش تأثیری نکرده است. (دیوان‌قاآنی — چاپ‌تهران)

قائم‌مقام (ت)میرزا ابوالقاسم‌فراهانی.وفات ۱۲۵۱ - پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ قائم‌مقام وزیر عباس‌میرزا نایب السلطنه که درسال ۱۱۹۳ متولد شد وبه وسیلهٔ پدر به دربار عباس میرزا راه یافت ودرسفرها باشاهزاده همراه بود وکم کم پیشکاری او را برعهده

گرفت ودراموصلح ومعاهدات باروس کوشش بسیار کرد واساس سلطنت عباس میرزا را محکم ساخت و بعد ازاو محمد میرزا را به تخت نشاند وخود به صدارت او منصوب گشت وپس از آنکه تخت و تاج رابی منازع کرد ، درسال ۱۲۰۱ به دست دژخیمان به قتل رسید .

قائم مقام درعلوم حکمت وادب ونظم ونثرفارسی وعربی استاد بود . منشآت ومکتوبهای اونمونهٔ نثر فصیح آن عصر وبه سبک گلستان است . قائم مقام درشعر از سبک خراسانی پیروی می کند و خود نیز صاحب ابتکار وتجدد است . ازآثار معروف او مثنوی «جلایرنامه» است که از زبان جلایر یکی ازنوکران اوست که بعدها مورد تقلید ایرج درعارفنامه واقع گشته است . درمثنوی جلایرنامه اوضاع ونقائص لشکری وکشوری را بازبانی هزل آمیز نشان می‌دهد . قائم مقام اشعار شکوائی و حزن آوری داردکه اثری از وقایع خونین زمان او یعنی اواسط قرن سیزدهم درآن نمایان است .

قابوسنامه (ك) تألیف امیرعنصر المعالی کیکاووس بن اسکندربن قابوس بن وشمگیر از امیران زیاری که آن را در سال ٤٧٥ در نصیحت به فرزند خود گیلانشاه نوشته است . این کتاب شامل چهل وچهار باب است درمباحث مختلف وفنون ورسوم اعم ازکشورداری ولشکرکشی وبازرگانی وعلوم متداول زمان . مؤلف همهٔ ابواب کتاب را باحکایتها و تمثیل ها آمیخته و از اشعار خود نیز نمونه هائی ذکرکرده است . قابوسنامه را می‌توان از مهمترین کتابهای نثر فارسی شمرد که شامل اطلاعات گرانبها از تمدن قدیم و اوضاع اجتماعی است که با مطالب سودمند اخلاقی وحکمتهای عملی آمیخته است . انشای قابوسنامه نثرساده است واز بهترین وروانترین نثرهای فارسی است .

قارون (تن) پسرعم موسی که از موسی کیمیا گری آموخت و بسیاری از فلزات را به زر تبدیل کرد و خواستهٔ بیشمار جمع کرد. آنگاه غرور مال اورا بر موسی نافرمان کرد، موسی زمین را فرمود تا دهان باز کند و قارون را با خواسته اش در خود فرو برد.

قارون هلاک شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

قاضی ابو بکر حمیدالدین عمر بن محمود البلخی (ت) وفات ۵۵۹-

از عالمان وفاضلان خراسان که چندی در بلخ مسند قاضی القضاتی داشته است، وی معاصر سلطان سنجر سلجوقی بوده و با شاعران و دانشمندان زمان خود ارتباط علمی وادبی داشته است، خاصه از انوری شاعر معروف پشتیبانی فراوان کرده است، ودرهنگامی که حکم نجومی انوری برحسب پیش بینی او درمورد انقلاب جوی صحت نیافت ومردم بلخ براوشوریدند قاضی حمیدالدین اورا از مهلکه نجات بخشید. انوری دربارهٔ او ومقام فضل او مدایح فراوان گفته است. قاضی حمیدالدین علاوه براحاطهٔ برعلوم شرعی وقضا درعلوم ادبی خاصه نثرنویسی معروف است. تسلط او در نثرمسجع است و کتاب «مقامات» را به این شیوه نوشته است.

ازآثار دیگر او رساله هائی است به نام «وسیلة العفاة الی اکفی الکفاة» و «حنین المستجیرالی حضرة المجیر» و «روضة الرضافی مدح ابی الرضا» و «منیته الراجی فی جوهرالتاجی».

ازآثار منظوم اومثنوی «سفرنامهٔ مرو» است که یک قطعه از آن در مجمع الفصحاء وتذکرهٔ هفت اقلیم مندرج است.

قاضی بیضاوی (ت) ابوالخیرناصرالدین عبدالله ابوسعید بیضاوی

وفات ۶۸۵ – اهل بیضای فارس که درشیراز شغل قاضی القضاتی داشت. پدرش نیز درعهد اتابک ابوبکر بن سعد زنگی همین مقام را داشت. قاضی بیضاوی از فقیهان ومفسران بزرگ اسلام است. از تألیفات معروف او یکی کتاب تفسیر است موسوم به «اسرارالتنزیل» به زبان عربی. دیگر طوالع الانوار است در توحید و«منهاج الوصول» در علم اصول. دیگر کتابی است به زبان فارسی به نام «نظام‌التواریخ».

قاف (د) نام کوه افسانه‌ای که گرداگرد جهان را گرفته است وبه روایت «منطق الطیر» عطار جایگاه سیمرغ بوده است.

ملک جهان بگیری از قاف تا به قاف
مال جهان ببخشی از عود تا به قار
«منوچهری»

قافیه (ف) قافیه یکسان بودن آخرین جزء کلمات آخر بیت است بشرط آنکه کلمات عیناً وبه یک معنی درآخر ابیات تکرار نشده باشد. این جزء شامل یک حرف ساکن اصلی است که آن را روی می‌خوانند وحرکت ماقبل آن مانندقمر وشکر، که حروف آخر وحرکت میم وشین یکسان است؛ یاحرف ساکن ماقبل وحرکت پیش ازآن مانندبدروقدر، کاشت وداشت.

قاموس المحیط (ك) کتاب بزرگی در علم لغت عرب تألیف ابوطاهر مجدالدین محمد معروف به فیروزآبادی که آن را درقرن هشتم هجری تألیف کرده است.

قانعی (ت) امیر بهاءالدین احمدقانعی. شاعری ازاهل طوس که درحملهٔ مغول به هندوستان گریخت وازآنجا به مکه ومدینه وبغداد سفر کرد وسرانجام به آسیای صغیررفت ودردربار شاهان سلجوقی روم درقونیه

اقامت کرد ومثنوی به‌سبک شاهنامه درتاریخ آن سلسله به نظم آورد ودرسال ۶۵۵ کتاب کلیله‌ودمنه‌را به فارسی‌منظوم کرد وبه‌نام‌عزالدین کیکاووس از شاهان سلجوقی آسیای‌صغیر ساخت .

قانون (ك) یکی ازمهمترین کتابهای‌طبی اسلامی‌تألیف‌دانشمند وپزشک بزرگ ایرانی ابوعلی سینابه‌زبان‌عربی . این کتاب شامل پنج قسمت است .

۱ــ درامورکلی طب

۲ــ درادویهٔ مفرده

۳ــ امراض جزئیه اعضاء انسان

۴ــ امراض جزئیه ای که اختصاص به اعضاء معین ندارد ،

۵ــ درادویهٔ مرکبه

کتاب قانون چند بار به طبع رسیده است و ترجمه‌های متعددی ازآن شده وشروح متعددی برآن‌نوشته‌اند .

القباوی (ن) ابونصراحمدبن‌محمد بن نصر القباوی اهل بخارا ودیه قبا که درسال ۵۲۳ تاریخ بخارای نرشخی را ازعربی به فارسی ترجمه کرده وسطالبی نیز برآن افزوده است .

قبس (تن) به معنی پارهٔ آتش و درشعر فارسی اشاره به پارهٔ آتشی که در وادی ایمن از درختی برموسی‌ظاهر شد .

زآتش وادی ایمن نه منم خرم وبس

موسی اینجا به امید قبسی می‌آید

«حافظ»

قبض (زحاف) (ع) درمفاعیلن اسقاط حرف‌پنجم یعنی یاءاست که در این صورت مفاعیلن می‌شود مفاعلن ؛ وآن را مقبوض گویند .

درفعولن حذف نون است که می‌ماند فعول ؛ وآن را مقبوض خوانند .

قدر (نج) جایگاه‌ستارگان‌ونسبت آنها‌به‌منطقة‌البروج که «شرف» نیز خوانده می‌شود . آنچه را که ازهمه بزرگتر است ، قدراول یاشرف اول می‌خوانند . قدر اول پانزده است .

۱- سماك اعزل ۲- سماك رامح ۳- نسرواقع ٤- نسرطایر
۵- شعرای‌یمانی ٦- شعرای شامی ۷- عیوق ۸- دبران
۹- قلب‌الاسد ۱۰- فم‌الحوت ۱۱- منکب‌الجبار ۱۲- قدم‌الجبار
۱۳- سهیل ۱٤- آخرالنهر ۱۵- رجل‌قنطورس

قدم الجبار (نج) ازستارگان قدر اول که درشکل «جبار»است وآن را جوزا خوانند .

قران (نج) به‌معنی گرد آمدن ونزدیک شدن است ، دراصطلاح نجوم وقتی است که دوستاره به یکجا گرد شوند . قران مطلق گردآمدن زحل ومشتری است وآن به هربیست سال یک بار باشد .

قران بعضی از ستارگان نحس است وبعضی سعد . ازآن جمله قران ماه ومشتری که هرماه یکبار واقع می‌شود سعداست :

گفتم که خواجه کی به سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری ومه‌قران کنند

«حافظ»

قریب (ع) از بحور مخصوص شعر فارسی،اصل آن « مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن» ۲ باراست. این وزن ازآن بحردرفارسی گاهی به‌کار رفته است: بحرقریب مکفوف مقصور (مفاعیل مفاعیل فاع لان ۲ بار)

می‌آرد شرف مرد می‌پدید وازاده نژاد از درم خرید

قزوینی (ت) محمدبن عبدالوهاب‌بن عبدالعلی قزوینی . وفات

۱۳۲۸ شمسی — از محققان و دانشمندان معاصر که درسال ۱۲۹٤ قمری درتهران متولد شد. تحصیلات متداول را مانندصرف ونحووفقه و کلام وحکمت درنزد علماء زمان مانند حاج شیخ فضل الله نوری وحاج شیخ علی نوری وملا محمد آملی وادیب پیشاوری آموخت وبخصوص درادبیات عرب شوق فراوان یافت. قزوینی درسال ۱۳۲۲ قمری سفری به لندن کرد ودرآنجا باجمعی از مستشرقان ازجمله ادوارد برون مؤلف تاریخ ادبیات ایران آشنا گشت. درسال ۱۳۲٤ برای مطالعهٔ نسخه های فارسی وخاصه نسخه های کتاب «جهانگشای جوینی» که به تصحیح آن مصمم گشته بود به پاریس رفت. درپاریس باعلی اکبر دهخدا ملاقات کرد ودرمدت اقامت اغلب در مصاحبت یکدیگر بودند. درسال ۱۳۳۳ هجری هنگام جنگ جهانگیر اول باحسینقلی خان نواب به برلن رفت وتاپایان جنگ آنجا ماند ودوباره به پاریس بازگشت. قزوینی کتابهائی مانند لباب الالباب عوفی، المعجم فی معائیر اسعار العجم، چهارمقالهٔ عروضی، جلد اول و دوم تاریخ جهانگشای جوینی را تصحیح کرده و دیوان حافظ را باهمکاری دکتر غنی تصحیح وچاپ کرده است.

دیگر از آثار قزوینی بیست مقاله است که شامل مقالات ادبی وتاریخی اوست که درجراید مختلف فارسی درایران واروپا منتشر شده وباکوشش ومقدمه پورداوود درسال ۱۳۰۷ به چاپ رسیده است. دیگر یادداشتهای قزوینی است که شامل نکته هائی دربارهٔ مطالب مختلف می باشد.

قصر (زحاف) (ع) در مفاعیلن حذف نون واسکان لام است که می شود مفاعیل وآن را مقصور خوانند. درفاعلاتن حذف نون و اسکان تاء است که می شود فاعلات بجای آن فاعلان می گذارند وآن رامقصورخوانند

درفاع لاتن مانند قصراست درفاعلاتن

درمس تفعلن حذف نون واسکان لام است که می ماند مستفعل وبجای آن مفعولن می گذارند ، و آن را مقصور خوانند .

درفعولن حذف نون واسکان لام است که می ماند فعول ؛ وآن را مقصور خوانند .

قصص الانبیاء (ك) تألیف ابواسحق ابراهیم بن منصوربن خلف نیشابوری که در آن از روایات کلبی در ذکر «قصص قرآن» نقل کرده است مؤلف سان روایت خود و کلبی هفت واسطه ذکر کرده است این کتاب درقرن پنجم هجری تألیف یافته وعبارات و ترکیباتش کهنه است . (چاپ تهران)

قصیده (ب) اشعاری است که مصراع اول و تمام بیتهای آن دارای قافیهٔ واحد باشد ، عدد بیتهای قصیده تاسیصد می رسد . ابتدای هرقصیده تغزل است یا وصف طبیعت ، پس از آن شاعر تغزل را به مدح یا ذم می کشاند مانند قصاید فرخی ، عنصری ، خاقانی ، انوری .

قطان مروزی (ت) عین الزمان امام ابوعلی حسن بن علی . مقتول ۵٤۸ ـ از حکیمان وپزشکان وادیبان اواخر قرن پنجم واوایل قرن ششم . وی به سال ٤٦٥ درمرو متولد شد ودرجوانی به تحصیل فقه وحدیث پرداخت ودرطب وهندسه وحکمت مهارت یافت واز انواع علوم ادبی اطلاع کافی تحصیل کرد . امام حسن قطان معاصر رشید وطواط بوده وبااو مکاتبه داشته است ودرسال ۵٤۸ درحادثهٔ غز اسیر شد وبه قتل رسید .

ازآثار او ، یحیی درعروض است به فارسی که صاحب المعجم بدان اشاره کرده است ودوشجرهٔ اخرب واخرم برای استخراج اوزان مختلف رباعی از ابداعات اوست . دیگر کتاب «الدوحة» درانساب و رسایلی درطب است . ازهمه مهمتر کتاب « کیهان شناخت » است به زبان فارسی که آن را درحدود

سال ۵۰۰ هجری برای نوآموزان علم هیئت تنظیم کرده است .

قطب‌الدین رازی (ت) قطب الدین محمدبن محمد رازی . وفات ۷۶۶ — از شاگردان عضدالدین ایجی . اهل ری بوده ولی قسمت آخر عمر خودرا درشام گذرانده است . در حکمت و منطق تألیفاتی دارد ، ازآنجمله است «شرح الرسالة الشمسیه» معروف به «شرح شمسیه» در منطق که آن را به نام خواجه غیاث‌الدین محمد نوشته ودرشرح کتاب کاتبی قزوینی است . دیگر کتاب «لوامع الاسرارفی شرح مطالع الانوار» و کتاب «محاکمات» که درآن امام فخر رازی و خواجه نصیرالدین طوسی را ، به‌مناسبت اختلاف آن دو استاد در شرح اشارات ابوعلی سینا، محاکمه کرده است .

قطب‌الدین شیرازی (ت) قطب‌الدین محمودبن ضیاءالدین مسعود شیرازی معروف به علامهٔ شیرازی . وفات ۷۱۰ — پدرقطب‌الدین اهل کازرون بود ولی او درشیراز متولد شد و نزد پدرش که ازاطباء معروف ومشایخ صوفیه بود به آموختن علم طب پرداخت و درده سالگی خرقهٔ تصوف پوشید وپس از پدر بجای او به پزشکی بیمارستان منصوب شد . اما هرگز از تحصیل بازننشست وقانون ابن‌سینا را نزدعموی خودآموخت . پس از چندی عزم سفر کرد وراه مراغه راپیش گرفت وبه خدمت خواجه نصیرالدین طوسی رسیدوعلم هیئت و کتاب اشارات ابن‌سینارا نزداوخواند .

پس ازچندی به‌خراسان وعراق‌عجم وازآنجا به بغداد و روم رفت وبامولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد . پس قطب‌الدین درقونیه اقامت کرد واز صدرالدین قونوی طریقهٔ ارشاد را فرا گرفت و باحاکم روم «معین‌الدین سلیمان پروانه» آشنا شد . و به فرمان او به قضاء سیواس وملاطیه منصوب گردید ودرسال ۶۸۱ ازطرف احمد تکودار به سفارت

مصر رهسپار شد . از مصر به شام رفت ودرآنجا کتاب قانون وشفاء ابن سینا را تدریس کرد وبه تبریز رفت و قریب چهارده سال عزلت اختیار کرد وبه تصنیف پرداخت . قطب‌الدین دردربار اباقاخان وغازان‌خان مقام بلندی داشت ومورد احترام شاگردان خود بود . وی رباب می‌نواخت وشطرنج می‌باخت و در انواع علوم‌خاصه درریاضی استاد بود .

ازآثاراوبه عربی «نهایةالادراك فی درایةالافلاك» و«التحفةالشاهیه» و«شرح حکمةالاشراق» سهروردی «فتح المنان فی تفسیرالقرآن» وحاشیه بر کتاب «الکشاف عن حقایق التنزیل» زمخشری وغیره است . کتاب معروف اوبه زبان فارسی کتاب «درةالتاج» است .

قطران (ب) حکیم ابومنصور قطران عضدی تبریزی . وفات ٤٦٥- ازشاعران قرن پنجم‌ودوره سلجوقی‌وازنخستین کسانی‌است که درآذربایجان به فارسی شعر سروده است . قطران از طبقهٔ دهقانان بود که به شاعری پرداخت . از ممدوحان وی امیر ابوالحسن علی لشکری فرمانروای گنجه وامیرابومنصوروهسودان بن محمد فرمانروای تبریز وابونصر محمدبن وهسودان معروف به مملان است .

ازآثار قطران دیوان شعر اوست شامل قصاید وغزلیات ورباعیات وترجیعات . سبک قطران بیشتر به سبک فرخی وعنصری متمایل بوده‌است . ازقصاید معروف او قصیده‌ای‌است دروصف زلزلهٔ تبریز که به سال ٤٣٤ رخ داده است . اغلب اشعار قطران با رودکی آمیخته است و علت آن شباهت‌نام ممدوح رودکی ابونصرسامانی با کنیهٔ ممدوح قطران ابونصر مملان می‌باشد . جز دیوان کتاب لغتی به نام «تفاسیر فی لغةالفرس» به او منسوب است .

(دیوان قطران — چاپ تهران)

قطع (زحاف) (ع) درمستفعلن حذف نون واسکان لام است که می‌شود مستفعل بجای آن مفعولن می‌گذارند وآن را مقطوع گویند.

قطعه(ب) شعری است که ازچند بیت درست شده وازحیث ظاهر مانندقصیده‌است جزآنکه دومصراع اول آن مستلزم داشتن قافیهٔ واحد نیست. ازحیث معنی، مجموع چندشعر است دربیان یک‌معنی ومقصود که معمولا پند وحکمت و یا تقاضائی است. قطعه غالباً ازسه بیت تا دوازده بیت است.

قلب (ب) آن است که مطلب یا مضمون‌بطور مطبوعی واژگون شود وبرچند قسم است.

قلب کل:

درپای کوی تو سرما می‌توان برند

نتوان بردن از سرکوی تو پای ما

قلب مستوی: آن است که اگر هر یک از دو مصراع وارونه شود، خواندنش فرق نمی‌کند.

شوهمره‌بلبل به‌لب هرمهوش		شکر به‌ترازوی‌وزارت‌بر کش

قلب مجنح: آن است که کلمه‌های قلب شده درابتدا وانتهای مصراع قرار گیرد.

گنج دولت‌دهد گزارش جنگ		رای نصرت کند حمایت بار

قلب‌الاسد (نج) ازستارگان قدراول که در برج «اسد» قرار گرفته است.

گرمگاهی کافتاب استاده درقلب اسد

سنگ‌وریگ‌ثعلبیه ببدوریحان دیده‌اند

«خاقانی»

قمر (نج) ماه است که درفلک اول قرار دارد ونزدیکترین سیارات به زمین می‌باشد.

قمربسان چشم دردگین شود سپیده دم شود چوتونیای او

«منوچهری»

قمری جرجانی (ت) ابوالقاسم زیادبن محمدالقمری الجرجانی از شاعران نیمهٔ دوم قرن چهارم ومعاصر قابوس وشمگیر که اشعاری درمدح آن پادشاه سروده است. اشعاری از او درلباب الالباب ضبط است.

قمی (ت) ابونصرحسن بن علی منجم القمی وفات نیمه آخر قرن چهارم—ازمنجمان قرن چهارم ومعاصرفخرالدولهٔ دیلمی. ازآثاراو«کتاب البارع»درمدخل احکام نجوم است که آن را درحدود سال ۳۶۷ تألیف کرده است.

قمی (ت) حسن بن محمدبن حسن قمی از عالمان و مورخان قرن چهارم هجری که درسال ۳۷۸ به‌تشویق صاحب‌بن عباد و فخرالدوله دیلمی کتاب تاریخ قم را به‌زبان عربی تألیف کرد.

قمی (ت) حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی ازنویسندگان قرن نهم که کتاب تاریخ قم را درسال ۸۰۰ از عربی به‌فارسی ترجمه کرده است.

قوامی رازی (ت) شرف الشعرا امیربدرالدین قوامی خباز رازی از شاعران نیمهٔ اول قرن ششم ومداح قوام الدین طغرائی که تخلص خود را از نام او گرفته است. قوامی شیعی مذهب بودواشعار فراوانی درمدح خاندان پیغمبر ومرثیهٔ آنان وهمچنین اشعار پندآمیز مبتنی برافکاردینی دارد. غزلهای عاشقانهٔ قوامی بسیار لطیف است.

(دیوان قوامی—چاپ تهران ۱۳۳۴ شمسی)

قوس (نج، ازصورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة البروج و به شکل کمان . برج قوس برابرماه آذر است .

کمان‌ور را کمان در جنگ مانده

دوپای آزرده دست از جنگ مانده

«ازویس اورمین»

قید (ف) ازحروف قافیه . حرف ساکنی‌است که پیش ازروی‌قرار می گیرد وحروف قید درفارسی‌ده‌است . س ، ش ، ه ،ب، ف ، ر، خ ، ن ، غ ، ز ، مانند: دست ، دشت ، سپهر ،ابر، صفر، سرو، بخت، رنج، مغز، رزم .

مراعات حرف قید درقوافی واجب است .

ك

کاتبی نیشابوری (ت) محمدبن عبدالله ترشیزی. وفات ۸۳۸ــ
کاتبی در دهی میان ترشیز و نیشابور متولد شده است، از این رو گاهی او را ترشیزی و گاهی نیشابوری می‌خوانند. کاتبی از نیشابور به هرات و از آنجا به استرآباد و شیروان سفر کرد و مدتی در خدمت شیخ ابراهیم سلطان شیروان ماند و از آنجا به آذربایجان رفت و قصیده‌ای در مدح سلطان اسکندربن قرایوسف ترکمان ساخت. سپس به اصفهان عزیمت کرد و در آنجا به مولانا خواجه صائن‌الدین علی ترکه از بزرگان عرفا برخورد و پیرو طریقهٔ او شد و بقیهٔ عمر را به عزلت و قناعت گذراند و دوباره به استرآباد برگشت و همانجا وفات یافت.

دیوان کاتبی مشتمل است بر سه هزار بیت از قصیده و غزل و قطعه و رباعی. سه مثنوی بنام تجنیسات، ذوبحرین، ذوقافیتین و منظومه هائی به‌نام «حسن و عشق»، «ناظر و منظور»، «بهرام و گل‌اندام» دارد.

کارنامهٔ بلخ (ك) منظومه‌ای از آثار حکیم سنائی شاعر بزرگ قرن ششم در پانصد بیت که آن را در شهر بلخ و در عهد سلطنت مسعودبن ابراهیم ساخته است. موضوع آن مدح شاه و بزرگان غزنین و دارای هجو و مطایبه است و به این جهت آن را «مطایبه‌نامه» نیز گویند.

این منظومه با تصحیح مدرس رضوی در جلد سوم از دفتر چهارم فرهنگ ایران زمین چاپ شده است.

کاشفی (ت) مولانا کمال‌الدین حسین واعظ کاشفی وفات ۹۱۰ — از فاضلان نامی دورهٔ آخر تیموری و معاصر سلطان حسین بایقرا. کاشفی اهل سبزوار است که در هرات به وعظ می‌پرداخته و در علم کلام و حدیث و تفسیر و سایر فنون ادب استادی داشته و در نثر فارسی هنرمند بوده است. از آثار معروف او کتاب «انوار سهیلی» و «صحیفهٔ شاهی» یا «مخزن الانشاء» و «لب لباب مثنوی مولوی» و «روضة الشهداء» و «تفسیر مواهب علیه» و «اخلاق محسنی» و «اسرار قاسمی» در سحر و طلسم است.

کاشفی (ت) فخرالدین علی بن حسین کاشفی. پسر حسین واعظ کاشفی که کتاب «رشحات عین‌الحیاة» را در سال ۹۰۹ تألیف کرده است. دیگر از آثار او کتاب «لطائف الطوائف» است.

الکافی (ك) تألیف فقه و محدث معروف اسلامی محمد بن یعقوب کلینی. کتاب کافی یکی از چهار کتاب شیعه است که کلینی بیست سال در تألیف آن وقت صرف کرده است و شامل شانزده هزار حدیث است که مرجع علمای شیعه و فقیهان و محدثان می‌باشد.
(الکافی با ترجمه فارسی —چاپ تهران)

کافی ظفر همدانی (ك) از شاعران اواخر قرن پنجم و معاصر ملکشاه بن الب ارسلان سلجوقی (۴۶۵—۴۸۵). در لباب الالباب چند قصیده و غزل از او نقل شده است.

کامل (ع) از بحور شعر عربی و در آن زبان مسدس است و در فارسی به ندرت بکار می‌رود. وزنی که گاهی از آن به کار رفته این است:
بحر کامل مثمن (هر مصراع متفاعلن ۴ بار):
به حریم خلوت خود شبی چه شود نهفته بخوانیم
به کنار من بنشینی و به کنار خود بنشانیم

کامل التواریخ (ك) تاریخی به زبان عربی تألیف ابوالحسن عزالدین علی بن محمد معروف به ابن اثیر. این کتاب شامل ده جزء است مشتمل بر تاریخ عالم از ابتدای خلقت تا سال ۵۲۰ هجری. ابن اثیر در کتاب «الکامل» تاریخ پیغمبران وشاهان را به هم آمیخته است. ودر نقل، از کتاب تاریخ طبری تقلید کرده وحذف واضافاتی درآن بکار برده که خود نیز به آنها اشاره کرده است. الکامل اولین تاریخی است که حاوی وقایع استیلای مغول است و از منابع گرانبهای آن دوره به شمار می رود.

کاووس (ش — د) از شاهان سلسلهٔ کیان وپسر کیقباد که به یاری رستم مازندران را فتح کرد و برای سرکوبی شاه‌ها ماوران رفت وبه زندان افتادوبه دست رستم نجات یافت وسودابه دخترشاه‌هاماوران را گرفت وبه ایران بازگشت. کاووس یک باربه فریب اهریمن به‌آسمان پرواز کرد وعقابهائی که تخت او را می کشیدند، اورا درسرزمین آمل فرود آوردند. کاووس به خود کامگی وتندی معروف بود وبارستم که بارها اورا از رنجها رهانیده بود، به تندی رفتاری کرد، چنانکه‌ازدادن نوشدارو درمرگ سهراب خودداری کرد. همچنین باسیاووش پسر خود رفتاری ناجوانمردانه پیش گرفت، براوخسمگین شد واورا به‌سرزمین توران فرستاد ودیگر روی او را ندید. سرانجام کاووس از شاهی کناره گیری کرد وتخت وتاج را به کیخسرو پسر سیاووش واگذاشت.

کاوهٔ آهنگر (ش — د) آهنگری که مطابق داستان شاهنامه برضحاک که پسرانش را کشته بود، شورید وچرم پاره‌ای برسر چوب کرد ومردم را به پیکار باضحاک برانگیخت. ضحاک را در کوه‌دماوند برندان کرد وفریدون را برتخت نشاند.

کسائی مروزی (ت) ابوالحسن مجدالدین اسحق کسائی مروزی. وفات ۳۹۱ــ از شاعران اواخر قرن چهارم که ناصرخسرو شاعر معروف دراشعار خود بسیار از او نام برده وبه پیری وفرسودگی او اشاره کرده است. کسائی قصایدی درمدح وزیر سامانیان وهمچنین سلطان محمود غزنوی دارد وگذشته ازتوصیفات ومدایح، قصایدی هم درپند واندرز وحکمت دارد که اغلب دارای معانی فلسفی است وناصرخسرو بعضی از آنها را استقبال کرده است. کسائی در توصیف و ابراد تشبیهات استادی داشته است. قطعاتی از اشعار او درتذکره‌ها و فرهنگها نقل شده است.

کسوف (نج) گرفتن خورشید است. ماه اگر میان زمین وآفتاب واقع شود، آفتاب را ازچشم می‌پوشاند وسیاهی که برآفتاب دیده می‌شود سایهٔ ماه است. کسوف یا تمام وکلی است یا ناقص وجزئی

تا حشر منکسف نشود آفتاب اگر
آید به زیر سایهٔ عدلت به زینهار

«انوری»

الکشاف (ك) از مهمترین تفسیرهای معتزله تألیف ابوالقاسم محمودبن عمر زمخشری خوارزمی (متوفی ۵۳۸). زمخشری دراین تفسیر دربارهٔ خصوصیات صرف ونحو ومعانی وبیان وشأن نزول آیات ومسائل اعتقادی معتزله بحث کرده‌است. کشاف ازتفسیرهای پرارزش است و شروح بسیار برآن نوشته اند.

کشف (زحاف) (ع) درمفعولات حذف تاء است که می‌ماند مفعولا بجای آن مفعولن می‌گذارند وآن‌را مکشوف خوانند.

کشف‌الاسرار وعدة‌الابرار (ك) ازمهمترین تفسیرهای پارسی

قرآن، تألیف ابوالفضل رشیدالدین المیبدی . این تفسیر درسال ۵۲۰ هجری انجام گرفته است و همچنانکه مؤلف خود می گوید در حقیقت شرحی است بر کتاب خواجه عبدالله انصاری در تفسیر قرآن ، و بعقیدهٔ مؤلف خواجه عبدالله انصاری در کلام ایجاز بسیاربه کاربرده ولی اوبه شرح وبسط بیشتری پرداخته است ودربسیاری از موارد نام خواجه عبدالله انصاری را به «پیرطریقت» یا «عالم طریقت» یاد کرده است .

(چاپ دانشگاه تهران)

کشف المحجوب (ك) تألیف ابوالحسن علی بن عثمان بن ابی علی الجلابی الغزنوی الهجویری که آن را به درخواست شیخ ابوسعید هجویری دراواسط قرن پنجم درلاهور تألیف کرده است . این کتاب ازجملهٔ قدیمترین کتابهای صوفیه می باشد که عطار درتذکرة الاولیاء وجامی در نفحات الانس ازآن استفاده کرده اند . کشف المحجوب تذکره ای است از احوال اصفیاء واولیاءوتاریخ مشایخ صوفیه واقوال آنان . سبک نثر کتاب ساده وروان است ولی هجویری گاه نیز نثر موزون به کار می برد .

(چاپ تهران)

کشف المحجوب (ك) تألیف ابویعقوب اسحق بن احمد سکزی که دراوائل قرن پنجم تألیف یافته واز مهمترین آثاراسمعیلیه محسوب می شود وشامل هفت مقاله است درتوحید ، خلق اول (خرد) ، خلق ثانی (نفس)، خلق ثالث (طبیعت) ، خلق رابع (موجودات روی زمین)، خلق خامس (نبوت)، خلق سادس (برانگیختن یعنی بعث وشورمعاد) . سبک نگارش کتاب بسیار کهنه است .

کشکول (ك) کتابی تألیف شیخ محمدبن حسین عاملی مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان مشهور دورهٔ صفویه . این کتاب شامل

مطالب گوناگون اخلاقی وادبی به‌نظم ونثر عربی وفارسی است وبارها درایران به چاپ رسیده است .

کف (زحاف) (ع) درمفاعیلن حذف حرف هفتم یعنی نون است که می‌ماند مفاعیل؛ و آن را مکفوف خوانند

درفاعلاتن حذف نون است که می‌ماند فاعلات، وآن را مکفوف گویند .

درفاع لاتن مانند کف درفاعلاتن است .

در مس تفع لن حذف نون است که می‌ماند مستفعل ؛ و آن را مکفوف خوانند .

الکفایة(فی فروع الشافعیة) (ك) منسوب به‌امام البغوی الشافعی (متوفی ۵۱۶) محدث ومفسر معروف که‌آن‌را در اوایل قرن ششم دربارهٔ فقه شافعی تألیف کرده است. ازمشخصات این کتاب آنکه مؤلف کوشیده است تمام اصطلاحات فقه به فارسی ذکر شود . ازاین کتاب یک نسخه به‌نام «کفایة فی‌الفقه‌الفارسیه» جزو نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران موجود است .

کلب اکبر (نج) یا کلب الجبار ازصورتهای فلکی در جنوب منطقة‌البروج به شکل سگ بزرگ.

کلب‌مقدم (نج) ازصورتهای فلکی در جنوب منطقة البروج به شکل سگ.

کلبهٔ‌احزان (تن) خانه‌ای که یعقوب‌درآن مقیم‌شده بودوبرفراق یوسف می گریست .

یوسف گمگشته بازآیدبه کنعان غم‌مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم‌مخور

«حافظ»

کلی (ط) لفظی که شامل افراد و جزئیات متعدد گردد . مانند مردم، که بر عمر وزید وبکر دلالت کند ؛ وحیوان ، که شامل اسب و سگ وشیر و گربه وموش وانسان و انواع دیگر جانداران است .

کلیات خمس (ط) عبارت است از: نوع ، جنس ، فصل ، عرض عام ، عرض خاص .

از اینها سه ذاتی است : نوع ، جنس ، فصل
ودو عرضی است : عرض عام ، عرض خاص .

کلیله ودمنه (ک) کتابی هندی که در زمان انوشیروان ساسانی به وسیلهٔ برزویهٔ طبیب از هندوستان به ایران آورده شد واززبان سانسکریت به پهلوی نقل گردید وسپس از پهلوی به وسیلهٔ عبدالله بن المقفع به عربی در آمده است . رودکی کلیله ودمنه را به فارسی منظوم ساخت که از آن جز ابیات پراکنده چیزی در دست نیست . پس از آن در اوایل قرن ششم ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبدالحمید منشی ترجمه‌ای از عربی به عبارت منشیانهٔ فارسی ترتیب داد وآن را به نام ابوالمظفر بهرامشاه بن مسعود بن ابراهیم ساخت . این ترجمه سحر وفتربن ترجمهٔ کلیله ودمنه است وازآثار نثر مصنوع زبان فارسی است که نویسنده در آن به آوردن مترادفات واستشهاد به اشعار وآیات وامثال عربی و فارسی مقید بوده است . این کتاب برای مترسلان نمونه‌ای از فصاحت و بلاغت شمرده شده وقوت ترکیب وحسن اسلوب آن مورد توجه قرار گرفته ، چنانکه پس از آن چندین کتاب به تقلید آن تألیف یافته است . مانند انوار سهیلی حسین واعظ کاشفی وعیار دانش .

کتاب کلیله ودمنه در چندین باب است که یکی ازآنها در ذکر حال برزویهٔ طبیب می باشد وبقیه در حکمت وموعظت و پند وامثال که باداستانها

وقصه‌ها برزبان وحوش وحیوانات آمیخته است .

کتاب کلیله‌ودمنه مطابق گفتهٔ نصرالله منشی شامل شانزده‌باب بوده که ده باب آن متعلق به هندیان‌بوده است وشش باب راایرانیان برآن افزوده‌اند .

کلیم یا کلیم‌الله (تن) رجوع شود به موسی

خارا چومار برکشم و بس به یک عصا

ده چشمه چون کلیم ز خارا برآورم

«خاقانی»

کلیم همدانی (ت) ابوطالب کلیم کاشانی. وفات ۱۰۶۱ — کلیم درهمدان تولد یافت ومدتی درشیراز بسر برد وپس ازآن به هندوستان سفر کرد وپس ازچندی به وطن برگشت ولی باز به هندوستان رفت وبه دربارشاهجهان‌راه یافت ونزد او تقرب پیدا کرد و بدلقب‌ملک‌الشعرائی ملقب گشت. کلیم با شاهجهان به کشمیر رفت وچون شیفتهٔ هواومناظر طبیعی آنجا شد ، بااجازهٔ شاهجهان همانجا ماند تا درگذشت .

کلیم در تمام فنون شعر وارد است ، قصایدش دارای مضامین تازه است ولی استادی کلیم در غزل سرائی است. غزلهای وی دارای نیروی تخیلی می‌باشد که حتی درمضامین معمولی نیز درشعرش دیده می‌شود. کلیم‌علاوه برنازک‌خیالی لفظ را نیز فراموش نکرده وکلامش یکدست و متجانس است .

(دیوان کلیم ـ چاپ تهران)

کلینی (ت) ابوجعفر محمدبن یعقوب‌بن اسحق کلینی رازی. وفات ۳۲۹ - از محدثان وفقیهان معروف‌شیعه‌وازفتوی‌دهندگان‌معروف‌اسلامی. اولین محدث امامی است که به جمع ونقل اخبار دینیه پرداخته است

ودرقرن چهارم اغلب مشایخ محدثان از او روایت کرده‌اند .

ازآثاراو رد قرامطه، تعبیرالرویا، رسائل الائمه، کتاب الرجال است وازهمه معروفتر کتاب «الکافی» درعلم دین است .

کم (ط) (ازمقولات‌عشر) از جملهٔ عرضهاست که در مفهوم آن تقسیم کردن معتبراست وعبارت از قدرواندازهٔ اشیاء است .

کمال‌خجندی (ت) کمال‌الدین خجندی .وفات ۸۰۳ــازشاعران عارف قرن هشتم . درخجنداز بلاد ماوراءالنهر متولد شد وپس‌ازچندی به‌تبریز مهاجرت کردودرخدمت‌سلطان حسین جلابر تقرب یافت چنانکه سلطان برایش خانقاهی ساخت . درسال ۷۸۷ که امیر قبچاق به‌تبریز تاخت ، بسیاری از دانشمندان‌را به پایتخت خود برد ، ازآنجمله کمال بود . وی چهارسال درآن شهر ماند، دوباره به‌تبریز برگشت وهمانجا ماند تا درخانقاه خود وفات یافت .

کمال درغزل عارفانه استادی داشته و اشعارش مورد نظرحافظ بوده است . دیوانش شامل غزلیات وقطعات وچندین رباعی است .

(دیوان کمال خجندی ــ چاپ تبریز)

کمال‌خوارزمی (ت) کمال‌الدین حسین بن خوارزمی. وفات درحدود ۸۴۰ــازنویسندگان قرن نهم که بین سالهای ۸۳۰ و ۸۴۰ به دست اوزبکان ماوراءالنهر کشته شد . کمال صاحب تألیفات‌بسیار است ، از جمله دوشرحی است که بر کتاب مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی نوشته . یکی به‌نام «کنزالحقایق» است که مختصر می‌باشد و دیگری که مفصل‌تراست «جواهرالاسرار وظواهرالانوار»نامیده‌شده‌است

کمال‌الدین‌اسمعیل (ت) خلاق‌المعانی کمال‌الدین اسماعیل بن جمال‌الدین محمدبن‌عبدالرزاق‌اصفهانی . وفات ۶۳۵ــازشاعران وقصیده

سرایان معروف عراق در قرن هفتم . وی نیز مانند پدر (جمال‌الدین عبدالرزاق) مداح خاندان آل صاعد وآل خجند بوده است . کمال‌الدین خوارزمشاهیان واتابکان فارس وسپهبدان طبرستان رانیز مدح کرده‌است . دورهٔ وحشتناک مغول‌را به‌چشم دیده‌ودر واقعهٔ قتل‌عام اصفهان به‌دست مغول ،ستواری گشته وسرانجام درسال ۶۳۵ به دست آنان کشته شده است . کمال‌الدین درقصیده استاد است ومعمولا قصایدش بدون تغزل شروع می‌شود واغلب دارای ردیفهای دشوار است . کمال‌الدین در توصیف اصفهان و روزگار آبادی وخرابی آن قصاید بسیار دارد .

(دیوان کمال‌الدین - چاپ تهران)

کمال‌نامه (ك) مثنوی عرفانی اثر خواجوی کرمانی شاعر قرن هشتم که آن‌را درسال ۷۴٤ بروزن هفت پیکر نظامی و به‌نام شیخ ابواسحق اینجو ساخته است .

کمان رستم (نج) کنایه از قوس‌قزح

چون تیغ زندآفتاب رابت   برابر بگردد کمان رستم

«ابوالفرج‌رونی»

کنایه (ب) هرگاه بجای آنکه کسی ناچیزی را نام‌ببرندیاعملی را صریحاً بیان کنند ، یکی ازلوازم آن شخص یا حیوان یاامری که‌از صفتی حاصل می‌شود یا نتیجهٔ عملی را بیان کنند ، معنی مقصود به کنایه‌ادا شده است . فی‌المثل اگربجای خراورا «درازگوش» بخوانند، شنونده معنی‌خررادرمی‌یابد زیرا که داشتن گوش‌درازازلوازم ومختصات خر است . پس‌نام خر به کنایه بیان شده‌است .

کنعان (تن) شهری که یعقوب پیغمبر به آنجا نزد خال خود پناهنده شد ودختر اوراگرفت وهمانجا ماند .

یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور
«حافظ»

کوثر (تن) چشمه‌ای در بهشت که همهٔ چشمه های بهشت از آن جاری می گردد .

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواستهٔ کردگار چیست
« حافظ »

کوشیار (ت) رجوع شود به گیلی :

یکی در نجوم اندکی دست داشت ولی از تکبر سری مست داشت
بر کوشیار آمد از راه دور دلی پر ارادت سری پرغرور
(سعدی)

کوکب (نج) از اجسام فلکی که نورانی است ، برعکس فلک که غیر نورانی است .

شنیدستم که هر کوکب جهانی است
جداگانه زمین و آسمانی است

کوهکن (د) رجوع شود به فرهاد .

چو نشنید قول انجمن را طلب فرمود کردن کوهکن را
«نظامی»

کهکشان (نج) رجوع شود به مجره

چشمم درعاله بر آن خوشه که خرمن کرده شب
داس کژ دندان ز راه کهکشان انگیخته
«خاقانی»

کیخسرو (ش ــ د) ازشاهان سلسلهٔ کیان، پسر سیاوش وفرنگیس، که پس ازمرگ سیاوش در سرزمین توران به دنیا آمد . پیران ویسه او را به شبانان سپرد تا بزرگ شد . گیو پهلوان ایران مأمور آوردن کیخسرو به ایران شد وپس از هفت سال جستجو اورا درمرغزاری یافت وازخالی که بر بازو داشت ونشان کیانیان بود ، اورا شناخت وباخودبه ایران آورد . سران ایران درپادشاهی کیخسرو همداستان نبودندو گروهی فریبرز پسر کاووس را سزاوارتر می‌دانستند . کاووس برای آزمایش ، هردورا به گشودن دز بهمن فرستاد . کیخسرو پیروز شد و به شاهی رسید . کیخسروبه کین پدر با افراسیاب جنگ کرد و سرانجام افراسیاب کشته شد . کیخسرو شصت سال شاهی کردوپس ازآن به عبادت پرداخت وسران کشور را جمع کرد وکناره گیری خودرا اعلام کرد ولهراسب را به تخت نشاندوبه بزرگان گنج بخشید وایشان را بدرود گفت وخودروی به کوهی نهاد ونا پدید گشت .

کیف (ط) (ازمقولات عشر) عرضی است که نه می‌توان آن را قسمت کرد ونه نسبت داد . مثل سبکی، سنگینی. کیف اگر مختص به نفس حیوان و انسان باشد نفسانیه است . مثل : قدرت ، اراده و اگر باحواس پنجگانه بتوان ادراك کرد محسوسه است مثل : طعم ، رنگ .

کیقباد (ش ــ د) نخستین شاه کیانی و از نژاد فریدون . چون تخت ایران پس از مرگ گرشاسب بی‌شاه ماند زال ، به اشارهٔ مؤبد ، رستم را به جستجوی کیقباد به کوه البرز فرستاد . رستم کیقباد را ازکوه البرز آورد وبرتخت نشاند .

کیمیای سعادت (ك) تألیف حجةالاسلام امام محمد غزالی که آن را پس ازسفرده سالهٔ خودمیان سالهای ۴۹۰ ـ ۵۰۰ به زبان فارسی

نگاشته است. کیمیای سعادت خلاصه‌ای است از احیاءالعلوم که به زبان عربی نوشته شده بود ودرچهار موضوع یا چهار عنوان است. شناختن نفس، شناختن حق تعالی، شناختن دنیا، شناختن آخرت. این کتاب هم جنبهٔ اخلاقی ودینی داردوهم حکمتی وعلمی.

نثر کیمیای سعادت روان ودرعین حال بسیار پخته وپرمغز است ونثری است عارفانه وادبی. (چاپ تهران)

کیومرث (ش ـ د) نخستین شاه پیشدادی که آئین تخت وتاج را آورد وشاه شد وسی سال سلطنت کرد. به روایت شاهنامه غذا پختن وجامه دوختن از پوست جانوران را او به مردمان آموخت.

گ

گردآفرید (ش ــ د) دختر نیرومند و پهلوانی که روی بسته به جنگ سهراب رفت و رشادتها کرد وباحیله اورا بادژسپید کشید وخود را به داخل دژ افکند ودررا به روی سهراب بست وخود وهمه ایرانیان دژنشین را نجات داد .

گردیزی (ت) ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود گردیزی غزنوی . ازنویسندگان دورهٔ غزنوی ومعاصر سلطان عبدالرشید بن مسعود بن محمود سبکتکین . وی درزمان این پادشاه تاریخ بزرگی تألیف کرده است که به «زین الاخبار» معروف است .

گرشاسب (ش ــ د) نام یکی از نیاکان زال که از زابلستان بود وحکیم اسدی طوسی درقرن پنجم داستان دلاوریهای او را به نظم آورده وبه «گرشاسب نامه» موسوم ساخته است .

گرشاسب نامه (ك) داستان منظومی تألیف ابونصر علی بن احمد اسدی طوسی که درسال ۴۵۸ نظم آن را به پایان رسانده است . این منظومه درحدود ده هزار بیت دارد و درشرح حال گرشاسب پهلوان سیستان وجد رستم است . شاعر سفرهای گرشاسب را به کشورهای هند و افریقیه وهنرنمائیها وپهلوانیهای او وجنگهائی را که با اژدها و دیو و ببر کرده است ، به تفصیل وصف می کند و داستان را با بحث هائی

مانند نکوهش جهان وستایش خداوند و انسان و وصف شب و روز وامثال آن می‌آمیزد .

اسدی گرشاسب‌نامه راازمتن منثوری گرفته که شاید همان گرشاسب نامهٔ منثور ابوالمؤید بلخی بوده‌و جزو شاهنامهٔ او محسوب می‌شده است . اسدی درنقل داستان ووصف میدانهای جنگ ومناظر طبیعی استادی نشان داده است .

داستان گرشاسب‌نامه نخستین داستان حماسی است که پس از شاهنامهٔ فردوسی وبه تقلید آن به نظم آمده است . (چاپ تهران)

گرگ (نن) درشعر فارسی اشاره به گرگی است که برحسب گفتار دروغ برادران یوسف ، یوسف را دریده است .

در کوی تو معروفم واز روی تو محروم
گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده

«سعدی»

گشایش ورهایش (ك) از رساله‌های فارسی تألیف ناصرخسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم . این کتاب شامل جوابهائی است که ناصرخسرو به سؤالهای یکی از برادران دینی داده‌است . کتاب حاوی سی سؤال وجواب است که ناصرخسرو با زبانی ساده وروشن دربارهٔ امور دین وحل مشکلها آورده است .

گشتاسب (ش ـ د) پسر لهراسب که چون از پدر تاج و تخت خواست و پدر روی موافقت نشان نداد ، به روم رفت و کتایون دختر قیصر را گرفت . سپس گشتاسب برادرخود زریر را که از جانب پدر به روم آمده‌بود ، شناخت وبااوبه ایران بازگشت وبه تخت نشست . گشتاسب از کتایون دخترقیصر دوپسر داشت : اسفندیار و پشوتن . از وقایع

زمان گشتاسب ، ظهور زرتشت است که گشتاسب وپسرانش و بزرگان ایران به‌دین او گرویدند . دیگر جنگ با ارجاسب است که برای ترویج دین زردشت بادلیریهای اسفندیار به‌پیروزی انجامید .

گلستان (ك) از معروفترین کتابهای نثر فارسی که سعدی شاعرو ادیب بزرگ ایران آن‌را درسال ۶۵۶ به‌نام شاهزاده‌سعدبن ابوبکربن‌سعد زنگی تألیف کرده است . گلستان کتابی است تربیتی و اخلاقی ، شامل یک مقدمه درسبب تألیف کتاب وهشت‌باب: درسیرت پادشاهان، دراخلاق درویشان ، درفضیلت قناعت ، در فواید خاموشی ، درعشق وجوانی ، درضعف وپیری ، درتأثیر تربیت ، درآداب صحبت .

سعدی در کتاب گلستان انواع مواعظ‌وحکم‌را درنثر آمیخته بانظم گنجانده است . نثر گلستان نثر مسجع ومزین است ودرواقع بایدسعدی رادراین‌شیوه‌استاد مسلم دانست . سبک‌نثر گلستان‌مورد تقلید نویسندگان قرون بعد قرارگرفته است . گلستان چندین بار به چاپ رسیده وازقرنها پیش کتاب درسی ایرانیان شده است .

گلشن‌راز (ك) مثنوی تألیف سعدالدین محمود شبستری که آن را در سال ۷۱۰ به رشتهٔ نظم کشیده است . این مثنوی از جامعترین مثنویهائی است دراصول تصوف؛ وموضوع آن پاسخ پانزده سؤال است در بارهٔ تصوف که شخصی به نام « امیر حسینی حسین بن عالم ابی‌الحسین هروی» از عارفان بزرگ خراسان آنها را مطرح کرده است . سؤالها دربارهٔ تفکر وسر وحدت، خودشناسی ، اناالحق ، ممکن وواجب ، قدیم ومحدث ، جزء و کل واز این قبیل مسائل است .

شبستری در ضمن جواب به این سؤالها امثال و شواهدی هم آورده است .

مثنوی گلشن راز بوسیلهٔ شیخ شمس الدین محمد لاهیجی درسال ۸۷۷ شرح شده وبه نام «مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز» خوانده شده است .

گلشن صبا (ك) کتاب منظومی که فتحعلی خان صبا ملك الشعرای دربار فتحعلیشاه آن را به تقلید بوستان ساخته است .

گلگون (ش ـ د) نام اسب شیرین

نبود آن روز گلگون در وثاقش   بر اسبی دیگر افتاد اتفاقش

«نظامی»

گل و نوروز (ك) گل و نوروز مثنوی عشقی اثر شاعر بزرگ ایران خواجوی کرمانی که آن را به سال ۷٤۲ بروزن خسرو وشیرین نظامی وبه نام تاج الدین احمد عراقی ساخته است . عدد ابیات آن در حدود ۲٦۰۰ می باشد .

گنج دانش (ك) کتاب سودمندی به زبان فارسی تألیف محمد تقی خان حکیم که آن را درسال ۱۳۰۵ هجری تألیف کرده است . این کتاب فرهنگ کاملی است ازاسامی اماکن وبلاد ایران ورجال مشهور ویادداشتهای مفید شامل ۵۷٤ صفحه . امتیاز این فرهنگ برفرهنگهای دیگر آن است که مؤلف درابتدای کتاب بطور تفصیل مآخذ و منابعی را که مورد استفاده اش قرار گرفته ذکر کرده است .

گنج قارون (تن) گنجی که قارون پسر عم موسی به وسیلهٔ کیمیاگری اندوخته کرد وبه غرور آن برموسی عصیان کرد ، موسی دعا کرد تاقارون و گنجش درخاك فرو رفتند .

قارون هلاك شد که چهل خانه گنج داشت
نوشیروان نمرد که نام نکو گذاشت

«سعدی»

گندم (بن) دانه‌ای که خوردنش در بهشت برای آدم و حوا نهی شده بود ، ولی ایشان به اغوای ابلیس ازآن خوردند و از بهشت رانده شدند .

بدرم روضهٔ رضوان به دو گندم بفروخت
ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم
«حافظ»

گودرز (ش‍ ـ د) از پهلوانان شاهنامه پسر کشواد . گودرز هفتاد پسر داشت همه از پهلوانان نامی که ازآن میان گیو و بهرام در شاهنامه نامدارترند . خانوادهٔ او در شاهنامه گودرزیان خوانده شده‌اند . گودرز در دربار کاووس بسیار آبرو واحترام داشت وهمیشه مورد شور قرار می گرفت .

گوسالهٔ سامری (تن) گوساله‌ای ازطلا که مردی به نام سامری درزمان موسی ساخت ومطابق روایات خاك زمینی را که اسب جبرئیل درآن پانهاده بود ، برآن افشاند . گوساله به صداآمد وحرکت کرد .

چون سامری مباش که زر داد و ازخری
موسی بهشت و از پی گوساله می‌رود
«حافظ»

گوهر مراد (ك) کتابی درحکمت والهیات به زبان فارسی تألیف عبدالرزاق لاهیجی که آن را درزمان شاه‌عباس ثانی وبه نام او تألیف کرده است . این کتاب شامل مقدمه وسه مقاله است که هرمقاله دارای چندین فصل درمنطق وخودشناسی وخداشناسی ورسالت وامامت است . گوهر مراد ازکتابهای سودمندی است که در منطق والهیات به زبان فارسی نوشته شده است .

گوهر نامه (ك) مثنوی بروزن خسرووشیرین نظامی که خواجوی

کرمانی آن را به‌نام امیرمبارزالدین محمد مظفر و وزیر او بهاءالدین محمود ساخته است. موضوع آن تصوف واخلاق است.

گوی‌وچوگان (ك) یاحالنامه منظومهٔ عارفانهٔ کوچکی در پانصد بیت تألیف محمود عارفی هرانی که آن را درسال ۸۴۲ ساخته است. شاعر دراین منظومه بازی گوی وچوگان را وصف کرده ومناظره‌ای بین آنها ترتیب داده وآن را «حالنامه» خوانده است.

موضوع اصلی این مثنوی داستان عشق درویشی است نسبت به شاهزاده‌ای. درویش پیوسته ازعشق خون دل می‌خورد تا سرانجام دراین راه جان را به باد می‌دهد.

عارفی این منظومه را به تقلید نظامی ساخته ودرسراسر آن سوز وسستی عشق را آشکار کرده است و درضمن نقل حکایت قطعه‌های زیبا وبدیعی مانند «مناظرهٔ زمین وآسمان» و«رازگفتن درویش با گوی وچوگان» آورده است. (چاپ لندن)

گیتی‌گشا (ك) کتابی درتاریخ زندیه، تألیف میرزا محمدصادق موسوی. این کتاب دردورهٔ انحطاط ادبی یعنی‌اواخرقرن دوازدهم نوشته شده و نثر آن بسیارسست و متکلفانه است.

(چاپ تهران)

گیلی (ن) ابوالحسن کوشیارزمنجمان وریاضی‌دانان قرن چهارم وآغازقرن پنجم. ازآثار اوکتاب الاصطرلاب و عیون الحقایق است درعلم نجوم.

گیو (ش — د) از پهلوانان شاهنامه وپسر گودرز که دلاوریها کرده‌است وازکارهای‌معروف‌اوآوردن کیخسروبه‌ایران‌است. دیگر یافتن

دختری در شکارگاه و آوردن او نزد کاووس است که کاووس او را به همسری برمی‌گزیند و سیاوش از او به وجود می‌آید . گیو پدر بیژن پهلوان نامی است که داستان او با منیژه دختر افراسیاب از قسمتهای دلکش شاهنامهٔ فردوسی است .

ل

لازم (ط) چیزی که از شیء منفک نشود . مثل قدرت کتابت از انسان

لامعی گرگانی (ت) ابوالحسن محمدبن اسمعیل لامعی از شاعران قرن پنجم ومعاصر طغرل سلجوقی و الب ارسلان است . اشعاری درمدح عمیدالملک کندری وزیرطغرل ونظام الملک وزیرالب ارسلان سروده است. لامعی دروصف وتنوع مضامین بسیار مهارت داشته است وچون به زبان عربی آشنائی داشته ، کلمات وحتی عبارتهای عربی درکلام خود بسیار استعمال کرده است .

(مجموعه اشعارلامعی — چاپ تهران)

لاهیجی (ب) ملاعبدالرزاق لاهیجی . وفات ۱۰۵۱ — ازمعروفترین حکیمان وعالمان عصرصفوی ومعاصر شاه عباس ثانی . لاهیجی شاگرد ملاصدراست وتألیفات مهمی درحکمت ومنطق دارد . معروفترین کتابهای فارسی او «گوهر مراد» و «سرمایهٔ ایمان» است . از جملهٔ تألیفاتش به زبان عربی «شوارق الالهام» درشرح تجرید خواجه نصیر طوسی است . لاهیجی شعر نیز می گفته و«فیاض» تخلص می کرده است .

لباب الالباب (ك) تذکرهٔ مهمی به زبان فارسی ، تألیف محمد عوفی از نویسندگان اوایل قرن هفتم که آن را درسال ۶۱۷ به نام عین الملک فخرالدین وزیر ناصرالدین قباجه تألیف کرده است . این کتاب

درشرح حال شاعران ایران است ، از ابتدا تازمان مؤلف و مشتمل بردوجلد است . جلداول حاوی‌شرح حال ونقل‌اقوال سخنگویان‌ازشاهان وامیران ووزیران ودانشمندان . جلد دوم خاص شاعران وادیبان‌است شامل شرح حال ۱۶۹ تن ازشاعران ایران .

لباب‌الالباب قدیمترین تذکره‌ای است از احوال شاعران فارسی زبان و درآن ازشاعرانی یاد شده است که احوال و آثارشان براثرحملهٔ مغول یا وقایع دیگر از بین رفته است و اگرچه مؤلف در ذکر حال شاعران و بزرگان اطلاعات سودمندی به‌دست نمی دهد و اغلب به استعمال استعاره و تشبیه و جناس می پردازد وعبارت پردازی را به‌آوردن معانی مفیدتر جیح می‌دهد ، باز از نظر تاریخی و ادبی بسیار مهم‌است .

لبیبی (ت) ازشاعران اواخر قرن چهارم و اوایل‌قرن پنجم .وی معاصر فرخی بود ومانند او ابتدا به دربار چغانیان وپس ازآن به دربار غزنوی رفت . قصیده‌ای از او درمدح ابوالمظفر چغانی باقی است . لبیبی پس از خود شهرت یافته و مسعودسعد قصیده‌ای دراستقبال یکی از شعرهای او ساخته است .

ابیاتی از او درفرهنگها وتذکره‌ها ضبط است .

لطف‌الله نیشابوری سالکی(ت) وفات۸۱۶ — ازقاضیان دانشمند وشاعران نیشابور که‌معاصر امیرتیموربوده‌وازمریدان‌شاه نعمة‌الله‌ولی‌است . مولانالطف‌الله درشعر به ایرادصنایع لفظی‌توجه‌خاص داشته‌است وقصایدی درمدح ائمهٔ اطهار دارد . کلیات لطف‌الله به خط سیمی نیشابوری در کتابخانهٔ ملی ایران موجود است .

لغز (ب) ازصنایع بدیع که گوینده‌بادادن نشانیهای مختلف‌چیزی

را وصف کند مانند قصیدهٔ منوچهری دروصف شمع که مطلع آن این است:

ای نهاده در میان فرق جان خویشتن

جسم ما زنده به جان وجان تو زنده به تن

هنگامی که لغز به صورت سؤال باشد آن را «چیستان» گویند

لقمان (تن) بعضی ازمورخان اورا عم زادهٔ ابراهیم پیغمبرمی دانند ونام اوصریحاً درقرآن آمده است وبه حکمت منسوب است . قوله تعالی آتیناالقمن الحکمة .

لمعات (ك) رساله‌ای در تصوف ، شامل تعلیمات استاد بزرگ محی‌الدین بن العربی . این کتاب را فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی درقونیه پس ازآن که به‌خدمت شیخ صدرالدین قونیوی رسید ودرمجلس او به بحث در بارهٔ فصوص پرداخت ، تألیف کرد و برشیخ عرضه داشت .

لمعات مشتمل بر ۲۸ لمعه است حاوی نظم ونثرعربی وفارسی که جامی درزمان سلطان حسین بایقرا به دستور امیر علیشیرنوائی شرحی برآن نوشته وآن را «اشعة‌اللمعات» نامیده است .

لن ترانی (دن) اشاره است به قصهٔ موسی که گفت (ای‌پروردگار خودرا به من نما) جواب آمد (لن ترانی) یعنی که هرگزمرا نخواهی دید .

حوقلم ردست بنهی بدهیش بی‌قلم نو

صفتی که نورگیرد ز خطات لن ترانی

(اردوان سمس تبریزی)

لوامع فی شرح الخمریه (ك) شرحی به قصیدهٔ خمریهٔ ابن فارض المصری (۵۷۶-۶۳۲) تألیف مولانا عبدالرحمن جامی که آن رادرسال ۸۷۵ تألیف کرده است . هریک ازفصول کتاب به‌نام «لامعه» است که مجموع

آن لوامع خوانده می‌شود .

لوایح (ک) رساله‌ای به‌زبان فارسی درتصوف ، از آثار معروف مولانا جامی که آن را درحدود سال ۸۷۰ به‌نام جهانشاه قره‌قویونلو تألیف کرده است. این کتاب مشتمل برسی لایحه است بامقدمه‌ای درخطبه ومناجات، ونثر ان مسجع آمیخته به شعر است واز نظر تحقیق درعرفان بسیار سودمند می‌باشد (چاپ لندن)

لوط (تن) ازپیغمبران که هرچه قوم خودرا به راه خدا دعوت می کرد نمی‌پذیرفتند . عاقبت به‌فرمان خدا لوط و کسانی که به‌او ایمان آورده‌بودند ازشهربیرون رفتند. وشهرسنگسار شدوزن لوط که ازنافرمانان بود بادیگران سنگسارشد .

لوکری (ت) ابوالحسن‌علی‌بن‌محمدغزوانی لوکری اهل‌لوکر ازشهرهای نزدیک مرو وازشاعران‌نیمهٔ دوم قرن‌چهارم . لوکری‌نوح بن منصور سامانی وابوالحسن‌عبیدالله‌بن احمد عتبی‌را مدح گفته‌است. اشعار پراکنده‌ای از غزل وقصیده از او باقی است .

لهراسب (ش-د) ازشاهان کیان که به‌دستور کیخسرو وبرخلاف میل بزرگان‌شاه گشت وآتشکدهٔ آذربرزین را بنا کرد . سرانجام سلطنت را به پسرش گشتاسب سپرد وخود در آتشکدهٔ نوبهار که در شهر بلخ بود به عبادت پرداخت .

لیلةالقدر(تن) رجوع شود به شب قدر

لیلی (د) ازاشخاص‌داستانهای عرب، لیلی دختری است ازقبیلهٔ بنی‌عامر که ازکودکی مورد علاقه‌وعشق مجنون (قیس) ازقبیلهٔ خود، واقع می‌شود وخود نیز به اودل می‌بندد، اما به فرمان پدرقیس ازاوجدا می‌شود وپس ازمدتی به‌ازدواج «ابن‌السلام» درمی‌آید . لیلی هیچگاه

تن خود را به شوهر نمی‌سپارد وسرانجام به ناکامی جان می‌دهد .

داستان عشق لیلی ومجنون بوسیلهٔ بسیاری از شاعران ایرانی به نظم آمده است که نخستین و معروفترین آنها مثنوی «لیلی ومجنون» نظامی گنجوی است.

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا
ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم که آن را درسال ۵۸۰ به‌نام شروانشاه ابوالمظفر اخستان بن منوچهر ساخته است . این مثنوی دارای چهارهزار وهفتصد بیت است. اصل داستان لیلی ومجنون عربی است وموضوع آن عشق مجنون(قیس) از قبیلهٔ بنی‌عامر ولیلی بنت سعد از همان قبیله می‌باشد .

داستان لیلی و مجنون پس از نظامی بوسیلهٔ شاعران دیگر مانند جامی ومکتبی نیزبه نظم آمده است .

لیلی ومجنون (ک) یکی ازمثنویهای هفت اورنگ عبدالرحمن جامی که آن را به تقلید لیلی ومجنون‌نظامی درسال ۸۸۹ ساخته‌است. جامی درنظم این داستان به منابع عرب نیز توجه داشته وغالباً اشعار منسوب به قیس عامری را ترجمه کرده است .

(هفت اورنگ — چاپ تهران)

ماچین کشوری درجنوب چین وشرق هندوستان

دو چشم شوخ تو برهم زده ختاوختن

به چین زلف توماچین وهند داده خراج

«حافظ»

ماده (ط) مایه واصل چیزی را گویند . مانند فولاد که مادهٔ شمشیر است .

ماده تاریخ آن است که درتاریخ واقعه‌ای کلمه یاعبارتی بجویند که از جمع اعداد حروف آن به حساب ابجد سال تاریخ آن واقعه به دست بیاید . این کلمه یا عبارت را «ماده تاریخ» می‌نامندومعمولا آن را در ضمن قطعه‌ای درج می‌کنند تا آسان به خاطر سپرده شود . گاهی ماده تاریخ تنها حروف ابجد است واز آنها کلمه یاعبارت‌بامعنی حاصل نمی‌شود، مانند ماده تاریخ حیات‌ابوعلی سینا که‌این است:

حجة الحق ابو علی سینا

در «شجع» آمد ازعدم به وجود

در«شها» کرد کسب کل علوم

در«تکز» کرد این جهان بدرود

که ازحروف «شجع» ۳۷۳ واز حروف «شها» ۳۹۱ و از حروف «تکز» ٤۲۷ حاصل می‌شود . اما ماده تاریخ فصیح و شیوا آن است که عبارت بامعنی ومتناسب‌باواقعه باشد مانند ماده‌تاریخ وفات‌حافظ:

چراغ اهل معنی خواجه حافظ
که شمعی بود از نور تجلی
چو در خاک مصلی یافت منزل
بجو تاریخش از «خاک مصلی»

که «خاک مصلی» می‌شود ۷۹۱ .

مار (تن) جانوری که ابلیس را دردهان خود جای داد و پنهانی اورا به بهشت برد ، تا آدم وحوا را فریفت .

گاهی نیز درشعر فارسی به ماری که بردوکتف ضحاك بوده اشاره شده است .

دست آهنگر مرا درمار ضحاکی کشید
گنج افریدون چه سود اندردل دانای من

«خاقانی»

مانی (ش — ت) نام نقاش ایرانی که مادرش منسوب به خاندان شاهی اشکانی بود وادعای پیغمبری داشت . مانی به فرمان بهرام اول کشته شد . کتاب معروف مانی «شاپورگان» نام داشت وکتاب ارژنگ (یا ارتنگ) که مشتمل بر نقشها وتصویرهای دلکش بود به او منسوب است .

آئین مانی تاچندین قرن درآسیا واروپا رواج داشت . اما مانی درادبیات فارسی بیشتر به هنر نقاشی شهرت دارد و دراین هنر به او مثل زده می‌شود

سپهر گفتی نقاش نقش مانی گشت
که هرزمان بنگارد هزار گونه صور

«انوری»

ماه کنعان (تن) اشاره به یوسف ، رجوع شود به یوسف .

ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
جای آن است که بدرود کنی زندان را
«حافظ»

ماه مصر (تن) اشاره به یوسف . رجوع شود به یوسف .

ز صدهزار پسر همچو ماه مصریکی
چنان شود که چراغ پدر کند روشن
« صائب »

ماه مقنع (د) ماهی که مقنع به سحروجادو درشهرنخشب ساخته بود و هرشب از چاهی برمی‌آمد وتاچهار فرسنگ را روشن می کرد

کی بود ماه مقنع همچو ماه آسمان
گرچه کوته دیدگان را درخیال افتد منیر
«انوری»

ماه نخشب (د) رجوع شود به ماه مقنع .

صبح برآمد زکوه چون مه نخشب زچاه
ماه برآمد به صبح چون دم ماهی ز آب
«خاقانی»

متدارك (ع) از بحور شعرعربی وفارسی که اخفش اوسط نحوی آن را یافته است واصل آن «هشت بارفاعلن» است . درفارسی مشتقات این بحررواج بسیار ندارد . وزن زبردرزمانهای اخیر متداول شده است . (فاعلن فاعلن فاعلن فع) مثال :

ای فسانه فسانه فسانه ای خدنگ ترا من نشانه

متقارب (ع) از بحور شعر فارسی وعربی . درفارسی از این بحر وزنهای زیر رایج است: متقارب مثمن (فعولن ٤ بار) مثال :

جهانا چه بدمهر وبدخوجهانی   چو آشفته بازار بازرگانی

متقارب مثمن مقصوریا محذوف (فعولن فعولن فعولن فعول ـ یا فعل) مثال:

به نام خداوند جان و خرد   کزین برتر اندیشه برنگذرد

المتوکلی (ت) ابواسحق ابراهیم بن ممشاد اصفهانی. اهل اصفهان که ابتدا سمت کتابت متوکل را داشته پس ازآن به خدمت یعقوب لیث رسیده است. المتوکلی در فصاحت و کتابت عربی بی‌نظیر بوده وبعضی گویند قطعهٔ معروف «انا ابن الاکارم من نسل جم...» را او از قول یعقوب ساخته وبرای خلیفه فرستاده است.

متی (ط) ازمقولات عشر. مفهوم متی‌نسبت جسم است به زمان یعنی «کی بودن»

مثنوی (ب) یکی از قالبهای خاص شعرفارسی که درزبان عربی نیز به تقلید فارسی ساخته‌شده است. وآن را «مزدوجه» خوانده‌اند. مثنوی شعری است که هردو مصراع آن دارای قافیهٔ واحد و مستقلی باشد. در زبان فارسی برای سرودن منظومه های مفصل رزمی وبزمی وعرفانی قالب مثنوی به کار می‌رود. مانند مثنوی معروف مولوی و شاهنامهٔ فردوسی و خمسهٔ نظامی. مثال:

درختی که تلخ است وی را سرشت
گرش بر نشانی به باغ بهشت
ور ازجوی خلدش به هنگام آب
به بیخ انگبین ریزی و شهد ناب
سر انجام گوهر به کار آورد
همان میوهٔ تلخ بار آورد

«فردوسی»

مثنوی (ك) نام منظومهٔ مفصل ومعروف جلال‌الدین محمد مولوی بلخی معروف به رومی . این منظومه که به بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور سروده شده شامل شش دفتراست ومجموع ابیات آن به بیست وشش هزار می‌رسد .

مثنوی مهمترین ومعروفترین اثر منظوم عرفانی است که از زمان سروده شدن تا کنون همواره مورد مطالعه و توجه خاص علاقمندان به تصوف وعرفان واندیشه‌های لطیف عرفانی وحکمی بوده است و برآن شرحهای متعدد مبسوط نگاشته‌اند .

کتاب مثنوی شامل حکایتهای مسلسل منظومی است که عارف بزرگ از نقل آنها نتایج عرفانی واخلاقی ودینی منظور داشته است . غالباً، چنانکه یکی ازشیوه‌های متداول درادبیات‌فارسی است ، داستانهای کوتاه‌وبلند درضمن داستان دیگربه‌مناسبت می‌آید و درهرمورد احادیث واخبار، وآیات قرآن مجید برای تأیید واثبات مطلب ذکر می‌شود .

کتاب مثنوی مکرر به چاپ رسیده است .

مجاز (ب) آن‌است که‌چیزی را ذکر کنندوازآن غیر معنی‌اصلی خواهند . یانسبت دهند به چیزی آنچه راکه ازوی نیست .

اول را مجاز لغوی‌وثانی را مجاز عقلی خوانند . مثال :

تاسلسلهٔ ایوان بگسست مداین را

درسلسله‌شد دجله‌چون‌سلسله‌شد پیچان

سلسله به معنی زنجیر است واز عبارت «دجله درسلسله‌شد» مراد شاعر آن است که‌رود دجله موج زن‌شد . پس از کلمهٔ «سلسله» چیزی غیر از معنی اصلی آن اراده شده است . در این مورد کلمهٔ «سلسله» به معنی مجازی به‌کار رفته است .

مجالس العشاق (ك) تألیف سلطان ابوالغازی حسین بایقرا که آن را در سال ۹۰۸ تألیف کرده است. این کتاب دارای یک مقدمه در بیان عشق حقیقی و هفتاد و شش مقاله است موسوم به مجالس که سرگذشت عارفان یا شاهان به‌طرز داستانی درآن نقل‌شده است. آخرین مجلس این کتاب درشرح حال مؤلف یعنی سلطان حسین بایقرا است. ولی انتساب این کتاب به سلطان حسین بایقرا قطعی‌نیست بلکه بابر در کتاب «بابرنامه» مؤلف آن را کمال‌الدین حسین گازرگاهی می‌داند.

این کتاب ازحیث ترجمهٔ حال بزرگان قابل اعتماد نیست و نویسنده درشرح مطالب ازسادگی‌خارج شده وبه‌عبارت‌پردازی پرداخته است.

مجالس المؤمنین (ك) کتابی درشرح‌حال وآثار واحوال‌عالمان وفقیهان وشاهان ومتصوفان. تألیف قاضی‌نورالله ششتری که‌آن‌را درسال ۹۹۳ شروع کرده ودر ۱۰۱۰ به‌پایان رسانیده‌است. این کتاب دردوازده مجلس است در شرح حال بزرگان و فقیهان و مبنابتنی برنشر دعوت شیعه است. نوشتهٔ کتاب ساده است. (چاپ تهران)

مجالس النفایس (ك) اصل این کتاب به زبان ترکی شرقی (جغتائی) است تألیف میرنظام‌الدین امیر علیشیرنوائی وزیر دانشمند سلطان حسین بایقرا و درسال ۸۹۶ تألیف یافته است.

مجالس‌النفایس شامل یک مقدمه وهشت مجلس است درذکر حال شاعران ونویسندگان معاصر نویسنده، وشرح حال فاضلان‌خراسان وشاهان وشاهزادگانی که یا خود شعرمی گفته‌اند یا به شعر و شاعری علاقهٔ‌خاص داشته‌اند. همچنین درذکراوصاف‌ابوالغازی سلطان‌حسین بن بایقرا و حوادث سیاسی‌سلطنت او. مؤلف رویهمرفته در حدود سیصدو هشتادوپنج تن ازشاعران‌قرن نهم را نام برده‌است. این کتاب با آنکه

بسیار مختصر است و مؤلف درشرح حال شاعران و فاضلان بسیار به ایجاز پرداخته است، باز نمودار وضع ادبیات فارسی درقرن نهم است ودر ضمن ازفواید تاریخی و اجتماعی خالی نیست .

ازمجالس النفایس سه ترجمه به فارسی صورت گرفته است . یکی به نام «لطائف نامه» است که مترجم آن فخری هراتی است وکتاب خود را به نام شاه اسمعیل اول پرداخته است . ترجمهٔ دوم از حکیم شاه محمدبن مبارک القزوینی که آن را به نام سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید ساخته است . ترجمهٔ سوم به دست شاه علی بن عبدالعلی انجام گرفته وبه نام دین محمد ازشاهان اوزبک ماوراءالنهر پرداخته شده است .

مجتث (ع) ازبحور شعرفارسی وعربی . اصل آن «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن» است . درفارسی ازاین بحر وزنهای زیر متداول است :

بحر مجتث مثمن مخبون (مفاعلن فعلاتن ٤ بار) مثال :

درآن نفس که بمیرم درآرزوی تو باشم

بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم

مجتث مثمن مخبون محذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) مثال :

سحرزهاتف غیبم رسید مژده به گوش

که دورشاه شجاع است می دلیر بنوش

مجدهمگر (ت) وفات ٦٨٦ — ازشاعران قصیده سرای قرن هفتم هجری . اهل یزد بود ولی درشیراز اقامت داشته و در تحت حمایت بهاءالدین جوینی حکمران فارس می‌زیسته است و اشعاری در مدح شمس الدین صاحبدیوان واتابک سعدبن ابوبکر بن سعد زنگی دارد . علاوه برمدح قطعات هجویه‌ای نیزدرحق اشخاص سروده است . غزلهای عاشقانه نیز دارد وگاه مضمونهای اجتماعی و حکمی دراشعارش دیده

می‌شود .

مجره (نج) یا راه کهکشان . مجموع ستارگانی است از جنس ستارگان ابری، مانند دایره‌ای بزرگ که بردوبرج جوزا وقوس می‌گذرد .

یکی پله است این منبر مجره   زده گردش نقط از آب روین

«منوچهری»

مجری (ق) ازحرکات قافیه . حرکت روی پیش ازحرف وصل . مانند حرکت نون در کلمهٔ دشمنی

دوستا گردوستی گردشمنی

مجلسی (ت) محمدباقر . وفات ۱۱۱۱ — ازبزرگان وعلماء شیعه درزمان صفویه . وی پسر ملامحمد تقی مجلسی واز متعصبان مذهب بوده که تشیع را درمیان عامه ترویج کرده وباصوفیه درکمال خشونت رفتار می‌کرده‌است . مجلسی به‌فارسی‌ساده وقابل فهم‌عوام‌چیزمی‌نوشت وعقاید شیعه وتاریخ واحادیث را به این طریق ترویج می‌کرد . ازآثار معروف او به عربی «بحارالانوار» است درحدیث وازآثار فارسی او «عین الحیاة» شامل پند واندرز، مشکوةالانوار ، حلیةالمتقین ، حیوةالقلوب ، جلاءالعیون، حق‌الیقین است .

مجمر اصفهانی (ت) سیدحسین طباطبائی . وفات ۱۲۲۵ هجری- از سادات اصفهان بوده که درجوانی به تهران آمده بوسیلهٔ میرزاعبدالوهاب نشاط به دربار فتحعلیشاه راه یافته است . پس از مدتی ازطرف شاه به لقب مجتهد الشعرائی مفتخرگشت . مجمر سالها ندیم حسینعلی میرزا پسرفتحعلی شاه بوده و از شاعران غزلسرای‌دورهٔ بازگشت ادبی‌است . غزلیات لطیف دارد ودرقصیده پیروانوری و خاقانی و امیرمعزی است . اشعار هزل وهجو دارد ومثنوی به سبک تحفة العراقین خاقانی سروده

و قطعات منثوری هم به سبک گلستان سعدی ساخته است .

مجمع الانساب (ك) تاریخی به زبان فارسی تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره که مؤلف آن را دوبار نوشته است . یکبار به سال ۷۳۳ وبار دیگر به سال ۷٤۳ زیرا در هنگامی که خانهٔ غیاث‌الدین محمد وزیر پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله درتبریز غارت شد ، نسخهٔ اولی کتاب از بین رفت ومؤلف باردیگر آن را ازحافظهٔ خود نوشت .

مجمع الانساب شامل تاریخ عمومی عالم‌است از بدو خلقت تا زمان تحریر . مؤلف درشرح حال طبقات شاهان و طوایف، تقسیمات مختلفی بکاربرده است . شاهان‌را به چند طبقه وهرطبقه را به‌چند گروه وهر گروه را به چند طایفه تقسیم کرده است . وقایع را گاهی به اختصار ذکر می کند وگاهی به تفصیل .

سبک کتاب درقسمت اول ساده‌تر است ولی در اواخر متکلفانه می‌شود وبا اشعاری درمدح شاهان آمیخته می گردد .

مجمع الفرس (ك) رجوع شود به فرهنگ سروری .

مجمع الفصحاء (ك) کتابی درشرح حال شاعران، تألیف رضاقلیخان هدایت که آن را بقول خود پس از سی‌سال کار به‌پایان رسانده است . این کتاب شامل‌شرح‌حال شاعران پارسی‌است از آغاز ظهور شعرتا زمان مؤلف یعنی ۱۲۸٤ وچنانکه هدایت خود درمقدمهٔ کتاب گوید کتاب‌را برچهار رکن یا باب تقسیم کرده است . باب اول در ذکر اشعار وحال شاهان قدیم و جدید . باب دوم شعرای متقدمین . باب سوم شعرای متوسطین . باب چهارم شعرای متأخرین ومعاصرین . درپایان کتاب چندین صفحه به شرح حال واشعار خود اختصاص داده است .

هدایت درمقدمهٔ مجمع الفصحاء از کتابها وتذکره‌هائی که استفاده

کرده نام برده است . مجمع‌الفصحاء اگرچه به‌علت وسعت کاردارای لغزشها وخطاهای بسیار است ، باوجود این آخرین وجامعترین تذکرهٔ شاعران فارسی است وهمواره مورد استفادهٔ محققان ونویسندگان تاریخ قرار گرفته است .

(مجمع‌الفصحاء — چاپ تهران)

مجمل التواریخ والقصص (ك) کتابی که مؤلف‌آن معلوم نیست ولی چنانکه‌از گفتهٔ اوبرمی‌آید جدش مهلب‌بن محمدبن‌شادی‌نام داشته است . مؤلف مجمل التواریخ اهل همدان و مربهٔ اسدآباد بوده است وچون ازاصفهان بسیار بحث کرده، معلوم می‌شود که مدتی دراصفهان اقامت داشته است . تاریخ تألیف کتاب سال ۵۲۰ و زمان سلطنت سلطان سنجر سلجوقی است .

موضوع کتاب ، تاریخ اجمالی عالم است عموماً و تاریخ کشور ایران خصوصاً از مبدأ خلقت تاسال ۵۲۰ هجری. این کتاب دربیست وپنج باب است وشیوهٔ تنظیم مطالب آن‌تقلیدی‌است ازتاریخ سنی ملوك الارض تألیف حمزهٔ اصفهانی ، به این معنی که هرفصلی به موضوع معینی وبه روایت مورخ معینی‌اختصاص داده شده است . مثلا سنوات سلطنت دریکجا، نام‌ونسب درجای دیگر ، همچنین آثار وبنا ، معاصران سلاطین ، القاب ، قبور ، سیرو صفات، هرکدام درفصل جداگانه‌ذکر شده است .

صاحب‌مجمع‌التواریخ منابع و کتابهای معتبری را که ازآنهااستفاده کرده است، درکتاب خود نام می‌برد . مانند تاریخ‌طبری، سیرالملوك ابن‌مقفع ، حمزهٔ اصفهانی .

صاحب مجمل‌التواریخ کتاب خود را باقصه آمیخته ولی درعین

حال اسناد و مدارکی درتاریخ ذکر می کند که بسیار مورد استفاده است انشاء کتاب بسیار ساده ودور از تکلف و کمی کهنه تر از سبک زمان مؤلف است ولغات عربی بسیار کم دارد .

(مجمل التواریخ — چاپ تهران)

مجمل فصیحی (ك) از تواریخ مهم دورهٔ تیموری به زبان فارسی تألیف فصیحی خوافی که آن‌را در سال ۸۴۹ به‌نام شاهرخ تألیف کرده است . این کتاب تاریخ عمومی مختصری است از ابتدای خلقت تا اواسط قرن نهم ومشتمل بریک مقدمه ودومقاله ویک خاتمه است . درمقدمه تاریخ عالم ازبدو خلقت تا ولادت پیغمبر اسلام نوشته شده است . مقالهٔ اول ازولادت پیغمبر تا هجرت او به‌مدینه است . مقالهٔ دوم مفصل ترین قسمتهای کتاب است یعنی شامل وقایع ازسال اول هجرت تا ۸۴۵ می‌باشد .

مجمل فصیحی به طرز سالنامه نگاری نوشته شده و وقایع سنوات به ترتیب پی‌درپی آمده است . این کتاب به‌نثری بسیار ساده نوشته شده وشامل مطالب بسیار پرارزش وسودمند می‌باشد . (چاپ تهران)

مجنون (د) از اشخاص داستانهای عاشقانهٔ عرب . نام اصلی او «قیس» واز قبیلهٔ «بنی‌عامر» است . قیس از کودکی به لیلی بنت‌سعد ازقبیلهٔ خود، دل می‌بندد وبه مناسبت مخالفت پدر لیلی ازاوجدا می گردد . کارقیس ازعشق به‌جنون می کشدچنانکه اوراه بیابان پیش می گیرد وبا وحش وطیر مأنوس می گردد وسرانجام در ناکامی جان می‌سپرد .

شبی مجنون به لیلی گفت کای محبوب بیهمتا

ترا عاشق شود پیدا ولی مجنون نخواهد شد

«حافظ»

مجنون‌ولیلی (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعرآن را درسال ۶۹۸ به تقلید لیلی ومجنون نظامی ساخته است .

مجیر بیلقانی (ت) ابوالمکارم مجیرالدین بیلقانی . وفات ۵۸۶- از قصیده سرادان آذربایجان واهل بیلقان . وی شاگرد خاقانی می‌باشد وارسلان‌بن طغرل‌بن‌محمدبن ملکشاه از سلجوقیان واتابک شمس‌الدین ایلدگزو پسرانش جهان پهلوان وقزل‌ارسلان را مدح کرده است. مجیر ازطرف ایلدگز مأموریتی به اصفهان یافت ولی اهالی اصفهان چنانکه باید اورا ننواختند وبه‌این سبب مجیراشعاری درهجواصفهانیان سرود . دیوان مجیرشامل قصاید و غزلیات وقطعات ورباعیات است ودر اشعار اوسبک خاقانی نمودار است . وی با اغلب شاعران زمان خود مانند خاقانی و نظامی وجمال‌الدین عبدالرزاق مناظره ومعارضه داشته‌است. مجیر به روایتی به تعصب اهل اصفهان به قتل رسیده است.

محاق (نج) حالتی از ماه که نیمی از آن که به جانب خورشید است ازنظر ناپیداست ونیمی که کاملا تاریک است به سوی زمین است این حال درآخرماه است وآن‌را «اجتماع» و«اتصال» نیز گویند . زیرا که آفتاب وماه باهم گرد می‌آیند .

ماه ارنخواهد آنکه بود نعل مرکبت
از ناخن محاق اید چهره خسته باد

«انوری»

محبوب‌القلوب (ك) با شمسه و قهقهه کتابی شامل قصص و حکایات تألیف میرزا برخورداربن‌محمود ترکمان فراهی از منشیان ومترسلان عهد صفویه . این کتاب دارای مقدمه وپنج‌باب ویک خاتمه است درآداب معاشرت و نیکوکاری ومساعدت اقبال و صعوبت ادبار

وفوائد قناعت

مؤلف درضمن حکایتها وقصه های شیرین همه جا پندواندرزهای سودمند داده است . نثرآن نثرمسجع ودارای عبارت پردازی وتعبیرات مشکل است .

(محبوب القلوب — چاپ تهران)

محتشم کاشانی (ت) شمس الشعرا محتشم کاشانی وفات ۹۹۶- ازشاعران معروف دورهٔ صفویه وشاعردربارشاه طهماسب . محتشم کاشانی ابتدا غزلسرائی ومدیحه گوئی کرده اما بعد به سرودن اشعار مذهبی پرداخته است ومی توان گفت معروفترین شاعر مرثیه گوی ایران است . محتشم ترکیب بند معروفی دررثاء شهیدان کربلا دارد، علاوه برمراثی معروف غزلیاتی نیز از اوباقی است به نام «نقل عشاق» . شاعران زمان به تقلید اوترکیب بندهای مختلف ساختند . (دیوان محتشم چاپ تهران)

محتمل الضدین (ب) یا ذو وجهین آن است که گوینده عبارت را طوری به کاربرد که درآن مدح وذم باشد . مانند

ای خواجه ضیا شود زروی توظلم

با طلعت تو سور نماید ماتم

محمدبن غاز الملطوی (ت) منسوب به شهر ملطیه از بلاد آسیای صغیر . ازفاضلان دربارسلاجقهٔ روم و دبیر ابوالفتح رکن الدین سلیمانشاه بن قلج ارسلان که بعد دردرباراوسمت وزارت یافت وبه تشویق اوکتاب مرزبان نامه را اززبان طبری به پارسی درآورد وآن را «روضة العقول» نامید .

محمدبن مخلد (ت) ازنخستین شاعران ایران و معاصر یعقوب لیث صفاری . به روایت تاریخ سیستان مردی سکزی وفاضل وشاعربود .

شعری درمدح یعقوب از اونقل شده است .

محمد بن منور (ت) نورالدین محمد بن منور بن ابی سعد . ازنویسندگان قرن ششم هجری ونوادهٔ شیخ ابوسعید ابی الخیر . وی مؤلف کتاب «اسرار التوحید» است که آن را برحسب اطلاعات خود و روایات درشرح حال وسخنان جد خویش تألیف کرده است .

محمد بن ناصر علوی (ت) شرف‌الدین محمد بن ناصر علوی . از شاعران وسادات غزنین . سنائی درکارنامهٔ بلخ او را به‌مرتبت بلند وشاعری ستوده‌است . عوفی اورابرادر سیدحسن غزنوی‌می‌داندومی گوید سید محمد بن ناصر در خدمت بهرامشاه غزنوی بود ومقام عالی داشت وعلاءالدوله‌را مدح کرده است . ابیات معدودی از محمد بن ناصرعلوی درلباب‌الالباب آمده که بیشتر درمدح است و شاعر در آنها به آوردن ردیفهای دشوار مقید شده است .

محمدطاهر (ت) صاحب تذکرهٔ نصرآبادی . ازنویسندگان قرن یازدهم . اجداد او مشاغل دیوانی‌داشته‌اند ولی شخص‌اوپس‌ازکسب ادب وهنرگوشهٔ انزوا اختیارکرده و به خدمت ادبی پرداخته است . محمد طاهر شعر نیز می‌سروده و از پیروان صائب وکلیم بوده است . بعضی از اشعار او درتذکره‌ها ضبط است .

محمدعبده (ت) محمد بن عبده الکاتب . ازنویسندگان وشاعران مشهور قرن چهارم ودبیر بغراخان ازشاهان خانیهٔ ماوراءالنهر . نظامی اورا درنظم ونثر وبلاغت متبحر دانسته است . ابیاتی از اودر حدائق السحر وترجمان البلاغة آمده است .

محمدعوفی (ت) رجوع شود به عوفی .

محمدقزوینی (ت) رجوع شود به قزوینی .

محمدوصیف (ت) دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری که زمان عمروبن‌لیث وطاهر را هم درک کرده است . صاحب تاریخ سیستان اورا اولین شاعر زبان فارسی می‌داند وچند قطعه از اونقل می‌کند که یکی درمدح یعقوب ومربوط به فتح هری وکشتن عمار خارجی درسال ۲۵۱ است ودیگر به مناسبت شکست رافع‌بن هرثمه وقتل او درسال ۲۸۳ می‌باشد . قطعهٔ دیگری نیز از اوباقی است‌مربوط به گرفتاری عمرولیث به دست اسمعیل سامانی درسال ۲۸۷ .

محمود (ت) مقصود سلطان محمود غزنوی است که درادبیات فارسی‌هم‌به عنوان‌حامی وشوق شعر وادبیات‌وهم‌به سمت‌دلدادهٔ‌غلام ترک خود ایاز ذکر می‌شود .مثنوی «محمودوایاز» زلالی‌خوانساری دربارهٔ عشق اوست .

غرض کرشمهٔ‌حسن‌است ورنه‌حاجت نیست
جمال دولت محمود را به زلف ایاز

«حافظ»

مختاری‌غزنوی (ت) ابوالمفاخرخواجهٔ حکیم‌سراج‌الدین‌ابوعمر عثمان‌بن‌عمر. وفات۵۴۹—ازشاعران معروف‌دربارغزنوی‌درقرن ششم . مختاری با مسعود سعد وسنائی وابوالفرج رونی معاصر بوده و سلطان ابراهیم مسعودومسعودبن‌ابراهیم وابوالملوک ارسلان مسعودبن‌ابراهیم را مدح گفته است . همچنین اشعاری در مدح قاوردیان دارد .

مختاری دراقسام‌شعرمانند قصیده وترجیع‌بنددست داشته ومثنوی معروفی به‌نام «شهریارنامه» دارد درذکر داستان شهریار پسر برزوپسر سهراب پسر رستم که آن را به خواهش سلطان مسعود بن ابراهیم ساخته است .

دیوان اورا شامل هشت هزار بیت دانسته‌اند .

مختصر فی اخبار البشر(کتاب ال...) (ك) رجوع شود به تاریخ ابی الفداء

مخزن الاسرار (ک) یکی از مثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ قرن ششم ایران ، که آن را در سال ۵۷۰ به نام فخرالدین بهرامشاه بنی داوود پادشاه ارزنگان ساخته است . این مثنوی شامل دو هزار و دویست و شصت بیت است، وموضوع آن ، حکمت وموعظه و پند است در بیست مقاله که، همه جا با داستان و تمثیل و حکایات آمیخته است . نظامی در ساختن مخزن الاسرار از سنائی پیروی کرده است . (چاپ تهران)

مخلدی گرگانی (ت) ابوشریف احمد بن علی مخلدی گرگانی . از شاعران اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم ، اشعاری از او در تذکره‌ها موجود است .

مدح شبیه به ذم (ب) آن است که شاعر مدح کسی را بکند اما به صورت ذم ، یعنی پس از ذکر چند صفت نیک ممدوح با کلمات استثنا مانند لکن و اما خواننده را به گمان ذم می‌اندازد ، در حالی که یکی دیگر از اوصاف ممدوح را ذکر می کند .

به زلف کژ ولیکن به قد وقامت راست
به تن درست ولیکن به چشمکان بیمار

مدح موجه (ب) آن است که گوینده ممدوح را طوری بستاید که دو مدح در آن باشد

قارون کند اندر دو نفس تیغ جهادت
یک طایفه میراث خور و مرثیه خوان را

مدید (ع) ازبحور شعر عربی که در فارسی معمول نیست . مثال

آن این است .

بحرمدید مسدس سالم (فاعلاتن فاعلن فاعلاتن)

غالبه زلفی سمن عارضینی   سرو بالائی و زنجیر سوئی

مرآت البلدان (ك) تألیف میرزا محمد حسنخان اعتمادالسلطنه که شامل فرهنگ جغرافیائی است به سبک معجم‌البلدان یاقوت‌حموی . این کتاب درچهارجلداست .

جلد اول آن شامل فرهنگ جغرافیائی ایران است از حرف الف‌تا تا ٔ که مؤلف بس ازمباحث‌جغرافیائی به‌مباحث‌تاریخی زمان ناصرالدین‌شاه برداخته است . جلد دوم شامل وقایع پانزده سال ابتدای سلطنت ناصرالدین‌شاه است . جلد سوم ، اوضاع سلطنت ناصرالدین‌شاه از سال شانزدهم‌تاسی‌ودوم‌است . جلدچهارم بازفرهنگ جغرافیائی‌ادامه می‌یابد وبه حرف جیم می‌رسد .   (چاپ تهران)

مراعات‌النظیر (ب) آن است که نویسنده درآن چیزهائی را که با هم متناسب‌اند جمع کند ، مانند کلمه‌های کمان ونیر دراین‌شعر :

ازآن به خاك نشستم که‌آن کمان ابرو
سراچوتیرسوی خود کشیدودورانداخت

وکلمات شبگرد و عیاروتاج وکمر درشعرذیل :

قکیه براختر شبگرد مکن کاین عیار
تاج کاووس ربود و کمر کیخسرو

مراقبت (زحاف) (ع) آن است که اسقاط‌یکی ازدوحرف بااثبات حرف دیگر ملازم باشد یعنی دوحرف نه باهم ساقط می‌شود ونه باهم ثابت می‌ماند . مراقبت در مفاعیلن بین یاء و نون است که اگر یکی حذف‌شد دیگری می‌ماند .

مربع (ب) آن است که چهار مصراع طوری گفته شود که هم بتوان آن‌را از درازا خواند وهم ازپهنا

به جانت	نگارا	که‌داری	وفا
نگارا	وفا کن	به دل	بی‌جفا
که‌داری	به دل	دوستی	سره‌را
وفا	بی‌جفا	سره‌را	خوشترا

مرزبان بن رستم بن شروین (ت) اصفهبد مرزبان رستم بن شروین. از شاهان طبرستان وازخاندان آل باوند. وی مردی دانشمند و ادب دوست بود وشعرنیزمی‌سرود. از آثاراو کتاب «مرزبان‌نامه» است به‌لغت قدیم طبرستانی. ابن اسفندیار دیوانی به نظم طبری به‌نام «نیکی نامه» به او نسبت داده است.

مرزبان‌نامه (ك) کتابی شامل داستانها و حکایتهائی به زبان وحوش وطیور وحاوی حکمت وپند بسیار تألیف مرزبان بن رستم بن شروین از شاهان طبرستان که آن را در اواخر قرن چهارم هجری به‌زبان‌قدیم طبرستان تألیف کرده‌است. این کتاب دوبار به زبان فارسی دری‌ترجمه شده است. نخست درقرن ششم به وسیلهٔ محمدبن غازی ملطوی که آن‌را «روضة‌العقول» نامیده است؛ وباردیگردر اوایل‌قرن هفتم به‌وسیلهٔ سعدالدین وراوینی که آن را به نام ربیب‌الدین هرون وزیر اتابک ازبک‌بن محمد از اتابکان‌آذربایجان ترجمه کرده است. «روضة‌العقول» باشواهد و اشعار عربی آمیخته و مرزبان نامهٔ سعد وراوینی نیزدارای انشاء مصنوع وتشبیهات واستعارات فراوان است.

(مرزبان‌نامه — چاپ تهران)

مرصاد‌العباد من‌المبدأ الی‌المعاد (ك) کتابی به زبان فارسی

تألیف نجم‌الدین رازی معروف به نجم دایه که آن را در سال ۶۲۰ به‌نام علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی آسیای صغیر تألیف کرد . این کتاب ازآثار ذیقیمت ادبی‌است درعلم تصوف واخلاق وآداب معاش ومعاد . نثر کتاب گاهی نثرساده ومرسل است وگاه دارای سجع وموازنه است . مؤلف در خلال موضوع ، احادیث و آیات و همچنین اشعاری به‌فارسی وعربی از خود وشاعران دیگر نقل می‌کند . (چاپ‌تهران)

مرغ‌سلیمان (تن) رجوع شود به هدهد .

قافلهٔ شب‌چه‌شنیدی‌زصبح　　مرغ‌سلیمان چه‌خبر ازسبا
(حافظ)

مروج‌الذهب (ك) ازمعتبرترین کتابهای‌تاریخ قرن‌چهارم هجری به‌زبان‌عربی‌تألیف‌ابوالحسن بن حسین‌المسعودی. این کتاب دارای ۱۳۲ باب است که از تاریخ آدم ابوالبشرشروع می‌شود وبه وقایع سال ۳۳۲ هجری پایان می‌پذیرد و به گفتهٔ خود مسعودی خلاصه‌ای از کتاب «اخبارالزمان» و «کتاب‌الاوسط» اوست .

مسعودی بیش ازذکر تاریخ پیغمبران وشاهان ازاوضاع طبیعی و جغرافیایی کشورها گفتگو می‌کند . پس از آن از مذاهب وادیان وتاریخ شاهان مختلف از قبیل فراعنه واکاسره وملوك یونان وعربان سخن می‌گوید . درتاریخ شاهان به اختصار می‌کوشدو گاهی به ذکر نام ومدت سلطنت اکتفا می‌کند ولی دربارهٔ اوضاع اجتماعی و نژاد ومشخصات ومذاهب گوناگون حتی‌عقایدخرافی‌بیشترواردبحث‌می‌شود . مسعودی مآخذکتاب‌خود را ذکر می‌کندودرحدود سی‌تن ازمورخان‌را نام می‌برد که پیش‌ازاو به‌تدوین‌تاریخ پرداخته‌اند . ازقرآن هم‌روایاتی دارد . جزاینها مسعودی‌مدارکی‌را که درسفرهای‌طولانی بدست آورده

ویاعاداتی را که به چشم دیده در کتاب نقل می کند. بنابراین مطالب کتاب مروج الذهب بسیار متنوع وجالب است ومسعودی درفصل جداگانه ای اشعاری از شاعران عرب عهد جاهلیت وبعد از اسلام نیز ذکر می کند.

مریخ (نج) یا بهرام، بعد از آفتاب قرار گرفته وپنجمین کره است نسبت به زمین ودر آسمان با نور سرخ می درخشد. مریخ ستارهٔ جنگجویان است

خنجر مریخ سست گردد وهرشب
از شفقش خون برآسمان بنماند

مریم (دن) دختر عمران و مادر عیسای پیغمبر. عمران مقیم مسجد بیت المقدس بود و پسران بسیار داشت وبه شکرانهٔ آن نذر کرد که فرزند دیگرش را مقیم مسجد کند. مریم متولد شد. چون دختر نمی توانست درمسجد مقیم شود، عمران متحیر شد. وحی رسید واجازه داده شد که مریم در مسجد مجاور شود. زکریا پسرعم عمران از مریم درمسجد محافظت می کرد. چون مریم هیجده ساله شد، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار درصومعه به مریم نمود و او را به تولد عیسی مژده داد. به فرمان خدای تعالی روح القدس در او دمیده شده، به قولی پس از نه ساعت وبه قولی پس از نه ماه عیسی متولد شد.

آبستنی مریم عمران به پسر بود
آبستنی دختر انگور به جان است
«منوچهری»

مزید (ف) ازحروف قافیه. آن است که خروج به آن بپیوندد مثال:

این دل که به زلف دلبری بستیمش
هر چند گسست باز پیوستیمش

شین در کلمه های بستیمش وپیوستیمش مزید است.

مساوات (ب) آن است که لفظ ومعنی باهم برابر باشد .

سؤال رفتی بپیش عطا همیشه کنون
همی عطای نوآید پذیره پیش سئوال

مستزاد (ب) آن است که شاعر بعد از نظم هرمصراع قسمتی از کلام سوزون بیاورد که شعر بی آن دارای وزن درست باشد ولی از حیث معنی به آن بستگی داشته باشد . مثال :

دوشینه پی گلاب می گردیدم　　　درصحن چمن
پژمرده گلی میان گلها دیدم　　　افسرده چومن
گفتم توچه کردی که چنین می سوزی　　　ای یار عزیز
گفتا که دمی دربن چمن خندیدم　　　پس وای به من

مسرورطالقانی (ت) ابوالفضل مسروربن محمدطالقانی ازشاعران عصر محمود غزنوی که قطعه‌ای از اودرمدح ابوالقاسم احمدبن حسن میمندی درلباب الالباب ضبط است .

مسعودسعد (ت) مسعودبن سعدبن سلمان لاهوری . وفات ۵۱۵- از قصیده‌سرایان بزرگ قرن پنجم ومعاصر دورهٔ غزنوی وسلجوقی . اصلش ازهمدان وتولدش درلاهور است . مسعودسعد به ملازمت سیف‌الدوله مسعودبن ابراهیم غزنوی به هندوستان عزیمت کرد ودرجنگها درالتزام رکاب بود ولی سیف‌الدوله که موردسوءظن پدرواقع گشته بود باندیمانش زندانی گشت و ازآنجمله مسعود نیز هفت‌سال درقلعه‌های سو و دهک وسه سال درقلعهٔ نای محبوس شد وبه‌وساطت عمیدالملک ابوالقاسم خاص آزادشد وبه حکومت یکی از نواحی لاهور رسید ولی باردیگر گرفتارشد و هشت سال درقلعهٔ مرنج درحبس ماند تا در سال ۵۰۰ به شفاعت ثقة‌الملک طاهربن علی مشکان آزادشدو تاپایان عمر کتابداری شاهان غزنوی

را داشت. مسعود سعد امیران غزنوی ووزیران را مانند ثقةالملک طاهر وابونصر پارسی وابوالقاسم خاص مدح کرده است. مسعودسعد درزبان تازی وهندی نیزدست داشته واشعاری به عربی سروده است. مهمترین موضوع اشعار مسعود سعد شرح رنجهای بی‌پایان وسختیهائی است که دردوران زندان تحمل کرده‌است. این اشعار به حبسیات معروف‌است وبسیار موثر می‌باشد.

(دیوان مسعودسعد — چاپ تهران)

مسعودی (ت) ابوالحسن‌علی‌بن‌حسین‌المسعودی. وفات ۳۴۶ مورخ بزرگ قرن چهارم. از فرزندان عبدالله‌بن‌مسعود بود که درعصر حضرت محمد می‌زیست و به همین مناسبت به مسعودی اشتهار یافته است. مسعودی دراواخر قرن سوم دربغداد متولد شد و درسال ۳۰۰ هجری ازآنجا خارج‌شدوبه‌مولتان وفارس‌و کرمان وهندوستان تانزدیک چین سفر کرد ومدتی درشهرهای مختلف اقامت کرد وپس از این سفر طولانی دوباره به بغداد برگشت و نتیجهٔ مطالعات چندین ساله‌اش را به صورت کتاب درآورد.

از آثار معروف او کتاب «اخبارالزمان» و«کتاب الاوسط» است دیگر کتاب«التنبیه‌والاشراف»درعلم هیئت‌ومهمترازهمه «مروج الذهب» می‌باشد.

مسعودی غزنوی (ت) شاعر تازی شاعر قرن پنجم و معاصرسلطان مسعودغزنوی که‌درسال ۴۳۰ مغضوب‌واقع‌شدوبه هندوستان تبعید گشت.

ابیاتی ازاودرتذکره‌ها باقی است.

مسعودی مروزی (ت) ازشاعران اواخر قرن سوم واوایل قرن چهارم. وی نخستین کسی‌است که شاهنامهٔ منظوم ساخته است. از

شاهنامهٔ او اطلاع فراوانی در دست نیست. ثعالبی در «غرر اخبار ملوك الفرس» والمقدسی در کتاب «البدء والتاریخ» ازاین منظومه یاد کرده‌اند.

مسمط (ب) شعری است که شاعر بنای آن را بر چند مصراع متفق القوافی بابیشتر و کمتر نهد ومصراع آخر را برقافیه‌ای گذارد که قافیهٔ اصلی شعر باشد مانند مسمطهای منوچهری. مسمط را برحسب شمارهٔ مصراعهای هربندی مربع، مخمس، مسدس می‌خوانند

خیزید وخزآرید که هنگام خزان است
باد خنك ازجانب خوارزم وزان است
آن برگ رزان‌است که برشاخ رزان‌است
گوئی به مثل پیرهن رنگرزان است
دهقان به‌تعجب سرانگشت گزان است
کاندرچمن‌وباغ نه گل ماند ونه گلنار

مسیحا (تن) لقب عیسای پیغمبر

فیض روح القدس ار باز مدد فرماید
دیگران هم‌بکنند آنچه مسیحاسی کرد
«حافظ»

مشاکل (ع) از بحور مخصوص‌شعرفارسی. به‌این وزن‌شعرهای فهلوی (یعنی اشعار محلی به لهجه‌های مرکزی وغربی ایران) بیش از شعرفارسی دری است. اصل آن «فاع لاتن مفاعیلن مفاعیلن» است وازاین اصل گاهی ابیاتی به وزن زیر دیده می‌شود.

مشاکل مکفوف مقصور (فاع لات مفاعیل مفاعیل):

ای نگارسیه چشم سیه موی　　سرو قد نکو روی نکو گوی

مشتاق (ت) میرسیدعلی‌مشتاق‌اصفهانی. وفات ۱۱۷۱ ـ ازسادات

حسینی اصفهانی و ازشاعران قرن دوازدهم . مشتاق درعلوم معقول ومنقول مهارت داشت و ازعلوم متداول زمان خود بهره‌مند بود . انجمن ادبی دراصفهان تأسیس کرد به نام «انجمن ادبی مشتاق» که سخن سرایانی مانند هاتف وعاشق وآذر بیکدلی دراین انجمن حاضر شده کسب ادب می کردند . مشتاق ازاحیا کنندگان سبک عراقی است ودیوانش شامل قصیده وغزل ورباعی است. قصاید مشتاق بیشتر درمناقب حضرت رسول اکرم است .

(دیوان مشتاق – چاپ تهران)

مشتری (نج) یا برجیس درفلک ششم نسبت به زمین قرار گرفته است ودرنظر منجمان ستارهٔ سعد است .

بر آسمان مکرمت از روشنان علم

چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

المصادر (ك) از قدیمترین کتابهای لغت تألیف قاضی ابوعبدالله حسین بن احمدزوزنی. این کتاب درزمان مؤلف نیزمعروف ومورد اعتماد بوده است. مؤلف دراین کتاب مصادرعربی را به فارسی شرح کرده ودربرابرهریک معادلی به فارسی آورده است . مصادر عربی دراین کتاب برحسب افعال صحیح ومعتل ومهموز ومانند آن وبه ترتیب حروف تهجی اواخرآنها تنظیم شده است . مؤلف ابتدا از ثلاثی مجرد شروع کرده وپس ازآن ثلاثی مزید ورباعی مجرد ومزید را آورده است .

(چاپ تهران)

مصحف (ب) آن است که چون نقطهٔ کلمه‌ای را تغییر دهند معنایش تغییر کند .مانند دو کلمهٔ بوسه وتوشه دراین شعر:

مرا بوسه جانا به تصحیف ده		که درویشی‌راتوشه ازبوسه‌به

مصراع (ب) درزبان‌عرب مصراع لنگهٔ دراست ودرشعرنیمه‌ای از بیت باشد . پس هربیت شامل دومصراع است .

مضارع (ع) از بحور شعر عربی وفارسی . مرکب است ازدوبار «مفاعیلن فاعلاتن‌مفاعیلن» ودرفارسی ازاین بحر وزنهای زیرمتداول است .

بحرمضارع مثمن‌اخرب‌مکفوف مقصور یامحذوف «مفعول‌فاعلات مفاعیل فاعلان ــ فاعلن»

گیتی که اولش عدم و آخرش فناست
در حق او گمان ثبات و بقا خطاست

بحر مضارع مثمن‌اخرب صدر وعروض : «مفعول فاعلاتن ۲ بار»

بگذار تابگریم چون ابر دربهاران
کز کوه ناله خیزد روزوداع باران

«سعدی»

بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف : «مفعول فاعلات مفاعیلن»

ای مطرب خوش آوا آواده		ای‌ساقی آن‌قدح را باما ده

«اورمزدی»

المضاف الی بدایع الازمان (ك) تألیف افضل‌الدین ابوحامد احمدبن حامد کرمانی‌درتاریخ کرمان . تاریخ تألیف کتاب اوایل سال ۶۱۳ است که تسلط‌ملوك‌شبانکاره واتابکان فارس وامرای‌غزازکرمان قطع شده‌است . انشاء این کتاب‌مانند «عقدالعلی» مصنوع ومتکلف‌است .

مطلع الانوار (ك) یکی از مثنویهای امیر خسرود هلوی که‌آن را درسال ۶۹۸ به‌نام علاءالدین محمدشاه درتقلید مخزن‌الاسرار نظامی ساخته است .

مطلع السعدین (کک) تاریخی به زبان فارسی تألیف کمال الدین عبدالرزاق بن اسحاق السمرقندی از مورخان قرن نهم هجری. این تاریخ دردوجلد است وشامل تاریخ صدوهفتاد سال، از زمان سلطان ابوسعید آخرین پادشاه ایلخانان تاپایان پادشاهی سلطان ابوسعید تیموری است وبهمین مناسبت مؤلف نام آن را «مطلع السعدین» گذاشته است. نویسنده در این کتاب از مطالب زبدة التواریخ تألیف حافظ ابرو استفاده کرده ووقایعی را نیزشرح داده است که خودشخصاً ناظر وشاهد آن بوده است.

مطلع السعدین تاریخ نفیسی است که دارای اطلاعات بسیار سودمند میباشد و مورد استفادهٔ تاریخ نویسان بعد قرار گرفته است. سبک آن ساده وروان است.

مطلع الشمس (ك) تألیف اعتمادالسلطنه. دربارهٔ اوضاع ایالت خراسان، درجلد اول که درسال ۱۳۰۱ ه ق تألیف یافته وضع جادهٔ تهران را به مشهد ازدماوند وفیروزکوه وبسطام وبجنورد وقوچان وصف میکند واوضاع هریک ازاین بلاد را شرح میدهد. جلد دوم وصف شهر مشهد وابنیهٔ تاریخی وبزرگان واعاظم آن است وشامل شرح حال امام علی بن موسی الرضا است، همچنین فهرستی از کتابهای کتابخانهٔ آستانه قدس دارد. جلدسوم - درشرح مراجعت ناصرالدین شاه از نیشابوروسبزوار ودامغان وسمنان است باشرح احوال رجال وبزرگان هریک ازشهرها.

(چاپ تهران)

المعارف (ك) از مهمترین آثار صوفیان به زبان فارسی. تألیف بهاءالدین محمدبن حسین خطیبی معروف به بهاءالدین ولد. این کتاب مجموعه‌ای است ازمجالس ومواعظ بهاءالدین که دران ازحقایق عرفان وتفسیرآیات قرآن سخن گفته است وشامل ترکیبات ولغات پارسی است

وبسیار دلپذیر می‌باشد . (چاپ تهران)

معاقبت (زحاف) (ع) آن است که حذف حرفی از یکی‌ازافاعیل عروضی بالزوم ابقاء حرف دیگر آن ملازمه‌داشته باشد. درمفاعیلن آن است که یاء ونون باهم ساقط نمی‌شود، اگر نون بیفتد یاء می‌ماندواگر یاء بیفتد نون می‌ماند . معاقبت در فاعلاتن بین نون والف است یعنی یا نون می‌افتد یاالف .

المعجم‌فی آثارملوك‌العجم (ك) رجوع شود به‌تاریخ معجم .

المعجم‌فی‌معائیر اشعارالعجم (ك) تألیف شمس‌الدین محمدبن قیس رازی که‌آن‌رادرحدودسال ۶۳۰ به‌زبان‌فارسی‌تألیف کرده‌است.ظاهراً اصل کتاب به‌عربی نوشته شده ودربارهٔ عروض‌وقوافی‌فارسی وعربی‌بوده است. اما بعدبنا به‌سفارش دوستان‌آن‌را دوقسمت کرده است. آنچه‌را مربوط به زبان فارسی‌بوده است درکتابی تلخیص کرده ونام«المعجم‌فی‌معائیر اشعارالعجم» برآن گذاشته است‌وآنچه متعلق‌به زبان عربی بوده به نام «المعرب فی‌معائیر اشعارالعرب»موسوم کرده است . کتاب‌المعجم‌درفن عروض وعلم قوافی و نقدالشعراست و یکی از مهمترین و سودمندترین کتابها است دربارهٔ علوم ادبی به زبان فارسی ؛ وعلاوه برآنکه ازحیث مطالب مربوط به عروض وقافیه ونقدالشعر جامعترین کتاب فارسی‌است از لحاظ آوردن شواهد شعری وذکرنام بسیاری از شاعران قبل‌ازمغول بسیار پرارزش ومورد استفاده است .

(المعجم — چاپ تهران)

معراج (تن) درلغت به معنی جای بالا رفتن و در اشعار فارسی اشاره به عروج حضرت محمد ص بسوی خداست تا آنجا که فراتر رفتن ازآن برای کسی میسر نبوده است :

براق همتش معراج پیمای عقاب دولتش نهمت شکاراست

«ابوالفرج رونی»

معراج السعادة (ك) کتابی در اخلاق، تألیف احمدبن مهدی نراقی ازعالمان و فقیهان و شاعران معاصر فتحعلیشاه قاجار. این کتاب درواقع ترجمه‌ای است از کتاب جامع السعادات تألیف میرزا مهدی نراقی پدر مؤلف .

معروفی بلخی (ت) ابوعبدالله محمدبن حسن معروفی بلخی از شاعران عهد سامانی ونیمهٔ اول قرن چهارم که امیر رشید عبدالملک بن نوح (۳۴۳ — ۳۵۰) را مدح گفته است . اشعار پراکنده‌ای از او باقی است .

معزی (ت) امیرالشعرا ابوعبدالله محمدبن عبدالملک . وفات در حدود ۵۲۰ - ازشاعران بزرگ دورهٔ سلجوقی ، پدرش عبدالملک برهانی شاعر دربارالب ارسلان بود که در ابتدای دولت ملکشاه وفات یافت ومعزی جای او را گرفت . تخلص او به معزی به مناسبت انتساب به دربار معزالدین والدنیا ملکشاه بن الب ارسلان می‌باشد، لقب امیرراهم ملکشاه به او اعطا کرد . معزی تافوت ملکشاه در دربار او می‌زیست وپس ازآن مدتی درهرات ونیشابور واصفهان گذراند و بعد به خدمت سنجربن ملکشاه رسید وتا آخر عمر در دربار او ماند . سبب فوت او را تیری می‌دانند که از کمان شاه جدا شد وبی‌قصد به معزی اصابت کرد و چنانکه خود اشاره کرده است از زخم آن تیر مدتی بیمار بود و گویا سرانجام براثر همان زخم فوت کرد . ممدوحان معزی علاوه برسلطان ملکشاه وسلطان سنجر شاهان دیگر سلجوقی و وزیران ایشان می‌باشند مانند برکیارق و محمدبن ملکشاه ، ارسلان ارغو پسر الب ارسلان ،

بهرامشاه‌بن‌مسعود غزنوی ، اتسزبن محمد خوارزمشاه .

اشعار امیر معزی‌شامل‌قصاید وغزلیات‌است که درنهایت‌سادگی است وخالی ازتکلف‌می‌باشد. غزلهای نغزی‌دارد ودرقصایدش‌اشارات تاریخی وجود دارد و به‌بسیاری از وقایع عصرسلجوقی مانند جنگها وصلح های‌سلطان ملکشاه وسنجر اشاره کرده است .

معما (ب) : آن است که‌شاعر اسم یامعنی را نوعی به‌رمز گوید که خواننده جز به اندیشه وفکر نتواند به حقیقت آن پی ببرد .

درمعنی قپان .

چیست نه شلوار و نه پیراهنش

هرچه می‌خواهی نهی در دامنش

راست گوید هرچه گوید بی زبان

اژدهائی عقربی در گردنش

معمری (ت) ابوزراعه معمری جرجانی از شاعران دورهٔ سامانی که‌خودرا درشاعری‌بارودکی مقایسه کرده‌است. ابیاتی‌ازاودرتذکره‌ها باقی است .

معیارالاشعار (ک) کتابی به‌زبان فارسی درعلم عروض وقوافی تألیف‌خواجه نصیرالدین‌طوسی دانشمند بزرگ ایرانی. این کتاب‌شامل یک مقدمه ودوفن است . مقدمه در بیان ماهیت شعر و ذکر صناعات آن‌درسه فصل . فن اول‌درعلم عروض که شامل‌ده فصل‌است. فن دوم درعلم قافیه که شامل ده فصل می‌باشد . نویسنده دراین کتاب اشعار فراوانی به فارسی وعربی به عنوان شاهد ذکر کرده است .

(چاپ تهران)

معین‌الدین‌اسفزاری (ت) رجوع شود به اسفزاری

معین‌الدین یزدی (ت) وفات ۷۸۹ - از دانشمندان و تاریخ نویسان قرن هشتم و معاصر و مداح شاه شجاع . معین‌الدین برحسب تشویق شاه شجاع و پدرش امیر مبارزالدین محمد ، کتابی درتاریخ خاندان مظفری تألیف کرده که آن را درسال ۷۶۸ شروع کرده ودرسال ۷۶۷ پایان‌داده است . عنوان این کتاب «مواهب‌الهی» است .

مغربی (ب) وفات ۸۰۹ — ازشاعران متصوف ایران درقرن نهم . در نائین نزدیک اصفهان تولدیافته و دراصطهبانات فارس مدفون است ولی به مغربی تبریزی معروف است . مغربی از پیروان شیخ محی‌الدین العربی است . دیوان مغربی مشتمل است برغزلیات وترجیعات ورباعیات، اشعارش بیشتر صوفیانه وعارفانه است . دیوان مغربی چندبار درایران به چاپ رسیده است .

مقابله (نج) آن است که میان دوبرج یک‌دوم دورهٔ فلک یعنی شش برج فاصله باشد ودراصطلاح نجوم برجی به برج هفتمش نظر کند واین حال سعد است .

زاخترم نظرسعد درره‌ست که دوش
میان ماه و رخ یار من مقابله بود
«حافظ»

مقابله‌یامتضاد (ب) آن است که شاعر اشیاء متضاد را در برابر هم قرار دهد .

چه جای شکروشکایت زنقش نیک وبداست
که برصحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند
«حافظ»

مقامات‌حمیدی (ک) ازکتابهای معروف نثر فارسی درقرن ششم،

تألیف قاضی حمیدالدین عمربن محمود البلخی که آن را به تقلید مقامات حریری نگاشته است. کتاب دارای یک مقدمه وبیست وچهار مقاله ویک خاتمه است وشامل نکته های اخلاقی واجتماعی وافکار عارفانه ومطالب تاریخی وفلسفی است. مقامات حمیدی به نثر مسجع وموزون است ونویسنده همه جا به آوردن صنایع لفظی وایراد مترادفات وذکر اشعار فارسی وعربی پرداخته است. باوجود این نثرش سلیس وروان است ودرزمان حیات مؤلف شهرت فراوان یافته است، چنانکه نظامی عروضی صاحب چهار مقاله که معاصر مؤلف بوده است، خواندن این کتاب را برای کسانی که بخواهند درترسل وفن انشاء مهارت یابند، لازم وضروری دانسته است.

(چاپ تهران)

مقتضب (ع) از بحور شعر فارسی و عربی. اصل آن «مفعولات مستفعلن مستفعلن» ۲ باراست. وزنهای این بحر درفارسی رواجی ندارد، متداول ترین آنها این است:

بحرمقتضب مثمن مطوی مقطوع «فاعلاتُ مفعولن ۲ بار» در هر مصراع:

وقت را غنیمت دان آنقدر که بتوانی

حاصل از حیات ای جان یک دم است تا دانی

المقدسی (ت) شمس الدین ابوعبدالله محمدبن احمد المقدسی معروف به بشاری از دانشمندان و جغرافی نویسان معروف قرن چهارم ومعاصر سامانیان. المقدسی ممالک اسلامی وهمهٔ ایران را سیاحت کرده ودربارهٔ آداب وعادات ومذاهب و السنهٔ ملل مطالعه کرده و نتیجهٔ مطالعات را درکتاب معروف خود به نام احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم آورده است.

مقطع (ب) شعری را گویند که چنان ساخته شده باشد که همهٔ کلمات آن ازحروف منفصل باشد و هیچ حرفی را به حرف دیگر نتوان چسباند :

زار و زردم ز درد دوری او   درد دلدار زرد دارد و زار

مقلوب (ب) ازصنایع بدیع که شاعر کلمه را وارونه کندومعنی تازه‌ای یابد .

مقلوب برچهارقسم است :

مقلوب کل ، مقلوب بعض ، مقلوب مجنح ، مقلوب مستوی .

مقلوب کل آن است که تقدیم وتأخیر در همهٔ حروف کلمه باشد مثل تاریخ وخیرات ، شیروریش؛ یا گنج وجنگ دراین شعر :

به گنج اندرون ساخته خواسته   به جنگ اندرون لشکرآراسته

مقلوب بعض آن است که تقدیم وتأخیر دربعضی از حروف کلمه باشد. مانند رقیب وقریب ؛ یاجادوانه وجاودانه دراین شعر :

از آن جادوانه دو چشم سیاه   دلم جاودانه عدیل عناست

مقلوب مجنح همان مقلوب کل است ولی کلمه های مقلوب درابتدا وانتهای کلام واقع شود. مانند کلمهٔ زان وناز دراین شعر

زان دوجادونرگس مخموربا کشی وناز

زار وگریان و غریوانم همه روز دراز

مقلوب مستوی آن است که اگر یک عبارت یا یک مصرع را وارونه بخوانند تفاوت نکند .

شکر به ترازوی وزارت بر کش

شو همره بلبل بدلب هر مهوش

مقنع کندی (ت) لقب حکیم بن عطا که دعوی پیغمبری می کرد

وگویندبه‌عنوان‌معجزه ، ماهی‌ساخته بود که شبانگاه ازچاه بیرون‌می‌آمد ونورش تا چهار فرسنگ را روشن می‌کرد . ماه مقنع درشعر فارسی از اوصاف معشوق‌است به‌معنی «ماه‌پوشیده‌روی» وابهامی دارد به ماهی که مقنع کندی ساخته بود .

مقولات‌عشر (ط) عبارت است ازنه‌مقوله عرض ویک‌مقوله‌جوهر وجمیع موجودات عالم به حسب ذات منتهی به این اجناس می‌شود .

مقولات عشر عبارت است از: جوهر ، این ، متی ، ملک ، وضع ، کم ، اضافه ، فعل ، کیف ، انفعال . مثال :

گل به بستان دوش درخوشترلباسی خفته بود

یک‌نسیم‌از کوی‌جانان‌خاست خرم‌درگذشت

گل	جوهر
بستان	این
دوش	متی
درخوشترلباس	ملک
خفته بود	وضع
یک‌نسیم	کم
از کوی‌جانان	اضافه
خاست	فعل
خرم	کیف
درگذشت	انفعال

مکاتیب (ك) مجموعه‌ای از مکتوبهای فارسی عین‌القضاة از بزرگان ومشایخ صوفیه به دوستان وبزرگان زمان خود . این مکتوبها شامل حقایقی است درحکمت وعرفان که با نثر روان وساده‌نوشته شده

است و کمرجنبهٔ نامه دوستانه دارد. عین‌القضاة دراین مکتوبها بسیاری از اشعار شاعران رابه عنوان شاهد نقل کرده ودرضمن رباعیهائی نیزاز خود ذکر کرده است که همه اندیشهٔ عرفانی دارد .

مکتبی شیرازی (ت) از شاعران قرن نهم هجری که به مناسبت شغل مکتب داری«مکتبی» تخلص کرده است. وی‌از شاعرانی‌است که به تقلید نظامی شعر گفته ومثنوی لیلی‌ومجنون را به پیروی ازاوبه سال ۸۹۵ دردوهزارویکصدوشصت بیت سروده است. مکتبی‌درعلم‌موسیقی استادی داشته وساری شبیه به قانون ساخته است .

ملاصدرا (ت) رجوع شود به صدرالدین شیرازی

ملاعبدالرزاق‌لاهیجی (ب) رجوع شود به لاهیجی

ملك (ط) از مقولات عشر. مفهوم ملک شکلی است که به‌سبب احاطهٔ چیز دیگر برجسم عارض شودمثل شکل لباس پوشیدن ودسته‌ای احاطه راشرط ندانندبلکه‌مالک بودن‌وصاحب بودن‌را معتبر دانند .

ملك‌سلیمان (بن) کشور سلیمان که قلمروش بسیار وسیع بود زیرا که حق تعالی علاوه برپیغمبری‌به سلیمان پادشاهی داد تابرآدمی وپری ودیو حکومت کند . باد مأمور بود که هرچه در ملک سلیمان می‌گذشت ، به گوش او برساند .

پیش صاحبنظران ملک سلیمان باد است

بلکه آن است‌سلیمان که ز ملک‌آزاداست

«خواجو»

ملك‌قمی (ب) وفات ۱۰۲۵ از شاعران قرن‌دهم‌ویازدهم‌هجری که به‌هندوستان مهاجرت کرده و دردکن به دربار نظام‌الدین‌شاه راه یافته ونزد او وابراهیم عادلشاه با تقرب تمام می‌زیسته است . ملک

قمی در هندوستان درعرفان مقام ارشاد یافته است وفیضی دکنی اوراستوده وسی گوید که وی کمتر معاشرت سی کرده است .

دیوان ملک قمی شامل غزلیات ومثنوی است .

ملکه سبا (تن) رجوع شود به بلقیس .

الملل والنحل (ك) ازمهمترین کتابها دربارهٔمذاهب وادیان وعقاید فیلسوفان وحکیمان . تألیف ابوالفتح محمدبن ابی القاسم عبدالکریم شهرستانی که آن رابه نام مجدالدین ابوالقاسم علی نقیب السادات به زبان عربی تألیف کرده است . شهرستانی دراین کتاب عقاید فیلسوفان و حکیمان واهل مذاهب را مورد بحث قرار داده است . کتاب «الملل والنحل» یکبار بوسیله صدرالدین ترکهٔ اصفهانی به‌نام «تنقیح الادلة والعلل فی ترجمة کتاب الملل والنحل» وبار دیگر بوسیله مصطفی بن خالقداد درسال ۱۰۲۰ به فارسی ترجمه شده است .

ملمع (ب) آن است که شاعر در شعر دو زبان به کار برد مانند این شعرسعدی که به‌دوزبان عربی وفارسی است :

سل المصانع رکباتهیم فی الفلوات		توقدرآب چه‌دانی که در کنارفراتی

ممسك العنان (نج) از صورتهای فلکی ، درشمال منطقةالبروج که شامل چهارده ستاره‌است به‌شکل مردی ایستاده که به دستی تازیانه وبه دست دیگر عنان دارد .

منازل قمر (نج) بیست‌وهشت منزل است ازمنطقةالبروج که ماه هرروزی یکی ازآن منازل را طی سی کند وعبارت است از :

شرطین ، بطین ، ثریا (پروین) ، دبران ، هقعه ، هنعه ، ذراع ، نثره، طرف ، جبهه، خراتین ، صرفه ، عوا ، سماك اعزل ، غفر، زبانی ،

اکلیل، قلب، شوله، نعایم، بلده، سعدذابح، سعدبلع، سعدالسعود، سعدالاخبیه، فرغ نخستین، فرغ دوم، بطن الحوت .

مناقضه (ب) آن است که معنی مصراع دوم مناقض ومنافی معنی مصراع اول باشد

درستی بخشم بوسه ندهد جور کند

بدرم جامه که بوسه نفروشد به درم

منتجب الدین بدیع (ت) منشی سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسالت او بود . دراوایل جوانی به مرو رفت وبعد ازاتمام تحصیل به دستگاه دیوانی وارد شد . منتجب الدین مجموعهٔ منشآت خود را به نام «عتبه الکتبه» نامید که پس از او سرمشق مترسلان قرار گرفت . عوفی دو کتاب به منتجب الدین نسبت داده است ، یکی «رقیة القلم» در فن دبیری ودیگر «عبرات الکتبه» . انشاء منتجب الدین نمونهٔ نثر مصنوع ودارای سجع واطناب است . اشعاری نیز از او نقل شده است .

منتظم ناصری (ك) تألیف اعتمادالسلطنه . شامل سه جلد است

جلد اول شامل خلاصهٔ تاریخ اسلام از سال اول هجرت تا سال ٦٥٦ ه شامل تاریخ خلفابه ضمیمهٔ وقایع مهم ایران ، باسالنامه وتقویم

جلد دوم شامل وقایع وحوادث عالم ازانقراض خلافت بنی عباس ٦٥٦ تا ابتدای سلطنت قاجاریه

جلد سوم حاوی تاریخ قاجاریه از سال ١١٩٤ به بعد باسالنامه (چاپ تهران)

منجیك ترمذی (ب) ابوالحسن علی بن محمد منجیک ترمذی از شاعران قرن چهارم هجری که مداح امیران چغانی بوده است . دیوان منجیک در قرن پنجم مشهور بوده و ناصرخسرو درسفرنامهٔ خود از

آن اسم برده‌است. منجیک شاعری‌است قصیده سرا وعلاوه برقصیده‌های بزرگ درمدح شاهان ، اشعاری نیز درهجو وهزل‌دارد .

اشعار منجیک درتذکره‌ها وکتابهای لغت موجود است .

منسرح (ع) از بحور شعرفارسی‌وعربی. اصل آن ۲ بار «مستفعلن مفعولات مستفعلن» است . در فارسی ازاین بحر وزنهای زیر به‌کار می‌رود . بحر منسرح مثمن مطوی موقوف (مفتعلن‌فاعلن ۲ بار) مثال :

تاجر عشقم به‌کف مایه و سودم وفا
تا که خرد دوستی تا چه دهد دربها

منسرح مثمن مطوی مجدوع (مفتعلن فاعلات مفتعلن‌فع) مثال :

بخت جوان دارد آنکه باتوقرین است
پیر نگردد که در بهشت برین است

منشوری (ت)ابوسعیداحمدبن‌محمدمنشوری سمرقندی،ازشاعران عصر غزنوی. از اشعار او قطعه‌هائی درترجمان‌البلاغةوسایر فرهنگها موجود است .

منصورحلاج(ت) حسین بن‌منصور. مقتول ۹ . ۳- ازبزرگان‌عرفا ومتصوفه .عده‌ای باره‌ای‌ازخوارق عادات‌اوراحمل برکرامت‌اوسی کردند واوراازاولیاءسی‌دانستندودسته‌ای‌آن‌رااثرسحر وجادومی‌شمردندوسرانجام هم به استناد این گفتهٔ او «اناالحق ولیس فی‌جبی الاالله ...» او را به زندان‌افکندند وبه‌فرمان‌حامدبن‌عباس‌وزیر مقتدرعباسی به‌دارآویختند

منصوربرسردار این‌نکته خوش سراید
از شافعی مپرسید امثال این مسائل
«حافظ»

کلمهٔ‌داردراین شعر نیز اشاره به اوست :

گفت آن یار کز و گشت سردار بلند
جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد
«حافظ»

منطقة البروج (نج) دایرهٔ بزرگی که محل عبور زمین در گردش به دور خورشید است وآن را فلک البروج و نطاق البروج نیز خوانده‌اند و به دوازده بخش می‌شود که هریک را برج می‌خوانند و این برجها به نام صورتهائی است که زمین از برابر آنها می گذرد .

منطق الطیر (ك) منظومه‌ای عرفانی ازآثارمعروف شیخ فریدالدین عطارنیشابوری؛ شامل ۴۶۰۰ بیت. دراین منظومه افکار عرفانی وشیوهٔ سالکان طریقت از زبان پرندگان نشان داده‌شده است. مرغان درطلب سیمرغ که کنایه از حضرت‌حق است به‌راه‌می‌افتند وهدهد را به‌عنوان راهنما انتخاب می کنند . عده‌ای از مرغان از دشواری راه می گریزند ودسته‌ای تسلیم می‌شوند. پس ازطی هفت منزل دشوار بازعده‌ای از پا درمی‌آیند و سرانجام سی‌تن رنجوروخسته باقی می‌مانند که به کوه‌قاف می‌رسند ومی‌بینندسیمرغی که درطلب او هستند خودایشان (سی‌مرغ) هستند. مقصود از این‌منظومهٔ رمزی نمودن‌راه عرفان و رسیدن به‌حق است که بعضی‌ازسالکان طریقت به سبب علایق دنیوی با کوتاهی همت از دشواری راه می گریزند وکسانی که‌با کوشش موفق می‌شوند هفت مرحلهٔ سلوک را بپیمایند سرانجام حقیقت را در می‌یابند و فانی می‌شوند تاجامهٔ بقا بپوشند . کتاب منطق‌الطیر از منظومه‌های عالی زبان فارسی است که عطار درآن قدرت تخیل وبیان خود راآشکار کرده ودرضمن گفتگوی‌پرندگان حکایتها وتمثیل های‌شیرین‌آورده است .

منطقی (ت) ابوسلیمان محمدبن‌طاهربن بهرام‌سجستانی. وفات ۳۹۱-

فیلسوف بزرگ قرن چهارم ومعاصر عضدالدولهٔ دیلمی. منطقی بسیار مورد توجه عضدالدوله بوده ورسائلی به نام او درشرح فنون حکمت وتفسیر کتابهای ارسطو نوشته است. ازآثار او «رسالة فی المحرك الأول» ومقاله «طبیعت اجرام علوی» و«مقالة فی الکمال الخاص بنوع الانسان».

منطقی رازی (ت) ابومحمد منصوربن علی منطقی رازی. وفات نیمه دوم قرن چهارم - ازشاعران معاصر صاحب بن عباد که بقول عوفی صاحب بن عباد پیوسته اشعار او را مطالعه می کرد. اشعاری از منطقی درتذکره‌ها ضبط است.

منکب الجبار = منکب الجوزا (نج) ازستارگان قدر اول که درشکل «جبار» است وآن را جوزا خوانند

من لا یحضره الفقیه (ك) کتابی درفقه تألیف ابن بابویه فقیه مشهور قرن چهارم هجری درآئین تشیع که مرجع علمای شیعه است. مجموع آن درچهار جزو تنظیم شده که دارای ۶۶۶ باب و۵۹۶۳ خبراست. این کتاب ازاصول چهارگانه درفقه‌است وروایات آن مورد اعتماد علماست وچندین بار برآن شرح نوشته شده است. (چاپ تهران)

منوچهر (ش — د) نوادهٔ ایرج است که به سرپرستی فریدون، جد خود، پرورش یافت وهنرآموخت، در زمان او سلم وتور لشکراز جیحون گذراندند و منوچهر با لشکر برایشان تاخت وسلم وتور را کشت ودژالانان را گشود وبافیروزی بازگشت. فریدون تاج شاهی را برسروی نهاد وخود گوشه گیری کرد. منوچهر به راهنمائی وتدبیر سام، شاهی کرد.

منوچهری (ت) ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی. وفات ۴۳۲ - ازشاعران بزرگ قرن پنجم وعصر مسعود غزنوی، تولدش دردامغان است وپیش ازآنکه به خدمت مسعود برسد، در ری اقامت

داشته‌است وهنگامی که مسعود به‌قصد لشکرکشی به گرگان ازنیشابور حرکت کرد ، منوچهری را نزد خود خواند . پس از آن منوچهری در دربار مسعود تقرب حاصل کرد وصاحب شکوه وجلال گردید .

منوچهری تخلص خود را ازنام فلک‌المعالی منوچهربن قابوس وشمگیر حکمران زیاری گرفته که درابتدای کاردردربار او بسرمی‌برده است . از ممدوحان منوچهری سلطان مسعودبن محمود غزنوی ، علی دایه سپهسالار مسعود ، خواجه احمد عبدالصمد وزیر سلطان مسعود ، ابوسهل زوزنی وعدهٔ دیگر از رجال زمان مسعود بوده‌اند . منوچهری باوجود جوانی ، صاحب اطلاع وسیع درشعر و ادب فارسی و تازی بوده است ، چنانکه دراشعارش ازمضمونها واسلوب شاعران‌تازی بسیار استفاده کرده و اغلب لغتهای نادر و غریب عربی درشعر خود به کار برده است . منوچهری‌علاوه برزبان‌وادب عرب درعلم طب‌ونجوم نیزدست‌داشته واصطلاحات نجوم دراشعارش دیده می‌شود . منوچهری در تشبیه واستعاره خاصه وصف طبیعت ورزم وشراب استاد بوده و او را مبتکر مسمط می شمارند که ظاهراً این نوع‌شعر پیش از او در اشعار دیگران دیده نشده است .

دیوان منوچهری چندین بار به‌چاپ رسیده است .

من وسلوی (تن) من به معنی انگبین وسلوی به معنی‌بلدرچین است . من وسلوی غذائی بوده است که خداوند دربیابان برای موسی وقوم بنی‌اسرائیل‌فرستاد .

گربه‌عهد موسی است‌را که قحط از هوا
بازمن وسلوی سلوت رسان افشانده‌اند . . .

«خاقانی»

منهاج‌سراج (ت) منهاج‌الدین عثمان بن محمدسراج‌الدین جوزجانی.
وفات ۶۹۸- از عالمان خراسان بود که هنگام حملهٔ مغول به هندوستان مهاجرت کرد و در دربار ناصرالدین قباجه اقامت کرد و به فرمان او به ریاست مدرسهٔ فیروزی منصوب گشت. وقتی که ناصرالدین قباجه خود را درسند غرق کرد و کشورش به دست التتمش افتاد، منهاج‌سراج به خدمت او درآمد و در دربار او به مناصب عالی ارتقاء یافت و کتاب «طبقات ناصری» را به‌نام ناصرالدین محمود شاه پسرالتتمش نوشت.

منیژه (ش — د) از زنان داستانی شاهنامه ودختر افراسیاب که عاشق بیژن پهلوان‌ایران گشت واورا به کاخ خود برد وچون افراسیاب به‌عشق دختر پی‌برد، اورا ازقصر خود راند وبیژن را درچاهی زندانی کرد. منیژه سروپابرهنه به گدائی برداخت ونانی‌را که از این راه به دست می‌آورد، در چاه برای بیژن می‌انداخت. منیژه درعشق خود فداکاریها کرد تارستم به یاری ایشان رسیدوبیژن را از چاه بیرون‌آورد ومنیژه بااو به ایران گریخت.

المواقف (ك) «کتاب المواقف فی‌علم الکلام و تحقیق‌المقاصد وتبیین‌المرام» از متون علم کلام که قاضی عبدالرحمن بن احمد معروف به عضدالدین ایجی آن‌رابه‌نام خواجه غیاث‌الدین‌محمدبن رشیدالدین تألیف کرده ومیرسید شریف جرجانی برآن شرح نوشته است.
(چاپ مصر — ۱۸۴۸م)

مواهب‌الهی (ک) کتابی درتاریخ خاندان مظفری ازآغاز تا هنگام جنگ شاه شجاع وشاه محمود که معین‌الدین یزدی‌آن را براثر تشویق‌شاه شجاع وپدرش امیر مبارزالدین درسال ۷۶۷ به‌پایان‌رسانده است.

این کتاب مانند تاریخ وصاف دارای انشاء متکلفانه و مصنوع است و استعارات غریب فراوان دارد ولی از جنبهٔ تاریخی سودمند است.
(چاپ تهران)

مواهب‌علیه (کت) تفسیری ازقرآن به‌زبان‌فارسی، تالیف ملاحسین واعظ کاشفی که آن را در سال ۸۹۹ به‌نام امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده‌است.

موسی (تن) موسی کلیم‌الله ازپیغمبران اولوالعزم . وی درزمان شاهی ولیدبن مصعب فرعون مصر متولد شد . چون منجمان به فرعون گفته بودند که پسری از بنی‌اسرائیل مبطل احکام او خواهد بود ، از اینرو دستورداد تا هرپسری که از بنی‌اسرائیل به‌وجود آید بکشند. وقتی که موسی متولد شد مادرش ازترس فرعون اورا درصندوقی گذاشت وبه رودنیل انداخت . آب صندوق را زیرقصرفرعون برد، کنیزآسیه زن فرعون آن را گرفت ونزدبانوی خود برد . آسیه اورا به‌فرزندی پذیرفت. کودک از بستان هیچکس شیر ننوشید جز مادرش .مادر را به دایگی انتخاب کردند و موسی درخانهٔ فرعون بزرگ شد . روزی یکی از قبطیان را کشت وبه این سبب گریخت ونزد شعیب رفت ودرازای دهسال شبانی دختر اورا گرفت وبه مصر عزیمت کرد . شعیب عصائی به اوبخشید. درراه درشبی تاریک زنش درد زاییدن گرفت،درآن بیابان که وادی ایمن نام دارد، موسی به جستجوی آب رفت ، برسردرخت روشنی دیدوخطاب آمد «انی اناالله» ومعجزه براو کرامت شد . موسی معجزات را برفرعون عرضه داشت . فرعون اورابه سحروجادومتهم کرد وایمان نیاوردوچون قبطیان بابنی‌اسرائیل جوری کردند، موسی وبنی‌اسرائیل از مصرهجرت کردند واز آب نیل گذشتند وقبطیان که به دنبال ایشان رفتند، درآب غرق شدند. موسی برای مناجات به کوه طورسی رفت وخدای تعالی توراة

را که برالواح نبشته بود، براونازل کرد . وقتی موسی باخداسخن گفت ودیدارخواست . جواب آمد «لن ترانی» .

موش و گربه (ك) منظومهٔ انتقادی شامل ۱۷٤ بیت ازآثارعبید زاکانی که درآن تزویر وریاکاری گربه‌ای از گربه های کرمان را شرح می‌دهد که موجب‌فریب موشان گشت وپس از آن کار به شکستن‌عهد گربه وبروزجنگ بین موشان وگربه‌ها و غلبهٔ لشکر موشان وگرفتاری گربه وفرار او منجر شده است .

این منظومهٔ شیرین‌بسیار معروف‌است وبعضی از بیتهای آن‌مثل سایر شده است . منظور عبید از ساختن این منظومه نظر انتقاد بوده است از بعضی ازآداب و رسوم واوضاع زمان .

موَصّل (ب) شعری‌را گویند که همهٔ حروف کلمات آن به یکدیگر قابل اتصال باشد وبتوان همه را سرهم نوشت :

تن به عشقم نحیف گشت به غم

گل به چشمم نهفته گشت به خار

که می‌توان چنین نوشت :

تنبعشقمنحیفگشتبغــم		گلبچشممنهفتهگشتبخار

مولوی (ت) مولانا جلال‌الدین محمدبن بهاءالدین محمدبن حسین الخطیبی .وفات ۶۷۲-جلال‌الدین محمد معروف به مولوی یاملای روم از بزرگترین‌شاعران عارف ایران درقرن هفتم .جلال‌الدین دربلخ متولد شد ولی به مناسبت طول اقامتش درقونیه به رومی یامولانای‌روم مشهور شد . جلال‌الدین فرزند محمدبن حسین ملقب به‌بهاءالدین ولد می‌باشد که ازطرف مادر از خاندان خوارزمشاه است . بهاءالدین‌ولد از مقربان دربار محمدخوارزمشاه بود ولی به علت رنجش خاطری که‌ازشاه

یافت ، درسال ۶۱۰ از راه بغداد قصد سفرحج کرد و درنیشابور باشیخ عطار ملاقات کرد و شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به جلال‌الدین که کودکی بیتی‌نبود اهداء کرد ، بهاءالدین‌ولد پس از زیارت حج به‌شام وازآنجا به‌لارنده از مراکز حکومت سلجوقیان آسیای صغیر رفت ومدت هفت‌سال درآن شهر اقامت کرد وپس‌ازآن به دعوت سلطان علاءالدین کیقباد که از شاهان بزرگ دانش پرور بود به قونیه رفت وتا آخرعمر درآنجا به ارشاد خلق پرداخت ودرسال ۶۲۸ فوت کرد . جلال‌الدین محمد که هنگام فوت پدر بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت او وخواهش علاءالدین بجای پدرنشست وبه ارشاد مردم‌وتربیت مریدان پرداخت و در مجالس درس سید برهان‌الدین محقق ترمذی که از تربیت یافتگان‌بهاء ولدبود، کسب‌فیض کردوبه رموزمعرفت‌حق‌آشنایی یافت واز اواجازهٔ ارشاد گرفت وپس از فوت برهان محقق‌مجالس وعظ برپا کرد وبه تربیت شاگردان پرداخت تا برحسب اتفاق درسال ۶۴۲ باعارف بزرگ شمس‌الدین محمدتبریزی برخورد کرد .

پس از این ملاقات مولانا چنان شیفتهٔ شمس شد که ترک منبر ومحراب کرد واز همه‌گریزان شد وپیوند خودرا باگذشته قطع کرد ودر سلک مریدان شمس درآمد . شمس تبریز درسال ۶۴۵ ازقونیه‌خارج شد ودیگر به‌آنجا بازنگشت . مولانا براثر هجران‌شمس تبریزی آشفته خاطرشد و یکباره از مردمان کناره گرفت و مدتی به حسام‌الدین‌چلبی و همچنان به سرودن غزل و مثنوی مشغول بود تا درسال ۶۷۲ فوت کرد . از آثار مولانا جلال‌الدین مثنوی بزرگ او در شش جلد ومجموعهٔ رباعیات ودیوان غزلیات اوست که به دیوان شمس مشهور

است .ازآثار منثور اوکتاب «فیه مافیه» و «مجالس سبعه» و «مکاتیب» است .

مولوی شعرعرفانی را به حد اعلی رسانده ونفوذ معنوی وادبیش نه تنها درایران وهند وآسیای صغیر به حدکمال رسیده بلکه به مغرب زمین نیز سرایت گرده وآثارش به زبانهای مختلف ترجمه شده است .

مؤیدبغدادی (ت) بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی . منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه و ازمنشیان معروف که آثارش سرمشق مترسلان زمان محسوب می‌شد . تاریخ تولد ووفاتش معلوم نیست ولی مسلم است که درتاریخ ۵۸۸ زنده بوده است .

بهاءالدین محمد مجموع منشآت خود را به‌نام بهاءالدین وزیر تنظیم کرده است .وی‌علاوه برنثر استادانه اشعاری نیزداشته که عوفی بعضی ازآنها را نقل کرده است .

مهرگان (نج) مهر روز یعنی‌روز شانزدهم ازماه مهر است که فریدون برضحاك پیروز شد و اورا درکوه دماوند حبس کرد ، پارسیان هرسال دراین روز جشن می گرفتند .

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکی مثال
نیک‌روز ونیک جشن ونیک‌وقت‌ونیک‌حال
(عنصری)

مهستی (ت)اززنان شاعر ایرانی درقرن ششم ومعاصر باسلطان سنجرسلجوقی . مهستی‌اهل گنجه است وابتدا دردستگاه سلطان محمود برادر زادهٔ سلطان سنجرکه حکومت آذربایجان را داشت رفت و آمد پیدا کرد وپس ازآن به دربارسلطان‌سنجر راه یافت . مهستی دردربار سلطان سنجر مقامی یافت ودرردیف شاعران نامی آن‌زمان مانند انوری‌و

رشید وطواط وادیب صابر قرار گرفت. وی خاصه در سرودن رباعی طبع روانی داشت.

میدانی (ب) ابوالفضل احمدبن محمد میدانی النیشابوری. وفات ۵۱۸- ادیب بزرگ ایران در قرن پنجم. در قواعد ولغت عرب و نحو استاد بوده است. معروفترین اثر او کتاب «مجمع الامثال» است که شامل امثال مشهور عرب است. دیگر «کتاب السامی فی الاسامی» که کتاب لغت عربی به فارسی است ودرآن لغات را برحسب معنی وموضوع مرتب کرده است.

میرخواند (ن) محمدبن سیدبرهان الدین خاوند شاه بن کمال الدین محمود. وفات ۹۰۳- ازمورخان معروف قرن نهم ومعاصر وطرف توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمند او امیر علیشیر نوائی. میرخواند درسال ۸۳۸ متولد شد وکودکی را دربخارا گذراند وپس ازفوت پدر از بخارا به بلخ رفت ودرآنجا به تحصیل علوم متداول زمان مشغول گشت واز محضر علما استفادهٔ بسیار کرد، سپس به هرات رفت ودرآنجا نیز درخدمت بزرگان علم و ادب به کسب علم پرداخت وپس از چندی به بلخ برگشت و تازمان وفات آنجا ماند. میرخواند در فضل و هنر وعلوم معقول ومنقول و درفن تاریخ نویسی مقامی بزرگ داشت. اثر معروف وعظیم او کتاب «روضة الصفا» درشش جلداست که به علت بیماری طولانی نتوانست جلد هفتم آن را به پایان رساند.

میرداماد (ن) میرمحمد باقربن محمد استرابادی. وفات ۱۰۴۱- میرمحمد باقر معروف به داماد از فیلسوفان ودانشمندان عصر صفوی لقب داماد از پدرش مانده که داماد محقق ثانی بوده است. منشأش استراباد و محل تحصیلش مشهد و اقامتگاهش اصفهان بوده است.

میرداماد مورد توجه شاه عباس بزرگ بود و تألیفات متعدد فلسفی و دینی دارد که همهٔ آنها به زبان عربی است مانند صراط مستقیم و قبسات در مسائل حکمت، کشف الحقایق که حکمی و دینی است.

میرداماد شعر نیز می‌سرود «واشراق» تخلص می‌کرد و مثنوی دارد به نام «مشرق‌الانوار».

میرزا مهدیخان منشی استرابادی (ت) رجوع شود به استرابادی.

میزان (نج) از صورتهای دوازده گانهٔ فلکی در منطقة‌البروج و به شکل ترازو. برج میزان برابر ماه مهر است.

اثرهای کین تو چون نحس عقرب
نظرهای لطف تو چون سعد میزان

«انوری»

ن

ناسخ التواریخ (ك) تاریخ عموسی تألیف میرزامحمدتقی سپهر که آن را به دستور محمدشاه قاجار شروع کرد و درزمان ناصرالدین‌شاه به پایان‌رساند. این تاریخ باملحقاتش درحدود پانزده‌جلدبزرگ‌می‌شود. قسمت اسلام وتاریخ بعد ازاسلام درآن بطور مشروح نوشته‌شده ، ولی سپهر نتوانسته است آن را تمام کند وبعد از او عباسقلی‌خان سپهر که ازمقربان دربارناصرالدین‌شاه بود، چند جلد درشرح حال ائمه وتفصیل سلطنت ناصرالدین شاه وغیره برآن افزوده است . سبک نثر کتاب‌ساده وپخته است .

ناصرخسرو (ت) حکیم‌ابومعین ناصربن‌حارث‌القبادیانی البلخی المروزی. وفات ۴۸۱- ازشاعران‌ونویسندگان بزرگ‌ایران درقرن‌پنجم. ناصرخسرو درسال ۳۹۴ درقبادیان بلخ متولد شدو در بلخ به کسب علوم پرداخت . وی در جوانی به دربار شاهان غزنوی راه یافت ومقامات عالی به دست آورد وعنوان «دبیر» و«ادیب» یافت وپس از تصرف بلخ به‌دست سلجوقیان درسال ۴۳۲ به‌مرو مفرحکومت‌ابوسلیمان جغری بیک‌داوودبن میکائیل رفت وبه کاردیوانی‌مشغول‌شد. ناصرخسرو درچهل سالگی ازکاردیوانی واشتغال به اموردنیوی دست کشیدوراه سفر حجاز پیش گرفت. دراین سفر که هفت‌سال‌طول کشید، چهاربارحج کردوحجاز وآسیای‌صغیروسوریه‌وفلسطین ومصرونوبه وسودان‌را سیاحت

کرد ودر مصر به خدمت خلیفهٔ فاطمی المستنصربالله رسید و به مذهب اسمعیلی گروید و پس از طی مراحل به درجهٔ حجت رسید و مأمور تبلیغ و نشر مذهب اسمعیلی گشت و به وطن خود بلخ باز گشت. ناصرخسرو در بلخ با علما مباحثات کرد ولی اغلب به مخالفت وی پرداختند و کم کم متعصبان درصدد آزارش برآمدند. وی ناچار به فرار شد ومدتی درمازندران بسر برد ؛ پس ازآن به یمگان ازاعمال بدخشان رفت و در آنجا مقیم شد وبه دعوت پرداخت ودرهمانجا وفات یافت . اقامت ممتد ناصرخسرو دریمکان باعث تقویت ونشر مذهب اسمعیلی درآن نواحی گردید؛ هنوز هم درآنجا طرفداران این مذهب دیده می‌شوند .

ناصرخسرو درعلوم و فنون متداول زمان خود استاد بود ، قرآن را ازحفظ داشت ودرعلم کلام وحکمت وعلم ادیان مطالعات عمیق داشت و اطلاعات وسیع او در اشعارش نمایان است . ناصرخسرو آثار منظوم ومنثور دارد . از آثار منظوم او دیوان شعر است که مجموعاً ۱۱۰۴۷ بیت دارد. دیگر دومنظومه به‌نام «روشنائی‌نامه» و «سعادت‌نامه» است که درآخر دیوان ناصرخسرو به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی درتهران چاپ شده است .

اغلب اشعار ناصرخسرو در بیان افکار مذهبی و مسائل حکمی ودارای اصطلاحات فلسفی است . ناصرخسرو به حقایق علمی ومبانی دین توجه خاص دارد وهمچنین اشعاری در انتقاد شدید کسانی دارد که بااو مخالفت کرده و در صددآزار او برآمده‌اند. اشعارش ازمدیحه سرائی خالی است واز توجه به دنیا دوراست.

ازآثار منثورناصرخسرو چند کتاب ورسالهٔ مهم به‌زبان فارسی است مانند: سفرنامه، زادالمسافرین، وجه‌دین، خوان‌اخوان ، جامع الحکمتین،

گشایش ورهایش ، بستان‌العقول .

ناظر و منظور (ك) داستان عاشقانه‌ای از وحشی بافقی که آن را درسال ۹۶۶ سروده است این مثنوی دارای ۱۰۶۹ بیت است .

ناقۀ صالح (تن) شترصالح پیغمبر که قوم‌عاد وثمودآن‌را کشتند .

شخصی زعرب ناقۀ صالح پی کرد پیغمبر ما حرام می‌بروی کرد

«از رباعیات منسوب به خیام»

نامۀ دانشوران (ك) از کتابهای مشروح ومهم در ترجمۀ حال عالمان وادیبان به‌زبان فارسی که درزمان ناصرالدین شاه به اهتمام عده‌ای از فاضلان تألیف یافته وشش جلد آن تاحرف‌شین منتشرشده است . مؤلفان نامۀ دانشوران میرزا ابوالفضل ساوه‌ای ومیرزا حسن طالقانی و شیخ عبدالوهاب قزوینی ومخصوصاً شمس العلماء عبدالرب‌آبادی می‌باشند .

نثراین کتاب نثر فنی است ولی متأسفانه ناتمام مانده است .

نان و حلوا (ك) مثنوی تألیف‌شیخ محمدبن‌حسین عاملی‌مشهور به شیخ بهائی از عالمان وفقیهان مشهور دورۀ صفویه . نام دیگر این کتاب«سوانح الحجاز «یا» سفرالحجاز» است و اشعار آن مخلوطی است ازفارسی وعربی .

بارها درایران وهند به چاپ رسیده است .

ناهید (نج) ستارۀ زهره که ستارۀ مطربان وخنیاگران است

غزلسرائی ناهید صرفه‌ای نبرد

درآن‌مقام که حافظ برآورد آواز «حافظ»

نایره (ق) (از حروف قافیه)آن‌است که به مزید می‌پیوندد مانند الف ونون دراین‌شعر:

تا کی بخون دیده و دل پروریمشان تا کی زره‌روند وبراه‌آوریمشان

نثر (ب) درلغت به معنی پراکندن و در اصطلاح کلامی است که مقید به وزن وقافیه نباشد .

نثرمرسل (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع یاصنایع لفظی دیگر نباشد .

نثرمسجع (ب) نثری است که نویسنده درآن مقید به آوردن سجع باشد . مثال ازگلستان سعدی:

منت خدای راعزوجل که طاعتش موجب قربت است وبه شکر اندرش مزید نعمت .

نجات (ك) تألیف دانشمند بزرگ ابوعلی سینا . کتاب نجات خلاصه‌ای است ازکتاب شفا وشامل مختصرعقاید شیخ است درحکمت . نسخ متعدد این کتاب درکتابخانهٔ مشهد وکتابهای استامبول موجوداست

نجم‌الدین رازی (ت) شیخ نجم‌الدین ابوبکرعبدالله بن محمد رازی .وفات ٦٤٥ـ معروف به نجم دایه،از مشایخ معروف دورهٔ مغول . شیخ نجم‌الدین درحملهٔ مغول ازری به عراق گریخت ودرسال ٦١٨ به اردبیل وازآنجا به‌آسیای صغیر رفت . درشهر ملاطیه به دیدار شیخ شهاب‌الدین سهروردی نایل آمد و بعدبه خدمت علاءالدین کیقباد پادشاه سلجوقی رفت وکتاب «مرصادالعباد» را درسیواس تألیف کرد . شیخ نجم‌الدین درقونیه با مولانا جلال‌الدین رومی ملاقات کرد . سپس از آسیای صغیر به بغداد رفت ودرهمانجا وفات یافت .

نجم‌الدین علاوه برنویسندگی شعرهم می‌سروده، خاصه به سبک سنائی متمایل بوده است .

نجوم‌السماء (ك) کتابی درشرح حال فقیهان شیعه درعصرصفوی تااواسط قاجاریه . تألیف میرزامحمدصادق ابن مهدی که آن رادرسال ١٢٨٦-

یعنی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه تألیف کرده است وشامل شرح احوال علمای شیعه درقرون یازده ودوازده وسیزده می باشد .

نحر (زحاف) (ع) در مفعولات مجموع جدع و کشف است؛ یعنی حذف مف وعوت که می ماند لا و بجای آن فع می گذارند وآن را منحور می خوانند .

نخشب نام شهری در ماوراء النهر که از چاهی در حوالی آن ماه مقنع بر می آمد

نرشخی (ت) ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی . وفات ۳٤۷ — اهل بخارا است که کتاب « تاریخ بخارا » را به نام امیر حمید ابو محمد نوح بن نصر سامانی (۳۳۱—۳٤۳) به زبان عربی تألیف کرده است .

نریمان (ش — د) پدر سام وبه روایت گرشاسب نامه، برادرزادهٔ گرشاسب وبه روایت دیگر نبیرهٔ او.

نزاری قهستانی (ت) وفات ۷۲۰—از شاعران منتسب به طایفهٔ اسمعیلیه که تخلصش را ازنام نزار پسر دوم المستنصر بالله ، هشتمین خلیفهٔ فاطمی مصر گرفته است. دیوان او مشتمل برغزلیاتی است که به شیوهٔ سعدی نزدیک است . مثنوی «دستورنامه» از او باقی است .

نزهت نامهٔ علائی (ك) تألیف شهمردان بن ابی الخیر که آن را به نام علاءالدوله ابو کالیجار گرشاسف بن علی بن فرامرز بن علاءالدوله کاکویه، دراواخر قرن پنجم تألیف کرده است .نویسنده در مقدمهٔ کتاب نوشته است که قبلا کتابی تصنیف کرده به نام «کتاب البدایع» درخواص و منافع طبایع و چند علم دیگر و چون این کتاب به عربی بود زیاده ونقصانی برآن وارد ساخته وبه زبان فارسی در دوازده مقاله ساخته است . وبه مناسبت نام علاءالدوله ابو کالیجار نامش را نزهت نامهٔ علائی گذارده است . نثر این کتاب روان و دارای اصطلاحات متداول ومأنوس می باشد و نویسنده

ازآوردن لغتهای فارسی ویژه که بنظرش از تازی دشوارتر است پرهیز کرده است .

نسر طایر (نج) از کواکب ثابت ومانند کرکسی است که هردو بال آن گشاده باشد .

برسرآن خوان عزت نسرطایر دان مگس
بلکه پر جبرئیل آنجا مگس ران آمده
«خاقانی»

نسر واقع (نج) ازکواکب ثابت که عوام آن را سه پایه گویند وبه شکل کرکسی است که دوبالش را در خود جمع کرده است .

عمر ضایع شده را سلوت جان باز آرید
نسر واقع شده را قوت پر باز دهید
«خاقانی»

نسرواقع با نسر طایر به صورت نسرین نیزدرشعرآمده است .

پروانهٔ چرخ اخضرش پرواز نسرین ازفرش
پروازسعدین برسرش چندانکه پروا داشته
«خاقانی»

نسوی (ت) نورالدین محمدبن احمدبن علی بن محمدالمنشی النسوی کاتب ووزیر سلطان جلال الدین مینکبرنی که در سال ۶۲۱ از شهر نسا به ری رفته و به خدمت جلال‌الدین خوارزمشاه در آمده و تا سال ۶۲۸ منصب کتابت اورا داشته است . وقتی جلال‌الدین ازحملهٔ مغول گریخت ، محمد نسوی در ۶۲۹ به میافارقین رفت و درخدمت الملک المظفر صاحب آنجارسید ودرآنجا خبر هلاک سلطان جلال‌الدین راشنید ورسالهٔ «نفثة‌المصدور» را درشرح آن وقایع بامرثیهٔ سوزناک درفوت سلطان

تألیف کرد. اثر معروف دیگر او «سیرة جلال‌الدین مینکبرنی» است که در سال ۶۳۹ به‌زبان عربی تألیف کرده است.

نشاط (ت) میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی ملقب به معتمدالدوله. وفات ۱۲۴۴ — از شاعران و ادیبان و رجال سیاست دورهٔ قاجاریه وصاحب دیوان رسالت فتحعلی‌شاه قاجار. در حکمت و ریاضی و علوم ادبی وزبان فارسی وعربی وترکی تسلط داشته ودراقسام خط مخصوصاً خط شکسته استاد بوده است. نشاط باهمت خاصی اصفهان را کانون شعر وادب قرارداد وسخنگویان را تشویق کرد ودرحلقهٔ مؤسسین نهضت ادبی ایران درآمد. نشاط درقصیده از استادان قدیم پیروی کرده و در غزل سعدی وحافظ را درنظر داشته است. مجموعهٔ اشعار وآثار نشاط به عنوان «گنجینه» عبارت ازپنج درج است شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و قطعات منثور حاوی مراسلات و منشآت و مقالات که در آن انشاء رسمی درباری وطرز ترسل زمان مؤلف وسبک نثر دورهٔ قاجاریه را نشان می‌دهد.

(کلیات نشاط — چاپ تهران)

نصیحة‌الملوک (ك) یکی از آثار فارسی امام محمد غزالی که آن را درحدودسال ۵۰۳ برای سلطان سنجر ساخته‌است. موضوع کتاب حکمت عملی‌است برمبنای دین که غزالی‌آن‌را درراهنمایی‌شاه‌ودرباریان نوشته است.

کتاب نصیحة‌الملوک دارای‌یک‌مقدمه وهفت باب ویک‌خاتمه است درسیرت پادشاهان ووزیران ودرباریان و حکمت دانایان وصفت خردمندان.

این کتاب به عربی وچند بارنیز به ترکی ترجمه شده است.

(نصیحةالملوك . چاپ تهران)

نصیرالدین طوسی (ت) ابوجعفر نصیرالدین محمدبن محمدبن حسن ابی‌بکر . وفات ۶۷۲ — از بزرگترین دانشمندان وسیاستمداران ایران درقرن هفتم . اصلش از قم است ولی درطوس تولد یافته است . پس از اتمام تحصیلات مقدماتی به نیشابور رفت و درمحضر فریدالدین داماد نیشابوری کتاب اشارات ابن‌سینا را خواند ، ودربیست‌وچهارسالگی از تحصیل منظم فراغت یافت . پیش از هجوم مغول خواجه نصیرالدین ملازمت ناصرالدین محتشم حاکم قلاع قهستان وملازمت علاءالدین پیشوای اسمعیلیان را داشت . هنگامی که هلاگوخان قلعهٔ الموت را تسخیر کرد ، خواجه نصیرالدین را به ملازمت خود برگماشت . خواجه نصیرالدین هلاگو را به تسخیر بغداد وبرانداختن خلافت عباسی تشویق کرد . پس از انقراض خلافت عباسیان و قتل مستعصم ، تمام توجه خواجه نصیر به تأسیس رصدخانه معطوف شد تا درسال ۶۵۷ به‌فرمان و حمایت هلاگو به تأسیس رصدخانهٔ بزرگی در مراغه موفق شد . خواجه تاهنگام درگذشت هلاگو دردربار او مقرب بود و پس از او دردربار اباقاخان به تقرب می‌زیست ودرسال ۶۷۲ که با اباقاخان به بغداد رفته بود ، درهمانجا درگذشت .

خواجه نصیرالدین علاوه برجامع بودن در فنون مختلف علمی وادبی از رجال بزرگ عالم سیاست بود وهلاگو از قدرت ونفوذمعنوی او استفادهٔ بسیار کرد . این شخص بزرگ درتشویق فضلا و درتوسعهٔ علوم وپیشرفت ادب وراه تحقیق ، اثر بزرگی داشت .

خواجه نصیرالدین درعلوم ریاضی ومنطق ونجوم وطب واخلاق دارای تألیفات بسیاراست وآثارگرانبهای اوبه‌زبانهای مختلف ترجمه‌شده

ومورد استفادهٔ دانشمندان اروپا قرار گرفته‌است. درحدود صدوسه کتاب ورساله ومقاله درفنون مختلف به خواجه نصیر نسبت می‌دهند .

ازآثار او تحریر اقلیدس (درهندسه) تحریر مجسطی (درهیئت) تذکرهٔ نصیریه (درهیئت) شرح اشارات بوعلی، تجریدالعقاید (درکلام) قوانین‌الطب ، حل مشکلات قانون بوعلی ، سی‌فصل در نجوم ، معیار الاشعار (درعروض) .

غیر از کتابهای عربی خواجه نصیرالدین چند کتاب به فارسی تألیف کرده است . ازجمله اخلاق ناصری و اساس الاقتباس و اوصاف الاشراف می‌باشد .

کتابهائی‌را که خواجه نصیر ازحکیمان یونان اقتباس کرده است تحریر می‌نامد ، در این کتابها افکار و آراء مؤلفان یونانی را بیان کرده است . گرچه مقام علمی خواجه نصیر برجنبهٔ نویسندگیش برتری دارد ، ولی نمیتوان ارزش آثار فارسی او وسبک نویسندگی‌اش را نادیده گرفت. خواجه نصیر دربیان موضوعهای علمی به ایجاز برداخته و روانی و سادگی را به کار برده است . رویهمرفته بر اثر زحمتهائی که خواجه نصیر در اصلاح و تحریر آثار ریاضی دانان پیش از خود کشید ، علوم ریاضی را برای علمای عهد خود و بعد از خود آسان کرد .

خواجه نصیر به زبان فارسی وعربی شعر گفته وبعضی از مطالب علمی را به نظم آورده است .

نظام التواریخ (ك) تاریخ کوچکی تألیف قاضی ناصرالدین بیضاوی که درسال ٦٧٤ تألیف یافته است . این کتاب مشتمل است برخلاصهٔ تاریخ عمومی عالم از زمان آدم ابوالبشر تا اواخر قرن هفتم

حاوی تاریخ اسلام وشاهان قدیم ایران وپیغمبران بنی‌اسرائیل . عبارت کتاب بسیار موجز وساده است .

نظام‌الدین شامی (ت) منسب غازانی معاصر تیمور . هنگامی که امیر تیمور بغداد را گشود نظام‌الدین درآن شهر می‌زیست ودرسال ۸۰٤ تیمور وی را نزد خود خواند واورا به نوشتن تاریخ سلطنت خود وا داشت . درسال ۸۰٦ نظام‌الدین در اردوی تیمور نزدیک اردبیل به مناسبت عید رمضان خطبهٔ عید خواند وپس ازآن هنگامی که تیمور به سمرقند رفت به او اجازه داد که به وطن خود «تبریز» برگردد . از آثار معروف نظام‌الدین شامی «ظفرنامه» است که به امرتیمور آن را در سال ۸۰٤ تألیف کرد .

نظام‌الدین محمود قاری یزدی (ت) از شاعران قرن نهم که ذکر البسه را موضوع اصلی شعر قرارداده و اشعارش بیشتر مربوط به فن خیاطی است . این شاعر از ابواسحق اطعمه تقلید کرده وبه اسلوب او شعر گفته است .

قصیده‌ای دارد به‌نام آفاق وانفس که مناظره‌ای است بین جامهٔ کتان وموئین و منظومه‌ای موسوم به « اسرار ابریشم » . نظام الدین یزدی چند رساله و مقاله به نثر دارد مانند « نامهٔ پشم به‌ابریشم » رسالهٔ آرایش نامه ورساله تعریفات و رسالهٔ «صدوعظ» ومثنوی فکاهی «جنگ‌نامه» به اسلوب شاهنامه شامل وصف جنگ مابین صوف و کمخا موسوم به « مخیط نامه » و فرهنگی دارد شامل اصطلاحات خیاطی . (دیوان البسه — چاپ اسلامبول) .

نظام‌الملک (ت) ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق طوسی ملقب به نظام‌الملک . وفات ٤۸۵ — خواجه نظام‌الملک ازدهقان زادگان طوس

که درسال ٤٠٨ یا ٤١٠ در نوغان طوس ولادت یافت ، دوران کودکی را در طوس گذارند و تعلیم و تربیت کافی پذیرفت و به زبان و ادبیات و تاریخ ایران و حکمت وزبان عرب احاطه یافت . در دربار جغری بیک به دبیری حکمران بلخ منصوب گشت و لیاقت بسیار از خود نشان داد و جغری بیک اورا به پسر خود الب ارسلان سپرد و هنگامیکه الب‌ارسلان در ٤٥١ به حکومت خراسان رسید ، وزارت خود را به او داد و او همچنان در زمان سلطنت این پادشاه وپسرش سلطان جلال‌الدین ملکشاه در این سمت باقی ماند وسی‌سال امور کشور را دردست داشت تا سرانجام درسال ٤٨٥ هنگامی که از اصفهان به بغداد می‌رفت نزدیک نهاوند بدست یکی ازفدائیان اسمعیلی به‌قتل رسید . نظام الملک غیر از صدارت و مملکتداری همهٔ عمر به ترویج علم ودانش همت گماشت .بزرگترین اقدام خواجه نظام الملک دراین باب تأسیس مدارس است دربسیاری از شهرها مانند نیشابور وبلخ و هرات وخواف ومرو واصفهان وبصره وموصل وبغداد که از همه بزرگتروسهمتر مدرسهٔ بغداد بود که ساختمان آن درسال ٤٥٧ آغاز شد . این مدارس به نظامیه معروف گشت ونظام‌الملک اوقافی ترتیب داد که درآمدشان صرف مدارس می‌شد . نظام‌الملک علاوه برتشویق ادیبان و حکیمان خود نیز آثاری دارد که از همه معروفتر « سیاست‌نامه » است . دیگر مکتوبی است درذکر شرایط وزارت که به پسرش فخرالملک نوشته به اسم «وصایای نظام‌الملک» یا «دستورالوزارة» .

نظامی (ت) حکیم جمال‌الدین ابومحمدالیاس بن یوسف‌بن زکی بنی موید . وفات درحدود ٦٠٤—ازشاعران بزرگ داستانسرای‌ایران . وی درحدود سال ٥٣٠ درگنجه متولد شد وبیشتر عمرخود را درموطن

خود صرف کرد . فقط یک بار به امر اتابک قزل ارسلان به تبریز سفر کرد . نظامی از ابتدای جوانی به آموزش و تحصیل علوم مختلف پرداخت وچنانکه خود گوید در تمام رشته‌های علوم متداول مانند علوم طبیعی والهی و طب و نجوم مهارت یافت . همچنین در علوم ادب و شعر مقام بزرگی به‌دست آورد . نظامی با اتابکان آذربایجان وشاهان محلی شروان و مراغه ارتباط یافته و کتابهای خود را به نام این شاهان ساخته است . ازجملهٔ ممدوحان او منوچهر خاقان کبیر پادشاه اخستان و پسرش ابوالمظفر اتابک نصرة‌الدین ابوبکر از اتابکان آذربایجان ، و اتابک شمس‌الدین محمد جهان پهلوان و اتابک قزل‌ارسلان‌است. نظامی چون عمر را بیشتر به عزلت و انزوا گذرانده است طرز سلوك و رفتارش باشاهان بسیار ساده بوده و سلاطین برای او احترام فراوانی قایل بوده‌اند .

ازآثار نظامی دیوان اوست که دولتشاه آن را شامل بیست هزار بیت دانسته واکنون قسمتی ازآنها دردست است ولی بزرگترین اثرش خمسه می‌باشد که به طرزمثنوی سروده و در حدود بیست و هشت‌هزار بیت دارد .

خمسه شامل پنج کتاب است : مخزن‌الاسرار ، لیلی ومجنون ، خسروو‌شیرین، هفت پیکر یا بهرام‌نامه ، اسکندرنامه .

نظامی درشیوهٔ داستانسرائی استاد و پیشرو دیگران است . وی درضمن داستانسرائی ازمطالب اخلاقی وحکمی وپند غفلت نکرده‌است وپاکی‌اخلاق‌وعفت در اشعارش‌آشکار است ، حتی هنگام ذکر عشق و گفتگوهای عاشقانه عفت قلم وشرم را از دست نمی‌دهد . نظامی همه جا ازوقایع وحالات نتیجه گرفته وبی اساسی زمان وسستی دنیا راگوشزد

می‌کند . نظامی توانسته است نوع شعر تمثیلی را به حد کمال برساند . نیروی تخیل او در وصف بسیار قوی است وحالات مختلف روحی انسان را از قبیل انتظار ، شوق دیدار ، وصل ، هجر همه را با قدرت بسیار بیان می‌کند . معانی تازه وتشبیهات نو به کار می‌برد . نظامی چون از علوم مختلف اطلاع داشته است اصطلاحات علمی وفلسفی در اشعارش بسیار دیده می‌شود . آثار نظامی مورد تقلید بسیاری از گویندگان پس از او واقع گشته است . امیرخسرو دهلوی خواجو ، جامی ، وحشی ، مکتبی ودیگران به تقلید از مثنویهای او مثنویهائی ساخته‌اند .

خمسهٔ نظامی چندین بار در تهران به چاپ رسیده است .

نظامی عروضی (ن) ابوالحسن نظام‌الدین احمدبن عمربن علی النظامی العروضی السمرقندی ، وفات در حدود ۵۶۰ از شاعران ونویسندگان قرن ششم هجری ، درسمرقند متولد شده وپس از کسب علوم به خراسان رفته است و در سال ۵۰۶ در بلخ به خدمت حکیم عمر خیام رسیده ودر سال ۵۱۰ درطروق طوس معزی را ملاقات کرده است . نظامی عروضی به خدمت ملوک آل شنسب در آمد و به مدح آنها پرداخت و کتاب «چهارمقاله» را به نام شاهزاده ابوالحسن حسام‌الدین علی بن فخرالدین مسعود شاهزادهٔ غوری تألیف کرد .

نظر (نج) با نگریستن آن است که وضع هر برج را نسبت به برجهای دیگر نشان دهد و اقسام آن چهاراست: تسدیس ، تثلیث ، مقابله ، تربیع (به این کلمات رجوع شود)

درنظر منجمان بعضی از این حالها سعد وبعضی نحس است

زچارم همی بنگرد آفتاب   به جنگ بزرگانش آمد شتاب

(فردوسی)

نظیری نیشابوری (ت) محمد حسین نظیری نیشابوری. وفات ۱۰۲۱ — از شاعران معروف ایران در قرن یازدهم. اصلش از نیشابور بوده و از ابتدای جوانی به‌شعروشاعری شوق فراوان داشته است‌ و پس از کسب شهرت درخراسان به کاشان رفت وچندی در مجالس مشاعره ومناظرهٔ شاعران شرکت کرد وازآنجابه هندوستان رفت‌ودردربار اکبرشاه راه یافت وپس از او دردربار جهانگیر تقرب حاصل کرد و قصایدی در مدح اکبرشاه و خان اعظم برادر او و جهانگیر سرود . نظیری با عرفی وظهوری معارضه ومناظره داشته‌است . نظیری درمذهب بسیار متعصب بود وسالهای آخر عمررا به گوشه گیری وزهد برداخت .

غزلی در وصف تنباکو دارد که استعمال‌آن بوسیلهٔ جهانگیروشاه عباس صفوی منع شده بود .

دیوان نظیری شامل قصاید وغزلیات و ترجیعات ورباعیات‌است ودرهندوستان به‌چاپ رسیده است .

نعایم (نج) منزل بیستم از منازل قمر که شامل چهار ستارهٔ روشن است به شکل شتر مرغ

نعایم پیش او چون چار خاطب

به پیش چار خاطب چار مؤذن

«منوچهری»

نعمةالله کرمانی (ت) امیرنورالدین نعمةالله‌بن میرعبدالله. وفات ۸۳۴ — از مشایخ بزرگ صوفیه که درسال ۷۳۰ درحلب متولد شد دربیست‌وچهارسالگی به زیارت مکه معظمه نائل آمد و هفت سال در آنجااقامت کرد وقسمت‌آخرعمررا درسمرقندوهرات‌ویزدبسربردوسرانجام درماهان مقیم گشت و همانجا وفات یافت . شاه نعمةالله مورد توجه

شاهرخ بوده‌است ولی شهرتش بیشتر ازجنبهٔ تصوف اوست . اشعارش اغلب دربارهٔ وحدت وجود می‌باشد . دیوان شاه نعمه‌الله ولی شامل تقریبا چهارده‌هزاربیت مثنوی و رباعی است. مثنوی شاه‌نعمةالله تقلیدی است از مثنوی‌مولانا جلال‌الدین رومی و مضامین آن عارفانه است.

درجوارمقبرهٔ شاه نعمةالله درماهان خانقاهی است که درویشان نعمه‌اللهی‌ازپیروان او درآنجا اقامت می‌کنند .

نغمهٔ داوود(تن) اشاره به آواز نیکوی داوود که مرغان را نیز مجذوب می‌کرد و ازطیران باز می‌داشت .

چوگل سوارشود بر هوا سلیمان وار

سحرکه مرغ درآید بدنغمهٔ داوود . . .

«حافظ»

نفاذ (ق) (ازحرکات‌قافیه) حرکت‌وصل چون به خروج بپوندد مانند حرکت میم درکلمه‌های می‌سپارمت ودوست دارمت دراین شعر

ای غایب از نظر به خدا می‌سپارمت

جانم بسوختی وبه دل دوست دارمت

حرکت خروج ومزید ونایره را هم نفاذ گویند .

نفایس‌الفنون فی‌عرایس‌العیون (ك) تألیف‌علامه‌شمس‌الدین محمدبن محمود آملی ازعالمان قرن هشتم هجری که آن را به نام‌شیخ ابواسحق ابنجوساخته‌است . نفایس‌الفنون دربیان‌شرف‌علم‌وتقسیم‌علوم است به علوم‌اوائل‌واواخر وشامل علوم‌ادبی است درپانزده فن‌مانند علم‌لغت وعلم‌بیان‌ومعانی‌وعلم‌صرف ونحووعلم‌عروض وقوافی وعلم دواوین‌وعلم انشاء واستیفا . وعلوم‌شرعی‌شامل ندفن‌مانندعلم کلام‌وتفسیروعلم‌حدیث وحکم و اخلاق و علم اصول وفقه . (چاپ‌تهران)

نفثةالمصدور (ك) تألیف محمد منشی النسوی که آن را بین سالهای ۶۳۲—۶۳۷ نوشته‌است . موضوع کتاب شرح حوادث زندگی مؤلف وبلاهاومصیبتهائی‌است که دردربارسلطان‌جلال‌الدین خوارزمشاه وحملهٔ مغول تحمل کرده است . مؤلف وقایع زمان و تیرگی اوضاع دربارخوارزمشاه وحمله های‌تاتارراب‌آذربایجان‌وانقراض خوارزمشاهیان وجنگها ودفاعها وعاقبت کار همه را به تفصیل شرح می‌دهد . محمد نسوی‌خوددراغلب وقایع شاهد بوده بلکه قسمتی ازامور را نیز به‌عهده داشته وشخصاً درکارها دخالت می‌کرده و محرم اسرار و مورداعتماد سلطان بوده است و با صداقت تمام علل وقایع را شرح داده است . سبک نوشتهٔ نفثةالمصدور مانند کلیله ودمنه نثر مصنوع ودرعین حال فصیح است . مؤلف از آوردن صنایع بدیع و تجنیسات خودداری نکرده واشعار فارسی و عربی وامثال سایر وآیات قرآن و شواهد فراوان بکار برده‌است . (چاپ‌تهران)

نفحات‌الانس (ك) تألیف عبدالرحمن جامی که آن را درسال ۸۸۳ به خواهش امیرعلیشیرنوائی تألیف کرده است . نفحات الانس درشرح احوال ۵۸۲ تن ازرجال‌وبزرگان واولیاء متصوف است‌ودارای مقدمه‌ای‌می‌باشددرشرح اصطلاحات‌صوفیه وبیان‌معرفت عارف وکرامات ومعجزات‌او. مؤلف‌پس‌ازمقدمه به‌شرح حال‌صوفیه‌می‌پردازدوآن‌رابه‌ذکر حال‌ابوهاشم‌صوفی‌شروع وبه‌خواجه‌شمس‌الدین حافظ‌شیرازی‌ختم‌می‌کند . انشاء کتاب روان و ساده است و در ردیف بهترین آثار نثرفارسی است .

نفخ‌صور (تن) دمیدن دربوق ومراد ازآن بوقی‌است که درروز قیامت اسرافیل درآن می‌دمد تا مردگان برخیزند. و درشعر فارسی نفخ صور کنایه از روز قیامت است .

از مدحتش که زنده کن دوستان اوست

تا نفخ صور صور دوم در دهان ماست

«خاقانی»

نفس (ط) جوهری مجرد به حسب ذات ، نه برحسب فعل ؛ یعنی قابل اشارهٔ حسی نیست ، اما درصدور فعل محتاج به آلت است. مانند روح انسانی.

نفس مسیحا (تن) اشاره به معجزهٔ عیسای پیغمبر که می توانست مرده را زنده کند .

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

«حافظ»

نقدالنصوص فی شرح الفصوص (ك) شرحی برفصوص الحکم تألیف صوفی بزرگ شیخ محی‌الدین محمدبن علی العربی . این کتاب را مولانا عبدالرحمن جامی درسال ۸۶۳ تألیف کرده ومشتمل است برمقدمهٔ مفصل دربیان اصطلاحات ومقدمات که پس ازآن به شرح کتاب فصوص الحکم پرداخته و از مطالب کتب سایر شارحین آن مانند صدرالدین قونیوی وشیخ مؤیدالدین جندی به‌آن افزوده است. کتاب نقدالنصوص به نثر فارسی است ومؤلف درآن اشعاری از بزرگان وشاعران به‌عنوان شاهد آورده است .

نقش ارژنگی (ش ـ ت) اشاره به نقش های دلکش کتاب ارژنگ منسوب به مانی نقاش .

گر التفات خداوندیش بیاراید

نگارخانه چینی ونقش ارژنگی است

(سعدی)

نکیسا (ش-د) رامشگر دربارخسروپرویز

نگین سلیمان (تن)انگشتر سلیمان که اسم اعظم برآن نوشته بود وسلیمان به وسیلهٔ آن برآدمی ووحش وطیرحکومت می کرد .تقدیرحق تعالی اقتضا کرد که سلیمان را به‌مناسبت خطائی که مرتکب شده بود، مکافات کند . دیوی خود را بشکل معتمد سلیمان براونمود وانگشتری را گرفت وخود رابه‌صورت‌سلیمان به‌مردم نشان دادوشاه‌شد . پس ازچهل روزانگشتری از دست دیو در دریا افتاد ، ماهی آن را فرو برد ، صیادی ماهی را گرفت . سلیمان آن را از او خرید و به‌تخت بر گشت .

من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم
که گاهگاه در انگشت اهرمن باشد

«حافظ»

نل ودمن (ك)داستانی که‌اصل هندی داردوشیخ ابوالفضل فیضی دکنی آن را از سانسکریت ترجمه کرده و در سال ۱۰۰۳ به خواهش اکبرشاه درچهارهزاربیت منظوم کرده است . چاپ تهران

نمرود (تن) شاهی بت پرست در زمان ابراهیم علیه‌السلام . ابراهیم چون نمرود را به خدا پرستی دعوت کرد و بتها را شکست ، نمرود دستور داد تا اورا به آتش افکندند . اما آتش براو گلستان شد نمرود خواست باخدا جنگ کند ، فرمود تاصندوقی ساختند و چهار پاره گوشت برچهار نیزه ازآن آویختند و برچهار پایهٔ صندوق چهار کرکس گرسنه بستند واو خود درصندوق نشست . کرکسان صندوق را به هوا بردند ، نمرود تیری بربالا انداخت . حق تعالی تیر اورا خون‌آلود به پیشش فرستاد . نمرود به گمان آنکه خدا را مجروح کرده است گمراه شد ودعوی خدائی کرد . بار دیگر خواست‌باخدا بجنگد . خدا لشکری

از پشه که ضعیفتر بن خلایق است ، به جنگ او فرستاد ، لشکرنمرود ازنیش پشه هلاك شدند و پشه‌ای دربینی نمرود رفت ومغز سراورا خورد واو را هلاک کرد .

دست نمرود بین که ناوك کفر در سپهر مدور اندازد
«خاقانی»

صدهزاران پشه درلشکر فتاد تا براهیم ازمیان باسر فتاد
(منطق الطیر)

نوح (تن) ازپیغمبران که مطابق روایات مذهبی هشتاد تن اززن ومرد به اوایمان آوردند. حق تعالی به اوفرمان دادتادرخت ساج بنشاند وچون بزرگ شد ، ازچوب آن کشتی ساخت ، به طول سیصد گزوعرض پنجاه گزوارتفاع سی گز. می گویند این کشتی سه‌طبقه داشت ، یکی‌برای حیوانات، یکی‌برای آدمیان ، یکی برای پرندگان. خدا طوفان فرستاد ، نوح باخانوادهٔ خود درکشتی نشست وپس از فرونشستن طوفان کشتی او بر کوه جودی در حدود موصل قرار گرفت و همهٔ موجودات دیگر غرق گشتند .

چه‌غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
چه‌باك ازموج بحر آن‌را که باشدنوح کشتیبان .

نوذر (ش— د) از شاهان سلسلهٔ پیشدادی وپسر منوچهر ؛ که پس از پدر به‌شاهی رسید وستم بسیار کرد ، چنانکه مردم ازاو به‌جان آمدند وازسام خواستند که به تخت شاهی نشیند ولی او نپذیرفت . سر انجام نوذر به دست افراسیاب کشته شد .

نورالعلوم (ك) تألیف شیخ ابوالحسن خرقانی ازمشایخ بزرگ قرن چهارم‌وپنجم .موضوع کتاب مبانی عرفان است به‌زبان فارسی‌وانشاء

آن ساده وروان وبه‌شیوهٔ کتابهای قرن پنجم است .

نوروز تخستین روزاز فروردین‌ماه . پارسیان دراین روز جشن می‌گرفتند که روزنو از سال نو بوده است . این جشن تا کنون مرسوم است وبزرگترین جشن ایرانیان به شمار می‌آید .

بر لشکر زمستان نوروز نامدار
کرده‌است رای تاختن وقصد کارزار
(منوچهری)

نوروزنامه (ك) رساله‌ای به‌فارسی منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری . مؤلف درآن علت پیدایش جشن نوروز وواضع آن وآداب شاهان ساسانی رادراین جشن شرح می‌دهد وهمچنین ازشاهان داستانی وتاریخی ایران تازمان یزدگرد شهریارساسانی وآئین جهانداری ورسوم شاهی‌ایشان مطالبی آورده‌است . سبک کتاب روان وبی تکلف‌است . لغات‌عربی کم دارد وعبارتهایش کوتاه است . (چاپ تهران)

نوشدارو (ش—د) داروی جان‌بخش «ضدمرگ» . درشاهنامه نوشدارو آن است که رستم پس از دربدن جگرگاه سهراب، پسر خود ، بوسیلهٔ گودرز ازکاووس‌خواست ، ولی کاووس به سبب کینه‌ای که از سهراب داشت وبیم ازآنکه رستم باداشتن چنین پسر پهلوان قوت گیرد واورا حقیر شمارد ، ازدادن نوشداروخودداری کرد وسهراب جان‌داد . نوشدارو پس ازمرگ سهراب ، در زبان فارسی مثلی است که در مورد علاج کاری که ازدست رفته است گفته می‌شود .

بعد ازاین لطف‌توباما به چه ماندداني
نوشداروکه پس‌ازمرگ به سهراب رسد

نوع (ط) (ازکلیات‌خمس) کلی‌ذاتی‌است که‌درجواب ای‌شیئی

(کدام) قرار گیرد. وقتی که می گوئیم انسان کدام یک از حیوانات است؟ درجواب گفته می‌شود: انسان حیوانی است ناطق. پس نوع شامل حقیقت مختصهٔ افراد است. مثل مردم که از حیوان جدا می‌شود بوسیلهٔ نطق.

هرچه کلی عامتر باشد، جنس خاصتر می‌شود وهرچه خاصتر باشد نوع عامتر است. مثل حیوان، که عامتر است از مردم، وخاصتر است از جسم.

نه‌فلك (نج) عبارت است ازهفت فلك بافلك الافلاك وعرش.

نه کرسی فلک نهد اندیشه زیر پای
تا بوسه بر رکاب قزل ارسلان دهد

«ظهیر فاریابی»



وادی ایمن (تن) بیابانی که موسی در آن برسر درختی روشنی آتش دید و خطاب آمد که «انی اناالله»

شب تاراست وره وادی ایمن درپیش
آتش طور کجا وعدهٔ دیدار کجاست

«حافظ»

موسیم کانی اناالله یافتم   نورپاك وطورسینا دیده‌ام

«خاقانی»

واعظ کاشفی (ت) رجوع شود به کاسفی.

وافر (ع) ازبحور شعرعربی که درفارسی بسیار کم متداول است. درعربی مسدس آن معمول است یعنی ۶ بار «مفاعلتن». وزنی که ازاین بحر گاهی درفارسی به کاررفته این است:

بحر وافرمثمن (مفاعلتن ٤ بار) مثال:

چه شد صنما که سوی کسی به چشم رضا نمی‌نگری
ز رسم جفا نمی‌گذری طریق وفا نمی‌سپری

وامق وعذرا (ك) یکی از داستانهای عاشقانهٔ کهن که بوسیلهٔ چندتن ازشاعران پارسی زبان به نظم درآمده است. معروفترین منظومهٔ «وامق وعذرا» اثرعنصری شاعر بزرگ عهد غزنوی است که دردست نیست وابیاتی ازآن درفرهنگ اسدی ضبط شده است.

وتد (ع) درلغت به معنی میخ و ازارکان عروضی است و بر دو قسم است وتدمقرون ، وتد مفروق .

وتد مقرون دو متحرک است ویک ساکن ، مانند اگرو،گر ؛ و علامت آن دو صفراست و یک الف ٥ ٥ ا

وتد مفروق دو متحرك است که میان آنها ساکنی فاصله شده باشد مثل ناله وعلامت آن الف درمیان دوصفراست مانند ٥ ا ٥

وجه‌دین (ك) از آثار منثور حکیم ناصر خسرو قبادیانی شاعر ونویسندهٔ بزرگ قرن پنجم شامل تأویل احکام شرعیه وباطن عبادات به طریق اسمعیلیان . این کتاب دارای اصطلاحات مذهبی است و به گفتهٔ خود مؤلف «خردمندی که این کتاب را بخواند دین را بشناسد وبرشناخته کار کند» . (وجه دین—چاپ برلن)

وحشی (ت) کمال‌الدین وحشی بافقی کرمانی . وفات ۹۹۱—از شاعران عهدصفوی . وحشی در قصبهٔ بافق کرمان متولدشد ودرجوانی به یزد وسپس به کاشان رفت وبه تدریس مشغول گشت وپس ازچندی به یزد باز گشت و تا پایان عمر آنجا ماند . وحشی در یزد به درگاه غیاث‌الدین میرمیران حاکم یزد راه یافت و درمدح او قصایدی سرود . دیگراز ممدوحان اوشاه طهماسب وولی سلطان افشار فرمانروای کرمان اند . از آثارمهم وحشی غزلیات اوست که‌دارای سوزو گداز و لطافت خاصی است . دیوان او شامل قصیده ، قطعه ، ترکیب بند ، ترجیع بند ، رباعی است .

وحشی به تقلید نظامی چند مثنوی ساخته‌است ، به نام خلدبرین ، ناظر ومنظور ، فرهاد وشیرین .

دیوان وحشی چندین بار درتهران به چاپ رسیده است .

وحیدقزوینی (ت) میرزا طاهر . وفات ۱۱۲۰ - منشی وشاعر و خوشنویس ووزیرشاه سلیمان صفوی . ابتدا منشی دو تن از وزیران یعنی میرزاتقی‌خان اعتمادالدوله وخلیفه سلطان بود، پس ازآن‌مورخ رسمی دربارشاه عباس دوم شد ودرسال ۱۱۰۱ به وزارت شاه سلیمان رسید وپس از هیجده سال انزوا اختیارکرد . وحید آثاری به نظم ونثر فارسی وترکی داردکه از همه معروفتر تاریخ شاه عباس دوم است که آن را برای خلیفه سلطان وزیر دانشمند شاه عباس نوشته‌است . نثراین تاریخ نمونهٔ نثر فنی عهدصفوی است ودارای مترادفات و دیگر صنایع لفظی است .

وراق‌مروی (ت) محمود . وفات ۲۲۱- ازشاعران‌معاصرطاهری وصفاری که چند بیت ازاو باقی مانده است .

وراوینی (ت) سعدوراوینی‌ازنویسندگان‌اواخر قرن‌ششم‌واوایل قرن هفتم . وی‌ازملازمان‌خواجه‌ابوالقاسم ربیب‌الدین وزیراتابک‌ازبک‌بن محمد(۶۰۷-۶۲۲) اتابک‌آذربایجان می‌باشد. وراوینی مرزبان‌نامه را به‌نام این وزیر از زبان طبری به پارسی‌ترجمه کرده است . مرزبان‌نامه درنه باب ویک مقدمه‌ویک ذیل است ودرمقایسهٔ باروضةالعقول‌معلوم می‌شودکه بعضی‌از حکایتها وبابهای اصلی کتاب دراین ترجمه حذف شده است .

مرزبان‌نامهٔ وراوینی ازکتابهای مهم نثرمصنوع است ونویسنده درآن به سبک کلیله‌ودمنهٔ نصرالله منشی نظرداشته است .

ورقه‌وگلشاه (ك) یکی از داستانهای قدیم ایرانی که عیوقی شاعردورهٔ سلجوقی‌آن‌را به‌نظم‌آورده‌است . دردوره‌های‌بعدشاعران دیگری

نیز این داستان را درقالب مثنوی سروده‌اند که بارها چاپ شده و میان عامهٔ فارسی زبانان رواج یافته است.

(ورقه و گلشاه ـ چاپ تهران ـ انتشارات سخن)

وزن (ع) عبارت است از تناسب و نظمی در اصوات، و در شعر بجای اصوات کلمات است و این تناسب میان اصوات ملفوظ یا برحسب کمیت یعنی امتداد زمانی آنهاست مانند وزن شعر در عربی و فارسی، یا به حسب کیفیت، یعنی شدت و ضعف اصوات نسبت به یکدیگر، مانند وزن شعر در زبانهای انگلیسی و آلمانی و روسی؛ یا تنها به حسب عدد آنها مانند وزن شعر فرانسوی.

وصاف الحضرة (ن) ادیب شرف الدین عبدالله کاتب شیرازی. وفات ۷۳۰ ـ متخلص به شرف. از ادیبان و مورخان قرن هشتم. وی در شیراز متولد شد و در همانجا به تحصیل علم و ادب پرداخت و توسط خواجه رشیدالدین فضل الله به دربار غازان خان و الجایتو رسید و تقرب حاصل کرد. وصاف الحضرة مؤلف تاریخ معروفی است به نام «تجزیة الامصار و تزجیة الاعصار» که در سال ۷۱۲ در سلطانیه بوسیلهٔ خواجه رشیدالدین فضل الله به حضور الجایتو معرفی شد.

وصال شیرازی (ن) میرزا محمد شفیع شیرازی معروف به میرزا کوچک. وفات ۱۲۶۲ ـ از شاعران غزلسرای قرن سیزدهم و معاصر فتحعلیشاه و محمدشاه قاجار. وصال در سال ۱۱۹۷ تولد یافت و در جوانی به تحصیل ادب و هنر پرداخت. به علم موسیقی آشنائی یافت و از خوشنویسان معروف عصر خود گشت. از آثار او دیوان اشعارش است که شامل قصیده و غزل و مثنوی است. وصال در غزل پیرو سعدی و حافظ است و یک مثنوی به نام «بزم وصال» دارد که در آن از شیوهٔ فردوسی پیروی

کرده است. وصال مثنوی فرهاد وشیرین وحشی را تمام کرده و«اطواق الذهب» زمخشری را به فارسی شرح و ترجمه کرده است .

وصل (ق) ازحروف قافیه . حرف وصل آن است که بعد از حرف روی قرار گیرد و روی ساکن متحرك شود مانند حروف ضمیر ، رابطه ، جمع ، مصدر ، تصغیر ، مثال : رودت ، گیسویت و دلبندا ، خداوندا وآسایش ، آلایش ودشمنی ، وروشنی .

بارب آن نوگل خندان که سپردی به منش
می سپارم به تو از چشم حسود چمنش

که حرف ش در کلمه های منش وچمنش حرف وصل است

وضع (ط) (از مقولات عشر) مفهوم وضع نسبت اجزاء جسم است به یکدیگر ؛ یعنی دربالا یا درزیریا چپ یاراست جسم دیگرقرار گرفته باشد .

وقف (زحاف) (ع) درمفعولاتُ اسکان تاء مفعولات است وبجای آن مفعولن می گذارند وآن را موقوف خوانند .

ولوالجی (ت) ابوعبدالله محمدبن صالح ولوالجی مروزی . ازشاعران عهد سامانی. عوفی درلباب الالباب می گوید: «درعهدسلطان یمین الدوله محمود ، جملگی فضلاء خواستند که دوبیت فارسی اورابه تازی ترجمه کنند، کس رامیسرنشدتاآنگاه که خواجه ابوالقاسم پسر وزیرابوالعباس اسفراینی آن را به تازی ترجمه کرد چنانکه همهٔ فضلا بپسندیدند» .

ویس ورامین (ك) از داستانهای قدیم فارسی ومنسوب به دورهٔ اشکانیان که میان ایرانیان شهرت فراوانی داشته است ودربعضی ازنواحی ایران متن پهلوی آن وجود داشته و ابونواس ازاین داستان دراشعار خود نام برده است. فخرالدین اسعد گرگانی شاعر قرن پنجم دراصفهان

با خواجه عمید ابوالفتح مظفرنیشابوری‌حاکم اصفهان دربارهٔ این داستان گفتگو کرده وبه خواهش اوبه‌نظم‌آن پرداخته‌است وکتاب رادرحدود سال ٤٤٦ به پایان رسانده و درآن عمیدابوالفتح را مدح کرده است .
سبک نظم کتاب درعین‌آنکه به‌آرایش لفظی‌وتشبیهات زینت‌یافته ساده وروان است واز مغلق گوئی خالی‌است ولغات عربی نامأنوس بسیار کم دارد وصورت کهنهٔ بسیاری از لغتهای فارسی در آن دیده می‌شود .

(ویس‌ورامین — چاپ تهران)

ه

هاتف (تن) ندا دهندهٔ غیبی ؛ مرادف سروش .

سحر زهاتف غیبم رسید مژده به گوش که دور شاه شجاع است می دلیر بنوش

«حافظ»

هاتف اصفهانی (ت) میراحمد . وفات ۱۱۹۸ ـ از شاعران معروف قرن دوازدهم ومعاصر افشاریان وزندیان . اصل خاندان او از آذربایجان بوده است ولی درزمان شاهان صفوی به اصفهان مهاجرت کرده وهمانجا مقیم گشته است . هاتف دراصفهان به تحصیل حکمت وطب وریاضی پرداخت ودرشعروادب از محضرمشتاق بسیاراستفاده می کرده واز دوستان نزدیک صباحی وآذر وصهبا بوده است . هاتف در زبان فارسی و عربی استاد بود ودیوانش مرکب است ازقصایدوغزلیات و ترجیعات ورباعیات . هاتف مراثی مؤثری در مرگ بزرگان با ماده تاریخ ساخته ودرقصیده ازاستادان قصیده سرای قدیم ودرغزل ازشیخ سعدی وخواجه حافظ شیرازی پیروی کرده است . هاتف ترجیع بندهای عاشقانه وعارفه ای دارد که بسیار معروف است وهمین شعر اورا ازجملهٔ شاعران مشهور فارسی ساخته است .

(دیوان هاتف اصفهانی ــ چاپ تهران)

هاتفی (ت) مولانا عبدالله هاتفی خرجردی خراسانی . وفات ۹۲۷ - خواهرزادهٔ جامی واز شاعران قرن دهم . هاتفی از شاعرانی است که به تقلید نظامی خمسه ساخته است . خمسهٔ اوشامل مثنویهای لیلی ومجنون ،

شیرین وخسرو ، هفت منظر ، تیمورنامه است. منظومه‌ای هم درفتوحات وجهانگیری شاه اسمعیل به سبک شاهنامه شروع کرده ولی به اتمام نرسانده است . این مثنوی موسوم به شاهنامهٔ حضرت شاه اسمعیل است.

هاروت وماروت (تن) نام دوساحربابلی که درجادوگری مثل اندو درچاه بابل سرازیرآویخته‌اند .

گر بایدم شدن سوی هاروت بابلی
صدگونه ساحری بکنم تا بیارمت
«حافظ»

هاماوران (ش—د) سرزمینی بوده است درعربستان که برطبق روایت شاهنامه کاووس به قصد فتح آن لشکر کشید وعاشق سودابه دخترشاه هاماوران شد وسرانجام اورا باخود به‌ایران آورد وبه‌زنی گرفت

هتم (ع) (زحاف) درمفاعیلن مجموع حذف وقصر است که چون لام ونون ویا را حذف کنیم مفاع می‌ماند . بجای آن فعول می گذارند وآن را اهتم خوانند .

هجویری (ن) ابوالحسن علی بن عثمان الجلابی هجویری غزنوی . وفات ۴۷۵- از بزرگان مشایخ صوفیه واز طرفداران متعصب حسین بن منصورحلاج وازاقران شیخ ابوسعید ابوالخیرواستاد امام ابوالقاسم قشیری . وی ازخاندان علم بوده ودرزبان پارسی وعربی وتفسیر وحدیث ومنطق وکلام تبحر داشته است. شعر نیز می‌سروده وخوددرکشف المحجوب گفته است که دیوان شعرش را انتحال کرده‌اند . جلابی همراه سپاه سلطان مسعود به هندوستان رفت ودرلاهور اقامت گزید و دراین شهر کتاب «کشف المحجوب» را به درخواست شیخ ابوسعد هجویری غزنوی تألیف کرد. دیگرازآثار او دیوان اشعار، رسالهٔ فنا وبقا ، اسرارالخرق

والملونات ، کتاب البیان لاهل الایقان ، منهاج الدین ، شرح کلام حسین بن منصور حلاج است .

هدایت (ت) رضاقلیخان طبرستانی . وفات ۱۲۸۸ - ملقب به لله باشی پسر محمدهادی‌خان از خاندانهای اصیل ایرانی که در دربار قاجاریه بسرمی بردند . رضاقلی‌خان درسال ۱۲۱۰ قمری در زمان سلطنت فتحعلیشاه درتهران متولدشد ، پس ازمرگ پدر به مازندران وپس ازآنجا به‌شیراز رفت ودرآنجا به تحصیل پرداخت . هدایت ازکودکی به سرودن شعر شوق وافری داشت و هنگامی که فتحعلیشاه به شیراز رفت به خدمت او رسید ومورد لطف او قرارگرفت ولقب امیرالشعرائی یافت . پس از مرگ فتحعلیشاه به تهران آمد وبه وسیلهٔ حاج‌میرزاآقاسی صدراعظم به حضور محمدشاه رسید ونزدوی تقرب یافت وتربیت عباس‌میرزا به‌عهدهٔ او واگذار شد . پس‌از درگذشت محمد شاه در سال ۱۲۶۴ به خدمت ناصرالدین‌شاه درآمد و ازجانب اومأمور خوارزم گشت وپس ازبازگشت از سفرخوارزم به ریاست مدرسهٔ دارالفنون منصوب گشت . هدایت درهمهٔ زندگی مورد احترام شاهان وشاهزادگان بوده و مناصب عالی یافته است و باوجود اشتغال به‌کارهای درباری وکشوری به تصوف وعرفان‌متمایل بوده‌وهرگز ازکوشش درراه‌علم باز ننشسته‌است . وی‌در تاریخ ولغت وتذکره تألیفات وتصنیفاتی دارد . ازجملهٔ آثار اوریاض العارفین، تکمیل تاریخ روضة‌الصفای میرخواند، نژادنامه، سفرنامهٔ خوارزم، مجمع‌الفصحاء ، فرهنگ انجمن‌آرای ناصری. مثنویهائی نیزبه‌نام‌انیس العاشقین ، بکتاش‌نامه ، انوارالولایة ، بحرالحقایق دارد . نثرکتابهای هدایت نثرفنی است که متداول زمان بوده است .

هدایت (صادق) . وفات ۱۳۳۰ شمسی-نویسندهٔ معاصرایرانی که

درنویسندگی راه تازه‌ای پیش گرفته‌است . هدایت به فرانسه‌وهندوستان سفر کرده و به زبان پهلوی وفرانسوی آشنائی کامل یافته‌است . آثار او شامل رمان ، داستانهای کوتاه ، نمایشنامه ، ترجمه ازادبیات فرانسه ومتن های پهلوی است که عبارت است از بوف کور ، حاجی‌آقا (رمان) زنده بگور ، سگ ولگرد ، سه قطره‌خون ، سایه‌روشن ، ولنگاری ، علویه خانم ، (داستان کوتاه) پروین دختر ساسان ، مازیار (نمایشنامه) افسانهٔ آفرینش (خیمه‌شب‌بازی) .

هدایت زندگی مردم عادی را ازطبقه‌های مختلف اجتماع وصف می‌کند . درکتابهای اوگفتگوها به زبان طبیعی‌اشخاص یعنی زبان محاورهٔ ایشان است .

هدهد (تن) مرغی که‌پیغام‌سلیمان رانزدبلقیس ملکهٔ‌سبامی‌برد :

فصاحتم چو هدهد است و هدهدم
کجا رسد به غایت سبای او

«منوچهری»

درشعرفارسی گاهی بادصبا راکه پیغامبر عاشقان است به هدهد تشبیه کرده‌اند .

ای هدهد صبا به‌سبا می‌فرستمت بنگر که‌از کجا به کجا می‌فرستمت

«حافظ»

هرمز (ش‌ـت) هرمز پسرانوشیروان که از مادر نوادهٔ خاقان چین بود . در زمان او بهرام چوبینه مأمور جنگ با ساوه شاه ، خاقان چین ، ودائی هرمز شد وبااو جنگید وچیره گشت ؛ هرمز بجای خلعت برای او دوکدان‌وجامهٔ زنان فرستاد . به همین سبب بهرام بر هرمز یاغی شد وبه ری‌آمد ودستور داد به‌نام پرویز پسر هرمز سکه زدند .

چون سکه به هرمز رسید به پسر بدگمان شد و قصد جان او کرد. پرویز به آذربایجان گریخت. سرانجام بزرگان هرمز را کور کردند و پرویز را به شاهی نشاندند. و هرمز به دست بندوی و گستهم دو دائی پرویز کشته شد.

هروی (ت) ضیاءالدین عبدالرافع بن ابی‌الفتح هروی. از شاعران نیمهٔ دوم قرن ششم و از فاضلان دورهٔ آخر عهد غزنوی. در علوم عقلیه و در طب و لغت دست داشت. عبدالرافع در دربار تاج‌الدوله خسروملک غزنوی می‌زیست و پس از انتقال سلطنت به ملوک غور به نزد آنان رفت. اشعاری از او در لباب‌الالباب نقل شده است.

هروی (ت) ابوشعیب صالح بن محمد از شاعران دورهٔ سامانی. عوفی گفته است که وی اواخر زمان رودکی را دریافته است. ابیاتی از این شاعر به‌عنوان شاهد در تذکره‌ها موجود است.

هزاردستان (ك) ترجمهٔ منظومی از کتاب «الف لیلة ولیلة». این منظومه بوسیلهٔ ابوالفتح خان دهقان سامانی اصفهانی و به تشویق سلیمان‌خان رکن‌الملک شیرازی که وزیری ادیب‌پرور و شاعردوست بوده سروده شده است. شاعر در این منظومه بیشتر از ترجمهٔ فارسی کتاب یعنی «هزار و یکشب» استفاده کرده و در سراسر داستانها اسامی روزها و ماهها را به‌فارسی نام برده است.

(چاپ تهران)

هزارویك‌شب (ك) ترجمه‌ای به‌فارسی از کتاب الف‌لیلة‌ولیلة. اصل کتاب الف‌لیلة درست معلوم نیست ولی ظاهراً پیش از اسلام از هندوستان به‌ایران آمده است. متن فارسی آن که «هزار افسان» نامیده می‌شده است در قرن سوم هجری به‌عربی ترجمه شده و در قرن چهارم از

بغداد به‌مصر رفته است ودرآنجا قصصی به‌آن افزوده گشته و در حدود قرن دهم هجری درمصر به‌صورت«الف‌لیلةولیلة» کنونی درآمده است.

نثرعربی کتاب به‌زبان متعارف ومعمولی است واشعاری که‌درآن نقل‌شده است ازشاعران معاصر عباسیان است .

اما ترجمهٔ فارسی کتاب الف‌لیلة در حدود سال ۱۲۶۰ هجری انجام گرفته است . مترجم‌آن میرزا عبداللطیف طسوجی تبریزی است و چنانکه خود اودرمقدمهٔ کتاب گفته‌است کار ترجمه رادرزمان محمدشاه وبه‌فرمان بهمن‌میرزا فرزند ولیعهد وحاکم تبریزآغازکرده و در زمان سلطنت‌ناصرالدین‌شاه به‌پایان‌رسانده‌است . اشعارکتاب‌رامیرزامحمدعلی سروش اصفهانی یا ازدیوان شاعران بزرگ ایران انتخاب کرده یا خود سروده است . (چاپ تهران)

هزج (ع) ازبحورشعرفارسی وعربی . درعربی مسدس‌آن‌معمول است‌یعنی ۶ بار «مفاعیلن» . درفارسی ازاین‌بحر وزنهای‌زیربسیاررمتداول است :

هزج مثمن سالم (مفاعیلن ۴ بار) مثال:

به‌مژگان سیه کردی هزاران رخنه دردینم
بیا کز چشم بیمارت هزاران درد برچینم

هزج مسدس محذوف یا مقصور (مفاعیلن مفاعیلن فعولن - یا مفاعیل) مثال:

دل مسکین من گوئی که خان است
به خان اندر ز مهرت کاروان است

هشت‌بهشت (تن) بهشت دارای هشت قسمت است : ۱- خلد ۲- دارالسلام ۳- دارالقرار ۴- جنت عدن ۵- جنت‌المأوی ۶- جنت

النعیم ۷- علیین ۸- فردوس .

هشت بهشت (ك) یکی از پنج مثنوی امیر خسرو دهلوی که شاعر آن را در سال ۷۰۱ در حکایت بهرام و به تقلید هفت پیکر نظامی ساخته است.

هفت آباء (نج) کنایه از هفت فلك

به صدقران بنزاید یکی نتیجه چوتو
ز امتزاج چهار امهات و هفت آباء

هفت آسمان (نج) طبقات هفتگانهٔ آسمان

گفتم دعای دولت تو ورد حافظ است
گفت این دعا ملایك هفت‌آسمان کنند

«حافظ»

هفت اختر (نج) هفت‌سیاره که به‌عقیدهٔ قدما عبارت بودند از: خورشید ، ماه ، مریخ ، مشتری ، زحل ، عطارد ، زهره.

سپهر مثل تو از اتصال هفت اختر
زمانه مثل تو از امتزاج چارارکان

«انوری»

هفت‌اقلیم (نج) قدما کشورها را به‌هفت تقسیم کرده‌اند: کشور نخستین - هندوان ، کشور دوم - عرب وحبشان ، کشور سوم - مصر و شام ، کشور چهارم- ایران‌شهر ، کشور پنجم - صقلاب روم، کشورششم ترك ویأجوج ، کشور هفتم - چین وماچین

آنکه هفت‌اقلیم عالم را نهاد هر کسی را آنچه لایق بود داد

«سعدی»

هفت‌اورنك (نج) رجوع شود به بنات‌النعش .

هفت‌پدر (نج) رجوع شود به‌آباء علوی

از بند چهار وهفت برخیز زان مادروزین پدرچه خیزد

هفت‌پیکر (ك) یاهفت گنبد یابهرام‌نامه. یکی ازمثنویهای خمسهٔ معروف نظامی داستانسرای بزرگ ایران درقرن ششم که آن را درسال ۵۹۳ به‌نام علاءالدین کرب ارسلان ساخته است. این منظومه‌دارای پنجهزاروصدوسی‌وشش بیت است وموضوع آن داستان بهرام گور است که از داستانهای معروف عهد ساسانی است. نظامی ابتدا کودکی وجوانی بهرام را تاسلطنت اوسروده وبعد قصهٔ هفت گنبد راکه‌به‌دستور بهرام به هفت رنگ وبرای هفت دختر از شاهان هفت‌اقلیم ساخته شده بود شرح می‌دهد. نظامی در این داستان قصه‌های عجیب و تازه‌ای ساخته است که از زبان دخترها برای بهرام نقل می‌شود.

هفت‌خوان (ش-د) هنگامی که‌رستم پهلوان زورمند ایرانی‌برای نجات کاووس به جنگ‌دیوان‌مازندران رفت، درراه باهفت‌حادثه‌وخطر که درشاهنامه هریک ازآنها «خوان» خوانده شده است روبروشد که برهمهٔ آنها پیروز گشت.

همچنین هنگامی که‌اسفندیار برای گشودن دژ روئین وآزاد کردن خواهران خود به ترکستان رفت از هفت «خوان» گذشت.

اسفندیار این دژروئین منم به شرط

هر هفته هفتخوانش به‌تنها برآورم

«خاقانی»

هفت‌دریا — یا دریای هفتگانه. قدما برای زمین هفت دریا تصورمی‌کردند. ۱- دریای‌اخضر ۲- دریای‌عمان ۳- دریای قلزم یا بحراحمر ۴- دریای‌بربر ۵- دریای اقیانوس ۶- بحرالروم

۷- دریای اسود .

سگ به دریای هفتگانه مشوی　　که چوتر شد پلیدتر باشد

(سعدی)

هفت دوزخ (تن) جهنم دارای هفت طبقه است . ۱- سفر ۲- سعیر ۳- نطی ۴- حطمه ۵- جحیم ۶- جهنم ۷- هاویه .

هفت کشور (رجوع شود به هفت اقلیم)

گوئی اندر کشور ما برنمی‌خیزد وفا

یا خود اندر هفت کشور هیچ جائی برنخاست

«خاقانی»

هقعه (نج) منزل پنجم از منازل قمر که سه ستارهٔ کوچک است مانند پایهٔ دیگ وجا بشان برسر جوز است .

چون سه سنگ دیگپایه هقعه برجوزا کنار

چون شرار دیگپایه پیش او خیل پرن

«منوچهری»

هلال (نج) حالتی از ماه که فقط قوس باریکی از آن رو به زمین روشن است . این حالت درشب اول هرماه ودرآغاز شب دیده می‌شود .

قرص مه چون هلال و بدر شود

نعل بکران و قرص خوان تو باد

«ابوالفرج رونی»

هلالی (ت) نورالدین هلالی استرابادی . مقتول ۹۳۵ — معروف به جغتائی . از شاعران غزلسرای قرن دهم هجری . هلالی از استراباد به خراسان رفت وبه دربار سلطان ابوالغازی حسین بایقرا راه یافت وتحت حمایت امیرعلیشیرنوائی قرار گرفت . دیوان هلالی شامل غزلهای لطیف

است ومثنویهائی به‌نام «شاه‌ودرویش» و «صفات‌العاشقین» دارد .
(دیوان هلالی — چاپ تهران)

هما (ش—د) دختر بهمن و همسر او . مطابق وصیت بهمن ، پس ازاو تاج را برسرهما که باردار بودنهادند وهما چون به‌شاهی رسید به‌تخت‌وتاج دل‌بست و نخواست شاهی را از دست بدهد ، ازینرو درد زائیدن‌را پوشیده‌داشت وپسری را که‌به دنیا آورد ، درصندوقی گذاشت وآن‌را باقیروموم استوارکرد وبه آب انداخت و وانمود که کودک مرده است . این کودک که نجات یافت و بعد به سلطنت رسید ،داراب بود .

همام‌تبریزی (ت) خواجه همام‌الدین علائی‌تبریزی .وفات ۷۱۴- از شاعران‌مشهور آذربایجان وازمداحان‌شمس‌الدین‌محمد صاحبدیوان . همام باشیخ سعدی صحبت ومزاح داشته ودرغزل پیرو او بوده است . منظومه هائی نیزبه‌نام «صحبت‌نامه» به اسم خواجه شرف‌الدین هارون پسر شمس‌الدین محمد صاحبدیوان دارد .
(دیوان همام — چاپ تهران)

همای‌وهمایون (ك) مثنوی عاشقانه اثر شاعربزرگ قرن هشتم خواجوی کرمانی . خواجو این مثنوی را درسال ۷۳۲ به پیروی ازشیوهٔ نظامی ساخته و در آن سلطان ابوسعید بهادر و وزیر او غیاث‌الدین محمدرا مدح کرده است . از این داستان پیش از خواجو اثری نیست ومعلوم نیست که‌آیاساختهٔ ذهن‌شاعر است یاریشهٔ‌قدیمتری داشته است .

هندوشاه (ت) محمدبن‌فخرالدین هندوشاه نخجوانی ازمورخان قرن هشتم ومؤلف کتاب «تجارب‌السلف» که آن را درسال ۷۲۴ به‌نام

اتابک نصرة الدین تألیف کرده است .

هوشنگ (ش—د) پسر سیامک که به جنگ دیوان رفت و به کینهٔ پدر دیوان را کشت . آهن در زمان او استخراج شد و آتش پدید آمد و جشن سده بنیان گذاشته شد .

هیولی (ط) مادة المواد واصل جسم را هیولی گویند .

یتیمة الدهر (ك) تألیف ابومنصور عبدالملک بن محمد بن ثعالبی به زبان عربی در شرح حال شاعران بزرگ عهد مؤلف خاصه شاعران عربی گوی ایران که اغلب از رجال وبزرگان عهد او بوده‌اند .

مؤلف این کتاب را بوسیلهٔ ذیلی تکمیل کرده نام آن را « تتمه الیتیمه» گذارده است .

ید بیضا (نن) معجزهٔ موسای پیغمبر که چون دست را در بغل می کرد وبیرون می‌آورد ، نورسفیدی از دستش می‌تافت .

تردامنان چوسر به گریبان فرو برند
سحر آورند و من یدبیضا برآورم

«خاقانی»

یزدان شناخت (ك) از آثارمعروف صوفی بزرگ قرن پنجم وششم عین‌القضات که آن‌را به زبان فارسی وبه‌نام عزیزالدین مستوفی نوشته است . موضوع کتاب بحث‌درمسائل حکمت والهی وعلوم طبیعی‌است .

یزدگردسوم (ش ــ ت) آخرین شاه ساسانی که در زمان او سعد وقاص به‌فرمان خلیفه عمر به ایران لشکر کشید ودرمحل قادسیه‌میان ایرانیان وتازیان جنگی درگرفت. رستم فرخزاد سپهسالار ایران‌دراین جنگ کشته‌شد وایرانیان گریختند وبدین پایتخت‌ساسانی به‌چنگ‌تازیان افتادویزدگرد ازآنجا گریخت وسپاهیان‌خودرا گردآورد . باردیگر جنگی

میان او وسپاه تازیان درنهاوند روی داد وباز ایرانیان شکست یافتند. یزدگرد برای گردآوری سپاه بسوی خراسان شتافت وازراه ری و گرگان به طوس رفت، ماهوی سوری به استقبال او آمد اما چون آرزوی تخت‌وتاج داشت، ترکان را برضد شاه تحریک کرد و جنگ درگرفت ویاران یزدگرد کشته شدند واوبه آسیائی پناه برد. آسیابان به‌تحریک ماهوی، شاه را کشت. ازآن پس سراسر ایران به دست تازیان افتاد.

یعقوب (تن) از پیغمبران وپسر اسحق و پدر یوسف که پسران دیگرش یوسف رابه چاه انداختند و پدر را به فراق او مبتلا ساختند، یعقوب درفراق یوسف آنقدر گریست که کورشد. پس ازسالها که یوسف عزیزمصر گشت وباتدبیرخود برای قحط سال آذوقه جمع کرد. پسران یعقوب برای خریدغله به‌مصر رفتند. یوسف ایشان‌را شناخت و پیراهن خود را برای پدرفرستاد. همینکه برادران پیراهن یوسف را ازمصر خارج کردند بادبوی آن‌را به مشام یعقوب‌رساند وچون یعقوب پیراهن را برچشم مالید بینا گشت.

یغمای جندقی (ت) میرزاابوالحسن یغما بن ابراهیم. وفات ۱۲۷۶- ازشاعران عهدقاجار ودربارمحمدشاه، یغما دارای اشعار جد وهزل‌آمیز است وغزلیاتی دارد به‌نام‌سرداریه که باتخلص سردار ساخته شده‌است دیگر قصابیه که باتخلص قصاب سروده شده است. یغما علاوه برشعر مکتوبها ومراسلاتی دارد که آنهارا باانشاء ساده وسهل نوشته‌وکوشیده است که درآنها لغات پارسی سره به کار برد.

از آثار اومثنوی «خلاصة‌الافتضاح» و مثنوی«شکوك الدلیل» که به وزن شاهنامه سروده وظاهراً مدح ودرباطن هجو روضه خوانی است که یغما او را رستم السادات خوانده است.

(کلیات یغما . چاپ تهران)

یلدا (نج) رجوع شود به شب یلدا

یمینی (ت) عمیدمحمدبن‌عثمان یمینی کاتب غزنوی ازشاعران اواخر عهد غزنوی واز معاصران یمین‌الدوله بهرامشاه غزنوی. یمینی از دانشمندان وبلغاء مشهور به شمار می‌رفته واشعاری‌ازاو درلباب‌الالباب ومجمع‌الفصحاء آمده است.

یوسف (تن) از پیغمبران وپسر یعقوب که از برادران دیگر نزد پدر عزیزتر بود وشبی خواب دید که ماه وستارگان دربرابرش به‌سجده افتاده‌اندوآن‌را برای‌پدروبرادران نقل کرد. برادران بر او حسد بردند وبه بهانهٔ گردش‌وتماشا اورا به‌صحرابردند ودرچاهی انداختند وپیراهن اورا به خون کبوتری آلودند وبه‌پدرگفتند که گرگ اورا خورده است. کاروانی یوسف‌را ازچاه بیرون آورد وبه‌مصر برد وچون‌یوسف درجمال بی‌نظیر بود، درمصر شهرت یافت ورئیس کاروان اورا به عزیز مصر فروخت. زلیخا زن‌عزیز مصر که عاشق شده بود، هرچه کرد نتوانست دل یوسف را به دست بیاورد واورا از پاکدامنی دورسازد پس او را متهم کرد وبه زندان افکند، یوسف براثر تعبیر خواب ملک مصر از زندان نجات یافت و خزانه‌دارگشت. وی درسالهای فراخی غله جمع آوری کرد ودرسالهای قحطی فروخت وبااین تدبیر مردم مصررا از قحط نجات داد وخود عزیزمصر گشت. برادران یوسف که درکنعان ازقحطی به‌جان آمده بودندبرای‌خرید غله روبسوی مصر نهادند، یوسف ایشان راشناخت ولی باراول ودوم خود رامعرفی نکرد و بارسوم که برادران برای خریدغله آمدند خودرا به‌ایشان‌شناساند وپیراهن خویش‌را برای یعقوب فرستاد تابرچشم بمالد و بینا شود، همینکه برادران یوسف از

مصر بیرون آمدند بادبوی پیراهن یوسف را به یعقوب رساند. هنگامی که یعقوب پیراهن را برچشم مالید بیناشد وباپسران به مصر نزد یوسف رفت.

یوسف گمگشته بازآید به کنعان غم مخور
کلبهٔ احزان شود روزی گلستان غم مخور

«حافظ»

یوسف سپهر چارم (نج) کنایه ازآفتاب.

چون یوسف سپهر چارم ز چاه دی
آمد به دلو در طلب تخت مشتری

«خاقانی»

یوسف عروضی (ت) از شاعران قرن چهارم. اشعاری ازاو در «لغت فرس اسدی» و کتاب «المعجم» شمس قیس رازی ضبط است.

یوسف نجار (تن) وکیل پدر مریم عمران. روزی که مریم درصومعه درحال غسل کردن بود، جبرئیل خود را به صورت یوسف نجار براو نمایاند و او را به تولد عیسی مژده داد. چون عیسی متولد شد، بنی اسرائیل مریم را نکوهش کردند. خدای تعالی عیسی را به سخن آورد تا ایشان رابه پاکی مادر وپیغمبری خود، بشارت دهد.

یوسف نجار کیست، نوح دروگر که بود
تا ز هنر دم زنند بر در امکان او

«خاقانی»

یوسف وزلیخا (ك) یکی از مثنویهای هفت اورنگ اثر مولانا عبدالرحمن جامی که آن را به سال ۸۸۸ ساخته است. این مثنوی به اسلوب خسرووشیرین نظامی است وازروی سورهٔ یوسف وزلیخا که احسن القصص است به نظم آمده است.

یوسف وزلیخا معروفترین اثر جامی است که جلب توجه بسیاری از شاعران را کرده وبه زبانهای خارجی نیز ترجمه شده است .

(چاپ تهران)

یونس (تن) از پیغمبران که چون مردم دعوت اورا نپذیرفتند ، ایشان را نفرین کرد ، خدای تعالی ابری پرآتش برسرایشان فرستاد ، یونس از میان آنها رفت تا اورا نیابند . مردم توبه کردند و خدا توبهٔ ایشان را پذیرفت وبر یونس عتاب کرد که چرا ازمیان مردم غایب شده است و کشتی که یونس درآن نشسته بود ، درغرقاب افتاد . قرعه زدند تا کسی را به آب اندازند ، سه نوبت قرعه به نام یونس افتاد . یونس خود را به آب انداخت ، ماهیی اورا بلعید واوچهل روزدرشکم ماهی ماند ودر تاریکی شب وتاریکی آب وتاریکی شکم ماهی توبه کرد . خدا توبهٔ اورا پذیرفت واورا ازشکم ماهی بیرون آورد . یونس به سبب ضعف مزاج برلب دریا ماند تا چهل روز آهوئی اورا شیر داد و درختی بر او سایه افکند تاقوت گرفت ونزد قوم خود بازگشت .

قرص خورشید درسیاهی شد یونس اندر دهان ماهی شد

«سعدی»

یهودا (تن) از برادران یوسف

چویوسف نیست کزقحطم رهاند

مرا چه این یامین چه یهودا

«خاقانی»

یهودا (تن) از حواریون عیسی که به او خیانت کرد .

منابع کلی که مورد استفاده قرار گرفته است

تاریخ ادبیات ایران	تألیف ادوارد برون (۳ جلد)
جلد اول	ترجمه علی‌پاشاصالح
	ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
ازسعدی تاجامی	« علی‌اصغرحکمت
	ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
ازآغاز عهدصفویه‌تا زمان حاضر	« رشید یاسمی
	چاپخانهٔ روشنائی-تهران ۱۳۲۱ شمسی
سخن وسخنوران	تألیف بدیع‌الزمان فروزانفر
	ازنشریات کمیسیون معارف-شرکت محدود طبع کتاب
تاریخ ادبیات ایران	« دکتر رضازاده‌شفق
	چاپخانهٔ دانش ۱۳۲۱ شمسی
تاریخ ادبیات ایران (۲جلد)	« دکتر ذبیح‌الله‌صفا
	ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
حماسه‌سرائی درایران	« دکتر ذبیح الله صفا
	ازانتشارات مؤسسهٔ امیرکبیر ۱۳۳۳ شمسی
سبک‌شناسی (۳جلد)	« ملک‌الشعراء‌بهار
	ازانتشارات مؤسسهٔ امیر کبیر
شعرالعجم	« شبلی‌نعمانی
ترجمهٔ سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی	ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
جامی	« علی‌اصغرحکمت
	چاپخانهٔ بانک‌ملی‌ایران ۱۳۲۰ شمسی
لباب‌الالباب	« محمدعوفی
به کوشش سعید نفیسی	ازانتشارات کتابفروشی ابن‌سینا
تذکرة‌الشعراء	« دولتشاه سمرقندی
مجمع‌الفصحاء	« رضاقلی‌خان‌هدایت
به کوشش مظاهرمصفا	ازانتشارات مؤسسهٔ امیرکبیر

آتشکدهٔ آذر	تألیف لطفعلی بیک آذر بیگدلی
با مقدمه سید جعفر شهیدی	از انتشارات مؤسسهٔ نشر کتاب
تذکرهٔ میخانه	« ملاعبدالنبی فخرالزمانی قزوینی
به اهتمام احمد گلچین معانی	از انتشارات شرکت نسبی اقبال
ریحانة الادب	« محمدعلی تبریزی (مدرس)
	از انتشارات شرکت سهامی طبع کتاب
فرهنگ سروری (مجمع الفرس)	« محمد قاسم بن حاجی محمد کاشانی
به کوشش محمد دبیرسیاقی	از انتشارات کتابفروشی علی اکبر علمی
فرهنگ رشیدی	« عبدالرشید بن عبدالغفور الحسینی التتوی
تصحیح محمد عباسی	از انتشارات کتابخانه بارانی ــ تهران
برهان قاطع	« محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص ــ به برهان
به اهتمام دکتر محمد معین	از انتشارات کتابخانه زوار ــ تهران
فرهنگ آنندراج	« محمد پادشاه متخلص به «شاد»
به اهتمام محمد دبیرسیاقی	از انتشارات کتابخانه خیام ــ تهران
غیاث اللغات	« غیاث الدین محمد رامپوری
به کوشش محمد دبیرسیاقی	از انتشارات کانون معرفت ــ تهران
فهرست کتابهای چاپی	« خانبابا مشار
	از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب
المعجم فی معاییر اشعار العجم	« شمس قیس رازی
تصحیح مدرس رضوی	از انتشارات دانشگاه تهران
نفایس الفنون و عرایس العیون	« شمس الدین محمد بن محمود آملی
تصحیح حاج میرزا ابوالحسن شعرانی	از انتشارات کتابفروشی اسلامیه ــ تهران
وزن شعر فارسی	« دکتر پرویز خانلری
	از انتشارات دانشگاه تهران
درهٔ نجفی	« نجفقلی میرزا ملقب به آقا سردار
	چاپ شیراز ۱۳۳۳ قمری
ابدع البدایع	« شمس العلما حاج میرزا حسین گرکانی
	چاپ تهران ۱۳۲۸ قمری
علم بدیع	« محمد حسین فروغی (ذکاءالملک)
	چاپ تهران

هنجار گفتار « حاج سید نصرالله تقوی
چاپخانه مجلس - تهران ۱۳۱۷ شمسی

اساس الاقتباس « خواجه نصیرالدین طوسی
تصحیح مدرس رضوی — از انتشارات دانشگاه تهران

التفهیم لاوایل صناعة التنجیم « ابوریحان بیرونی
تصحیح جلال همائی — چاپخانهٔ مجلس - تهران ۱۳۱۷ شمسی

مفاتیح العلوم « خوارزمی
چاپ مصر

مجمل التواریخ والقصص «
تصحیح ملک الشعراء بهار — از انتشارات خاور ۱۳۱۸ شمسی

کشف المحجوب « هجویری
از انتشارات مؤسسه امیر کبیر

درة التاج لغرة الدباج « قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود الشیرازی
تصحیح سید محمد مشکوة — چاپخانه مجلس - تهران

جز اینها اغلب متون کتابهای نظم ونثر فارسی که ذکر آنها در این کتاب آمده مستقیماً مورد مطالعه قرار گرفته است